



Learn English Rapidly

انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید



L
E
R



مؤلف و مترجم: احمد عابدینی

Learn English Rapidly

انگلیسی را بہ سرعت یاد بگیری

احمد عابدینی

سرشناسه	عابدینی، احمد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید = learn english rapidly مکالمات و اصطلاحات روزمره‌ای انگلیسی آمریکایی... / تالیف و ترجمه احمد عابدینی.
وضعیت ویراست	ویراست ۳.
مشخصات نشر	تهران: هدف نوین، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۳۷۰ ص.: مصور.
شابک	۸-۰۹-۶۷۳۳-۶۰۰-۹۷۸:
موضوع	زبان انگلیسی آمریکایی -- مکالمه و جمله‌سازی -- فارسی
موضوع	زبان انگلیسی آمریکایی -- خودآموز
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ الف۸/ع۳/۱۳/۲۸۱۳
رده بندی دیویی	۴۲۸:
شماره کتابشناسی ملی	۲۹۷۸۳۳۱:
سرشناسه	عابدینی، احمد، ۱۳۵۰ -

کلیه حقوق این کتاب متعلق به ناشر می باشد و هرگونه کپی برداری و استفاده از صفحات کتاب و سی دی موجب پیگرد قانونی می گردد.



www.hadafnovin.ir
hadafnovin@gmail.com

انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید
Learn English Rapidly

تالیف و ترجمه: احمد عابدینی.

نوبت و سال چاپ: سوم ۱۳۹۲ (ویرایش سوم)

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: هدف نوین

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۳-۰۹-۸

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال با جلد شومیز به همراه سی دی

تهران- خ انقلاب - خ دانشگاه - بین روانمهر و نظری - کوچه قدیریان - پ ۱۲

تلفن: ۶۶۴۰۰۰۷۰ (در ۱۰ خط)

مقدمه

به نام خداوند علی(ع) که چنین زیبا می گوید:

Entreating the God is bravery ان تیریتینگ دِ گاد ایز برِیوری

التماس کردن به خداوند، شجاعت است

if it is granted is necessity ایفُ ایتُ ایزُ گرِنتِد ایزُ نِسِستی

اگر برآورده شود، حاجت است

if it is not granted is wisdom ایفُ ایتُ ایزُ نَاتُ گرِنتِد ایزُ ویزِدِم

اگر برآورده نشود، حکمت است

Entreating people is humiliation ان تیریتینگُ بیپِلُ ایزُ هیومیلیایشُن

التماس کردن به خلق، حقارت است

if it is accepted is obligation ایفُ ایتُ ایزُ اَکْسِپِتِد ایزُ اَبْلِیغِیشُن

اگر برآورده شود، منت است

if it is not accepted is abjection ایفُ ایتُ ایزُ نَاتُ اَکْسِپِتِد ایزُ اَبِجِکْشُن

اگر برآورده نشود، ذلت است

خداوند متعال یاری کرد که این مجموعه را برای عزیزانی که علاقه مند به یادگیری زبان انگلیسی آمریکایی هستند فراهم بیاورم و اکنون جا دارد که از دوست عزیز و ارجمندم جناب آقای جواد ایومن کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم چرا که ایده و فکر خلاق ایشان باعث شد کتاب حاضر، به وجود بیاید. همچنین تشکر و قدردانی می کنم از زحمات و همفکری دوست عزیزم آقای مرتضی شلیلی که طرحی بسیار زیبا و شکیل به این کتاب دادند تا شما زبان آموزان بزرگوار بتوانید آسوده تر مطالب را یاد بگیرید و به خاطر بسپارید.

این مجموعه قابل استفاده برای تمام سطوح از مبتدی تا عالی می باشد چون دارای ویژگی های زیر است:

این کتاب دارای چهار بخش می باشد و تمام بخش ها با تلفظ و ترجمه.

بخش اول مربوط به مکالمات روزمره بوده و دارای چهار VCD آموزشی است که ما برای راحتی کار شما دوستان عزیز این چهار VCD را با فرمت MPEG4 در یک CD قرار داده ایم که قابل پخش در کامپیوتر و بسیاری از پخش کننده های تصویری مانند DVD خوان ها می باشد و اگر عزیزی امکان استفاده از فایل تصویری را ندارد می تواند از CD دیگر با فرمت MP3 به فایل های صوتی گوش دهد که تمامی قسمت های مکالمه را بطور کامل همراه ترجمه فارسی، شامل می شود. این بخش شامل سی و چهار مکالمه می باشد که در موقعیت های مختلف در کشور آمریکا صورت گرفته است و برای یادگیری آسان تر آن را به هفت صد و پنجاه و چهار شماره تقسیم کرده ایم که دارای بیش از هزار جمله ی مفید و کاربردی است که تمامی تلفظ ها تر... اساتید آمریکایی... در این چهار سی دی تصویری تمام مکالمات ابتدا به صورت نوشتاری و سپس به صورت گفتاری همراه با شماره های موجود در کتاب بیان شده است و برای یادگیری آسان تر، هر جمله سه بار تکرار شده. شما عزیزان باید ابتدا خوب به جملات گوش داده و سپس آن ها را با صدای بلند تکرار کنید تا یادگیری حاصل شود و این جملات در حافظه شما با ماندگاری بیشتری طبقه بندی شوند.

توجه: حافظه دارای چهار لایه می باشد. در لایه ی اول اطلاعات به سرعت یاد گرفته می شوند و اگر تکرار صورت نگیرد به همان سرعت این اطلاعات فراموش می شوند مانند شماره تلفنی که برای بار اول می شنویم و می توانیم بگوییم اما اگر این شماره را تکرار نکنیم، فردای آن روز آن را به خاطر نمی آوریم اما اگر آن را چند بار تکرار کنیم این شماره وارد لایه ی دوم حافظه شده و برای مدت چند روز هم، شاید به یاد بماند. اگر یک یا چند هفته ی دیگر به آن شماره نیاز داشته باشیم آن را به یاد نخواهیم آورد ولی اگر در زمان های مختلف از این شماره استفاده می کردیم، این شماره وارد لایه ی سوم می شد و ماندگاری آن بسیار بیشتر و در زمان نیاز راحت تر مورد استفاده واقع می شد حال اگر اطلاعات وارد شده در لایه ی اول با تکرار و تمرین فراوان باشد و عمل تکرار کردن در زمان های مختلف صورت بگیرد و این عمل استمرار داشته باشد، اطلاعات به صورت طبقه بندی شده به لایه ی چهارم می رسد و در آن می ماند و در صورت نیاز می توانیم به آسانی و بدون مشکل از این اطلاعات استفاده کنیم. یادگیری زبان نیز دقیقاً به همین شکل است یعنی تا آنجا که می توانید باید لغات را در جملات مفید به کار ببرید و آن ها را در زمان ها و مکان های مختلف تکرار کنید.

بخش دوم، مربوط به گرامر مفید و کاربردی می باشد. در این بخش گرامر به صورت بسیار ساده اما کاربردی بیان شده است. این بخش را با یادگیری زمان ها آغاز کردیم چون یکی از اساسی ترین موارد، زمان می باشد. و ما آن ها را به سه شکل مثبت، سوالی و منفی توضیح داده ایم و مثال های فراوان به کاربرده ایم تا شما نیز بتوانید برای خودتان مثال هایی بیابید. برای یادگیری گرامر بهتر است که یک قسمت را انتخاب کنید و بخوانید سپس مثال ها را با صدای بلند تکرار کرده و سعی کنید که فرمول ها را حفظ کنید و با توجه به آن ها جمله سازی کنید.

توجه ۱. یکی از بهترین مراحل یادگیری، خواندن مطالب از آسان به سخت می باشد. یعنی ابتدا مواردی را یاد بگیرید که آسان تر هستند و آرام آرام به سراغ مطالب مشکل تر بروید تا یادگیری بهتر حاصل شود.

توجه ۲. یکی دیگر از مراحل یادگیری بهتر، این است که ابتدا به سراغ مطالبی بروید که به یادگیری آن ها علاقه یا نیاز بیشتری دارید.

بخش سوم، مربوط به اصطلاحات کاربردی می باشد. در این بخش ۱۶۰۰ اصطلاح و جمله ی زیبای کاربردی، بیان شده است تا شما بتوانید با یادگیری آنها مهارت و توانایی های خود را افزایش دهید.

بخش چهارم، مربوط به ضرب المثل ها و گفته ها می باشد. در این بخش ۴۵۰ ضرب المثل و گفته ی زیبا بیان شده این بخش مخصوص عزیزانی است که مراحل تکمیلی را می گذرانند. در این بخش علاوه بر ترجمه و تلفظ، بسیاری از ضرب المثل ها ابتدا به صورت کلمه به کلمه ترجمه شده و سپس معادل فارسی آن ها داخل پرانتز نوشته شده است. بعضی از این ضرب المثل ها بیشتر از یک معادل داشته اند که آن ها نیز بیان شده اند.

امیدواریم که با این مجموعه بتوانید به هدف خود برسید

ما خود را از نظرات و پیشنهادات شما خواننده ی گرامی بی نیاز نمی دانیم.

آدرس پست الکترونیکی hadafnovin@gmail.com

منتظر پیام های دوستانه ی شما عزیز گرامی خواهد بود.

احمد عابدینی

تقدیم به همسر عزیزم

از صفحه ی ۱ تا ۱۱۰

بخش اول : مکالمه

بخش مکالمه براساس شماره هایی می باشد های که در کتاب و CD این مجموعه آمده است

	طبق صفحه	طبق شماره	
1 A B C song	1		۱ آهنگ ای بی سی
2 greeting	2	1 - 34	۲ سلام و احوال پرسی
3 useful sentences	5	35 - 110	۳ جملات مفید
4 question forms	13	111 - 172	۴ شکل های سؤال
5 immigration and customs	19	173 - 187	۵ مهاجرت و گمرک
6 at the movies	21	188 - 200	۶ در سینما
7 dining out	23	201 - 223	۷ صرف غذا در رستوران
8 shopping at the Mall	26	224 - 243	۸ خرید از بازار
9 finding an apartment	29	244 - 265	۹ پیدا کردن آپارتمان
10 moving day	32	266 - 287	۱۰ روز اثاث کشی
11 shopping for groceries	35	288 - 307	۱۱ خرید از خواربار فروشی
12 at the laundry	38	308 - 325	۱۲ درلباس شویی
13 at the gas station	41	326 - 342	۱۳ در ایستگاه پمپ بنزین
14 car trouble	44	343 - 362	۱۴ خرابی ماشین
15 a Washington traffic jam	47	363 - 380	۱۵ ازدحام در واشینگتن
16 a fender bender in Chicago	51	381 - 401	۱۶ تصادفی کوچک در شیکاگو
17 invitation	54	402 - 420	۱۷ دعوت
18 a household emergency	57	421 - 437	۱۸ کار اضطراری در منزل
19 under the weather	60	438 - 453	۱۹ سرحال نبودن
20 at the doctor's office	63	454 - 472	۲۰ در مطب دکتر
21 at the dentist's office	66	473 - 493	۲۱ در مطب دندانپزشکی
22 making an appointment	69	494 - 509	۲۲ قرار ملاقات گذاشتن
23 meeting an attorney	72	510 - 534	۲۳ ملاقات یک وکیل
24 applying for a credit card	76	535 - 557	۲۴ تقاضای کارت اعتباری
25 a business lunch	79	558 - 586	۲۵ یک ناهار در رابطه با کار
26 California dreaming	83	587 - 600	۲۶ رویای کالیفرنیا
27 collecting your inheritance	86	601 - 623	۲۷ وصول (جمع آوری) ارث شما
28 changing money	89	624 - 637	۲۸ تبدیل (چنج) کردن پول
29 public transportation	92	638 - 657	۲۹ حمل و نقل عمومی
30 checking into a hotel	95	658 - 682	۳۰ در هتل جا رزرو کردن

31	making a phone call	99	683 - 695	برقراری تماس تلفنی	۳۱
32	renting a car	101	696 - 716	اجاره ی یک اتومبیل	۳۲
33	asking for directions	104	717 - 739	پرسیدن مسیر	۳۳
34	a flight to the West Coast	107	740 - 754	یک پرواز به وست کُست	۳۴

از صفحه ی ۱۱۱ تا ۲۶۹

بخش دوم : گرامر

112	زمان حال ساده	●
113	سؤالی کردن حال ساده	●
114	منفی کردن حال ساده	●
115	حالت فرمولی حال ساده	●
116	تعریف مصدر	●
116	امر مثبت و امر منفی	●
118	صرف مصدر to be در زمان حال	●
119	سوالی کردن to be در زمان حال	●
119	طرز منفی کردن to be در زمان حال	●
120	حالت های مخفف to be	●
120	مبحث there is و there are و حالت سوالی و منفی کردن آن ها	●
123	زمان حال استمراری	●
124	طرز سوالی کردن حال استمراری طبق فرمول	●
124	طرز منفی کردن حال استمراری طبق فرمول	●
126	صرف to be در زمان گذشته	●
126	طرز سوالی کردن to be در زمان گذشته	●
127	طرز منفی کردن to be در زمان گذشته	●
128	صرف مصدر to have در زمان حال و حالت سوالی و منفی آن	●
130	زمان گذشته ی استمراری	●
131	طرز سوالی کردن گذشته ی استمراری طبق فرمول	●
131	طرز منفی کردن گذشته ی استمراری طبق فرمول	●
132	زمان گذشته ی ساده	●
132	طرز ساخت سوالی گذشته ی ساده طبق فرمول	●
134	طرز منفی کردن گذشته ی ساده طبق فرمول	●
136	طرز ساخت گذشته ی ساده مثبت طبق فرمول	●
141	زمان آینده ی ساده	●
142	طرز ساخت زمان آینده ی ساده ی مثبت طبق فرمول	●
143	طرز ساخت زمان آینده ی ساده ی سوالی طبق فرمول	●
144	طرز ساخت زمان آینده ی منفی طبق فرمول	●

145 مبحث اعداد اصلی
147 مبحث اعداد ترتیبی
148 اعداد لاتین
149 مبحث زمان - ساعت
151 زمان -ال کامل یا ماضی نقلی
152 توضیح افعال باقاعده و بی قاعده
154 طرز سوالی کردن حال کامل
154 طرز منفی کردن حال کامل
155 زمان گذشته ی کامل یا ماضی بعید
156 طرز سوالی کردن ماضی بعید
156 طرز منفی کردن ماضی بعید
157 نکاتی در مورد (مصدر بدون + to be going to)
160 مبحث جملات شرطی
160 شرطی نوع اول
161 شرطی نوع دوم
162 شرطی نوع سوم
163 نکاتی در مورد (can , may , should)
166 نکاتی در مورد (have to & must)
170 مبحث ضمایر مفعولی
171 جدول مقایسه
172 مبحث ضمایر ملکی
173 مبحث ضمایر انعکاسی
175 مبحث ضمایر تاکیدی
176 مبحث قیدهای تکرار (قیود تکرار)
176 جایگاه قیدهای تکرار
177 مبحث مالکیت (of و s')
178 طرز قرار گیری کلمات در جملات انگلیسی در حالت کلی
179 مبحث قید های حالت
179 جایگاه قید حالت
180 مبحث صفت
181 مبحث اسم فاعل
182 طرز قرارگیری چند صفت قبل از یک اسم
183 اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش
184 طرز استفاده از (much & a little)
185 طرز استفاده از (a few & many)

186 مبحث سؤالی با کلمات پرسشی
186 How much چه مقدار
186 How many چه تعداد
187 who چه کسی
187 what چه چیزی
188 How چگونه
189 where کجا
189 When چه موقع
190 Why چرا
190 whose مال چه کسی
191 which کدام
192 It مبحث کاربردهای
194 مبحث ربط دو جمله با استفاده از افعال (know - believe - think - hope - guess)
195 Do چند اصطلاح مهم با
196 Make چند اصطلاح مهم با
197 مبحث زمان آینده ی کامل
197 فرمول آینده ی کامل
199 مبحث جملات سببی
199 فرمول سببی مجهول
200 فرمول سببی معلوم ۱
200 فرمول سببی معلوم ۲
201 مبحث حروف اضافه
201 in مبحث حرف اضافه ی
204 on مبحث حرف اضافه ی
204 at مبحث حرف اضافه ی
205 مبحث حرف تعریف معین (معرفه) The
207 حرف نامعین a/an
208 مبحث افعال دوکلمه ای
208 تعدادی از افعال دوکلمه ای جدا نشدنی
211 تعدادی از افعال دوکلمه ای جداشدنی
213 مبحث جملات معلوم و مجهول
213 چرا جمله را به شکل مجهول به کار می بریم ؟
214 فرمول جملات مجهول در حالت کُلی
214 صرف to be در زمان های مختلف
215 مبحث سؤالات کوتاه پایان جمله (tag question) یا دُم سؤالی

215 طرز ساخت دُمّ سوالی
217 مبحث جملات تعجبی
218 مبحث ربط دو جمله با wh ها (عبارات اسمی)
219 مبحث ضمائر موصولی (که موصولی)
222 مبحث مقایسه ی صفت
223 مبحث صفت تفضیلی
224 فرمول صفت تفضیلی (یک)
225 فرمول صفت تفضیلی (دو)
225 فرمول صفت تفضیلی (سه)
226 مبحث صفت عالی
226 فرمول صفت عالی (یک)
226 فرمول صفت عالی (دو)
227 فرمول صفت عالی (سه)
228 صفات بی قاعده
229 مبحث rather و fairly
229 مبحث قرارگیری یک فعل بعد از فعل دیگر
229 افعالی که بعد از آن ها فعل به صورت مصدر با to می آید
234 افعالی که بعد از آن ها فعل به صورت مصدر بدون to می آید
235 افعالی که بعد از آن ها فعل یا به صورت ing یا به صورت مصدر با to می آید
237 افعالی که بعد از آن ها فعل به صورت ing یا به شکل مصدر بدون to می آید
238 افعالی که بعد از آن ها فعل به صورت ing می آید
241 عبارات و صفاتی که بعد از آن ها فعل به صورت ing می آید
242 مبحث (much & very)
243 مبحث (It is time ...)
243 مبحث (none & every)
244 مبحث (no & any)
246 مبحث ترکیبات (every - some - any - no - else)
247 مبحث (either - neither)
247 مبحث (did you say ?)
248 مبحث (do you think ?)
249 طرز استفاده از (when - as - since) به عنوان حرف ربط
250 طرز استفاده از (whether or) به عنوان حرف ربط
250 نکاتی در خصوص افعال (help - make - let)
251 طرز استفاده از (by + فعل + ing)
251 طرز تبدیل جمله ی وصفی (adjective clause) به عبارت وصفی (adjective phrase)

254	● طرز استفاده از (enough) به معنای کافی (به اندازه ی کافی)
254	● طرز استفاده از (too) به معنای خیلی زیاد (خیلی خیلی)
255	● طرز استفاده از (such) به معنای چنین (چنان)
255	● طرز استفاده از (whereas و while) به عنوان حرف ربط
256	● طرز استفاده از (so that)
257	● طرز استفاده از (so that)
258	● طرز استفاده از (although - though - even though)
259	● طرز استفاده از (in spite of - despite)
259	● طرز استفاده از (Should have + p.p)
260	● طرز استفاده از (Shouldn't have + p.p)
260	● طرز استفاده از (May/ Might have + p.p)
261	● طرز استفاده از (Must have + p.p)
262	● لیست افعال بی قاعده

از صفحه ۲۷۰ تا ۳۳۴

از صفحه ۳۳۵ تا ۳۷۲

بخش سوم : اصطلاحات کاربردی

بخش چهارم : ضرب المثل ها و گفته ها



A B C

Song

آهنگ الفبای انگلیسی



Aa	Bb	Cc	Dd	Ee	Ff	Gg	Hh	Ii	Jj	Kk
<i>Aa</i>	<i>Bb</i>	<i>Cc</i>	<i>Dd</i>	<i>Ee</i>	<i>Ff</i>	<i>Gg</i>	<i>Hh</i>	<i>Ii</i>	<i>Jj</i>	<i>Kk</i>
ای	بی	سی	دی	ای	اف	جی	ایچ	آی	جی	کی
Ll	Mm	Nn	Oo	Pp	Qq	Rr	Ss	Tt	Uu	Vv
<i>Ll</i>	<i>Mm</i>	<i>Nn</i>	<i>Oo</i>	<i>Pp</i>	<i>Qq</i>	<i>Rr</i>	<i>Ss</i>	<i>Tt</i>	<i>Uu</i>	<i>Vv</i>
لی	ام	ان	ا	پی	کیو	آر	اس	تی	یو	وی
	Ww		Xx	Yy	(and)	Zz				
	<i>Ww</i>		<i>Xx</i>	<i>Yy</i>	<i>(and)</i>	<i>Zz</i>				
	دابلو		اکس	وای	(اند)	زی (زد)				

Now I know my A B Cs

حالا من ای . بی . سی . را می دانم

تاو آی ن مای ای . بی . سیز

Next time won't you sing along With me?

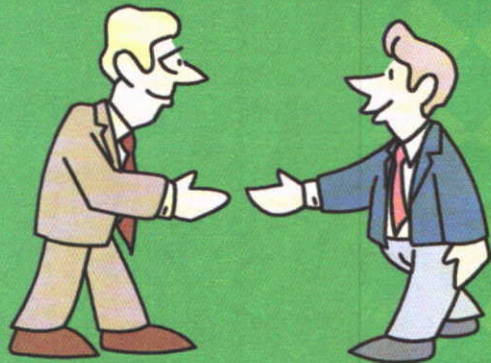
آیا تو دفعه بعد با من همخوانی نخواهی کرد؟

نگست تائم وونت یوسینگ الینگ ویت می ؟



Greeting

سلام و احوال پرسى



1 2 hello

هَلْ

سلام

3 good morning

گود مَرْنِنگْ

صبح بخیر

4 good afternoon

گود آفتر نونْ

بعد از ظهر بخیر

5 6 hi

هَای

سلام

برای گفتن سلام می توان در حالت عادی و دوستانه از Hello در حالت خیلی دوستانه از Hi و در حالت رسمی از عبارت How do you do? استفاده کرد. ضمناً عبارات های good morning و good afternoon نیز به معنای سلام می باشند.

7 how are you?

هَآو آر یو؟

حال شما چطور است؟

به جای عبارت how are you? می توان از جمله های
How are you doing? – How is it going? – How are things with you?
How have you been? – How is everything? – How is life?

به همان معنای (اوضاع و احوال چطور است؟) استفاده کرد.

8 I'm fine.Thanks. And you?

آیم فاین. تنکس. آند یو؟

خوب هستم. متشکرم. و شما؟

9 fine.thanks

فاین تنکس

خوب هستم. متشکرم.

10 how about you?

هَآو اِبَاوتْ یو؟

شما چطور هستید؟

توجه: عبارت های And you? و What about you? نیز مانند جمله ی How about you? می باشند.

11 pretty good

پرتی گود

کاملاً خوب هستم.

12 I'd like you to meet my friend Christina

من مایل هستم که شما با دوستم کریستینا آشنا شوید

آید لایکْ یو تو میتْ مایْ فرِندْ کیرِستینا

13 nice to meet you

نایسْ تو میتْ یو

از آشنایی با شما خوشحال هستم

14 nice to meet you, too

نایسْ تو میتْ یو، تو

من هم از آشنایی با شما خوشحال هستم



15 I'm Jessica

آیم جسیکا

من جسیکا هستم

در جمله ی I'm Jessica می توان به جای I'm از this is استفاده کرد.

16 what's your name?

وآتس یر نیم

اسم شما چیه؟

17 by the way, I'm Steve

بای د وی، آیم ستیو

راستی، اسم من استیو است

18 what do you do?

وآت دو یو دو

شما چکاره هستید؟

توجه: به جای جمله ی what do you do? می توان از جملات زیر استفاده نمود.
 what is your Job? - what is your occupation? - what is your profession?
 what is your career? - what are you?

19 I work with computers

آی ورك ویت كمپیوترز

من با کامپیوتر کار می کنم

20 really?

ری یلی؟

واقعا؟

21 do you like your job?

دو یو لایک یر جاب؟

آیا شما شغلتان را دوست دارید؟

22 that's great

دتس گریت

آن عالی است

23 are you a student?

آر یو ا ستیودنت؟

آیا شما یک دانش آموز هستید؟

24 Yes, I study Biology

یس، آی ستادی بایالوجی

بله. من زیست مطالعه می کنم

25 are you married?

آر یو مرید؟

آیا شما ازدواج کرده اید؟

26 No, I'm not married

ن، آیم نات مرید

نه. من ازدواج نکرده ام

27 you're very beautiful

یور وری بی یوتی فول

شما خیلی زیبا هستید

28 what's it to you?

وآتس ایت تو یو؟

به شما چه ربطی دارد؟ (به شما چه؟)

29 you are very handsome

یو آر وری هندسام

شما خیلی خوش تیپ هستید

30 really?

ری یلی؟

واقعا؟

31 well. It was nice meeting you

ول. ایت واز نایس میتینگ یو

خوب. از دیدار با شما لذت بردم

32 I have to go now. bye

خدا حافظ آی هف تو گک ناو. بای

من مجبور هستم حالا بروم. خدا حافظ

توجه 1: برای خدا حافظی به جای bye می توان از عبارات های زیر استفاده نمود.

Good bye. - Bye-bye. - Take care. - So long. - See you later.

Catch you later. - Have a nice day.

توجه 2: برای شب به خیر گفتن می توان عبارت های زیر را بکار برد.

good night. - sleep well. - sweet dreams.

33 It was nice meeting you

ایت واز نایس میتینگ یو

از دیدار با شما لذت بردم.

34 bye

بای

خدا حافظ

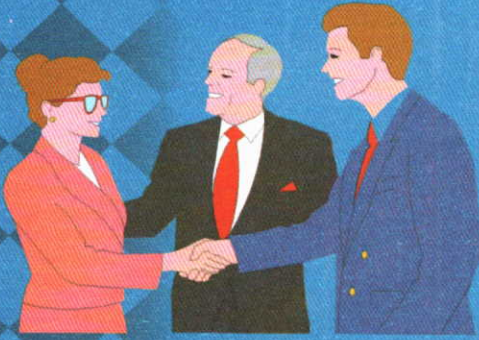


New Words

لغات جدید

how	هَآؤْ	چطور - چگونه
fine	فَآئِنْ	خوب
and	آند	و
about	آبَاؤْتْ	در مورد - در حدود
pretty	پَرْتِیْ	زیبا - نسبتاً - کاملاً
to like	تو لَآئِکْ	دوست داشتن
to meet	تو مِیْتْ	ملاقات کردن
fried	فَرِنْدْ	دوست
nice	نَآئِسْ	خوب
too	تو	خیلی - همچنین - هم
what	وَاتْ	چه - چی - چه چیزی - چه کاره
to do	تو دو	انجام دادن
to work	تو وُورْکْ	کار کردن
job	جَآبْ	کار - شغل
great	گَرِیْتْ	عالی
student	سْتِیوْدِنْتْ	دانش آموز
to study	تو سْتَاْدِیْ	مطالعه کردن
biology	بَآیَا لَاجِیْ	زیست شناسی
married	مَرِیدْ	متاهل
very	وَرِیْ	خیلی
beautiful	بِی یو تی فوْلْ	زیبا
handsome	هَند سَامْ	خوش تیپ
well	وَلْ	خوب - سلامت
have to	هَفْ تو	مجبور بودن





Useful sentences

جملات مفید

- | | | |
|-----------------------------------|-------------------------------------|------------------------------------|
| 35 great | گَرِیْتُ | عالی است |
| 36 that's great | دَتْسُ گَرِیْتُ | آن عالی است |
| 37 too bad | تو بَد | خیلی بد |
| 38 that's too bad | دَتْسُ تو بَد | آن خیلی بد است |
| 39 guess | گِئْسُ | حدس بزن |
| 40 good guess | گود گِئْسُ | خوب حدسی بود. (تشخیص شما درست بود) |
| 41 thank you | تَنکُ یو | از شما متشکرم |
| 42 you're welcome | یور وِلکام | خواهش می کنم. (قابلی ندارد) |
| 43 have fun | هُو فَن | خوش باش. (خوش باشید) |
| 44 enjoy your stay | اینجی یُر سْتی | از اقامتان لذت ببرید |
| 45 have a nice trip | هُو اِ نَایْسُ تَرِپُ | سفر خوشی داشته باشید |
| 46 have a safe trip | هُو اِ سِیْفُ تَرِپُ | سفر آملی داشته باشید |
| 47 good luck and have a safe trip | گود لاکُ اَنَد هُو اِ سِیْفُ تَرِپُ | موفق باشید و سفر آملی داشته باشید |

- 48 well, I hope you enjoy your stay in San Francisco

وَلْ، آئی هِبْ یو اینجی یُر سْتی این سَن فَرَنسِیْسِکُ

خوب، من امیدوارم که شما از اقامتان در سانفرانسیسکو، لذت ببرید

- 49 I hope you have a good time in Washington

آئی هِبْ یو هُو اِ گود تَایْمُ این وَاشِیْنِگُنْ

من امیدوارم که شما اوقات خوبی در واشینگتن داشته باشید



- 50 I'm twenty-three آیم (توانی) توانتی - ثیری من ۲۳ ساله هستم
- 51 I'm twenty-six آیم (توانی) توانتی - سیکس من ۲۶ ساله هستم
- 52 I'm hungry آیم هانگیری من گرسنه هستم
- 53 I'm sorry. you need a passport متأسف هستم. شما به پاسپورت نیاز دارید
آیم ساری. یو نید ا پاسپرت
- 54 I'm sorry. you need a visa متأسف هستم. شما به ویزا نیاز دارید
آیم ساری. یو نید ا ویزا
- 55 I like sports آی لایک سپرتس من ورزش را دوست دارم
- 56 I like music and sports آی لایک میوزیک آند سپرتس من موسیقی و ورزش را دوست دارم
- 57 I like to go Hiking. and you? من دوست دارم (به گردش بروم) پیاده روی کنم. شما چی؟
آی لایک تو گک هایکینگ آند یو؟
- 58 I like all kinds of music. how about you? من همه نوع موسیقی را دوست دارم. شما چگونه؟
آی لایک آل کائندز آو میوزیک. هاو اباوت یو؟
- 59 I like R and B آی لایک آر آند بی من موسیقی آر آند بی دوست دارم
- 60 I like opera آی لایک آپرا من، آپرا دوست دارم
- 61 so do I س دو آی من هم همینطور
- 62 me too می تو من هم همینطور
- 63 like my sister لایک مای سستر مثل خواهرم
- 64 like my daughter لایک مای داتر مثل دخترم
- 65 hello. it's good to see you again سلام. باعث خوشحالی است که دوباره شما را می بینم
هل. ایس گود تو سی یو اگین
- 66 hello. it's a pleasure to meet you سلام. باعث خوشحالی است که شما را ملاقات می کنم
هل. ایس ا پلیزر تو میت یو
- 67 hello. it's nice to meet you سلام. از دیدار با شما خوشحال هستم
هل. ایس نایس تو میت یو



- 68 come on. I'd like you to meet some of my friends
 کام آن. آید لایک یو تو میت سام او مای فرندز
 زود باش. مایل هستم که شما، تعدادی از دوستانم را ملاقات کنید
- 69 good afternoon. may I see your passport, please?
 گود آفترنون. می آی سی یو پسرٹ، پیلیز؟
 بعدازظهر بخیر. ممکن است پاسپورت شما را ببینم؟
- 70 I'm glad to help. it's part of the job
 آیم گلد تو هلب. ایٹس پارت او د جاب
 خوشحال هستم که کمک می کنم. این بخشی از کارم است
- 71 we have room 758 reserved for you
 ما اتاق ۷۵۸ را برای شما رزرو کرده ایم
 وی هو روم سون فیفتی ایٹ ریزروڈ فر یو
 حدوداً پیاده ده دقیقه راه است
- 72 it's about a ten-minute walk
 ایٹس اباوت ا تین منٹ واک
 لطفاً گوشی را نگهدارید.
- 73 please hold
 پیلیز هلد
 آه. انگلیسی شما خیلی خوب است
- 74 oh.your English is very good
 آه. یو اینگیلیش ایز وری گود
 واقعاً. برادرم یک مهندس است
- 75 really. my brother is an engineer
 ری یلی. مای برادر ایز آن انجینیر
 شوهر (همسر) من، هم یک مهندس است
- 76 my husband is an engineer, too
 مای هازبند ایز آن انجینیر، تو
 واقعاً. رشته ی اصلی خواهر من تجارت است
- 77 really. my sister is a business major
 ری یلی. مای سیستر ایز ا بیزینس میجر
 واقعاً. خواهر من در آلمان زندگی می کند
- 78 really. my sister lives in Germany
 ری یلی. مای سیستر لوز (لیوز) این جرمنی
 بیا برویم به چیزی برای خوردن تهیه کنیم
- 79 let's go get something to eat
 لٹس گت سامینگک تو ایٹ
 بیا در مورد اجاره ی شما صحبت کنیم
- 80 let's talk about your lease
 لٹس تاک اباوت یو لیس
 لطفاً دنبال من بیایید
- 81 follow me, please
 فال می، پیلیز



- 82 Yes, there is پس در ایز بله. وجود دارد
- 83 you have a visa for three months شما یک ویزای سه ماهه دارید
یو هو ا ویزا فر ثیری مائس
- 84 where are you going? کجا دارید می روید؟
ور آر یو گ اینگ؟
- 85 here you are بفرمایید. (بفرمایید بگیریید. بفرمایید بخورید.)
هیر یو آر
- توجه: به جای عبارت here you are می توان از عبارت های here it is و یا there you go استفاده کرد.
- 86 they say, it's a lovely city آنها (مردم) می گویند، (که) آن یک شهر دوست داشتنی است
دی سی، ایش ا لاولی سیتی
- 87 that's interesting آن جالب است
دئس اینترستینگ
- 88 I have insurance من بیمه دارم
ای هو اینشورنس
- 89 don't touch me به من دست نزن
دنت تاج می
- 90 Eddie, I need a visa ادی من به یک ویزا نیاز دارم
ادی، ای نید ا ویزا
- 91 he looks exactly like you. Me? او کاملاً شبیه به شما است. (شبیه به) من؟
هی لوکس اگزکتلی لایک یو. می؟
- 92 what's his name? نام او چیست؟
واتس هیز نیم؟
- 93 excuse me ببخشید (مرا ببخشید)
اکسکوز می
- 94 I beg your pardon معذرت می خواهم
ای بگ یو پاردن
- 95 I'm sorry. I don't understand متأسف هستم. من متوجه نمی شوم
ایم ساری. ای دنت آندرستند
- 96 since last night از شب گذشته تا حالا
سینس لست نایت
- 97 I'm going to call the police قصد دارم به پلیس تلفن کنم. (می خواهم به پلیس تلفن کنم)
ایم گ اینگ تو کال د پلیس
- 98 Oh, how was your trip? آه. سفر شما چگونه بود؟
اه. هاو وآز یر تریپ؟
- 99 I'll see you soon شما را به زودی می بینم
ایل سی یو سون
- 100 we have one furnished apartment left ما یک آپارتمان مبله داریم
وی هو وان فرنیشت اپارتمنت لفت
- 101 you have two options شما دو (راه) انتخاب دارید
یو هو تو آپشنز
- 102 a ticket to San Francisco یک بلیط به سانفرانسیسکو
ای تیکت تو سن فرنیسکو



- 103 you're not from around here, are you? شما اهل این اطراف نیستید، اینطور نیست؟
 یور نات فرام آراوند هییر، آر یو؟
- 104 O.K. who saw what happened? بسیار خوب. چه کسی دید که چه اتفاقی افتاد؟
 ا.کی. هو سا وات هیند؟
- 105 a bellman will bring your bags یک مستخدم کیفهای شما را خواهد آورد
 ا بل من ویل بیرینگ یر بگز
- 106 shall I hold it for you? آیا می خواهید آن را برای شما نگهدارم؟
 شل آی هلد ایت فر یو؟
- 107 the apartment is on the first floor آپارتمان در طبقه اول است
 د اپارتمنت ایز آن د فرست فلر
- 108 you can tip the driver if you want اگر بخواهید می توانید به راننده انعام بدهید
 یو کن تیب د درایور ایف یو وانت
- 109 the room will be on your right اتاق، سمت راست شما خواهد بود
 د روم ویل بی آن یر رایت
- 110 make sure you go to China town حتماً به محله ی چینی ها (china town) بروید
 میک شر یو گئ تو چائنا تاون



New Words

fun	فَانْ	خوشی - شادی - تفریح
to enjoy	تو اینجی	لذت بردن از
enjoy	اینجی	لذت ببر از - لذت ببرید از
trip	تَرِبْ	سفر
safe	سِيفْ	آمن - سلامت
luck	لَاكْ	شانس - اقبال - موفقیت
to hope	تو هُپْ	امیدوار بودن
hungry	هانگری	گرسنه
sorry	ساری	متأسف
to need	تو نید	نیاز داشتن
passport	پَسپَرْتْ	پاسپورت
visa	ویزَا	ویزا
sport	سپَرْتْ	ورزش
music	میوزیکْ	موسیقی
hiking	هایکینگْ	پیاده روی
to go	تو گَکْ	رفتن
all	آلْ	همه
kinds	کاینْدزْ	انواع
so	سْ	بنابراین
sister	سیسْتِرْ	خواهر
daughter	دَاْتِرْ (دَترْ)	دختر
again	اگینْ (اگنْ)	دوباره
pleasure	پلیژرْ	خوشحالی
some	سَامْ	مقداری - تعدادی
may	می	ممکن بودن
please	پلیزْ	لطفاً
glad	گلدْ	شاد

لغات جدید



A. Set goals.

اهداف را مشخص کن.



B. Participate in class.

در کلاس مشارکت کن.



C. Take notes.

یادداشتها را بردار.



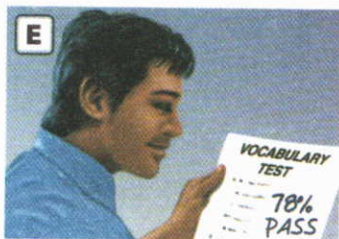
D. Study at home.

در منزل مطالعه کن.



New Words

لغات جدید



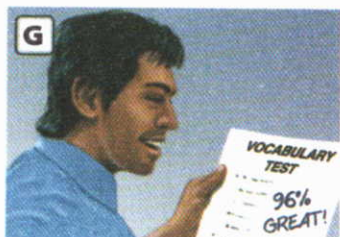
E. Pass a test.

در امتحان موفق شو.



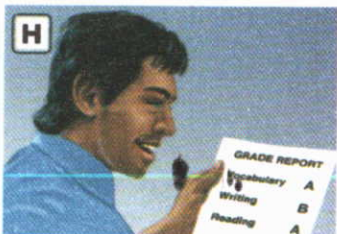
F. Ask for help.

کمک بخواه.



G. Make progress.

پیشرفت کن.



H. Get good grades.

نمرات خوب بگیر.

room	رُوم	أَتاق
to reserve	تو رِزرو	رِزرو کردن
for	فَر	برای
minute	مِنْت	دقیقه
to walk	تو وَاک	پیاده رفتن - قدم زدن
to hold	تو هَلد	نگهداشتن
brother	بِرَادِر	برادر
engineer	اَنجینیر	مهندس
husband	هَازِنْد	شوهر
business	بِزِنِس	کار - تجارت
major	مِیْجِر	اصلی
to live	تو لَو (تو لیو)	زندگی کردن
to get	تو گِت	تهیه کردن - رسیدن
something	سَام تِیْنِگ	یه چیزی
to eat	تو اِیت	خوردن
to talk	تو تَاک	صحبت کردن
lease	لِیس	اجاره
to follow	تو فَاَل	پیروی کردن - دنبال کردن
month	مَانْت	ماه
where	وَر	کجا
to stay	تو سْتِی	ماندن - اقامت کردن
lovely	لَاوِلی	دوست داشتنی
city	سِیتی	شهر
interesting	اِیْنْتِرِستِیْنِگ	جالب
insurance	اِیْنشِرِنس	بیمه
to touch	تو تَاچ	لمس کردن
to look like	تو لُوک لَایک	شبیه بودن



New Words

exactly	دقیقاً	اَكْرَكْتُ لِي
to understand	فهمیدن	تو آن‌درستند
since	از... تا حالا	سینس
last night	شب گذشته	لست نایت
to call	صدا زدن - تلفن کردن	تو کال
soon	به زودی	سون
furnished	مُبله	فرنیشت
apartment	آپارتمان	آپارتمنت
option	اختیار - انتخاب	آپشن
ticket	بلیط	تیکت
from	از	فرام
around	اطراف	آراوند
here	اینجا	هیر
who	چه کسی	هو
what	چه چیزی	وات
to happen	اتفاق افتادن	تو هپن
bellman	مُستخدم	بل من
to bring	آوردن	تو بیرینگ
bags	کیف ها	بگز
first	اولین - اول	فرست
floor	طبقه	فلر
tip	انعام - پاداش	تیب
driver	راننده	درایور
to want	خواستن	تو وانت
your right	سَمَتِ راست شما	یر رایت
sure	حتماً	شر

لغات جدید



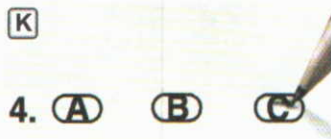
I. Clear off your desk.

چیزها را از روی میز خود بردار.



J. Erase the mistake.

اشتباه را پاک کن.



K. Correct the mistake.

اشتباه را تصحیح کن.



L. Hand in your test.

ورقه امتحان خود را تحویل بده.



Question forms

شکل های سوالی

- 111 is there a problem? ایز در ا پرابلم؟ آیا مشکلی وجود دارد؟
- 112 is there anything wrong? ایز در اینینگ رانگ؟ آیا اشکالی وجود دارد؟
- 113 is this a business trip or just a vacation?
ایز ديس ا بیزینس تریپ اُر جاست ا وکیشن؟
آیا این یک سفر تجاری است یا فقط یک تعطیلی؟
- 114 are you here for business or pleasure?
آر یو هیر فُر بیزینس اُر پلیرز؟
آیا شما برای تجارت اینجا هستید یا برای تفریح؟
- 115 are you looking for an apartment?
آر یو لوکینگ فُر اُن اپارتمنت؟
آیا شما دنبال یک آپارتمان می گردید؟
- 116 are you calling about an apartment?
آر یو کالینگ اِبوت اُن اپارتمنت؟
آیا شما دارید درمورد یک آپارتمان تماس می گیرید؟
- 117 may I help you? می آی هَلپ یو؟ آیا اجازه هست کمکتان کنم؟
- 118 can I help you? کن آی هَلپ یو؟ آیا اجازه هست کمکتان کنم؟
- 119 can I have your name? کن آی هو یر نیم؟ (یادداشت کنم . بپرسم ؟)
آیا می توانم اسم شما را داشته باشم؟
- 120 can you come right now? کن یو کام رایت ناو؟ آیا شما می توانید الان بیایید؟
- 121 can I take your picture for school paper? Sure
کن آی ینک یر بیگچر فُر سکول پیپر؟ شُر
آیا می توانم تصویر شما را برای روزنامه دیواری مدرسه بگیرم؟ حتماً



- 122 do you understand? دو یو آندِرِسْتَنَد؟ آیا شما متوجه می شوید؟
- 123 do you like sports? دو یو لَایِکْ سِپَرْتِسْ؟ آیا شما ورزش دوست دارید؟
- 124 do you like it here? دو یو لَایِکْ اِبْتْ هِیِرْ؟ آیا شما اینجا را دوست دارید؟
- 125 do you need directions? دو یو نِید دِیِرِکْشَنزْ؟ آیا شما به راهنمایی (پرسیدن جهت) نیاز دارید؟
- 126 do you need anything else? دو یو نِید اِنِیْثِیْنِگْ اَلْسْ؟ آیا شما به چیز دیگری هم نیاز دارید؟
- 127 do you need to rent a car? دو یو نِید تُو رِنْتْ اِ کَآرْ؟ آیا شما نیاز دارید که یک ماشین اجاره کنید؟
- 128 do you have a reservation? دو یو هُوْ اِ رِزِرْوِیْشَنْ؟ آیا شما رزرو دارید؟
- 129 do you have any questions? دو یو هُوْ اِنِیْ کَوَاسْجَنزْ؟ آیا شما هیچ، سوالی دارید؟
- 130 do you have a temperature? دو یو هُوْ اِ تِمپَرچَرْ؟ آیا شما تب دارید؟
- 131 do you have a visa? دو یو هُوْ اِ وِیْزَا؟ آیا شما ویزا دارید؟
- 132 do you have kids? دو یو هُوْ کِیْدزْ؟ آیا شما بچه دارید؟
- 133 do you have any kids? دو یو هُوْ اِنِیْ کِیْدزْ؟ آیا شما بچه دارید؟
- 134 do you have any brothers or sisters? دو یو هُوْ اِنِیْ بَرَاَدِرْزْ اَوْ سِیْسْتِرْزْ؟ آیا شما هیچ، برادر یا خواهر دارید؟
- 135 do you want anything to drink? دو یو وَاَنْتْ اِنِیْ ثِیْنِگْ تُو دِیْرِنِکْ؟ آیا شما چیزی برای نوشیدن می خواهید؟
- 136 do you want Classic coke, Diet coke or Cherry coke? دو یو وَاَنْتْ کِلَسیکْ کُکْ، دَآیْتْ کُکْ اَوْ چَرِی کُکْ؟ آیا شما کوکا کولای کلاسیک می خواهید یا رژیمی یا آلبالویی؟
- 137 did you get all of that? دِید یو گِتْ اَلْ اَوْ دَتْ؟ آیا همه ی آن را متوجه شدید؟
- 138 have you rented a car? هُوْ یو رِنْتِید اِ کَآرْ؟ آیا شما ماشین، اجاره کرده اید؟
- 139 have you seen many things in San Francisco? هُوْ یو سِینْ مَنِیْ ثِیْنِکْزْ اِیْنْ سَنْ فِرَآنْسِیْسْکْ؟ آیا شما در سانفرانسیسکو چیزهای زیادی را دیده اید؟
- 140 have you taken anything for it? هُوْ یو تِیْکِنْ اِنِیْثِیْنِگْ قُرْ اِبْتْ؟ آیا شما چیزی برای آن (سر درد استفاده کرده اید) خورده اید؟

- 141 have you taken any medication? آیا شما هیچ دارویی خورده اید؟
هُوَ يُو تَبِيكُنْ اِنِي مَدِي كَيْشِنْ؟
- 142 would you like a loaf of bread? آیا شما یک قُرس نان دوست دارید؟ (می خواهید)
وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ اِ لَفْ آو بَرْد؟
- 143 would you like some chicken? آیا شما مقداری مرغ (می خواهید) دوست دارید؟
وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ سَامْ چِيكِنْ؟
- 144 would you like some tomatoes? آیا شما تعدادی گوجه فرنگی (می خواهید) دوست دارید؟
وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ سَامْ تومي تَزْ؟
- 145 would you like butter on your popcorn? آیا دوست دارید که روی ذرت بو داده شما، کره باشد؟
وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ بَاتِرْ (بَادِر) اَنْ يُرْ پَآپْكِرْنْ؟
- 146 would you like something to drink? آیا شما میل دارید که چیزی بنوشید؟
وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ سَامْ شَيْنِكْ تُو دِيرِينِكْ؟
- 147 would you like anything else? آیا شما چیز دیگری هم میل دارید؟
وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ اِنِي شَيْنِكْ اَلْسْ؟
- 148 say, would you like to go out sometimes? بگو، آیا شما میل دارید گاهی اوقات بیرون بروید؟
سَيْ، وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ تُو كُ اَوْتْ سَامْ تَائِمَزْ؟
- 149 would you like to come by and look at the apartment? آیا شما میل دارید سری بزنید و نگاهی به آپارتمان ببینید؟
وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ تُو كَامْ بَايْ اَنْد لوكُ اَتْ دِ اِپَارْتَمِنْتْ؟
- 150 would you like to play Tennis sometimes? آیا شما میل دارید گاهی اوقات تنیس بازی کنید؟
وُود يُو (وُوج يُو) لَائِكُ تُو پَلِي تَنِيسْ سَامْ تَائِمَزْ؟
- 151 what's your name? نام شما چیست؟
وَأْتَسْ يُرْ نِيمْ؟
- 152 now, what's my name? حالا اسم من چیست؟
نَاوْ، وَأْتَسْ مَايْ نِيمْ؟
- 153 what's your address and phone number? آدرس و شماره تلفن شما چیست؟
وَأْتَسْ يُرْ اَدْرَسْ اَنْد فُنْ نَامْبِرْ؟
- 154 what's your temperature? درجه حرارت (تَب) شما چند است؟
وَأْتَسْ يُرْ تَمْپَرِچْرْ؟



- 155 what seems to be the trouble? چه چیزی بنظر می رسد که مشکل باشد؟
 وَاَتَ سِيْمَزْ تُو بِي دِ تَرَايَلْ؟
- 156 how are you? حال شما چطور است؟
 هَاوُ آر يو؟
- 157 how are you doing? حال شما چطور است؟
 هَاوُ آر يو دَوَايْنِگْ؟
- 158 how about you? شما چطور (هستید)؟
 هَاوُ اِبَاوْتُ يو؟
- 159 how old is she? او چند ساله است؟
 هَاوُ اَلْدِ اِيْزْ شِي؟
- 160 how do you like it here? (نظر) شما در مورد این (کشور) چگونه است؟
 هَاوُ دُو يو لَايْكَ اَيْتْ هِيْرْ؟
- 161 how long are you staying? چه مدت می مانید؟ (چه مدت اقامت می کنید؟)
 هَاوُ لَانْگْ آر يو سْتِي اِيْنْگْ؟
- 162 how long will you be staying? چه مدت اقامت خواهید کرد؟
 هَاوُ لَانْگْ وِيْلْ يو بِي سْتِي اِيْنْگْ؟
- 163 how long do you plan to stay? چه مدت قصد دارید بمانید؟
 هَاوُ لَانْگْ دُو يو پَلَنْ تُو سْتِي؟
- 164 how many would you like? شما چه تعداد می خواهید؟ (چند تا می خواهی؟)
 هَاوُ مَنِي وُود يو (وُوجْ يو) لَايْكَ؟
- 165 how much would you like? شما چه مقدار می خواهید؟ (چقدر می خواهی؟)
 هَاوُ مَاجْ وُود يو (وُوجْ يو) لَايْكَ؟
- 166 who's calling, please? چه کسی داره تماس می گیره، لطفاً؟ (لطفاً خودتان را معرفی کنید؟)
 هُوْزْ كَالِيْنْگْ، يِيلِيْزْ؟
- 167 which bedroom will you use? از کدام تخت خواب، استفاده خواهید کرد؟
 وِيْجْ بَدْرُوْمْ وِيْلْ يو يُوْزْ؟
- 168 where are you from? شما اهل کجا هستید؟
 وِرْ آر يو فِرَاْمْ؟
- 169 where are you going? شما کجا دارید می روید؟
 وِرْ آر يو گْ اِيْنْگْ؟
- 170 where are you headed? شما کجا دارید می روید؟
 وِرْ آر يو هِدِدْ؟
- 171 where can I contact you? کجا می توانم با شما تماس بگیرم؟
 وِرْ كَنْ اَيْ كَاَنْ نَكْتْ يو؟
- 172 when can you come in? چه موقع می توانید تشریف بیاورید؟
 وِنْ كَنْ يو كَاَمْ اَيْنْ؟



New Words

لغات جدید

problem	پَرَأْلم	مَسْئله - مُشکل
anything	انِی تِینْک	هیچ چیز
wrong	رَأْئِک	اشتباه، مسئله، مشکل
just	جَاسْت	فقط - درست
vacation	وَكِیشِن	تعطیلی - تفریح
to look for	تو لُوکْ فُر	جستجو کردن
right now	رَأْبْت نَأَو	همین الان
to take a picture	تو تِیکْ اِ پِیکچَر	عکس گرفتن
direction	دِیرِکْ شِن	مسیر - جهت
to rent	تو رِنْت	اجاره کردن
reservation	رِزِرْوِیشِن	رزرو
question	کَوَاسِچِن	سؤال
temperature	تَمپَرِچَر	تب - درجه حرارت
kid	کِید	بچه
brother	بِرَأْدِر	برادر
to drink	تو دِیرِینْک	نوشیدن
coke	کُکْ	کوکا کولا
cherry	چِری	آلبالو(یی)
to get	تو گِئْت	فهمیدن، متوجه شدن
to take medicine	تو تِیکْ مِدیْسِن	دارو خوردن
medication	مِدیْکِیشِن	دارو
bread	بِرِد	نان
loaf of bread	لُفْ آو بِرِد	قُرْصِ نان
chicken	چِیکِن	مرغ
butter	بَآتِر	کره
to look at	تو لُوکْ آت	نگاه کردن به
to go out	تو گِئْ آوْت	بیرون رفتن

You use
WHAT
to ask about
things.

You use
WHERE
to ask about
place.

You use
WHY
to ask about
a reason.

You use
HOW
to ask about
manner.

You use
WHO
to ask about
a person or
people.



New Words

لغات جدید

sometime	سَم تَائِم	یه وقتی - روزی
come by	کَام بَآی	سَر زدن (دیدن)
address	أَدْرِس	آدرس
number	نَآمِر	شماره
phone number	فُن نَآمِر	شماره تلفن
to seem	تو سِیم	به نظر رسیدن
trouble	تِرَابِل	مشکل - مسئله
how old	هَآوْ أَلد	چند ساله
how long	هَآوْ لَانِگ	چه مدت
to stay	تو سَتِی	اقامت کردن
to plan	تو پَلَن	در نظر داشتن
how many	هَآوْ مِنی	چند تا - چه تعداد
how much	هَآوْ مَآج	چه مقدار - چقدر
who	هو	چه کسی
which	وِیج	کدام
bedroom	بِد روم	اتاق خواب
to use	تو یوز	استفاده کردن
to contact	تو کانتَکُت	تماس گرفتن
when	کِی وَن	چه موقع - چه زمانی
to come	تو کَام	آمدن





Immigration & Customs

مهاجرت و گمرک



173 good afternoon. may I see your passport, please?

گود اَفْتَرْنُونْ . مِیْ آی سی یُر پَسپَرتْ پیلِیزْ؟

بعدازظهر بخیر. آیا ممکن است پاسپورت شما را ببینم، لطفاً؟

174 Yes, here it is. and here's my visa

بله. بفرمایید بگیریید. و این هم ویزای من است

پِسْ . هِیِرْ ایتْ ایزْ . اَنَد هِیِرْزْ مَایْ ویزَا

175 thank you. You have a tourist visa for three months

تَنکْ یو . یو هُو اِ توریستْ ویزَا فُر ثیری مَآنْسْ

متشکرم. شما یک ویزای توریستی، به مدت سه ماه دارید

176 Yes, that's right

پِسْ . دَتْسْ رَآیتْ

بله. درست است

177 I plan to travel some in the U.S.

من قصد دارم که مدتی در ایالات متحده سفر کنم

آی پَلَنْ تُو تَرَاوَلْ سَآمْ اِینْ دِ یو . اِسْ

178 where are you going?

وِرْ آر یو گْ اِینْگْ؟

کجا دارید می روید؟

179 I'm going to spend some time in Atlanta

قصد دارم مدتی را در آتلانتا بگذرانم

آیمْ گْ اِینْگْ تُو سِپَنَدْ سَآمْ تَایْمْ اِینْ آتَلَاَنَا

180 after that. I'm going to Washington, Chicago, and California

اَفْتَرْ دَتْ . آیمْ گْ اِینْگْ تُو وَاشینْگْتَنْ ، شیکاگْ اَنَد کالیفرنیا

بعداز آن قصد دارم بروم به واشینگتن، شیکاگو و کالیفرنیا

181 all right. Enjoy your stay

بسیار خوب. از اقامتتان لذت ببرید

آلْ رَآیتْ . اِینْجِیْ یُرْ سَتِیْ

182 hi! anything to declare?

سلام. چیزی برای اعلان (مُعرفی یا نشان دادن) به گمرک دارید؟

هَآیْ ! اِنیْ تِینْگْ تُو دِیکَلِرْ؟



- 183** excuse me? I don't understand مرا ببخشید؟ منظور شما را متوجه نمی شوم
اِکْسِکِیوز می؟ آی دَنْتْ آندِرِستند
- 184** do you have any valuables or alcohol to declare?
دو یو هُو اِنِی وِلَوَابِلْزُ اُر اَلْکُهْلُ تو دیکلر؟
آیا شما چیزهای با ارزشی یا مشروبات الکلی، برای نشان دادن به همراه دارید؟
- 185** No. nothing at all ن. به هیچ وجه چیزی ندارم
ن. نَآئینْگُ اَتْ اَلْ
- 186** O.K. you can go ahead بسیار خوب. شما می توانید بروید
اِکِی. یو کَن گُ اِهْد
- 187** thank you متشکرم
تَنکُ یو

New Words

لغات جدید

afternoon	اَفْتَر نُونُ	بعدازظهر
to see	تو سی	دیدن
tourist visa	تورِیستْ وِیزَا	ویزای توریستی
to travel	تو تَرَاوَلُ	سفر کردن
to spend	خَرَج کردن تو سَپَنْد	گذراندن (وقت) - خرج کردن تو سپند
after	اَفْتَر	بعداز
to declare	تو دیکلر	اعلان کردن - نشان دادن
to excuse	تو اِکْسِکِیوز	معذرت خواستن
to understand	تو آندِرِستند	فهمیدن - متوجه شدن
valuables	وِلَوَابِلْزُ	باارزش
alcohol	اَلْکُهْلُ	مشروبات الکلی
nothing	نَآئینْگُ	هیچ چیز
at all	اَتْ اَلْ	اصلاً - به هیچ وجه
immigration	اِیْمِگْ رِشِنِ	مهاجرت
customs	کَاسْتَمْزُ	گمرک
stay	سَئِی	ماندن - اقامت کردن
I'm going to	اِیْمْ کُ اِیْنْگُ تو	قصد دارم
to plan	تو پَلَنُ	طرح داشتن - در نظر داشتن
here it is	هیرِ اِیْتْ اِیْرُ	اینهاشش. بفرمایید بگیریید
May I see...?	مِی آی سی...؟	آیا اجازه هست ... ببینم؟



Show your boarding pass and ID.

کارت پرواز و کارت شناسایی را نشان بدهید.



Go through security.

از قسمت امنیت عبور کنید.



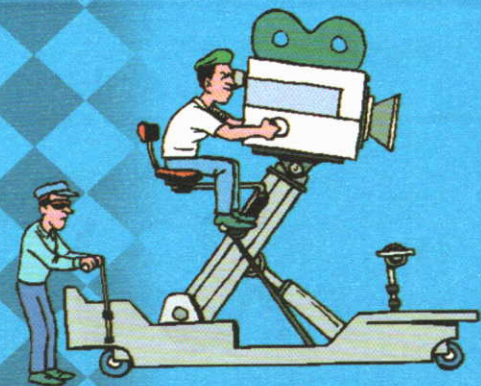
Claim your baggage.

چمدان خود را تحویل بگیرید.



At the movies

در سینما



- 188 how many? هاوُ منی ؟ چند تا (بلیط می خواهید) ؟
- 189 one ticket, please وآن تیکت، پیلز لطفاً یک بلیط (بدهید)
- 190 that will be \$6 دت ویل بی سیگس دالرز شش دلار می شود
- 191 what can I get for you? چه چیزی می توانم برای شما تهیه کنم (چی می خواهید برای شما بیاورم)؟
وآت کن آی گت فر یو ؟
- 192 popcorn, a coke, and some of those chocolates there
پاپکرن، ا کک اند سام آو دز چاکلتس در
ذرت بو داده، یک نوشابه و تعدادی از آن شکلاتهایی که آنجا هستند
- 193 you mean Milk Duds? یو مین میلک دآدس ؟ منظور شما milk duds است؟
- 194 Yes, that's right یس دتس رایت بله. درست است
- 195 a box of Milk Duds ا باکس آو میلک (میلک) دآدس یک جعبه milk duds (بدهید)
- 196 do you want Classic coke, Diet coke, or Cherry coke?
دو یو وآنٹ کلسیک کک، دآیت کک، آر چری کک ؟
آیا شما نوشابه ی کلاسیک می خواهید یا نوشابه ی رژیمی یا آلپالویی؟
- 197 Classic coke, I think کلسیک کک، آی تینک فکر می کنم نوشابه ی کلاسیک
- 198 would you like butter on your popcorn?
وود یو (ووج یو) لایک باتر (بآدر) آن یو پاپکرن ؟
آیا دوست دارید که روی ذرت بو داده ی شما ، کره باشد ؟
- 199 Yes. Thank you یس. تنک یو بله. متشکرم
- 200 here you go. That'll be four dollars and fifty cents, please
هیر یو گت. دت ایل بی فر دالرز اند فیفتی سنتس، پیلز
بفرماید بگیری. آن ۴ دلار و ۵۰ سنت می شود، لطفاً



New Words

لغات جدید

movie	موی	فیلم
movies	مویز	سینما
popcorn	پاپ‌کرن	ذرت بو داده
chocolate	چاکلت	شکلات
Milk Duds	میلک دآدس	نوعی شکلات درست شده با شیر
a box	باکس	یک جعبه
diet	دایت	رژیم غذایی
to think	توینک	فکر کردن
dollar	دالر	دلار
cent	سنت	سنت
ticket	تیکت	بلیط
to get	توگت	تهیه کردن
right	رایت	درست - صحیح
coke	کک	نوشابه (کوکاکولا)
cherry	چری	گیلاس - قرمز آلبالویی
butter	باتر	کره
here you go	هیر یو گئ	بفرمایید بگیرید
that'll be...	دت ایل بی	(قیمت آن) ... می شود
to mean	تو مین	منظور داشتن



1. comedy

کمدی



2. science fiction story

داستانهای تخیلی علمی



3. horror story

داستانهای ترسناک



6. mystery / suspense

اسرار آمیز



5. action story / adventure story

داستانهای ماجراجویانه



4. tragedy

نمایشهای غم انگیز



Dining out

صرف غذا در رستوران

- 201 hi, will you be having lunch? سلام. آیا شما ناهار میل خواهید کرد؟
هَای، ویل یو بی هَوینگ لَانچ؟
- 202 Yes, but I'm not very hungry بله. ولی خیلی گرسنه نیستم
یس، بَات آیم نَات وری هانگیری
- 203 It's too hot outside (هوای) بیرون خیلی گرم است
ایس تو هَات آوت سَاید
- 204 I know what you mean. It's scorching today
آی ن وَات یو مین. ایس اسکرچر تودی
می دانم که منظور شما چیه. امروز، شدیداً هوا گرم است
- 205 I'm not used to this kind of weather من به این نوع آب و هوا عادت ندارم
آیم نَات یوزد تو دیس کَایند آو ودر
- 206 I'm glad that everything is air conditioned here
آیم گلد دت اوری ینگ ایز ار کاندیشند هیر
من خوشحال هستم که همه چیز در اینجا از نظر شرایط هوایی خوب است
- 207 hi. my name is Carl سلام. اسم من کارل است
هَای، مَای نِم ایز کارل
- 208 and I'll be serving you today
اند آیل بی سروینگ یو تودی
و امروز من به شما سرویس خواهم داد. (از شما پذیرایی خواهم کرد)
- 209 can I get you something to drink?
کن آی گت یو سام ینگ تو دیرینک؟
آیا اجازه هست (می خواهید) چیزی برایتان بیاورم تا بنوشید؟
- 210 just water, please. With ice فقط آب به همراه یخ، لطفاً جَاسْت وَاَتِر، پلِیز. ویت آیس



- 211 of course. I'll be back in a moment البته . تا یک لحظه ی دیگر بر می گردم
 آف کُرس . آیل بی بک این اِ مُنِتْ
- 212 would you like to hear about our house specials?
 وُود یو (وُوج یو) لایک تو هیر اِبَاوتْ اُور هَاوسْ سِپِشَلزْ؟
 آیا شما مایل هستید که غذای مخصوصِ سر آشپز را خدمتان بگویم؟
- 213 I think. I'll just have a salad,
 فکر می کنم که من فقط یک سالاد می خواهم
 آی تُینکْ . آیل جَاسْتْ هُو اِ سَلدْ ،
- 214 bread, and a glass of juice نان و یک لیوان آب میوه
 بَرِدْ ، اَنَد اِ گِلَسْ اُو جوس
- 215 O.K. what kind of juice?
 بسیار خوب . چه نوع آب میوه ای (میل دارید) ؟
 اُکی . واْتْ کَآئِنْدْ اُو جوس؟
- 216 our house juice is quite good آب میوه ی (مخصوصِ رستوران) ما بسیار خوب است
 اُور هَاوسْ جوس ایزْ کواِیتْ گود
- 217 fine. I'll have a glass of that خوب است . یک لیوان از آن را می خواهم
 فَاَینْ . آیل هُو اِ گِلَسْ اُو دَتْ
- 218 I'll be right back with your juice آلان با آب میوه ی شما ، برمی گردم
 آیل بی رَآیتْ بکْ ویتْ یُرْ جوس
- 219 would you like some desert?
 آیا دِسِرْ ، میل دارید ؟
 وُوجْ یو لایکْ سَآمْ دِیزِرْتْ؟
- 220 we have a delicious chocolate cheese cake
 وی هُو اِ دِیلِشِرْ چَاکِلِتْ چِیزْ کِیکْ
 ما یک کیکِ پنیرِ شکلاتیِ خوشمزه ، داریم
- 221 I don't think so اینطور تصور نمی کنم. (میل ندارم)
 آی دُنْتْ تُینکْ سْ
- 222 I'm on a diet من در رژیم غذایی هستم (رژیم دارم)
 آیْم اَن اِ دَاِیتْ
- 223 just bring the check, please لطفاً فقط صورت حساب را بیاور
 جَاسْتْ بَیرِنِگْ دِ چِکْ ، پِلِیزْ



to have	تو هُو	خوردن - داشتن
lunch	لَانْجُ	ناهار
hungry	هَانْگِیرِی	گرسنه
hot	هَات	داغ
outside	اَوْتِ سَآید	بیرون
to know	تو نُ	شناختن - دانستن
to mean	تو مین	منظور داشتن
weather	وِدِر	آب و هوا
air conditioned	اِر کَا نَدِیشِنْد	مَطبوع - خوب از نظر شرایط هوایی
to serve	تو سِرُو	سرویس دادن
to drink	تو دیرِیْنِک	نوشیدن
water	وَاْتِر	آب
ice	آیْس	یخ
of course	اَف کُرْس	البته
back	بَک	پُشت - عَقَب
to be back	تو بی بَک	برگشتن
moment	مُمَنْت	لحظه
to hear	تو هِیر	شنیدن
special	سِپِشِل	مخصوص
house special	هَاوَس سِپِشِل	غذای مخصوص سرآشپز
salad	سَلْد	سالاد
glass	گَلَس	لیوان
quite	کُو آیت	کاملاً
desert	دِزِرْت	دسر
delicious	دِیلِشِز	خوشمزه
cheese	چِیز	پنیر
cake	کِیک	کیک
to bring	تو بیرِیْنِک	آوردن
check	چِک	صورت حساب



Shopping

at the Mall

خرید از بازار



- 224 are you being helped? آيا به شما كمك شده است؟ آر يو بېنگ هَلْت؟
- 225 No, I'm not نه. نشده. (نه. من راهنمایی نشده ام) نُ. آيم نَات
- 226 I'm looking for gifts for my children من دارم دنبال هدایایی برای بچه هایم می گردم آيم لوکینگ فُر گيفتس فُر مای چیلدرن
- 227 possibly T-shirts احتمالاً تی شرت پآسیب لی تی شرتس
- 228 for a girl or a boy? برای دختر یا پسر؟ فُر اِ گِرل اُر اِ بوی؟
- 229 Both. I have a son and a daughter هر دو تا. من یک پسر و یک دختر دارم بُت. آی هُو اِ سَان اَنْد اِ دَاتر (دُتر - دَادر)
- 230 what sizes do you need? شما چه اندازه هایی نیاز دارید؟ وَاَت سآیزز دو يو نید؟
- 231 I guess I'll need a large for my son حدس می زنم که برای پسر من به اندازه ی بزرگ نیاز دارم آی گِس ایل نید اِ لآرچ فُر مای سَان
- 232 and a medium for my daughter و اندازه متوسط برای دخترم اَنْد اِ میدی يم فُر مای دَاتر
- 233 how about the color? رنگ آنها چگونه باشد؟ هَاو اِبَاوت دِ کالر؟
- 234 I think I'll get a light green shirt for my daughter فکر می کنم که یک پیراهن سبز روشن برای دخترم بگیرم آی تینک ایل گت اِ لآیت گیرین شرت فُر مای دَاتر
- 235 and a navy blue one for my son و یک (لباس) سرمه ای برای پسر من اَنْد اِ نبوی بولو وَاَن فُر مای سَان



- 236 are they easy to take care of? آیا نگهداری از آن ها (لباس ها) آسان است؟
 آر دی ایزی تو تیک کر آو؟
- 237 Yes, they're machine-washable and shouldn't fade or shrink very much
 یس، دیر مشین-وآشیل آند شودنت فید ار شیرینک وری ماچ
 بله. آن ها قابل شستشو با ماشین هستند و نباید رنگشان برود یا آب بروند
- 238 fine. I'll take the two shirts خوب. من آن دو پیراهن را می خواهم. (بر می دارم)
 فاین. آیل تیک د تو شرتس
- 239 how about something for your husband? چگونه است (که شما) یک چیزی برای شوهرتان (بخرید)؟
 هاو اباوت سام تینگ فر یر هازیند؟
- 240 Not right now همین الان، نه
 نات رایت ناو
- 241 I'm going to look some more می خواهم قدری بیشتر، نگاه کنم. (بگردم)
 آیم گ اینگ تو لوک سام مر
- 242 where is the fine jewelry department? بخش جواهرات فروشی خوب، کجا است؟
 ور ایز د فاین جوالری دی پارتمنت؟
- 243 right over there, to the left درست آن طرف ، سمت چپ
 رایت اور در، تو د لفت



New Words

لغات جدید

to help	تو هَلَبْ	کمک کردن
gift	گِیْفَتْ	هدیه
children	چیلْدِرَن	بچه ها
possibly	پَاسِیْلِیْ	احتمالاً
girl	گِرُلْ	دختر
boy	بُیْ	پسر
both	بُثْ	هر دو
son	سَانْ	فرزند پسر
daughter	دَاْتِرْ (دُتِرْ - دَاْدِرْ)	فرزند دختر
what size	وَاْتْ سَاَیْزْ	چه اندازه ای
guess	گِیْسْ	حدس بزن
large	لَاَرْجْ	بزرگ
medium	مِیْدِیْمْ	متوسط
color	کَالِرْ	رنگ
light green	لَاَیْتْ گِیْرِنْ	سبز روشن
navy blue	نِیْوِیْ بُولُو	سُرمه ای
easy	اِیْزِیْ	آسان
to take care of	تو تِیْکْ کِرْ آو	مراقبت کردن از
machine-washable	مَشِیْنْ - وَاَشِیْلْ	قابل شستشو با ماشین
to fade	تو فِیْدْ	رنگ از دست دادن
to shrink	تو شِیْرِنْکْ	آب رفتن (لباس)
some more	سَاَمْ مَرْ	قدری بیشتر
over there	اُورْ دِرْ	آن طرف
left	لِفْتْ	سمت چپ
jewelry	جَوَاَلِرِیْ	جواهرات



Finding an apartment

پیدا کردن آپارتمان

244 hello. I'm calling about an apartment

هَلْ. آيْمُ كَالِيْنِكُ اِبَاوْتُ اَنْ اِبَارْتَمَنْتُ

سلام. من دارم در مورد یک آپارتمان تماس می گیرم

245 I'd like to rent a furnished, two-bedroom place

آيْدُ لايِكُ تُو رَنْتُ اِ فَرْنِيْشْتُ تُو بَدْرُوْمُ بِلِيْسُ

من می خواهم یک جای (آپارتمان) دو خوابه ی مُبله شده، اجاره کنم

246 we have one furnished apartment left

وِي هُوْ وَاَنْ فَرْنِيْشْتُ اِبَارْتَمَنْتُ لِفْتُ

ما یک آپارتمان مُبله شده داریم

247 it's air conditioned and rents for \$575 per month

اِيْشُ اِرْ كَانْدِيْشِنْدُ اَنْدُ رَنْتْسُ فَرْ ٥٧٥ (فَايُوْ هَاَنْدَرِدُ سُوْنْتِيْ- فَايُوْ) دَالْرِزُ پَرُ مَانْتُ

آن (منزل) تهویه ی هوایی دارد و ماهانه ٥٧٥ دلار اجاره می شود

248 are the utilities included?

آرْ دِ يُوْتِيْلِيْتِيْزُ اَيْنُ كُوْلُوْدِدُ؟

آیا امکانات رفاهی به آن اضافه شده است؟ (آیا اجاره ، شامل امکانات رفاهی می شود؟)

249 the water is, but not the gas and electricity

دِ وَاْتَرُ (وُتْرُ) اِيْزُ ، بَاتُ نَاتُ دِ گَسُ اَنْدُ اِلِكْتِيْرِيْسِيْتيْ

(اجاره شامل) آب می باشد اما گاز و برق، نه

250 that's a little more than I wanted to pay

دَتْسُ اِلِيْتَلُ مُرُ دَنْ آيُ وَاَنْتِدُ تُو پِيْ

اجاره، مقداری بیشتر از آن چیزی است که من می خواستم پردازم

251 thanks anyway

تَنْكُسُ اِنِيْ وِيْ

به هر حال متشکرم



252 hello. BreezeWay Maner Apartments. how may I help you?

هَلْ بِيرِزْوِي مَنِرْ اِبَارْتَمَنْتْسْ. هَاوْ مِي آيْ هَلْبْ يُو؟

سلام. آپارتمان های بیرزوی مَنِر. چطوری می توانم کمکتان بکنم؟

253 do you have a furnished

آیا شما یک میله شده دارید

دو یو هَوَ اِ فَرْنِشْتْ

254 two-bedroom apartment? تو - بَدروم اِبَارْتَمَنْتْ؟

آپارتمان دو خوابه؟

255 in the \$ 400 range? اَيْنْ دِ فُرْ هَانْدَرِدِ دَالْرَزْ رِيْتِجْ؟

به نرخ ۴۰۰ دلار؟

256 why yes. You're in luck وَايْ يِسْ. يُوْر اَيْنْ لَآكْ

بله. شما خوش شانس هستید

257 one just came open today

دُرست يك (مورد) امروز رسید. (باز شد)

وَأَنْ جَاسْتْ كِيْمْ اَيْنْ تُوْدِيْ

258 it goes for \$450 per month, including water

اَيْتْ مَكْرُ فُرْ هَانْدَرِدِ اَنْدِ فِيفْتِيْ دَالْرَزْ پَرْ مَانْتْ، اَيْنْ كُولُوْدِيْنِكْ وَاْتِرْ

اجاره ی هر ماه، علاوه بر آب ۴۵۰ دلار می باشد

259 is it on the first or second floor?

آیا آن در طبقه اول است یا دوم؟

اِيْزْ اَيْتْ اَنْ دِ فَرَسْتْ اُرْ سِکِنْدِ فِلْرْ؟

260 the first floor

دِ فَرَسْتْ فِلْرْ

طبقه اول

261 it's very close to our swimming pool

آن خیلی نزدیک به استخر ما می باشد

اَيْتْسْ وِرِيْ كِلْسْ تُو اُوْر سُوَايْمِيْنِكْ پُوْلْ

262 shall I hold it for you?

آیا می خواهید آن را برای شما نگهدارم؟

شَلْ آيْ هُلْدِ اَيْتْ فُرْ يُو؟

263 I'll need one month's rent as a deposit as soon as possible

اَيْلْ نِيدِ وَاَنْ مَانْسْ رَنْتْ اَزْ اِ دِيْآزِيْتْ اَزْ سُوْنْ اَزْ پَاسِيْلْ

من یک ماه، اجاره را هر چه زودتر به عنوان ودیعه نیاز دارم

264 Yes, please do.

بله. لطفاً آنرا برایم نگهدارید. (بله. لطفاً آن کار را انجام دهید)

يِسْ، پِيلِيْزْ دُو

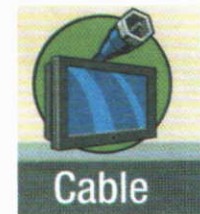
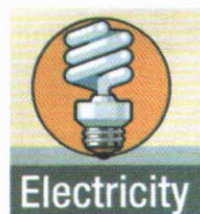
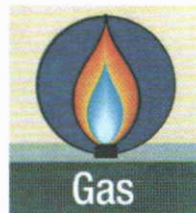
265 I'll be right over

من همین الان به آنجا می آیم. (من همین الان آنجا خواهم بود)

اَيْلْ بِيْ رَايْتْ اُوْر



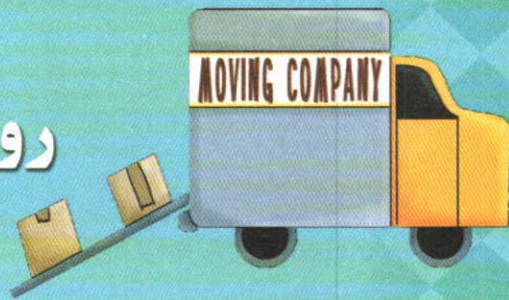
to rent	تو رِنْت	اجاره کردن
two-bedroom	تو - بَد روم	دو خوابه
place	پَلِیس	مکان
per month	پَر مَآث	هر ماه
utilities	یوتی لیتیز	امکانات
to include	تو این کولود	شامل شدن
gas	گَس	گاز - بنزین
electricity	الکتریسیتی	برق
a little	الیتل	مقدار کمی
more	مَر	بیشتر
than	دَن	از
to want	تو وَاَنْت	خواستن
to pay	تو پَی	پرداختن
anyway	انی وی	به هر حال
range	رِنج	نرخ
luck	لَاک	شانس
to open	تو اُپِن	باز کردن
including	این کولودینگ	شامل
second	سکند	دومین - دوم
to close	تو کَلز	بستن
close	کَلز (فعل است S صدای زمی دهد)	ببند - ببندید
close	کَلَس (صفت است S همان س تلفظ می شود)	نزدیک
swimming	سوامینگ	شنا
pool	پول	استخر
deposit	دِپازیت	ودِعه
as soon as	آز سون آز	به محض اینکه
possible	پَاسِیل	ممکن
as soon as possible	آز سون آز پَاسِیل	هر چه زود تر





Moving day

روز اثاث کشی



- 266 good morning. Are you ready to see the apartment?

گود مُرْنِنگْ. آر یو رِدی تو سی دِ اِپارْتَمِنْتْ؟

صبح بخیر. آیا شما آماده هستید که آپارتمان را ببینید؟

- 267 Yes, let's go inside یِسْ، لِئْسْ گِکْ اِیْنِ سَآیْدْ بله. اجازه بدهید برویم داخل

- 268 we'll start with the kitchen and dining room

وِیْلْ سِتَارْتْ وِیْتْ دِ کِیچِنْ اَنْدِ دَآیْنِنگْ رومْ

ما از آشپزخانه و اتاق غذا خوری، شروع خواهیم کرد.

- 269 oh, good. a refrigerator and stove اُه، خوب. یک یخچال و اجاق گاز

اُه، گود. اِ رِفْرِجِرِیْتِرْ اَنْدِ سْتَوْ

- 270 is there a dishwasher, too? اِیَا مَاشِیْنِ ظَرْفِ شَوِیْیِ هَمْ دَارْدْ؟ اِیْزِ دِرِ اِ دِیْشْ وَآشِرْ تُو؟

- 271 it's right over there. next to the sink اَنْ دِرِسْتِ اَنْظَرْفِ اَسْت. کِنَارِ ظَرْفِ شَوِیْیِ

اِیْتْسْ رَآیْتْ اُورِ دِرِ. نِگَسْتْ تُو دِ سِیْنِکْ

- 272 there is also a garbage disposal and a trash compactor

دِرِ اِیْزِ اَلْسْ اِ گَآرِیجْ دِیْسْ پَزَالْ اَنْدِ اِ تِرَشْ کَآمپَکْتِرْ

یک سطل آشغال و یک مُتراکم کننده ی آشغال هم، موجود می باشد

- 273 I'd like to take a look at the bedrooms and bath

اَیْدِ لَآیْکْ تُو تِیکْ اِ لُوکْ اَتْ دِ بَدرومَزْ اَنْدِ بَثْ

من دوست دارم که نگاهی به اتاق های خواب و حمام، بباندازم

- 274 here are the bedrooms هِیِرْ آر دِ بَدرومَزْ (بفرمایید) این هم اتاق های خواب

- 275 they're connected by the bathroom اَنْ هَا مَرْتَبَطْ بَه حَمَامْ مِی بَاشَنْدْ

دِیْرْ کَآنِکْتِدْ بَآیْ دِ بَثْ رومْ



276 there's also a half bath off the living room

دِرز اَلْسُ اِ هَفْ بَثْ اَفْ دِ لِيُونِگْ روم

یک حَمَام کوچک هم بیرون اُتاق پذیرایی (اُتاق نشیمن) می باشد

277 which bedroom will you use?

کدام اُتاق خواب را استفاده خواهید کرد؟

وِیچْ بَدروم وِیلْ یو یوز؟

278 I like the one facing the pool

من آن را که روی روی استخر است، دوست دارم

آیْ لَایکْ دِ وَاَن فِیْسِیَنگْ دِ پول

279 I'll use the other one for the study

از آن یکی برای مطالعه استفاده خواهم کرد

آیلْ یوز دِ آدِرْ وَاَن فُرْ دِ سَتادی

280 can I get a desk and chair for the study?

کَنْ آیْ گِگْتْ اِ دِسکْ اَنَدْ چِرْ فُرْ دِ سَتادی؟

آیا می توانم یک میز و صندلی برای مطالعه داشته باشم؟

281 I'll call the office and see if there are any in storage

آیلْ کَالْ دِ آفِیسْ اَنَدْ سی ایفْ دِرْ آر اِنِی اِیْنْ سَتْرِجْ

با دفتر تماس خواهم گرفت. (تابییند) اگر چیزی در اُنبار باشد

282 I don't have a car

آیْ دِنْتْ هُو اِ کَار

من ماشین ندارم

283 is there a grocery store nearby?

آیا در این نزدیکی، مغازه خواربار فروشی هست؟

ایز دِرْ اِ گِرُسِرِی سَتْر نِیِرْ بَآی؟

284 you're in luck

یور اِیْنْ لَاکْ

شما خوش شانس هستید

285 there's a supermarket down the street

یک سوپرمارکت پایین خیابان می باشد

دِرز اِ سوپَرمارکِتْ دَاوَن دِ سَتْرِیتْ

286 it's about a ten-minute walk

حدوداً پیاده ده دقیقه راه است

ایتْسْ اِبَاوْتْ اِ تِن-مِنِتْ وَاکْ

287 let's go back to my office and talk about your lease

لِئْسْ گْ بَکْ تُو مَآیْ آفِیسْ اَنَدْ تَاکْ اِبَاوْتْ یُرْ لِیسْ

بیا برگردیم به دفترم و در مورد اجاره ی شما صحبت کنیم



ready	ردی	آماده
let	لِتْسْ	اجازه دهید (بیاید)
inside	این سَایِدْ	داخل
to start	تو سَتَارْتْ	شروع کردن
kitchen	کِیچِنْ	آشپزخانه
dining room	دَآیِنِیَنگْ رومْ	اتاق غذاخوری (اتاق ناهار خوری)
refrigerator	رِفْرِجِرِیْتِرْ	یخچال
stove	سْتَوْ	اجاق گاز
dish washer	دِشْ وَاَشْرْ	ماشین ظرف شویی
next to	نِکْسْتْ تُو	نزدیک - کنار
sink	سِیَنکْ	ظرف شویی
garbage disposal	گَآرِیِنِجْ دِیْسپُوزِآلْ	سطل زباله، جای آشغال
trash compactor	تِرَشْ کَآمپَکْتِرْ	متراکم کننده زباله
to take a look	تُو تِیکْ ا لوکْ	نگاهی انداختن
bath	بَثْ	حَمَامْ
connected	کَآنکِنْدْ	مرتبط - متصل
half	هَفْ	نیم - نصف
living room	لِیوِنِگْ رومْ	اتاق نشیمن
to use	تُو یوزْ	استفاده کردن
facing	فِیْسِیَنگْ	روبروی - مقابل
the other	د آدرْ	دیگر - دیگری
desk	دَسکْ	میز
chair	چِرْ	صندلی
office	آفِیسْ	اداره - دفتر
storage	سْتِرِجْ	انبار
grocery store	گِرُوسِری سْتِرْ	مغازه ی خوار بار فروشی
near by	نِیِرْ بَآیْ	نزدیک
supermarket	سوپر مَآرکتْ	سوپر مارکت
street	سْتِریْتْ	خیابان



Shopping for groceries



خرید از خواربار فروشی

288 good morning. can I weigh those for you?

گود مُرِنِنگْ . کَن آئی وی دُز فُر یو؟

صبح بخیر. آیا اجازه هست آن ها را برای شما بکشیم؟ (وزن کنم)

289 Yes, and how much are the tomatoes?

بله. و قیمت گوجه فرنگی چقدر است؟

یس، آند هاؤ ماچ آر د تومی تَز؟

290 eighty cents a pound

ایتی سنْتس ا پاؤند

هر پوند ، هشتاد سنت

291 how many would you like?

هاؤ منی وُود یو لَایک؟

چند تا می خواهید؟

292 three will be enough

ثیری ویل بی اینَاف

سه تا کافی است

293 I also want this head of lettuce

من این کاهو را هم می خواهم

آئی آلس وَاَنْت دِیسْ هِد آو لِٹس

294 how much do I owe you?

هاؤ ماچ دو آئی ا یو؟

چقدر باید به شما بپردازم؟

295 oh, you don't pay here

اَه، یو دَنْت بی هیرِ

اَه. شما اینجا پول پرداخت نمی کنید

296 you pay at the check-out counter when you leave

یو بی اَنْت دِ چِک-اؤت کَؤنْتِر وِن یو لیو (لِو)

شما پول را به صندوق می پردازید وقتی که می روید

297 sorry about that

سَاری اِبَاؤت دَت

در مورد آن عذر می خواهم

298 can I help you?

کَن آئی هِلپ یو؟

اجازه هست به شما کمک کنم؟

299 I'd like a chicken, please

آید لَایک ا چِیکِن، پِلِیز

من یک مرغ می خواهم، لطفاً

300 would you like it whole or cut up?

آیا آنرا کامل می خواهید یا قطعه قطعه (پاک) شده؟

وُود یو لَایک ایتْ هُلْ اُر کَآتْ اَب؟

301 a whole fryer, please

ا هُلْ فِرَایِر، پِلِیز

لطفاً یک (مرغ) کامل سُرَخ کردن



302 I'll cut it up myself من خودم آن را قطعه قطعه (پاک) می کنم آیلْ کاتْ ایتْ آپْ مائِیْلِفْ

303 thanks متشکرم تَنکَسْ

304 Yes. ma'am? بله. خانم؟ یِسْ. مَمْ؟

305 I'd like a loaf of bread, please لطفاً یک قُرس نان بدهید

آید لآیکْ ا لُفْ اَو بَرِدْ، پیلیزْ

306 do you want rye, whole wheat or white bread?

دو یو وائْتْ رآیْ، هُلْ ویتْ اُرْ وَایتْ بَرِدْ؟

آیا شما نان رای می خواهید یا نان گندم یا نان سفید؟

307 I'll take the rye bread من نان رای (می خواهم) می برم آیلْ تِیکْ دِ رآیْ بَرِدْ



Canned Foods

غذاهای کنسروی

1. beans
لوبیا
2. soup
سوپ
3. tuna
ماهی تون



Dairy

لبنیات

4. margarine
مارگارین
5. sour cream
خامه ترش
6. yogurt
ماست



Grocery Products

اجناس خواربار

7. aluminum foil
ورقه آلومینوم
8. plastic wrap
لفافه پلاستیکی
9. plastic storage bags
کیسه ذخیره پلاستیکی



Frozen Foods

غذا های یخ زده

10. ice cream
بستنی
11. frozen vegetables
سبزیجات یخ زده
12. frozen dinner
شام یخ زده



Baking Products

اجناس ناتوایی و شیرینی پزی

13. flour
آرد
14. sugar
شکر
15. oil
روغن



Beverages

آشامیدنیها

16. apple juice
آب سیب
17. coffee
قهوه
18. soda / pop
نوشابه گازدار



Snack Foods

غذا های سرپایی

19. potato chips
چیپس سیب زمینی
20. nuts
اچول
21. candy bar
شکلات



Baked Goods

اجناس نان پزی

22. cookies
شیرینی ها
23. cake
کیک
24. bagels
نان حلقه ای



New Words

لغات جدید

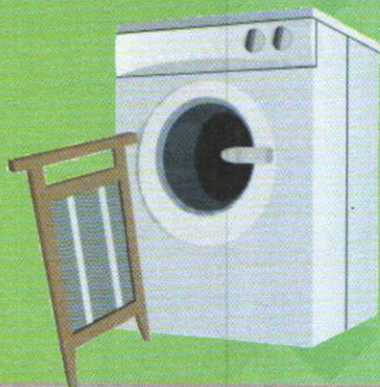
To weigh	تو وی	وَزَن کردن
those	دُز	آن ها
tomato	تو مِیتُ	گوجه فرنگی
eight	اِیتُ	هشت
eighty	اِیتی	هشتاد
pound	پاؤند	پوند
enough	اینآف	کافی - به اندازه ی کافی
also	آلسُ	همچنین
head	هد	سَر - رَأس
lettuce	لِتسُ	کاهو
a head of lettuce	اِ هِدِ آو لِتسُ	کاهوی کامل
to owe	تو اُ	بدهکار بودن
check-out-counter	چِک - آؤت - کَؤنْتِر	محل دریافت پول
to leave	تو لیو	تَرک کردن - رفتن
whole	هَلُ	کامل - درسته - سرتاسر
cut up	کَآتُ آبُ	تکه تکه شده
fryer	فِرَآیِر	سُرخ کردنی
myself	مَآیْسَلْفُ	خودم
rye	رَآیُ	نان رای (نان جو)
wheat (whole wheat)	وِیتُ	گندم (نان سبوس دار)





At the Laundry

در لباسشویی



308 how does this washing machine work?

هاؤ دآز دیس و آشینگ - مَشین وُرک؟

این ماشین لباس شویی، چطوری کار می کند؟

309 you have to put four quarters in the slot

شما باید ۴ تا ۲۵ سنتی در آن شیار بیاندازید

یو هَف تو پوت فُر کُرترز این دِ اسلات

310 then add the detergent

سپس پودر (پاک کننده) را (به آن) اضافه کنید

دِن آد دِ دِترجنت

311 I don't have any change

آی دنت هو انی چینج

من پول خرد ندارم

312 where can I get some?

کجا می توانم مقداری (پول خرد) تهیه کنم؟

ور کن آی گت سام؟

313 there is a coin machine over there. it takes dollar bills

در ایز ا کین مَشین اُور در. ایت تیکس دالر بیلز

آن طرف یک ماشین پول خردکشی هست. آن اسکناس دلار قبول می کند

314 do you have any detergent?

آیا شما پودر شستشو دارید؟

دو یو هو انی دِترجنت؟

315 oh, no! I forgot to buy some at the supermarket

اِه. نُن! آی فرگات تو بای سام ات دِ سوپرمارکت

اِه. نه. من فراموش کردم که مقداری (پودر) از سوپرمارکت بخرم

316 can I borrow a cup?

آیا می توانم یک فنجان (پودر) قرض بگیرم؟ کن آی بار ا کاپ؟

317 sure. take as much as you need

حتماً. هر قدر که نیاز دارید بردارید

شُر. تیک از ماچ از یو نید



- 318 I've finished using the dryer,
and there's still some time left
if you want to dry your clothes
- من کارم را با خشک کن تمام کرده ام
و اگر شما می خواهید لباس هایتان را خشک کنید،
هنوز مقداری وقت باقی مانده است
- آیو فینیشْت یوزینگْ دِ دِر آیر، آند دِر ز ستیلْ سَامْ تَایْمْ لُفْتْ ایفْ یو وَاَنْتْ تو دِر آئی یُرْ کَلَزْ
- 319 that's very kind. Thanks a lot
- آن نظر لطف شما است. متشکرم خیلی زیاد
- دَتْسْ وِری کَاَینْدْ . تَنکْسْ اِ لَاتْ
- 320 don't mention it
- قابلی ندارد. (حرفش هم نزن - خواهش می کنم)
- دَتْ مِشْنْ ایتْ
- 321 here's my business card if
you need anything for yourself
or your apartment.
- بفرمایید این کارت تجاری من است.
اگر شما چیزی برای خودتان
یا آپارتمانتان نیاز دارید
- هیرِزْ مَایْ بیزینسْ کَاردْ ایفْ یو نیدْ اینِشِنگْ فُرْ یُرسَلْفْ اُرْ یُرْ اِپَارْتَمِنْتْ
- 322 I manage a department store in the Mall
- من مدیریت یک فروشگاه زنجیره ای را ، در مال (بازار) دارم
- آئی مَنِجْ اِ دِپَارْتَمِنْتْ سَتْرْ اینْ دِ مَالْ
- 323 we're having a big sale this week
- ما این هفته یک حراج بزرگ داریم
- ویرْ هَوینگْ اِ بَیگْ سِیلْ دِیسْ وِیکْ
- 324 why don't you stop by sometime?
- چرا به وقتی، سری به ما نمی زنی؟ (به موقع بیا و سری بما بزن)
- و آئی دَتْ یو سَتَپْ بَایْ سَامْ تَایْمْ؟
- 325 thank you, I'll try to
- از شما متشکرم. سعی خودم را می کنم
- تَنکْ یو . آیلْ تَر آئی تو

New Words

لغات جدید

washing-machine

وآشینگ - مَشینْ

ماشین لباس شویی

to put

تو پوتْ

قرار دادن - گذاشتن

quarter

کِرْتَرْ

سکه ۲۵ سنتی

slot

سَلَاتْ

شیار



then	دِن	سپس
to add	تو آد	اضافه کردن
detergent	دِیْتِرِجَنْت	پودر رخت شویی
change	چَنج	پول خرد
coin	کَین	سکه
coin machine	کَین مَشین	ماشین پول خردکشی
bill	بیل	اسکناس
to forget	تو فُرِگِت	فراموش کردن
to buy	تو بَای	خریدن
to borrow	تو بَار	قرض گرفتن
cup	کَپ	فنجان
to finish	تو فینیش	تمام کردن
dryer	دِر آیر	خشک کن
still	سْتیل	هنوز
left	لَفْت	باقی مانده
to dry	تو دِر آئی	خشک کردن
clothes	کَلز	لباس ها
kind	کَایند	مهربان
card	کَارد	کارت
your self	یُرسَلَف	خودت
to manage	تو مَنج	اداره کردن - مدیریت کردن
store	سْتَر	فروشگاه
big	بِیگ	بزرگ
sale	سِیل	حراج - فروش
this	دیس	این
week	ویک	هفته
why	وآی	چرا
to stop by	تو سْتاپ بَای	سَر زدن - دیدن کردن
to try	تو تِر آئی	سعی کردن



A. Sort the laundry.

لباس ها را تفکیک کنید.



B. Add the detergent.

پودر لباس شویی اضافه کنید.



C. Load the washer.

در ماشین لباسشویی لباسها را بپزید.



D. Iron the clothes.

لباسها را اتو کنید.



At the gas station

در ایستگاه پمپ بنزین

- 326 regular or super unleaded? معمولی یا سوپر بدون سرب؟ ریگولار آر سوپر آن لیدد
- 327 fill it up with regular, please لطفاً آنرا با (بنزین) معمولی، پر کنید
فیل ایت آپ ویت ریگولار، پلیز
- 328 could you also check the oil and the tires? میشه لطفاً روغن و تایرها را کنترل کنید؟
کود یو (کوچ یو) آلس چک د (دی) ایل آند د (دی) تایرز؟
- 329 your oil is a little low روغن (ماشین) شما به مقداری کم است یو ایل ایز ایل لیل ل
- 330 shall I put in a quart? آیا می خواهید حدوداً یک لیتر در آن (روغن) بریزم؟
شل آی پوت این ا کورت؟
- 331 O.K.would you mind cleaning the windshield, too?
اکی. وود یو (ووج یو) مآیند کیلیننگ د ویند شیلد تو؟
بسیار خوب. آیا اشکالی ندارد که شیشه ی جلوی اتومبیل را هم تمیز کنید؟
- 332 sure.Where are you headed? حتماً. به کجا می روید؟ شر. ور آر یو هدد؟
- 333 to Washington به واشینگتن تو وآشینگتن
- 334 I've got to do some research there مجبور هستم در آنجا قدری، تحقیق کنم
آیو گات تو دو سام ریسرچ در
- 335 I know nothing about the city من چیزی در مورد آن شهر نمی دانم
آی ن ناآینگنک اباوت د سیتی
- 336 it's a great place آن یک مکان بسیار خوبی (عالی) است ایتس ا گریت پلیس
- 337 lots of good restaurants, museums and stores تعداد زیادی رستوران های خوب، موزه ها و مغازه های (خوب دارد)
لاٹس آو گود رستورنتس، میوزیمز آند سترز



338 how long will you be there?

شما چه مدت در آنجا خواهید ماند؟

هَاوُ لَاتْكَ وِیلُ یو بی در؟

339 I'm not sure yet

هنوز اطمینان ندارم

آیمُ نَاتُ شُرُ یِتْ

340 probably several days

احتمالاً چند روزی (می مانم)

پُرَابِلِیْ سِوَرَالْ دِیزْ

341 have a safe trip

سفر آملی داشته باشید

هُوَ اِ سِیْفُ تَرِبْ

342 and don't miss the Smithsonian!

آند دَنْتْ مِیسْ دِ اِسْمِثْ سُنِینْ!

(تماشای) اسمیس سونین Smithsonian را از دست ندهید!

New Words

لغات جدید

regular	ریگولار	معمولی
unleaded	آتلیدد	بدون سرب
to fill up	تو فیل آپ	پُر کردن
to check	تو چک	کُنترل کردن - چک کردن
oil	اِیل	روغن
tire	تایر	لاستیک - تایر
a quart	اِ کُرتْ	حدوداً یک لیتر
to mind	تو مآیند	اهمیت دادن
to clean	تو کیلین	تمیز کردن
windshield	ویند شیلد	شیشه ی جلوی اتومبیل
research	ریسرچ	تحقیق
city	سیتی	شهر
lots of	لآتْسْ آو	زیاد
restaurant	رِسْتورنْتْ	رستوران
museum	میوزیم	موزه
probably	پُرَابِلِیْ	احتمالاً
several	سِوَرَالْ	چندین
to miss	تو مِیسْ	از دست دادن



A. Look at car ads.

به آگهی های فروش ماشین نگاه کن.



B. Ask the seller about the car.

در باره ماشین از فروشنده بپرس.



C. Take the car to a mechanic.

ماشین را به مکانیکی ببرید.



D. Negotiate a price.

در باره قیمت مذاکره کنید.



E. Get the title from the seller.

سند مالکیت اتومبیل را از فروشنده بگیرید.



F. Register the car.

ماشین را ثبت کنید.

Taking Care of Your Car از اتومبیل خود مراقبت کنید



G. Fill the tank with gas.

باک ماشین را با بنزین پر کنید.



H. Check the oil.

ز روغن ماشین را ببینید.



I. Put in coolant.

سردکن بریزید.



J. Go for a smog check.*

تود ماشین را چک کنید.



K. Replace the windshield wipers.

برف پاکن های شیشه را عوض کنید.



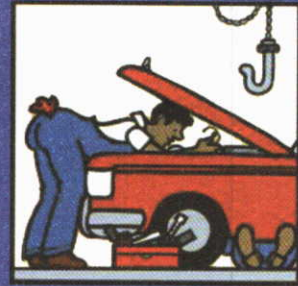
L. Fill the tires with air.

لاستیک ها را باد کنید.



Car Trouble

خرابی اتومبیل



- 343 I don't know what's wrong? من نمی دانم که مشکل چی است؟
 آی دنت ن وآنس رانگ؟
- 344 it's a rental car آن یک ماشین اجاره ای است
 ایتس ا رنتال کار
- 345 maybe I should call the emergency number of the agency
 می بی آی شود کال د امرجنسی نامبر او د ایجنسی
 شاید من باید به شماره ی اضطراری آژانس تلفن کنم
- 346 can I give you a lift to the service station at the next exit?
 کن آی گیو یو ا لیفت تو د سرویس سٹیشن ات د نکٹ اگریٹ؟
 آیا اجازه هست که شما را برسانم به تعمیرگاهی که در خروجی بعدی است؟
- 347 Yes, if you don't mind بله، اگر اشکالی ندارد
 یس، ایف یو دنت مآیند
- 348 I think I'll call the rental agency there
 آی ٲینک ایل کال د رنتال ایجنسی در
 من فکر می کنم که در آنجا به آژانس کرایه ای تلفن خواهم کرد
- 349 I'm glad to help. It's part of the job
 ایم گلد تو هلب. ایتس پآرت او د جآب
 من خوشحال هستم که کمکی کنم. این بخشی از کار من است
- 350 you're not from around here, are you? شما اهل این اطراف نیستید، اینطور نیست؟
 یور نات فرآم آراوند هیر، آر یو؟
- 351 No, I'm not an American نه. من آمریکایی نیستم
 ن، ایم نات آن امریکن
- 352 I'm visiting the U.S for the first time اولین باری است که دارم ایالات متحده را می بینم
 ایم ویزیتنگ د یو.اس فر د فرست تایم



353 I've been to Atlanta, Georgia

من در آتلانتا و جرجیا بوده ام

آیو بین تو آتلانتا، جورجیا

354 and now I'm on my way to your nation's capital

آند ناو آیتم آن مای وی تو یر نیشتر کیتال

و حالا در مسیرم هستیم به سمت پایتخت ملت شما

355 you mean Washington?

یو مین واشینگتن؟

منظور شما واشینگتن است؟

356 that's right

دتس رایت

دُرست است (بله)

357 I've never been there

آیو نور بین در

من هرگز آنجا نبوده ام

358 I'd like to go there one day

من دوست دارم به روزی به آنجا بروم

آید لایک تو گ در و آن دی

359 they say it's a lovely city

آن ها (مردم) می گویند که آن یک شهر دوست داشتنی است

دی سی ایس لاولی سی

360 hope the rest of your trip goes well

امید وارم که ادامه ی سفر شما، به خوبی پیش برود

هپ د رست او یر ترپ گز ول

361 thank you

تک یو

متشکرم

362 you've been very helpful

شما کمک خیلی خوبی بودید. (شما خیلی مفید بودید)

یوو بین وری هلب فول



1. windshield

شیشه جلوی اتومبیل

2. windshield wipers

برف پاک کن

3. sideview mirror

آینه بغل

4. hood

کاپوت ماشین

5. tire

لاستیک چرخ

6. turn signal

راهنما

7. headlight

چراغ جلو

8. bumper

سپر ماشین



wrong	رَآنِک	اشکال - اشتباه
rental	رِنْتَال	اجاره ای
maybe	مِی بی	شاید
emergency	امِرْجِنْسِی	اضطراری
agency	اِیْجِنْسِی	آژانس
to give a lift	تو گِیو ا لِفْت	رساندن (با ماشین)
station	سِتِشِن	ایستگاه
service	سِرْوِیس	خدمت - سرویس
service station	سِرْوِیس اِسْتِشِن	تعمیرگاه
exit	اِکْزِیت	خروج - خروجی
part	پَارْت	قسمت - بخش
around	اَرَاوِنْد	اطراف
American	امِرِیکَن	آمریکایی
to visit	تو وِیزِیت	دیدن - ملاقات کردن
the first time	دِ فِرِسْت تَایْم	اولین بار
nation	نِیْشِن	مِلّت
capital	کِپِیتَال	پایتخت
on my way	سِر رَاه - سِر رَاه هَم - در مَسِیرِم اَن مَای وِی	
never	نِوَر	هَرگِز - هِیچ وِقت - اصْلاً
one day	وَآن دِی	یک روز - روزی

An Automatic Transmission

دنده اتوماتیک



A Manual Transmission

دنده دستی



1. brake pedal
پدال ترمز
2. gas pedal / accelerator
پدال گاز
3. gear shift
تغییر دنده
4. hand brake
ترمز دستی
5. clutch
کلاچ
6. stick shift
نمته دنده



A Washington traffic jam



ازدحام در واشینگتن

363 my year in Washington, D.C. taught me so much about American history

مَایِ یِرِ اَیْنِ وَاَشِیْنِگْتَن، دِی. سی. تَاَتْ مِی سُ مَآجِ اِبَاوْتِ اِمْرِیْکَن هِیْسْتَرِی

سالهایی که در واشینگتن دی. سی (بودم)، چیزهای زیادی در مورد تاریخ آمریکا به من یاد داد

364 I therefore instruct my niece to do the following while she is in Washington

آیِ دِرْفَرِ اَیْنِ سْتِرَاکْ مَایِ نِیْسْ تُو دُو دِ فَالِ اَیْنِکْ وَاَیْلُ شِی اِیْرِ اَیْنِ وَاَشِیْنِگْتَن

بنابراین من دستور می دهم به دختر خواهرم که کارهای زیر را انجام دهد، و قتیکه در واشینگتن است

365 one. visit Georgetown where I lived a number of years ago as a student

وَأَنْ. وِیْزِیْتِ جُرْجُ تَاوْنُ وِرِ آیِ لُوْدِ اِ نَاْمَبِرِ اَوِ یِرِزِ اِگْ اَزِ اِ سْتِیوْدِنْتِ

اول. جُرْجَتون را ببین، جایی را که من سال های زیادی را در گذشته به عنوان یک دانشجو، زندگی کردم

366 two. have dinner at Antonio's

دوم. در رستوران آنتونی شام بخور

تُو. هُو دِیْنِرِ اَتِ اَنْتِنِیْزِ

367 my favorite Italian restaurant

رستوران ایتالیایی مورد علاقه ی من

مَایِ فِیوْرِیْتِ اِیْتَالِیْنِ رِسْتورِنْتِ

368 request a menu

رِیْکُواسْتِ اِ مِنیو

درخواست لیست غذا کن

369 and bring back a copy of the check as proof

اَنْدِ بِیْرِیْنِگْ بَکْ اِ کُپِیِ اَوِ دِ چِکْ اَزِ پوروف

و کپی صورت حساب را برای اثبات (حرفت) بیاور

370 three. visit the Smithsonian institution

ثِیْرِی. وِیْزِیْتِ دِ اِسْمِیْسِ سُنِیَانِ اَنِیْسْتِی تِیوِشِنِ

سوم. موسسه ی اسمیس سُنِیْنِ (Smithsonian) را ببین



371 take a picture of Lindbergh's "spirit of saint Louis"

تیک ا پیچر آو لیندبرگر "سپیریت آو سینت لوئیس"

یک عکس از لیندبرگ (لوح لوئیس مقدس) ببنداز

372 four. visit the National Archives to view the Declaration of independence

فر. ویزیت د نیشنال آرکایوز تو ویو د دیکلریشن آو ایندپندنس

چهارم. آرشیو ملی را ببین تا اظهارنامه ی استقلال را مشاهده کنی

373 and the Bill of Rights آند د بیل آو رایتس (بینی)

374 five. drive through the National Arboretum

فایو. درایو ثورو د نیشنال آربریتم

پنجم. از میان پارک (باغ) ملی رانندگی کن

375 Washington's best-kept secret

بهترین راز حفظ شده واشینگتن

واشینگتنز بست-کپت سیکرت

376 six. finish by visiting the Lincoln Memorial and the U.S capitol

سیکس. فینیش با ی ویزیتنگ د لینکلن ممری آل آند د یو اس کپیتال

ششم. (سفر خودت را) با تماشای بنای یادبود آبراهام لینکلن و عمارت پارلمان ایالتی، به پایان برسان

377 while I do not expect my niece

در حالی که من انتظار ندارم دختر خواهرم

to prove that she visited

ثابت کند که او تمام مکان هایی

all the places I have listed

که من لیست کرده ام را دیده است

وآیل آی دو نات اگس پگت مای نیس تو پوروو دت شی ویزیتد آل د پلیسز آی هو لیستد

378 I assume that she will follow my wishes

آی آسیوم دت شی ویل فال مای ویشز

من فرض می کنم که او خواسته های من را انجام خواهد داد

379 my hope is that she will learn as much about the U.S as I did

مای هپ ایز دت شی ویل لرن از ماچ اباوت د یو اس از آی دید

آرزوی من این است که او یاد بگیرد به همان اندازه ای که من در رابطه با ایالات متحده یاد گرفتم

380 when I first moved here

وقتی که من برای اولین بار به اینجا آمدم

ون آی فرست موود هیر



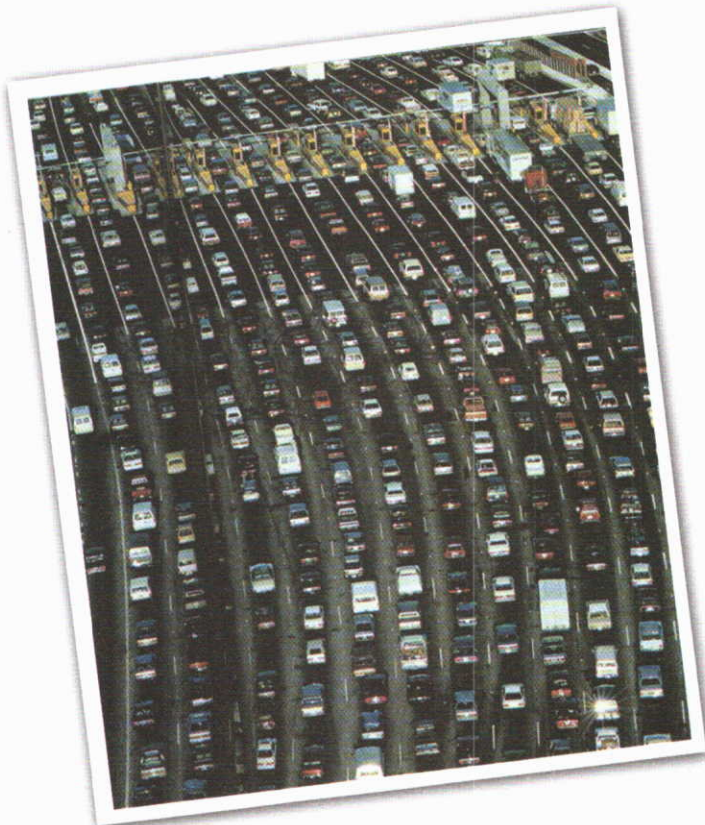
New Words

لغات جدید

year	بِر	سال
taught	تَات (یاد داد - یاد دادی - یاد داد ...)	یاد داد
so much	سُ مَاچ	خیلی زیاد
history	هیسْتَرِی	تاریخ
therefore	دِرْفَر	بنابراین
to instruct	تو این سْتِرَاکْت	دستور دادن
niece	نِیس	دختر خواهر یا دختر برادر
to follow	تو فَال	پیروی کردن - دنبال کردن
favorite	فِی وِرِیْت	مورد علاقه
while	وَأَیْل	وقتی که
ago	اگ	قبل - پیش
as	آز	مانند - به عنوان
dinner	دِینِر	شام
Italian	ایْتَالِین	ایتالیایی
to request	تو رِیکوِاسْت	درخواست کردن
menu	مِنِیو	لیست غذا
proof	پوروف	اثبات
institution	اِنِیسْتِیتی یوشِن	مؤسسه
to take a picture	تو تِیک ا پِیکچِر	عکس گرفتن
national	نَشَنَال	ملی
archives	آرکایوَز	آرشیو
to view	تو ویو	نگاه کردن
declaration	دِکلِرِشِن	اظهار نامه
independence	اِیندِپِنْدَنَس	استقلال
bill	بیل	سند
right	رَآیْت	حق - حقایق - راست
through	ثورو	از میان



arboretum	آربریتَم	باغ
memorial	مَمْرَى آل	یادبود
Capitol	کَپِیْتَل	پارلمان - مَجْلِس
to expect	تو اِکْسِپِکْت	انتظار داشتن
to prove	تو پَرُوو	اثبات کردن
list	لِیْسْت	لیست
to assume	تو اَسِیوْم	فَرَض کردن
hope	هَپ	اُمید
to hope	تو هَپ	اُمیدوار بودن - اُمید داشتن
to learn	تو لَرْن	یاد گرفتن
to move	تو موو	اثاث کشی کردن - حرکت کردن





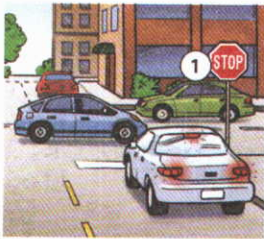
A fender bender in Chicago

یک تصادف کوچک در شیکاگو

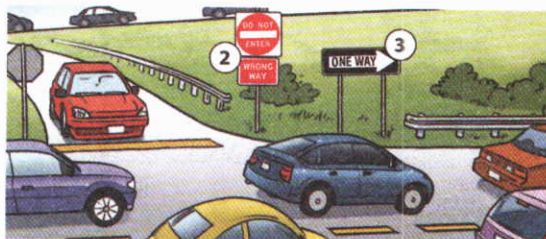
- 381 what the hell do you think you're doing? فکر می کنی داری چه غلطی می کنی؟
وآت دِ هِل دو یو تُینک یور دواینک؟
- 382 sorry. I didn't see your turn signal until it was too late to stop ساری. آی دیدنت سی یُر ترن سیگنال ایتل ایت واز تو لیت تو ستاپ
بیخشید. من چراغ راهنمای شما را ندیدم تا اینکه خیلی دیر شده بود که متوقف شوم
- 383 hey, did you see what happened? هی، آیا شما دیدید که چه اتفاقی افتاد؟
هی، دید یو سی وآت هیند؟
- 384 Yes, I think so. Why? بله. فکر می کنم که همین طور است. چرا؟ پس، آی تُینک س. وآی؟
- 385 I'm going to call the police من قصد دارم به پلیس خبر بدهم
آیم گک اینک تو کال دِ پلیس
- 386 you can tell them what you saw شما می توانید به آنها بگویید که چه چیزی دیدید
یو کن تِل دم وآت یو سا
- 387 this jerk ran right in to me این آدم احمق درست به سمت من آمد
دیس جرک رن رایت این تو می
- 388 look at my bumper! به سپر ماشین من نگاه کن!
لوک اِت مای بامپر!
- 389 it'll cost \$1000 to fix هزار دلار هزینه ی تعمیر آن خواهد شد
ایتل کاست وآن تازند دالرز تو فیکس
- 390 calm down آرام باش. (کوتاه بیا بابا)
کالم (کام) داون
- 391 it was just one of those things این هم درست، مثل یکی از اون حرف هایت بود
ایت واز جاست وآن او دز تُینگر
- 392 I have insurance من بیمه دارم
آی هو اینشورنس



- 393 I really don't want to get involved من واقعاً نمی خواهم که درگیر (این موضوع) بشوم
آی ری پلِی دنت و آنت تو گت اینوالوَد
- 394 I'm from out of town من اهل خارج از این شهر هستم. (من ساکن این شهر نیستم)
آیم فرآم آوت او تاون
- 395 you're a witness, right? شما شاهد هستید، درست است؟
یور ا ویتنِس، رایت؟
- 396 can I have your name, address, and phone number?
آیا می توانم نام، آدرس و شماره تلفن شما را داشته باشم؟ (بنویسم)
کن آی هو یُر نیْم، آدرِس، آند فُن نامبر؟
- 397 Yes, I saw what happened بله. من دیدم که چه اتفاقی افتاد
یس، آی سا و آت هپند
- 398 here's my passport بفرمایید. این پاسپورت من است
هیرز مای پَسپرت
- 399 I'm not an American citizen من شهروند آمریکایی نیستم
آیم نات آن امریکن سیتیزن
- 400 I've come to Chicago on business من برای (کار) تجارت به شیکاگو آمده ام
آیو کام تو شیکاگ آن بیزینس
- 401 here's a contact number if you want to get in touch بفرمایید این شماره ی تماس (من است) اگر می خواهید در تماس باشید
هیرز ا کانتکت نامبر ایف یو و آنت تو گت این تاچ



1. stop
ایست



2. do not enter / wrong way
داخل نشوید / راه اشتباه

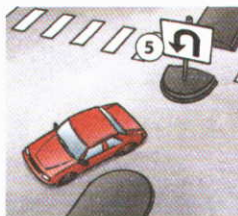
3. one way
یک طرفه



4. speed limit
سرعت محدود



what the hell	چه غلطی (hell به معنای جهنم می باشد) و آت د هل
turn signal	چراغ راهنما تَرَن سِگنال
until	تا اُنْتیل
late	دیر لیت
to stop	متوقف کردن - ایستادن تو سَتَاب
why	چرا و آئی
to call	خبر کردن - تلفن زدن تو کَال
to tell	گفتن تو تَل
jerk	آشغال - آدم عوضی جِرک
To run into	زیر گرفتن (با ماشین) تو رَان این تو
bumper	سپر بامپر
to cost	هزینه داشتن تو کاست
insurance	بیمه اینشورنس
to get involved	درگیر شدن تو گت اینوآلود
town	شهر - شهر کوچک تاون
witness	شاهد ویتنس
citizen	شهروند سیتیزن
to get in touch	در تماس بودن تو گت این تاج



5. U-turn OK
تور زدن آزاد



6. no outlet / dead end
پس نیست



7. right turn only
فقط گردش به راست



8. no left turn
گشتن به چپ ممنوع



9. yield
حق تقدم بدهد



10. merge
به هم بزنید



11. no parking
پارک ممنوع

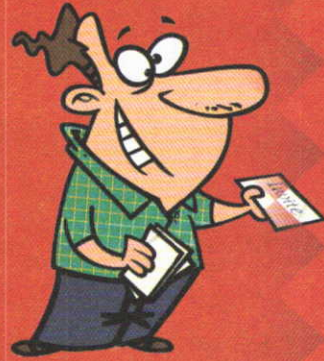


12. handicapped parking
پارکینگ معلولین



Invitation

دعوت



402 good evening. I'm Ellen Jones

عصر بخیر. من الین جونز هستم

گود ایوینینگ. آیم الین جنز

403 won't you come in?

آیا داخل نمی آیی؟ (چرا تو نمی آیی؟) وونت یو کام این؟

404 what lovely flowers! Thank you

چه گل های زیبایی! متشکرم

وات لاولی فلاورز! تنک یو

405 I'll call Michael

به مایکل تلفن خواهم کرد. (به مایکل خبر خواهم داد) آیل کال مایکل

406 please make yourself at home

پیلیز میک یوسلف ات هم

لطفاً اینجا را منزل خودتان بدانید (فکر کنید که در منزل خودتان هستید)

407 hello, I'm so glad to meet you

سلام. خیلی خوشحال هستم که شما را ملاقات می کنم

هل، آیم س گلد تو میت یو

408 Stephanie told me so much about you

ستفانی تلد می س ماچ اباوت یو

استفانی در مورد شما، چیزهای زیادی به من گفته است

409 did you know you were her favorite?

آیا می دانستید که شما مورد علاقه ی او بودید؟

دید یو ن یو ور هر فیوریت؟

410 No, I'm sorry I didn't get to see her again before she died

ن، آیم ساری آی دیدنت گت تو سی هر اگین بیفر شی دآید

نه. متأسفم. من نرسیدم تا دوباره او را ببینم قبل از اینکه بمیرد

411 so, what brings you to Chicago?

بنابراین چی باعث شد تا به شیکاگو بیایید؟

س، وات بیرینگز یو تو شیکاگ؟



412 Aunt Stephanie wanted me to know more about the city

أَنْتِ سَتَفَانِي وَأَتَدِ مِي تَوْنُ مَرْ أَبَاوْتِ دِ سِينِي

عمه ام، استفانی از من خواست، تا مقدار بیشتری در مورد این شهر بدانم

413 did she live around here?

آیا او در این اطراف زندگی می کرد؟

دید شی لیوُ آرآوندِ هییر؟

414 Yes, we became friend almost twenty years ago

یِسْ، وِی بیکیمُ فَرِنْدُ الْمُسْتُ تَوَانْتِ (تَوَانِي) يِرْزُ اِكْ

بله. ما تقریباً ۲۰ سال پیش دوست شدیم

415 she had moved here from Washington

او از واشینگتن به اینجا آمده بود

شی هَدِ مووَدِ هییرِ فَرَامِ وَأَشِينْگَنْ

416 she left Chicago a few years later

او چند سال پیش شیکاگو را ترک کرد

شی لِفْتُ شیکاگُ اِ فِیوُ يِرْزُ لَیْتَرُ

417 and moved to the West Coast

و به وست کُست رفت

اَنَدِ مووَدِ تَوِ دِ وِسْتِ کُسْتُ

418 Chicago winters were too harsh for her

شیکاگُ وِیْتَرْزُ وِرِ تَوِ هَارْشُ قُرْ هِرْ

زمستان های شیکاگو، برای او خیلی سخت بود

419 she wanted more sun and warmer temperatures

شی وَاَتَدِ مَرْ سَاَنْ اَنَدِ وَاَرْمِرْ تَمِیْرْچِرْزُ

او درجه حرارت گرم تر و نور بیشتر می خواست (نیاز داشت)

420 dinner is ready

دِیْنِرُ اِیْزُ رِدی

شام آماده است



New Words

لغات جدید

flower	فلاور	گل
told	تَلَد (گفتتم - گفتی - گفت ...)	گفت
to know	تو نُو	دانستن - شناختن
to die	تو دَآی	مُردن
to bring	تو بیریَنگ	آوردن
aunt	اَنَت	عمه - خاله
city	سیتی	شهر
to become	تو بیکَام	شدن
almost	اَلْمُسْت	تقریباً
twenty	توَانْتی (توانی)	بیست
a few	ا فِیو	تعداد کمی
later	لِیْتَر	بعداً - بعد
winter	وِیْتَر	زمستان
harsh	هَآرَش	سخت
sun	سَان	خورشید - (آفتاب)
warmer	وَارْمَر	گرم تر





A household emergency



کارهای اضطراری منزل

421 what seems to be the trouble?

وَأَتَّ سِيمَزْ تُو بِي دِ تِرَابِلْ؟

چه چیزی به نظرمی رسد که مشکل باشد؟ (مشکل چیست؟)

422 look! there's an inch of water on the floor

لوک! دَرِزْ أَنْ اَيْنِجْ آوْ وَأَتِرْ أَنْ دِ فِلْرْ

نگاه کن! یک اینچ آب روی طبقه (زمین) را گرفته است

423 what a mess!

وَأَتَّ اِمِسْ!

چه اِفتِضاحی!

424 can you fix it?

کَنْ یُو فِیْکَسْ اِیْتْ؟

آیا شما می توانید آن را درست کنید؟

425 No sweat

نُ سَوَاتْ

هیچ کاری ندارد. (آسان است)

426 where's the main water valve?

شیرِ اصلیِ آبِ کجاست؟

وَرِزْ دِ مِیْنْ وَأَتِرْ وُلُو؟

427 the what?

دِ وَأَتْ؟

چی؟

428 do you know where I can cut off the water?

دُو یُو نْ وِرْ آئی کَنْ کَاتْ آفْ دِ وَأَتِرْ؟

آیا تو می دانی که کجا من می توانم آب را قطع کنم؟

429 I think it is in the closet

فکر کنم که آن در قفسه باشد

آئی ثِیْنِکْ اِیْتْ اِیْرْ اِیْنْ دِ کِلَاَزَتْ

430 what shall I do about all the water on the floor?

وَأَتْ شَلْ آئی دُو اِبَاوْتْ آلْ دِ وَأَتِرْ أَنْ دِ فِلْرْ؟

من در مورد آب های روی طبقه چکار باید بکنم؟



- 431 tell the manager to call a carpet cleaning service

تَلِّ دِ مَنَجِرْ تُو كَالْ اِ كَارِبْتْ كِبَلِي نِينْگْ سِرْوِسْ

به مدیر بگویید که با یک فرش شویی تماس بگیرد

- 432 how much is this going to cost?

این چقدر هزینه دارد؟ (هزینه اش، چقدر خواهد شد)

هَآوُ مَآجْ اِيزْ دِيسْ گْ اِينْگْ تُو كَآسْتْ؟

- 433 I'm pretty sure the apartment owners will cover it

آيْمْ پِرْتِيْ شُرْ دِ اِپَارْتَمِنْتْ اُنْرَزْ وِيلْ كَآوَرِ اَيْتْ

من کاملاً اطمینان دارم که صاحبان آپارتمان آن را پرداخت می کنند. (به عهده می گیرند)

- 434 as long as you didn't cause the problem yourself

آز لَانْگْ اَزْ يُو دِيدِنْتْ كَآزْ دِ پِرْآيْلَمْ يُرْسِلْفْ

بخاطر اینکه شما خودتان باعث آن مشکل نشده اید

- 435 how could I?

من چگونه می توانستم (باعث آن مشکل بشوم)؟ هَآوُ كُودْ آيْ؟

- 436 I've been out of town for weeks

هفته ها است که من خارج از شهر هستم

آيُوْ بَيْنْ آوْتْ آوْ تَاوُنْ قُرْ وَيْگَسْ

- 437 what a way to end my trip!

چگونه سفرم را به پایان برسانم!

وَأْتْ اِ وَيْ تُو اِنْدِ مَآيْ تِرِبْ!

New Words

لغات جدید

inch	اِنْچْ	اینچ
to fix	تُو فِیْکَسْ	تعمیر کردن
main	مَیْنْ	اصلی
valve	وَلْوْ	شیر (آب) - فلکه ی آب
to cut off	تُو کَآتْ آفْ	قَطْعْ کَرْدَنْ - بَسْتَن
closet	کَلَاژِتْ	قَفْسَه
manager	مَنَجِرْ	مدیر
carpet	کَآرِبْتْ	فرش
owner	اُنْرْ	مالک
to cause	تُو کَآزْ	باعث شدن
to end	تُو اِنْدْ	به پایان رساندن



1. The water heater is **not working**.

آب گرم کن کار نمی کند.

2. The power is **out**.

برق رفته است.

3. The roof is **leaking**.

سقف چکه می کند.

4. The tile is **cracked**.

کاشیها شکسته است.

5. The window is **broken**.

پنجره شکسته است.

6. The lock is **broken**.

قفل شکسته است.

7. The steps are **broken**.

پله ها شکسته اند.

8. roofer

سقف ساز

9. electrician

برق کار

10. repair person

تعمیر کار

11. locksmith

قفل ساز

12. carpenter

نجار

13. fuse box

جعبه فیوز

14. gas meter

کنتور گاز



Under the weather

سرحال نبودن - کسل بودن



438 what seems to be the trouble?

وَأَتَّ سِيمَزْ تُو بِي دِ تِرَائِلْ؟

چه چیزی به نظرمی رسد که مشکل باشد؟ (مشکل چیست؟)

439 I feel terrible

آی فیلْ تِرِیلْ

احساس بدی دارم

440 I have a fever and chills

آی هَوَّ اِ فِوَرِ اَنَدِ چِلْزْ

من تب و لرز، دارم

441 what's your temperature?

وَأَتْسْ یُرْ تَمِیْرِچِرْ؟

درجه حرارت شما چند است؟

442 one hundred and two degrees

وَأَنْ هَانْدَرِدْ اَنَدِ تُو دِیْگَرِیْزْ

یکصد و دو درجه

443 have you taken anything for it?

هَوَّ یُو تِیْکَنْ اِنِشِنِگْ فُرْ ایتْ؟

آیا چیزی برای آن (سردرد) خورده اید (استفاده کرده اید)؟

444 just some Aspirin

جَاسْتْ سَامْ اَسْپِیْرِنْ

فقط آسپرین

445 what should I do?

وَأَتْ شُودِ آیْ دُو؟

من باید چه کار کنم؟

446 I think you better see one of our doctors

آی تِیْنِکْ یُو بِیْتَرْ سِیْ وَأَنْ آوْ اَوْرْ دَاکْتِرْزْ

فکر می کنم که بهتر است یکی از دکترهای ما را ببینید

447 you probably have an infection

شما احتمالاً عفونت دارید

یُو پِرَائِیْلِ هَوَّ اَنْ اِنْفِکْشِنْ

448 can you come right now?

آیا می توانید همین الان بیایید؟

کَنْ یُو کَامْ رَآیْتْ نَاوْ؟

449 Yes, I'm on my way

یَسْ، آیمْ اَنْ مَآیْ وِیْ

بله. تو راه هستم. (الان می آیم)

450 I don't have any medical insurance

من بیمه‌ی درمانی ندارم

آی دنت هو انی مدیکال اینشورنس

451 is that all right?

ایز دت آل رایت؟

آیا مشکلی نیست؟

452 don't worry

دنت وری

نگران نباشید

453 our business office takes cash, personal checks or credit cards

آور بیزینس آفیس تیگس کش، پرسونال چکس، ار کردیت کارڈس

دفتر کاری ما، پول نقد، چک مسافرتی یا کارت اعتباری قبول می کند

لغات جدید

New Words

to feel	تو فیل	احساس کردن
terrible	تربیل	بد - وحشتناک
fever	فیور	تب
chill	چیل	لرز
one hundred	وان هاندر	یکصد
degree	دیگری	درجه
better	بتر	بهتر
infection	اینفکشن	عفونت
medical insurance	مدیکال اینشورنس	بیمه درمانی
cash	کش	پول نقد
personal	پرسونال	شخصی
credit	کردیت	اعتباری

- hot
داغ
- thirsty
تشنه
- sleepy
خواب آلوده
- cold
سرد
- hungry
گرسنه
- full / satisfied
سیر / راضی





7. disgusted
متکبر
8. calm
آرام
9. uncomfortable
نا راحت
10. nervous
عصبی



11. in pain
در درد
12. sick
مریض
13. worried
نگران
14. well
خوب
15. relieved
آسوده



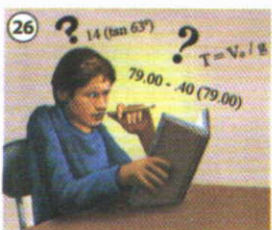
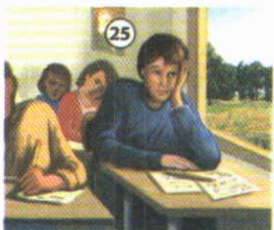
16. hurt
زخمی، رنج دیده
17. lonely
تنها
18. in love
در عشق



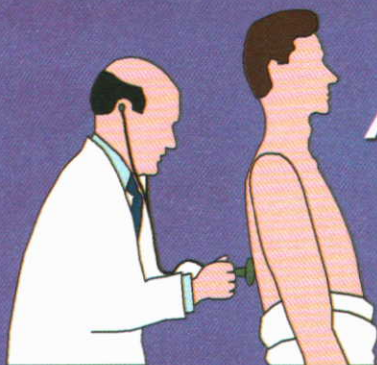
19. sad
عسکین
20. homesick
دل تنگ خانه
21. proud
مغرور



22. excited
هیجان زده
23. scared / afraid
وحشت زده / ترسیده
24. embarrassed
آشفتہ



25. bored
بی حوصله
26. confused
مضطرب
27. frustrated
در مانده



At the doctor's office

در مطب دکتر

- 454 how are you today? هاؤو آر یو تودی؟ امروز حال شما چطور است؟
- 455 Not so good نآت س گود خیلی خوب نیستم
- 456 I think I have the flu or something من فکر می کنم که آنفلوآنزا یا چیزی شبیه به آن دارم
آئی ٲینک آئی هوو دِ فولوو آر سام ٲینگ
- 457 what are your symptoms? نشانه های (بیماری) شما چه چیزهایی هستند؟
وات آر یو سِمپ ٲمز؟
- 458 I have a fever, chills and a sore throat من تب و لرز و گلو درد دارم
آئی هوو اِ فیور، چیلز اِنْد اِ سُر ٲوروت
- 459 let's take a look لٲس ٲیک اِ لوک اجازه بدهید نگاهی بکنم
- 460 open wide اِبِن وَاَید (دهانتان را) کاملاً باز کنید
- 461 hmmm. your throat is pretty red هممم. گلوی شما کاملاً قرمز است
هممم. یو ٲوروت ایز ٲرتی رِد
- 462 how long have you had a fever? چه مدت است که تب دارید؟
هاؤو لانگ هوو یو هَد اِ فیور؟
- 463 since last night سینس لست نایت از شب گذشته تا حالا
- 464 it comes and goes ایت کامز اِنْد گوز آن می آید و می رود
- 465 what's wrong with me? واتس رانگ ویت می؟ من چه مشکلی (بیماری) دارم؟
- 466 you have some sort of bacterial infection شما یک نوع عفونت باکتریایی دارید
یو هوو سام سُرْت اوو بکتری یال اِنفِکشن
- 467 I'm going to write you a prescription قصد دارم (می خواهم) برای شما یک نسخه بنویسم
آیم گک اینگ تو رایت یو اِ ٲیریس کیریپ شن



468 take it to any drugstore آن را به داروخانه ببرید *تِيكَ اَيْتْ تُو اِنِي دِرَاكَ سْتَرُ*

469 and they'll give you some pills that you'll need to take for five days *اَنْد دِيْلُ گِيُو يُو سَامْ پِيلَزْ دَتْ يُوْلُ نِيدْ تُو تِيكَ فُرْ فَايُو دِيَزْ*

و آنها به شما تعدادی قرص می دهند که لازم است برای ۵ روز بخورید

470 you should be completely well by then تا آن موقع شما باید کاملاً خوب بشوید *يُو شُوْد بِي كَامْبِيلِيْتْ لِي وِلْ بَايْ دِنْ*

یو شود بی کامپیلیت لی ول بای دن

471 thanks. I sure wish I felt better

تَنگَسْ. اَيْ شُرْ وِيشْ اَيْ فِلْتْ بِيْرُ

متشکرم. حتماً آرزوی منم که بهتر بشوم. (ای کاش حتماً بهتر بشوم)

472 I guess I'll go home and rest گمان می کنم (بهتر است) بروم خانه و استراحت کنم *اَيْ گِسْ اَيْلْ گُ هُمْ اَنْد رِسْتْ*

ای گس ایل گ هُم اند رست

New Words

لغات جدید

flu	فولو	آنفلوآنزا
symptoms	سِمِطَمَزْ	علائم (بیماری)
sore throat	سُرْ ثوروت	گلو درد
sort	سُرْتْ	نوع
bacterial	بَکْتِریَاْلْ	باکتریایی
to write	تُو رَايْتْ	نوشتن
prescription	پِریسْ کِریپْ شِنْ	نسخه
drugstore	دِرَاكَ سْتَرُ	داروخانه
pill	پیلْ	قرص
completely	کَامْبِيلِيْتِي	بطور کامل
well	وِلْ	سالم - خوب - سلامت
wish	وِيشْ	آرزو
to wish	تُو وِيشْ	آرزوداشتن - آرزو کردن
to rest	تُو رِسْتْ	استراحت کردن



1. headache

سردرد

2. toothache

دندان درد

3. earache

گوش درد

4. stomachache

دل درد

5. backache

کمر درد

6. sore throat

گلودرد

7. nasal congestion

گرفتگی بینی

8. fever / temperature

تب

9. chills

لرزه ها

10. rash

کهیر

A. cough

سرفه

B. sneeze

عطسه زدن

C. feel dizzy

حالت سرگیجه

D. feel nauseous

حالت تهوع

E. throw up / vomit

استفراغ



11. insect bite

گزش حشرات

12. bruise

کوفتگی

13. cut

بریدگی

14. sunburn

آفتاب سوختگی

15. blister

تاول

16. swollen finger

وزم انگشت

17. bloody nose

خون نماغ

18. sprained ankle

پیچ خوردگی مچ پا



At the dentist's office

در مطب دندانپزشکی



- 473 my assistant said you have a toothache دستیارم گفت که شما دندان درد دارید
 مایِ اَسِیْسِنْتِ سِدِ یو هُو اِ تُوْتِ اِکْ
- 474 how long have you had it? چه مدت آن را (دندان درد) دارید؟
 هاوُ لَانْکْ هُو یو هَدِ اِیْتْ؟
- 475 for about twenty-four hours حدوداً ۲۴ ساعت است
 فُر اِبَاوْتِ تُوَانْتِی-فُر اَوْرِزْ
- 476 I've had trouble with this tooth before من قبلاً هم با این دندان مشکل داشتم
 آیوُ هَدِ تِرْاَبِلْ وِیْتِ دِیْسْ تُوْتِ بِیْفُرْ
- 477 my dentist at home said that it would eventually have to be removed
 مایِ دِنْتِیْسْتِ اَتْ هَمْ سِدِ دَتْ اِیْتِ وُودِ اِوِنْجُولِ هَفْ تُو بِی رِیْمُوْدِ
 دندانپزشک من گفت که آن بالاخره باید کشیده شود
- 478 let me take a closer look اِکْلِیْسِرْ لُوکْ اجازه بده من یک نگاه دقیق تر بکنم
 لِتْ مِی تِیکْ اِکْلِیْسِرْ لُوکْ
- 479 hmmm, I concur with your dentist هممم. من با دندانپزشک شما موافق هستم
 هممم، آی کَانْکِرْ وِیْتِ یُرْ دِنْتِیْسْتِ
- 480 the tooth has to come out دِ تُوْتِ هَزْ تُو کَامْ اَوْتْ دندان باید کشیده شود
- 481 will it hurt? وِیْلْ اِیْتِ هِرْتْ؟ آیا آن صدمه (درد) خواهد داشت؟
- 482 not too much نَاتْ تُو مَاجْ نه خیلی زیاد
- 483 I'll give you some novocain من به شما مقداری بی حس کننده می زنم (می دهم)
 آیْلْ گِیو یو سَامْ نُوکِیْنْ
- 484 to make the tooth numb تُو مِیکْ دِ تُوْتِ نَامْبْ تا دندان بی حس شود
- 485 when will you remove it? وِنْ وِیْلْ یو رِیْمُوْدِ اِیْتْ؟ چه موقع آن را می کشید؟



486 it should come out right now

آن (دندان) همین الان باید کشیده شود

ایْتْ شُود کَامْ آوْتْ رَآیْتْ نَاوْ

487 all right

بسیار خوب

آل رَآیْتْ

488 go ahead

کارتان را انجام دهید

گُ اِهْدْ

489 what a way to end my stay in the U.S!

وَأْتْ اِ وِیْ تُو اِنْدْ مَآیْ سَتِیْ اِیْنِ دِ یُوَاسْ!

چگونه اقامت من را در ایالات متحده به پایان برسانم!

490 when are you leaving? وِنْ آر یو لیوینگ؟

چه موقع عازم هستید؟

491 I have to see an attorney in the morning

آیْ هَفْ تُو سی اَنْ اَتْرِنِیْ اِیْنِ دِ مَرْنِیْنِگْ

من مجبور هستم در هنگام صبح، وکیلی را ببینم

492 my flight home is late tomorrow afternoon

مَآیْ فَلَآیْتْ هُمْ اِیْزِ لَیْتْ تُوْمَارْ اَفْتَرُونْ

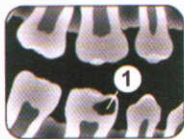
پرواز به کشورم، فردا بعداز ظهر، دیر وقت می باشد

493 around six p.m.

آر آوْنْدْ سِکْسْ بی .آم

حدود ساعت ۶ بعداز ظهر

Dental Problems مشکلات دندانپزشکی

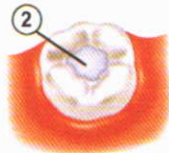


1. cavity / decay

کرم خوردگی

2. filling

پرکردگی



3. crown

روکش



4. dentures

دندان های مصنوعی

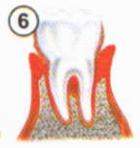


5. gum disease

بیماری لثه دندان

6. plaque

پلاک





New Words

لغات جدید

assistant	أَسِيَسْتِنْتُ	دستیار
to say	تو سی	گفتن
toothache	توٹ اُک	دندان درد
before	بِیْفُر	قبل از
dentist	دِنْتِیْسْتُ	دندان پزشک
eventually	اَوْنِجُولِی	بالاخره
to remove	تو ریموو	در آوردن - کشیدن
to concur	تو کَانکُر	موافق بودن
to hurt	تو هُرْت	صدمه زدن
novocain	نُو کِیْن	داروی بیحس کننده
numb	نَامَب	بیحس
attorney	اَتْرِنِی	وکیل
flight	فَلَایْت	پرواز
tomorrow	تومار	فردا
p.m	پی.ام	بعد از ظهر

An Office Visit *معاینه در اتاق پزشک*



A. clean...teeth
دندانها را ... تمیز کنید



B. take x-rays
عکس بگیرید



C. numb the mouth
دهان را بیحس کنید



D. drill a tooth
دندان را سوراخ کنید



E. fill a cavity
سوراخ را پر کنید



F. pull a tooth
کشیدن دندان



Making an appointment

قرار ملاقات گذاشتن

494 good morning. Haskel , Cleaver, and Young

گود مُرْنینگُ. هَسْکِلُ، کَلورُ، آندِ یانگُ

صبح بخیر. (اینجا شرکت) هَسْکِلُ و کَلورُ و یانگُ می باشد

495 I'd like to speak with Mr. Young, Please

می خواهم با آقای یانگ صحبت کنم، لطفاً

آید لایکُ تو سِپیکُ ویتُ مِسْتِرُ یانگُ، پیلیزُ

496 who's calling, please?

چه کسی داره صحبت می کنه، لطفاً؟ (جنابعالی، لطفاً)

هُوز کالینگُ، پیلیزُ؟

497 I'm related to Stephanie Garner

من از بستگانِ استفانی گارنر هستم

آیمُ ریلِیدُ تو سْتَفانی گارنرُ

498 Mr.Young asked me to get in touch when I arrived in the U.S.

مِسْتِرُ یانگُ اَسْکُتُ می تو گِتُ اینُ تَاجُ وِنُ آیُ اَرآیوُدُ اینُ دِ یو.اِسُ

آقای یانگ از من خواست که وقتی به ایالات متحده رسیدم (با ایشان) تماس بگیرم

499 please hold

پیلیزُ هُلْدُ

(لطفاً گوشی حضورتان)

500 I'm looking forward to meeting you

مُشتاق دیدار با شما هستم

آیمُ لوکینگُ فُروآردُ تو میتینگُ یو

501 can you come by tomorrow at ten a.m?

کَنُ یو کامُ بایُ تومارُ اتُ تِنُ ای.امُ؟

آیا می توانید تا فردا ساعت ۱۰ صبح تشریف بیاورید؟

502 Yes, I think so

پِسُ. آیُ ثینکُ سُ

بله. فکر می کنم، بتوانم

503 where are you located?

محل (کار) شما کجا است؟ (جای شما کجاست؟)

ورُ آرُ یو لُکیتدُ؟



- 504 our offices are just behind the state capitol building
 آور آفیسز آر جاست بیہائند د کپیتل بیلڈینگ
 دفترهای ما درست پشت عمارت پارلمان ایالتی (مجلس) می باشد
- 505 you can walk here from the hotel
 شما می توانید از هتل تا اینجا، پیاده بیاید
 یو کن واک هیر فرآم د هتل
- 506 what time should I leave the hotel?
 چه ساعتی (چه زمانی) باید هتل را ترک کنم؟
 وات تایم شود آی لیو د هتل؟
- 507 oh. Maybe around 9:30.
 آه. شاید حدود ساعت ۹:۳۰. مہی آرآوند نائین - نرتی
- 508 It should only take about twenty minutes on foot
 اینت شود آنلی تیک اباوت توائتی مینٹس آن فوت
 آن حدوداً پیاده ۲۰ دقیقه طول می کشد
- 509 thanks. I'll see you tomorrow morning
 متشکرم. فردا صبح شما را خواهم دید
 تنکس. آیل سی یو تومار مرنینگ

New Words

لغات جدید

to speak	تو سبیک	صحبت کردن
with	ویٹ	با
to ask	تو آسک	پرسیدن
to arrive	تو آرآیو	رسیدن
to look forward	تو لوک فروارد	مشتاق دیدار بودن
a.m	ای.ام	قبل از ظهر - صبح
to locate	تو لکیٹ	واقع بودن
behind	بیہائند	پشت - عقب
to walk	تو واک	پیاده رفتن - قدم زدن
on foot	آن فوت	پیاده



A. Prepare for the interview.

برای مصاحبه آماده شوید.



B. Dress appropriately.

لباس مناسب بپوشید.



C. Be neat.

برگ و تمیز باشید.

D. Bring your resume and ID.

سوابق شغلی و شناسایی خود را بیاورید.



E. Don't be late.

تأخر نکنید.



F. Be on time.

سروقت برسید.

G. Turn off your cell phone.

تلفن همراه خود را خاموش کنید.



H. Greet the interviewer.

به مصاحبه کننده سلام کنید.



I. Shake hands.

دست بدهید.

J. Make eye contact.

تماس چشمی برقرار کنید.



K. Listen carefully.

با دقت گوش دهید.



L. Talk about your experience.

در باره تجربه بیات خود گفتگو بکنید.

M. Ask questions.

سوال بپرسید.



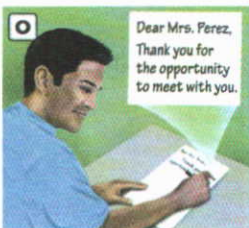
N. Thank the interviewer.

از مصاحبه کننده سپاسگزاری بکنید.



O. Write a thank-you note.

پانداشت سپاسگزاری بنویسید.





Meeting an attorney

ملاقات یک وکیل



- 510 your aunt Stephanie was a fine lady
عمه ی شما استفانی خانم خوبی بود
یُرْ اَنْتُ سَتْفَانِي وَاَزِ اِ فَائِنُ لِيْدِي
- 511 she certainly thought a lot of you
او حقیقتاً، بسیار به شما فکر می کرد. (به یاد شما بود)
شِي سِرْتَنَلِي نَاتِ اِ لَاتِ اَوْ يُو
- 512 as you may know. She had no direct descendants
همان طور که ممکن است بدانید او هیچ وارث اصلی نداشت
اَزِ يُو مِي نُ. شِي هَدِ نُ دِيرِكْتُ دِيسِنْدِنْتِسُ
- 513 so she wanted to leave you the bulk of her estate
بنابراین او می خواست تا قسمت اصلی دارایی اش را برای شما بگذارد
سُ شِي وَاَنْتِدُ تُو لِيُو يُو دِ بَالِكُنْ اَوْ هِرِ اسْتِيْتِ
- 514 I can't believe it
باورم نمی شود
اَيِ كَنْتُ بِيْلِيُو اَيْتُ
- 515 she didn't come home to visit very often
او اغلب به منزل نمی آمد تا سری (به من) بزند
شِي دِيدِنْتُ كَامُ هُمُ تُو وِيزِيْتُ وِرِي اَوِنُ
- 516 well. It's right here in her will
خوب. این موضوع همین جا در وصیت نامه ی او (نوشته شده) است
وَلِ. اَيْتِسُ رَايْتُ هِيِرِ اَيْنُ هِرِ وِيلُ
- 517 you can claim your inheritance
شما می توانید ارث تان را دریافت کنید به محض اینکه
as soon as you meet the stated requirements
شرایط لازم بیان شده را انجام دهید
يُو كُنْ كَلِيْمُ يُرِ اِيْنِهَرِيْتِسُ اَزِ سُونُ اَزِ يُو مِيْتُ دِ سْتِيْتِدُ رِيكُوَايِرْمَنْتِسُ
- 518 what requirements?
چه شرایطی؟
وَأْتُ رِيكُوَايِرْمَنْتِسُ؟



بعد از مهاجرت به ایالات متحده

519 after immigrating to the U.S.

أَفْتَرُ اِبْمِغْرِبْتِينْكَ تُو دِ يُو.اِسْ

520 your aunt fell in love with her adopted country

يُرْ اَنْتْ فِلْ اَيْنْ لَاوْ وِيتْ هِرْ اَدَاپْتِدْ كَاَنْتِرِي

عمه ی شما عاشق به کشوری شد، که به آن عادت کرد

521 she was especially fond of Atlanta, Washington, Chicago, and San Francisco

شِي وَاَزْ اِسْپِشِلِيْ فَاَنْدْ اَوْ اَتْلَانْتَا، وَاَشِينْغْتَنْ، شِيكاغْ، اَنْدْ سَنْ فَرَنْسِيْسْكَ

او مخصوصاً، علاقه ای زیاد به آتلانتا، واشینگتن، شیکاگو و سانفرانسیسکو داشت

522 she wanted you to visit some of the places

شِي وَاَنْتِدْ يُو تُو وِيزِيْتْ سَامْ اَوْ دِ پَلِيْسِرْ

او می خواست که شما ببینید بعضی از مکان هایی را

523 that she enjoyed so much

که او خیلی زیاد لذت می برد

دَتْ شِي اَيْنْجِيدْ سْ مَاجْ

524 that seems easy enough

آن به اندازه ی کافی، آسان به نظر می رسد

دَتْ سِيْمَزْ اِيزِيْ اَيْنَاْفْ

525 anything else?

اِنِيْ تِينْكَ اَلْسْ؟

چیز دیگری هم هست؟

526 here are sealed envelopes

بفرمایید اینها، نامه های مهر و موم شده هستند

هِيِرْ اَرْ سِيْلْدْ اِنُوْلِيْسْ

527 with instructions about each place

با دستورالعمل هایی درباره ی هر مکان

وِيتْ اَيْنْ سْتِرَاكْشِنْرْ اِبَاوْتْ اِيچْ پَلِيْسْ

528 when you arrived in Washington, for example, open that one

وَنْ يُو اَرَايُوْدْ اَيْنْ وَاَشِينْغْتَنْ، فُرْ اَكْرَمِيْلْ، اَيْنْ دَتْ وَاَنْ

مثلاً وقتی که شما به واشینگتن رسیدید آن یکی را باز کنید

529 then you'll know what to do.

سپس شما می فهمید که چه کاری انجام دهید

دَنْ يُولْ نْ وَاْتْ تُو دُو

530 this is all very strange

دِيْسْ اِيزِ اَلْ وِرِيْ سْتِرِيْنْجْ

این ها همه خیلی عجیب هستند

531 Yes, it's strange

يِسْ، اَيْتْسْ سْتِرِيْنْجْ

بله. عجیب است



532 But worth the trouble, I think اما فکر می کنم که ارزش به زحمت افتادن را دارد

بَات وُرْت دِ تِرِاِبِلْ ، اَمِی تِیْنِکْ

533 when you finished your "treasure hunt" and return to Atlanta

وَن یو فینیشْت یُر "تیریزر هانت" اَنَد ریتِرُنْ تو آتلانتا

وقتی که شما "شکار گنج" را تمام کردید و به آتلانتا برگشتید

534 I'll give you your check من چکتان را به شما خواهم داد

اِبِلْ گِیو یو یُر چِکْ



A. arrest a suspect

مظنون را دستگیر کن

1. police officer

امسر پلیس

2. handcuffs

دستبند



B. hire a lawyer / hire an attorney

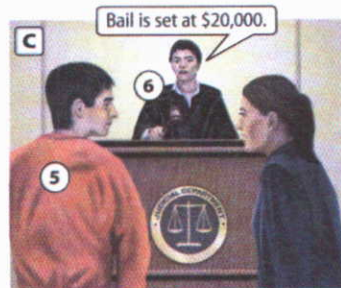
پک وکیل استخدام کنید

3. guard

محافظ

4. defense attorney

وکیل مدافع



C. appear in court

در دادگاه حاضر شوید

5. defendant

مدعی علیه

6. judge

قاضی



D. stand trial

محاکمه کنید

7. courtroom

اتاق دادگاه

8. jury

هیئت زوری

9. evidence

شواهد و مدارک

10. prosecuting attorney

دانشتان

11. witness

شاهد

12. court reporter

گزار شکر دادگاه

13. bailiff

پلیس قضایی



New Words

لغات جدید

lady	لیدی	خانم
certainly	سرتنلی	مطمئناً
thought	ثات	فکر کردم - فکر کردی - فکر کرد ...
direct	دیرکت	مستقیم (اصلی)
descendants	دیسندنتس	وارث
bulk	بالک	قسمت عمده - مقدار زیاد
estate	استیت	دارایی (ثروت)
to believe	تو بیلو	باور کردن
will	ویل	وصیت
to claim	تو کلیم	درخواست کردن
requirements	ریکوآیرمنتس	شرایط - چیزهای مورد نیاز
immigrating	ایمیگریتینگ	مهاجرت
to fall in love	تو فال این لآو	عاشق شدن
adopted	آدآپتد	عادت کرده
country	کانتری	کشور
especially	اسپیشلی	به ویژه
fond	فاند	عاشق (علاقه مند)
easy	ایزی	آسان
sealed	سیلد	مهر و موم شده
envelope	انولپ	پاکت نامه
instructions	این سترآکشنز	دستور العمل
each	ایچ	هر
for example	فر اگزمپل	برای مثال
strange	سترینج	عجیب
to be worth	تو بی ورت	آرزش داشتن



Applying for a credit card

تقاضای کارت اعتباری

- 535 are you applying for a charge account? آیا شما تقاضای حساب جاری دارید؟
آر یو آپلای اینگ فُر اِ چارج اِ اکاؤنٹ؟
- 536 Yes. How long will it take for approval? بله. چه مدت برای موافقت طول خواهد کشید؟
یس. هاو لانگ ویل ایت تیک فُر آپرووآل
- 537 only a few weeks فقط چند هفته
انلی ا فیو ویگس
- 538 have you filled out the application form yet? آیا تا کنون فرم درخواست را پر کرده اید؟
هو یو فیلد آوت د اپلیکیشن فرم یت؟
- 539 Not entirely. I'm not a U.S citizen نه کاملاً. من شهروند آمریکایی نیستم
نات اِنْتایرلی. آیم نات ا یو.اس سیتیزن
- 540 my bank and previous charge accounts are abroad بانک و حساب های قبلی من همه خارج (از این مملکت) هستند
مای بَنک اَنْد پِرویس چارج اکاؤنٹ آر اَبْرآد
- 541 what should I do? من چه کار باید بکنم؟
وات شود آی دو؟
- 542 I don't think there'll be a problem فکر نمی کنم که مشکلی وجود داشته باشد
آی دنت تینک دِرل بی اِ پرابلم
- 543 just write down the name and number of your accounts at home فقط نام و شماره حساب هایت را (که) درکشورت (داری) بنویس
جاست رایت داون د نِم اَنْد نامبر آو یز اکاؤنٹس اَت هم
- 544 we'll let our credit office work out the details ما اجازه می دهیم که دفتر اعتباری مان، خارج از محدوده کار کند
ویل لِت آور کِردیت آفیس وِرک اوت دِ دی تیلز

545 is there a charge to use the card? آیا برای استفاده از کارت، هزینه ای باید پرداخت؟

ایز در ا چارج تو یوز د کارد؟

546 there's no charge for the card itself خود کارت هیچ هزینه ای نمی خواهد

درز ن چارج فر د کارد ایت سلف

547 you pay a small amount of interest on the remaining balance at the end of each month شما بهره ی خیلی کمی را در پایان هر سال برای باقی مانده ی حسابتان می پردازید

یو پی ا سمال آماونت او اینترست آن د ریمینینگ بلنس آد د آند او ایچ مانت

548 is there a limit on what I can charge?

ایز در ا لیمیت آن وات آی کن چارج؟

آیا محدودیتی هست، برای چیزی که می خواهم هزینه کنم؟

549 we'll start you off with a \$1200 maximum

ویل ستارت یو آف ویت ا ۱۲۰۰ (وآن تازند تو هاندر د) دالرز مکسیم

برای شروع حداکثر ۱۲۰۰ دلار (در کارت شما خواهد بود)

550 if your credit history is good اگر اعتبار شما خوب باشد

ایف یر کردیت هیستری ایز گود

551 and you need to increase your line و شما نیاز داشته باشید که مبلغ را افزایش دهید

آند یو نید تو اینکریز یر لاین

552 we can usually do it ما معمولاً می توانیم آن کار را انجام دهیم

وی کن یوزوالی دو ایت

553 great. When can I start using it? عالی است. چه موقع می توانم از آن استفاده کنم؟

گریت. ون کن آی ستارت یوزینگ ایت؟

554 we should have approval with in ten days

وی شود هو آپرووال ویت این تن دیز

ما باید تا ۱۰ روز دیگر، مجوز (موافقت این کار) را بگیریم

555 where shall we mail your card? ما کارت شما را به کجا باید پست کنیم؟

ور شل وی میل یر کارد؟

556 to this address به این آدرس

تو دیس آدرس

557 I'm having all my mail forwarded to my attorney's office while I'm out of town

آیم هونینگ آل مای میل فروآردد تو مای اترنیز آفیس وایل آیم آوت او تاون

من تمام نامه هایم را ارجاع می دهم به دفتر وکیل وقتی که خارج از شهر هستم



New Words

لغات جدید

to apply	تو آپلای	درخواست کردن
charge account	چارچ آکاؤنت	حساب جاری
approval	آپرو و آل	موافقت - تصویب
only	آنلی	فقط
To fill out	تو فیل آؤت	پر کردن (فرم)
application	آپلیکیشن	فرم تقاضا
yet	یت	هنوز - تا به حال
entirely	انتآیرلی	بطور کامل
previous	پرویس	قبلی
abroad	آبرآد	(کشور) خارج
to let	تو لت	اجازه دادن
details	دیتیلز	جزئیات
charge	چارچ	هزینه
itself	ایتسلف	خودش
to pay	تو پی	پرداختن
small	سمال	کوچک (کم)
amount	آماؤنت	مبلغ
interest	ایتیرست	سود
remaining	ریمینینگ	باقی مانده
limit	لیمیت	حد (محدودیت)
maximum	مکسیمم	حداکثر
to increase	تو اینکریز	افزایش دادن
usually	یوژوآلی	معمولاً
to mail	تو میل	فرستادن - پست کردن
mail	میل	نامه
To forward	تو فروارد	فرستادن
forwarded	فرواردد	به سمت - ارجاع داده شده



A business lunch

صرف ناهار در مورد کار

558 how did you know my aunt?

هاوُ دید یو ن مایِ آنت؟

شما چطوری عمه ی من را می شناختید؟ (چگونه با عمه ی من آشنا شدید؟)

559 Stephanie and I founded a small company

سْتَفانی آند آی فَاوَنَدِد اِ سَمالِ کامِپنی

استفانی و من یک شرکت کوچکی را تأسیس کردیم

560 specializing in juice and foods

که در انواع آب میوه و غذاها، ویژه بود

سپیشیالایزینگ این جوس آند فودز

561 we worked together for about six years

ما تقریباً به مدت ۶ سال با هم کار می کردیم

وی وِرکِت توگِدر فُر اِبَاوتِ سیکسِ یِرز

562 she took care of finances

او مراقب کارهای مالی بود

شی توک (تُک) کِرِ او فایننسِز

563 and I handled marketing and sales

و من کارهای بازاریابی و فروش را اداره می کردم

آند آی هَنْدَلد مَارکِٹینگِ آند سِلز

564 she was a delighted to work with

کار کردن با او باعث خوشحالی ما بود

شی وَاز اِ دِیلَیْتد تو وِرکِ وِث

565 I didn't realize that she lived on the West Coast for six years

آی دِیدِنِت رِیالایزِ دَت شی لیود (لُود) آن دِ وِست کُست فُر سیکسِ یِرز

من نمی دانستم که او به مدت ۶ سال در وست کست زندگی می کرد

566 she didn't

شی دِیدِنِت

او (در آنجا) زندگی نمی کرد

567 we met in Chicago

وی مِت این شیکاگ

ما (یک دیگر) را در شیکاگو، ملاقات کردیم



568 as the company grew از دِ کامپنی گورو وقتی که شرکت توسعه یافت

569 I moved to California to be closer to our distributors

آی موؤد تو کالیفرنیا تو بی کلسر تو اور دبستیری بیوترز
من به کالیفرنیا آمدم تا به توزیع کنندگان، نزدیک تر باشم

570 she eventually moved to Atlanta. As you know

شی اونچولی موؤد تو آتلانتا. از یو ن
همان طوری که می دانید او بالاخره به آتلانتا رفت (اثاث کشی کرد)

571 how is the company doing?

هاؤ ایز دِ کامپنی دو اینگ؟
حالا شرکت چطوری دارد کار می کند؟ (حالا اوضاع شرکت چطور است؟)

572 very well. Thank you وری ول. تک یو خیلی خوب است. متشکرم

573 when Stephanie became ill وقتی که استفانی بیمار شد

ون ستفانی بیکیم ایل

574 she sold her shares of the company او سهم شرکت خود را فروخت

شی سلد هر شرز او دِ کامپنی

575 so what brings you to the states?

س و آت بیرینگز یو تو دِ ستیتس؟
بنابراین چه چیزی باعث شده تا شما سری به این ایالت بزنید

576 my aunt wanted me to see the places in America that she loved

مای آنت و آنتد می تو سی دِ پلیسز این امریکا دت شی لاؤد
عمه ام از من خواسته تا شهرهایی را که او در آمریکا دوست داشت را ببینم

577 I'll receive an inheritance once I complete this trip

آیل ریسو آن اینهریتس و آتس آی کامپلید دیس تریپ
من ارثی را دریافت خواهم کرد وقتی که این سفر را کامل کنم

578 and return to Atlanta آند ریترن تو آتلانتا و به آتلانتا برگردم

579 interesting این ترستینگ جالب است

580 before you leave San Francisco قبل از اینکه شما سانفرانسیسکو را ترک کنید

بیفر یو لیو سن فرنسیسکو



581 be sure you see the Golden Gate bridge

حتماً پُل دروازه طلایی را ببینید

بی شُر یو سی دِ گُلْدِن گِیْت بیریج

582 Chinatown and Sausalito

چائِنَا تَاوُنْ اَنْد سَاَسَلِیْتُ

محله ی چینی ها (Chinatown) و ساسلیتو (Sausalito)

583 I've already been to Chinatown

آیو اَلرْدی بِن تُو چائِنَا تَاوُنْ

من پیش از این در محله ی چینی ها (Chinatown) بودم

584 I was just about to go see the bridge

و تقریباً داشتم می رفتم که آن پُل را بینم

آی وَاَز جَاَسْتُ اِبَاوْتُ تُو گِیْت سِی دِ بیریج

585 well. Thanks for lunch

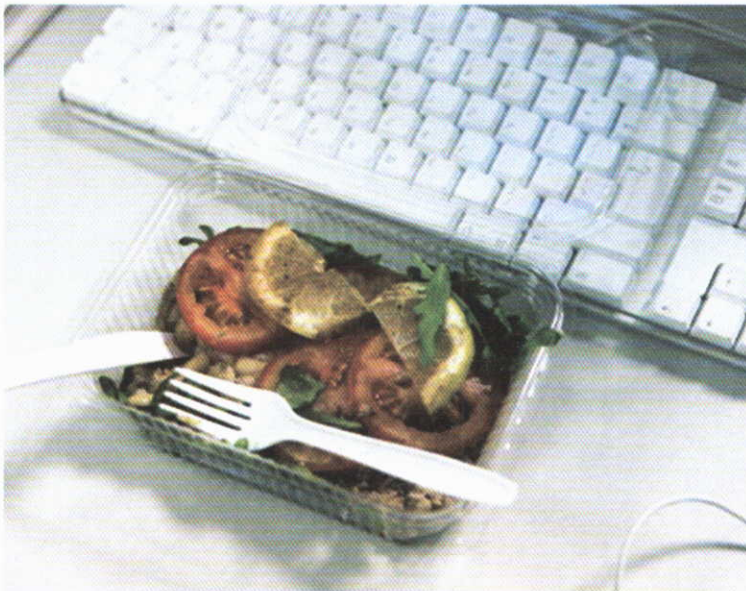
وَل. تَنگَسْ فُر لَانچ

بسیار خوب. بابت ناهارتان، متشکرم

586 it was a pleasure meeting you

دیدار با شما باعث خوشحالی من بود

ایت وَاَز اِ پیلِزِر میتینگک یو





New Words

لغات جدید

to found	تو فاؤند	تأسیس کردن
company	کامپنی	شرکت - کمپانی
food	فود	غذا
together	تو گدر	باهم
finance	فایننس	مالی
to handle	تو هندل	اداره کردن - کنترل کردن
marketing	مارکتینگ	بازاریابی
to realize	تو ریالایز	تشخیص دادن. فهمیدن
to grow	تو گر	رشد کردن - توسعه یافتن
grew	گورو	توسعه یافت
distributors	دیس تیری بیوترز	توزیع کنندگان
ill	ایل	بیمار
sold	سلد	فروخت (فروختم - فروختی - فروخت)
share	شر	سهم
to receive	تو ریسو	دریافت کردن
once	وانس	وقتی که - یک بار
already	الردی	تقریباً





California dreaming

رویای کالیفرنیا

- 587 one of my favorite places in America is the area around Monterey, California
 یکی از مکان های مورد علاقه ی من در آمریکا، منطقه ای است اطراف مانتری، کالیفرنیا
 وَأَنْ أَوْ مَآیَ فِیْرِیْتِ پِلِیْسِزْ اِیْنِ اِمْرِیْكَ اِیْزْ دِ اِیْرِیَا اَرَاوْتَدِ مَآتْرِیْ، کَلِیْفَرْنِیَا
- 588 I would like my niece to visit Monterey the way I did, as a tourist
 آئی وُود لَآیْکُ مَآیَ نِیْسُ تُو وِیْزِیْتُ مَآتْرِیْ دِ وِیْ آئی دِیْدِ، اَزِ اِ تُوْرِیْسْتُ
 دوست دارم که دختر خواهرم مانتری را ببیند به همان طریقی که من به عنوان یک توریست، دیدم
- 589 she should do the following
 او باید کارهای زیر را انجام دهد
 شِیْ شُوْدِ دُو دِ قَالِ اِیْنِکُ
- 590 one. have lunch at a restaurant on Canary Row
 وَأَنْ. هُوَ لَآیْجُ اَتِ اِ رِسْتُوْرَنْتُ اَنْ کَبْرِیْ رُ
 اول. در رستوران کبری رُ Canary Row ناهار بخور
- 591 sit at a table overlooking the water
 پِشْتِ مِیْزِیْ بَنْشِیْنِ کِهْ مَشْرَفِ بَرِ اَبِ بَاشْدِ
 سِیْتُ اَتِ اِ تِیْبِلُ اُوْرَلُوکِیْنِکُ دِ وَاْتِرُ
- 592 perhaps you'll be able to catch a glimpse of the famous sea otters
 پَرَهْیَسُ یُوْلُ بِیْ اِیْبِلُ تُو کِجْ اِ گِلیْمِیْسُ اَوْ دِ فِیْمِسُ سِیْ اَتِرُزْ
 شاید شما بتوانید بطور اتفاقی آن سمورهای دریایی معروف را ببینید
- 593 two. visit the Monterey Bay Aquarium
 دُوْمِ. اَکُواریوْمِ خَلِیْجِیْ مَآتْرِیْ رَا بِیْنِ
 تُو. وِیْزِیْتُ دِ مَآتْرِیْ بِیْ اَکُوَارِیْمُ
- 594 three. take the scenic 17 Mile drive
 ثِیْرِیْ. تِیْکُ دِ سِیْنِکُ سُوْنِیْنِ مَآیْلُ دِرَاوُ
 سوم. هفده مایل در آن منظره خوش آب و هوا رانندگی کن



595 four. drive on highway 1 down to Big Sur

فُر. دِرْاِیُوْ اَنَ هَاِیْ وِیْ وَاَنَ دَاوَنُ تُو بِیگ سِرْ

چهارم. از بزرگراه شماره ۱ به سمت پایین تا Big Sur رانندگی کن

596 for a splendid view of the rugged California coastline

فُر اِ سَپْندِیدِ وِیوِ اَوِ دِ رَاکْذِ کَلِیْفَرْنِیَا کُستِ لَاینِ

برای تماشای منظره ی باشکوه صخره های خط ساحلی کالیفرنیا

597 five. on the return, drive to Monterey

پنجم. در برگشت، به سمت ماتری رانندگی کن

فَاِیُوْ. اَنَ دِ رِیْتِرَنَ، دِرْاِیُوْ تُو مَاتِرِی

598 spend a night at the quaint Lamp Lighter in beautiful Carmel by the sea

سَپْندِ اِ نَایْتِ اَتِ دِ کَوَاِیْنْتِ لَمْپِ لَایْتِرِ اِیْنِ بِیوْتِیْفُوْلِ کَاْرْمِلِ بَاِیْ دِ سِی

شب را در آن کارمل زیبای کنار دریا با آن روشنایی جالب چراغ ها، بگذران

599 ask for the Hansel and Gretel cottage

درخواست کلبه های هَنسِلِ وِ گِرِتلِ را بکن

اَسْکُ فُرِ دِ هَنْسِلِ اَنْدِ گِرِتلِ کَاتِجِ

600 if you can get it

اِیْفِ یُو کَن گِتِ اِیْتِ

اگر بتوانی بگیری





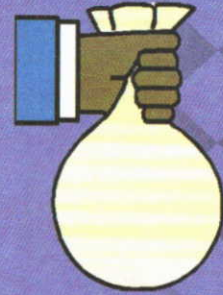
New Words

لغات جدید

area	اریا	منطقه
tourist	توریست	توریست
to sit	تو سیت (تو ست)	نشستن
table	تیبِل	میزِ ناهار خوری
overlooking	اُور لُوکینگ	چشم انداز
perhaps	پِرهپس	شاید
to be able to	تو بی ایل تو	قادر بودن
glimpse	گیلمپس	(بطور اتفاقی) نظری انداختن به
famous	فیمس	مشهور
sea otter	سی اتر	سمور دریایی
bay	بی	خلیج
aquarium	اکواریم	آکواریوم
scenic	سینک	خوش منظره - تماشایی
highway	های وی	بزرگراه
splendid	سپلندد	باشکوه
coastline	کُست لاین	خط ساحلی
return	ریترن	بازگشت
quaint	کوآینت	خیلی خوب
Lamp Light	لَمپ لایت	روشنایی چراغ
cottage	کاتج	کُلبه



Collecting your inheritance



وصول ارث شما

- 601 well. How did your trip go? وُلْ. هَاوْ دِيدِ يَرْ تَرِبْ گُ؟ خوب. سَفَرِ شَمَا چِگونِه بود؟
- 602 it was great اَيْتْ وَاَزِ گَرِيْتْ اَنِ عَالِي بود
- 603 I had no idea the U.S was so large
اَيْ هَدِ نْ اَيديَا دِ يُواسْ وَاَزِ سْ لَآرَجْ
مِنِ عَقِيده نداشتَم (باورِ نَمِي كَرْدَم) كِه اِيالاتِ مِتَحَدِه ، اِيِنقَدِرِ بَزَرِگِ اسْت
- 604 I thought I would never get back to Atlanta
اَيْ ثَاتِ اَيْ وُودِ نُوِرِ گِتْ بَكْ تُو اَنَلَاتَا
فَكْرِ مِي كَرْدَمِ كِه هِرْگِزِ بِه اَنَلَاتَا بَازِ نِخَوَاهَمِ گِشْت
- 605 did you follow your aunt's instructions?
دِيدِ يُو فَالْ يَرْ اَتْسْ اِيْنِ سْتِرَاكْشِنْرْ؟
اِيَا شَمَا اَزِ دِسْتورالْعَمَلِ هَايِ عَمِه اَتانِ پِيروِي كَرْدِيدْ؟
- 606 I think so اَيْ ثِيْنِكْ سْ فَكْرِ مِي كَنَمِ كِه هَمِيْنِ طُورِ باشَد
- 607 here are my receipts and the other items she wanted me to collect
هِيِرْ اَرِ مَائِ رِسِيْتْسْ اَنْدِ دِ اَدِرِ اَيْتَمَزْ شِي وَاَتِنْدِ مِي تُو كَالِكْتْ
بِفْرَمَايِيدِ اِيْنِ هَمِ رَسِيدِهَايِ مَنِ وِ دِيْگِرِ اَقْلَامِي كِه او مِي خِواستِ مَنِ جَمْعِ كَنَمِ
- 608 I think everything is in order اَيْ ثِيْنِكْ اَوْرِي ثِيْنِكْ اِيَزِ اِيْنِ اُورِدِرْ فَكْرِ مِي كَنَمِ كِه هَمِه چِيْزِ مَرْتَبِ اسْت
- 609 Yes, I believe you have satisfied the conditions in your aunt's will
بِلِه، اَيْ بِيْلِيُو يُو هُو سَتِيْسْفَايِدِ دِ كَانْدِيَشِنْرْ اِيْنِ يَرْ اَتْسْ وِيلْ
بِلِه مَنِ مَعْتَقَدِ هِسْتَم كِه شَمَا راضِي شُدِه اِيْدِ بَا شَرَايِطِي كِه دَرِ وِصِيْتِ نَامِه يِ عَمِه يِ شَمَا مِي باشَد
- 610 here's your check هِيِرِزْ يَرْ چِكْ بِفْرَمَايِيدِ اِيْنِ هَمِ چِكِ شَمَا



- 611 you can deposit it once you get home if you want

يُو كُنْ دِيَازِيْتْ اِيْتْ وَاَنْسْ يُو كِتْ هُمْ اِيْفْ يُو وَاَنْتْ

اگر بخواهید شما می توانید وقتی که به منزل برسید آن را به حساب بگذارید

- 612 wow! I think I'll do that

وای! فکر می کنم که همین کار را انجام خواهم داد

وَاوْ! آيْ ثِيْنِكْ اَيْلْ دُو دَتْ

- 613 I'll have a lot of credit card bills waiting for me

اَيْلْ هُوْ اِلَاتْ اَوْ كَرِدِيْتْ كَارْدِ بِيْلْزْ وَيْتِيْنِكْ قُرْ مِي

من کارت های اعتباری زیادی دارم که منتظرم هستند (تا آنها را پرداخت کنم)

- 614 one thing is for sure

وَأَنْ ثِيْنِكْ اِيْزْ قُرْ شُرْ

یک چیز حتمی می باشد

- 615 your English has really improved since you arrived

يُرْ اِيْنِغِلِيْشْ هَزْ رِي پِلِي اِيْمُورُوْدِ سِيْنْسْ يُو اَرَايُوْدْ

از وقتی که شما آمدید تا حالا، انگلیسی شما واقعاً خوب شده است

- 616 you're kind

يُوْرْ كَايْنِدْ

نَظَرِ لُطْفِ شَمَا اِسْتْ

- 617 I think it has, too

آيْ ثِيْنِكْ اِيْتْ هَزْ، تُو

من فکر می کنم که همین طور است

- 618 I wonder how I'll keep it up

فکر می کنم که چه طوری آن را به همین حالت، نگاه دارم

آيْ وَاَنْدِرْ هَاوْ اَيْلْ كِيْبْ اِيْتْ اَبْ

- 619 with the money from your inheritance

با پولی که از ارث به شما رسیده

وِيْتْ دِ مَانِيْ فِرَامْ يُرْ اِيْشِهْرِيْتْسْ

- 620 you'll be able to come back to the U.S as often as you like

يُوْلْ بِي اِيْبِلْ تُو كَاْمْ بَكْ تُو دِ يُوَاْسْ اَزْ اَقِنْ اَزْ يُو لَايِكْ

شما قادر خواهید بود که هر وقت دوست داشته باشید به ایالات متحده برگردید

- 621 or go anywhere else in the world for that matter

اُرْ كُنْ اِنِي وِر اِلْسْ اَيْنْ دِ وِلْدْ قُرْ دَتْ مِتْرْ

یا برای آن موضوع به هر جایی که در دنیا بخواهید بروید

- 622 have a safe trip home

هُوْ اِ سِيْفْ تَرِيْبْ هُمْ

سَفَرِ خُوْبِيْ بَه مَنَزَلِ دَاشْتَه بَاشِيْدْ

- 623 thank you. I will be back!

تَنَكْ يُو. آيْ وِيْلْ بِي بَكْ!

مَتَشَكْرَمْ. بَرِخَوَاْمْ گِشْتْ!



New Words

لغات جدید

idea	آیدیآ	عقیده - نظر
receipt	رسیت	رسید (برگه ی رسید)
items	آیتمز	اقلام
to collect	تو کالکت	جمع کردن - گرد آوردن
in order to	این اوردو تو	به منظور
conditions	کاندیشنز	شرایط
to deposit	تو دیپازیت	به حساب (بانکی) گذاشتن
to wait	تو ویت	منتظر ماندن
for sure	فر شر	مطمئناً
improved	ایم پروو	بهرتر کردن - ارتقاء دادن
wonder	واندر	تعجب کردن - فکر کردن
money	مانی	پول
anywhere	انی ور	هر کجا
else	الس	دیگر
world	ولد	جهان
matter	متر	موضوع
safe	سیف	امن

Ways to Pay راه های پرداخت



A. pay cash
نقد پرداخت کن



B. use a credit card
از کارت اعتبار استفاده کن



C. use a debit card
از کارت به‌کاربری استفاده کن



D. write a (personal) check
چک (شخصی) را امضا کن



E. use a gift card
از کارت کادوای استفاده کن



F. cash a traveler's check
چک مسافرتی را خرید کن



Changing money

تبدیل کردن پول (چنج کردن)

624 hello. I'd like to change some money in to U.S currency, please

هَلْ. آید لَایکْ تُو چِیجْ سَامْ مَانی اینْ تُو یو.اسْ کَآرَنسی، پیلیزْ

سلام. من مایل هستم (می خواهم) که مقداری پول را به پول رایج آمریکا، تبدیل کنم

625 certainly.do you have cash or traveler's checks?

سِرْتَنلی. دو یو هُو کَشْ اُرْ تِرَآولِرْزْ چِکْسْ؟

حتماً. آیا شما پول نقد دارید یا چک های مسافرتی؟

626 traveler's checks

تِرَآولِرْزْ چِکْسْ

چک های مسافرتی

627 here they are

هیرِ دِیْ آرْ

بفرمایید آنها را بگیرید

628 may I see your passport, please?

ممکن است لطفاً پاسپورتتان را ببینم؟

میْ آیْ سیْ یُرْ پَسِپَرْتْ، پیلیزْ؟

629 of course

آفْکُرسْ

البته

630 let's see

لِتْسْ سیْ

اجازه دهید تا ببینم

631 that adds up to one thousand two hundred fifty dollars

دَتْ اَدزْ آپْ تُو وَاَنْ تَاَزَنْدْ تُو هَاَنْدَرِدْ فِیفتیْ دَالِرْزْ

جمع آن می شود ۱۲۵۰ دلار

632 would you like it in any special denomination?

وود یو (ووجْ یو) لَایکْ ایتْ اینْ اِنیْ سِپِشَلْ دِنَاْمِینِشِنْ؟

آیا نوع بخصوصی از پول را می خواهید؟

633 I beg your pardon?

آیْ بِگْ یُرْ پَارْدِنْ؟

ببخشید؟ (متوجه نمی شوم؟)

634 how would you like your money?

دوست دارید (می خواهید) پول شما چگونه باشد؟

هاوْ وُودْ یو لَایکْ یُرْ مَانیْ؟



635 in twenties, fifties, or hundred dollar bills

این توانتیز، فیفتیز، آر هاندرد دالر بیلز

در اسکناس های ۲۰ دلاری، ۵۰ دلاری یا یکصد دلاری

636 a hundred dollars in twenties

صد دلار را اسکناس ۲۰ تایی بدهید

ا هاندرد دالرز این توانتیز

637 and the rest in hundred dollar bills, Please

آند د رست این هاندرد دالر بیلز، پیلیز

و مابقی را لطفاً اسکناس ۱۰۰ دلاری (بدهید)

1. \$.01 = 1¢
a penny / 1 cent

یک پنی / ۱ سنت

2. \$.05 = 5¢
a nickel / 5 cents

یک نیکل / ۵ سنت

3. \$.10 = 10¢
a dime / 10 cents

یک دایم / ۱۰ سنت

4. \$.25 = 25¢
a quarter / 25 cents

یک ربع / ۲۵ سنت

5. \$.50 = 50¢
a half dollar

نصف دلار

6. \$1.00
a dollar coin

سکه یک دلاری



A. Get change.

پول خرد بگیر.

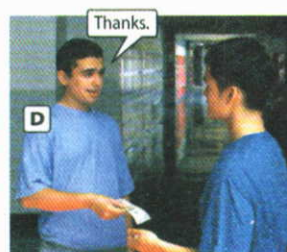


B. Borrow money.

پول قرض بگیر.

C. Lend money.

پول قرض بده.



D. Pay back the money.

پول پس بده.



New Words

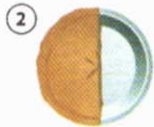
لغات جدید

to change	تو چینج	تبدیل کردن پول
currency	کارَنسی	پول رایج
certainly	سَرَتَنلی	حتماً
to add up	تو آد آپ	جمع بستن
thousand	تأزَنَد	هزار
fifty	فیفَتی	پنجاه
denomination	دَنآمِینِشِن	نوع پول
the rest	د رِست	مابقی

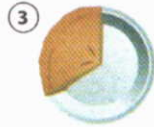
Fractions and Decimals کسرها و اعشاریها



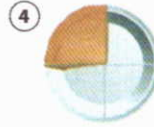
1. one whole
 $1 = 1.00$
یک کامل



2. one half
 $1/2 = .5$
یک دوم



3. one third
 $1/3 = .333$
یک سوم

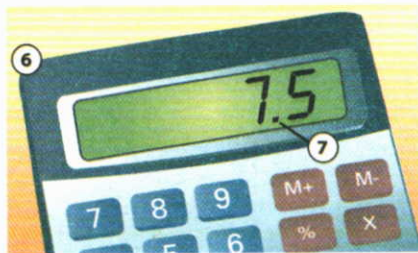


4. one fourth
 $1/4 = .25$
یک چهارم

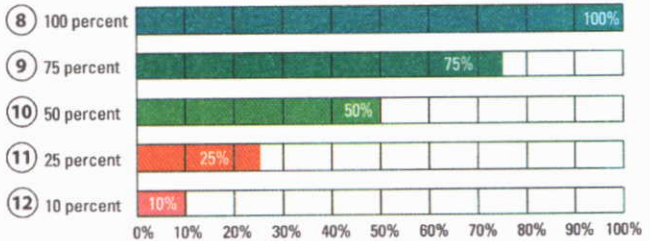


5. one eighth
 $1/8 = .125$
یک هشتم

Percents درصدها



6. calculator
ماشین حساب
7. decimal point
ممیز



8. 100 percent
100 درصد
9. 75 percent
75 درصد
10. 50 percent
50 درصد
11. 25 percent
25 درصد
12. 10 percent
10 درصد



Public transportation

حمل و نقل عمومی



- 638 may I help you? می آی هَلپ یو؟ اجازه هست به شما کمک کنم؟
- 639 Yes. Thanks یِس. تَنکسْ بله. متشکرم
- 640 I'm staying at the Peachtree Plaza in town
آیم سْتی اینگ اَت دِ پیچ تیری پلازا این تاون
من در شهر در هتل پیچ تیری پلازا (the Peachtree plaza) اقامت دارم
- 641 what's the best way to get there? بهترین راه برای رسیدن به آنجا چیست؟
وآتس دِ بَسْت وی تو گت در؟
- 642 you can take a cab, bus, limo or hotel shuttle
یو کن تیک اِ کَب، بَس، لِمُو یا ماشین مخصوص هتل بشوید
- 643 what do you recommend? شما چی پیشنهاد می دهید؟
وآت دو یو رِکامند؟
- 644 that depends آن بستگی دارد
دَت دیندز
- 645 a cab is faster but more expensive تاکسی سریع تر است، اما گران تر
اِ کَب ایز فِستِر بَات مَر اِکسپنسیو
- 646 the bus is cheaper but a little slow اتوبوس ارزان تر است، اما مقداری کند
دِ بَس ایز چِپِر بَات اِلِتل سُل
- 647 it would probably be a good idea احتمالاً نظر خوبی است که
ایت وود پَرآپلی بی اِ گود آیدیا
- 648 to take your hotel shuttle سوار ماشین مخصوص هتل خودتان بشوید
تو تیک یُر هتل شاتل
- 649 all right آُل رایت بسیار خوب



- 650 where do I catch it? وِر دو آی کج ایت؟ کجا آنرا سوار شوم؟
- 651 just go through those doors فقط از میان آن درها رد شوید
- 652 look for the shuttle sign و به دنبال علامت ماشین هتل، بگردید
- 653 when it comes, wave and the driver will pick you up وِن ایت کامز، وِیو آند دِ درآیور ویل پیک یو آپ
- 654 how much does it cost? هاو ماچ ویل ایت کاست؟ هزینہ ی آن چقدر می شود؟
- 655 it's a courtesy shuttle, so it's free ایتس اِ کِرتسی شاتل، س ایتس فیری
- 656 you can tip the driver if you want اگر شما بخواید، می توانید به راننده، انعام بدهید
- 657 thank you for your help از کمک شما متشکرم



1. bus route مسیر اتوبوس
2. fare کرایه
3. rider مسافر



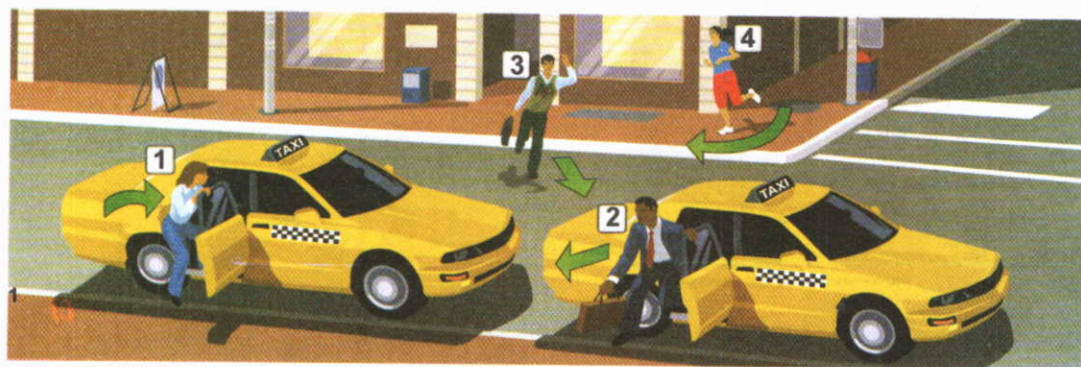
4. subway واکن مترو
5. platform سک
6. turnstile ورودی گردان
7. vending machine ماشین فروش بنیت



New Words

لغات جدید

the best	د بَسْت	بهترین
way	وِی	راه - مسیر
cab	کَب	تاکسی
to recommend	تو رِکامِنْد	توصیه کردن
faster	فَسْتَر	سریع تر
but	بَات	اما
expensive	اِکْشِنْسِیو	گران
cheaper	چِیپَر	ارزان تر
slow	سَل	کُند - آرام
idea	آیْدِیَا	عقیده - نظر
to catch	تو کَچ	گرفتن (رسیدن)
sign	سَایِن	عَلامت
to wave	تو وِیو	(دست) تکان دادن
courtesy	کِرْتِسی	احترام
free	فِیری	مجانمی - آزاد
tip	تِیپ	انعام
if	ایف	اگر

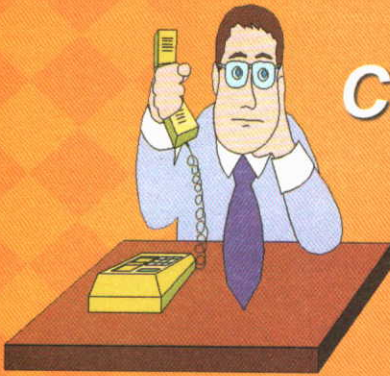


1. get into the taxi
سوار تاکسی بشوید

2. get out of the taxi
از تاکسی پیاده بشوید

3. run across the street
از میان خیابان عبور کنید

4. run around the corner
از گوشه با دویدن عبور کنید



Checking into a hotel

رزرو جا در هتل

658 welcome to the Peachtree Plaza

وَلِكَاْمٌ تُو دِ بِيچِ تيري پَلَاژَا

به هتل پیچ تیری پلازا (the Peachtree Plaza) خوش آمدید

659 do you have a reservation?

آیا شما رزرو دارید؟ دو یو هُو اِ رِزروِیشِن؟

660 Yes, I do. I'll be staying for two or three days

بِس، آی دو. آیلُ بی سَتی اینگُ فُرُ تو اُر ثیری دِیزُ

بله، (رزرو) دارم. من به مدت ۲ یا ۳ روز خواهم ماند

661 are you here for business or pleasure?

آر یو هِیرُ فُرُ بیزینسُ اُر پِلِیزِرُ؟

آیا شما برای تجارت به اینجا آمده اید یا برای تفریح؟

662 could you please speak more slowly?

ممکن است لطفاً قدری آهسته تر صحبت کنید؟

کود یو (کوچُ یو) پِلِیزُ سِیکُ مُرُ سَلِی؟

663 is this a business trip or just a vacation?

آیا این یک سفر کاری است یا فقط یک تعطیلی؟

ایزُ دِیسُ اِ بیزینسُ تِرِپُ اُر جَاسْتُ اِ وِکِشِنُ؟

664 both, actually

بُتُ، اِکْچوَالی

در حقیقت هر دو

665 my aunt died recently in Atlanta

عمه ی من اخیراً در آتلانتا، فوت کرد

مَایُ اَنْتُ دَآیدُ رِیسْتِلی اِینُ اَنَاَلَنَتَا

666 I've come to take care of her estate

من آمده ام تا مراقب اموال او باشم

آیوُ کَاْمُ تو تِیکُ کِرُ اَوُ هِرُ اِسْتِیتُ

667 I'm sorry for your loss

بخاطر اینکه او را از دست دادید، متأسف هستم

آیمُ سَاری فُرُ یزُ لَاسُ



668 we'll make your stay here as worry-free as possible

وَيْلٌ مِيكَ يُرْ سَتِي هِيرْ اَزْ وُرى-فیری اَزْ پَاسِیلْ

ما اقامت شما را در اینجا تا حد امکان بدون نگرانی می کنیم

669 thank you

تَشْکُرْ یو

مَشْکُرم

670 we have room 758 reserved for you ۷۵۸ را برای شما رزرو کرده ایم

وی هُوَ رُومْ سُونْ فِیْتی اَیْتْ رِیزِرُودْ فُرْ یو

671 will you be paying with cash or a credit card?

ویلْ یو بی بی اَیْنِگْ وِیْتْ کَشْ اُرْ اِ کَرِدِیْتْ کَآرْدْ؟

با پول نقد یا کارت اعتباری می پردازید؟

672 a credit card

اِ کَرِدِیْتْ کَآرْدْ

کارت اعتباری

673 here it is

هیرْ اَیْتْ اَیْزْ

بفرمایید بگیرید

674 what's the rate?

وَأْتَسْ دِ رِیْتْ؟

نرخ چقدر است؟ (کرایه چقدر است؟)

675 one hundred and twenty-nine dollars per month

هر ماه ۱۲۹ دلار

وَأَنْ هَآندَرِدْ آندْ تَوَانِی- نَآیْنْ دَآلِرْزْ پَرْ مَآنْثْ

676 there's also a complimentary continental breakfast

دِرْزْ آلسْ اِ کَآمْ پِلیْمَنْتِری کَآنْتِینَنْتَالْ بَرِکْفِیْسْتْ

یک صبحانه ی اروپایی رایگان هم، وجود دارد

677 I need to make an imprint of your credit card

آی نید تو مِیکْ اَنْ اِیْمْ پِریْنْتْ آو یُرْ کَرِدِیْتْ کَآرْدْ

لازم است که من کارت اعتباری شما را چک کنم

678 how do I get to my room? هَاوْ دُو آی گِیْتْ تُو مَآیْ رُومْ؟ چگونه به اتاقم بروم؟

679 take the elevator on the right to the seventh floor

تِیکْ دِ الِوِیْتِرْ اَنْ دِ رَآیْتْ تُو دِ سَوِنْتْ فِلْرْ

سمت راست سوار آسانسور شوید تا طبقه هفتم

680 and turn to your left after you exit the elevator

آندْ تَرْنْ تُو یُرْ لِفْتْ اَفْتِرْ یو اِکْرِیْتْ دِ الِوِیْتِرْ

و بعد از اینکه از آسانسور خارج شدید، به سمت چپ، بپیچید



681 the room will be on your right

اتاق، سمتِ راست شما خواهد بود

دِ رومِ ویلِ بی آنِ یِرِ رآیتِ

682 a bellman will bring up your bags

یک مُستخدَم، کیف های شما را می آورد

اِ بِلْ مَنُ ویلِ بیرینگِ آپِ یِرِ بَگَزِ



1. doorman

دربان

2. revolving door

دَرِ گِرْدان

3. parking attendant

نگهبان پارکینگ

4. concierge

سرایان

5. gift shop

مغازه هبیه

6. bell captain

سرپیش خدمت

7. bellhop

پیشخدمت

8. luggage cart

گاری چمدان

9. elevator

اسانسور

10. guest

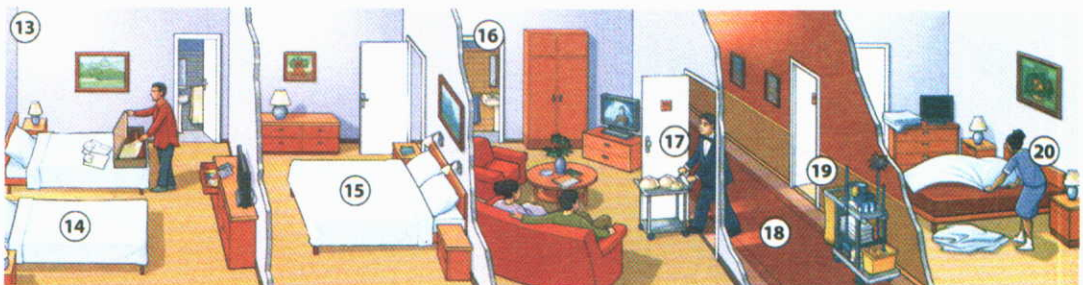
مهمان

11. desk clerk

کازمند پذیرش

12. front desk

پیش خوان



13. guest room

اتاق مهمان

14. double bed

تخت دو نفره

15. king-size bed

تخت بزرگ

16. suite

سوئیت

17. room service

خدمات اتاق

18. hallway

راهرو

19. housekeeping cart

چرخ پیش خدمت

20. housekeeper

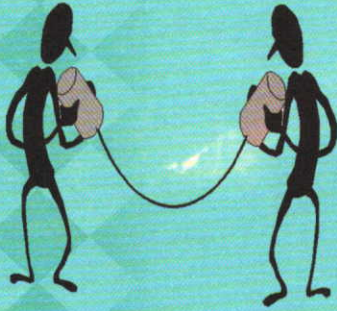
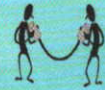
پیش خدمت



New Words

لغات جدید

welcome	وَلْكَأَم	خوش آمدید
slowly	سَلُّ لِي	به کندی (به آرامی)
actually	اَكْجَوَالِي	در حقیقت
recently	رِيسِنْت لِي	اخيراً
loss	لَاس	فقدان - کمبود
worry	وَرِي	نگران - نگرانی
rate	رَيْت	نرخ - کرایه
twenty - nine	تَوَانْتِي - نَآيْن	بیست و نه
complimentary	كَامْبِيلِمَنْتَرِي	رایگان - اهدایی
continental	كَانْتِنِنْتَال	قاره ای - اروپایی
breakfast	بِرِكْفَسْت	صبحانه
to need	تو نید	نیاز داشتن
elevator	الْوَيْتَر	آسانسور
on the right	آن د رَآيْت	سمت راست
seventh	سَوْنْت	هفتم - هفتمین



Making a phone call

برقراری تماس تلفنی

683 how may I help you? هاوِ میِ آیِ هِلپِ یو؟ چه طور ممکن است که به شما کمک کنم؟

684 I'd like to make an international call, please

آید لایکِ تو میکِ اَن اِینترنشنالِ کالِ، پیلزِ

می خواهم یک تماسِ تلفنیِ بین المللی بگیرم

685 you can dial directly from your room if you like

یو کَن دایِلِ دیرکتلیِ فرامِ یُر رومِ ایفِ یو لایکِ

اگر شما دوست دارید می توانید مستقیماً از اتاق خود تان شماره گیری کنید

686 I'm sorry

آیمِ ساری

متأسف هستم. (بیخشید)

687 I don't understand what to do

نمی دانم که چه کار کنم

آیِ دنتِ آندرستندِ واتِ تو دو

688 just hang up. Then dial zero .one .one

جاستِ هنگِ آپِ. دنِ دایِلِ زیرِ. وانِ. وانِ

فقط گوشی را بگذارید. سپس شماره صفر. یک. یک را بگیرید

689 your country and city codes and your number

یُر کانتیریِ آندِ سیتیِ کدزِ آندِ یُرِ نامبرِ

کد کشور و کد شهر و شماره ی خودتان را (بگیرد)

690 O.K. thanks for your help

بسیار خوب. از کمک شما متشکرم ا.کی. تنکسِ فرِ یُرِ هِلپِ

691 you're welcome

یورِ ولِ کامِ

خواهش می کنم. (قابلی ندارد)

692 would you like to charge the call

آیا شما دوست دارید که هزینه ی تلفن را به حساب

to your room or pay with a credit card?

اتاق شما بنویسم یا با کارت اعتباری پرداخت می کنید؟

وود (ووج) یو لایکِ تو چارجِ دِ کالِ تو یُرِ رومِ اُرِ پیِ ویتِ اِ کِردیتِ کاردِ؟



693 to my room تو مایِ رومِ به حساب اتاقم (بگذارید)

694 all right. I'll take care of it for you

آلِ رآیتِ. آیلِ ئیکِ کَرِ آو ایتِ فُرِ یو

بسیار خوب. ترتیب آن را می دهم. (آن کار را انجام می دهم)

695 have a nice evening

هُوَ اِ نَایَسِ ایوینینگِ

عصر خوبی داشته باشید

New Words

لغات جدید

international

اینترنشنال

بین المللی

call

کال

تماس (تلفنی)

to dial

تو دآیل

شماره گرفتن

directly

دیرکت لی

بطور مستقیم

hang up

هنگ آپ

گوشی را بگذارید

zero

زیر

صفر

تلفن کردن Making a Phone Call



A. Dial the phone number.
شماره تلفن را بگیر.



B. Press "send".
"بفرست" را فشار بده.



C. Talk on the phone.
تلفنی حرف بزن.



D. Hang up. / Press "end".
قطعه تلفن / فشار روی دکمه "پایان" بده.

زنگ اضطراری زدن Making an Emergency Call



E. Dial 911.
شماره ۹۱۱ بگیر.



F. Give your name.
اسم خود را بده.



G. State the emergency.
وضع اضطراری را بگو.



H. Stay on the line.
پشت خط باش.



Renting a car

اجاره یک اتومبیل



696 I'd like to rent a car for several weeks

آید لایک تو رنت ا کار فُر سورال ویکس

من دوست دارم (می خواهم) یک ماشین به مدت چند هفته کرایه کنم

697 do you have a reservation?

آیا شما رزرو دارید؟ دو یو هو ا رزرویشن؟

698 No, I don't

نه، ندارم ن آئی دنت

699 all right. I'll see what we have available

آل رایت. آیل سی وات وی هو اوایل

بسیار خوب. ببینم که چه چیزهایی را موجود داریم

700 would you like a subcompact, compact, mid – sized or luxury car?

ووج یو لایک ا سَاب کامپکت، کامپکت، مید-سایزد ا ر لاکسری کار؟

آیا شما ماشین جا دار، کم جا، با اندازه ی کوچک یا ماشین مُجلل (شیک) می خواهید؟

701 I don't need much room

من جای زیادی نمی خواهم آئی دنت نید ماچ روم

702 just good fuel economy and safety

فقط ایمن باشد و از نظر سوخت، اقتصادی

جاست گود فیول اکانمی آند سیفتی

703 what do you recommend?

شما چه چیزی را پیشنهاد می کنید؟

وات دو یو رکامند؟

704 I have a Chevrolet Caprice ready. Would that be all right?

آئی هو ا شورلت کپرایس ردی. وود دت بی آل رایت؟

من یک ماشین شورلت کپرایس آماده دارم. آیا آن مناسب است؟

705 fine. How much does it cost?

خوب است. هزینه ی آن چقدر می شود؟

فاین. هاو ماچ داز ایت کاست؟



706 well. if you're renting for a week or more

ول. ایف یور رنتینگ فُر ا ویک اُر مُر

خوب. اگر شما دارید برای مدت یک هفته یا بیشتر اجاره می کنید

707 I would recommend our unlimited mileage plan

آی وُود رِکامند اُور اَنلیمیتد مایلیج پلن

من طرح نامحدود مایلی را پیشنهاد می کنم

708 how does it work?

هاو داز ایت وُرک؟

این طرح چگونه است؟

709 you pay a flat rate for the week

شما یک نرخ ثابتی را برای مدت یک هفته، می پردازید

یو پی ا فلت ریت فُر د ویک

710 and you can drive as much as you want

آند یو کن درایو اَز مآج اَز یو وَاَنت

و شما می توانید هر چقدر که بخواهید، رانندگی کنید

711 you can also drop off the car

شما همچنین می توانید ماشین را تحویل دهید

یو کن اَلس درآپ اَف دِ کآر

712 at any of our agencies nationwide

در هر (یک از) آژانس های سراسری ما

اَت اِنی آو اُور اِیجَنسیز نیشن وَاَید

713 you'll start off with a full tank of gas

شما با یک باک پر از بنزین حرکت خواهید کرد

یول ستارت اَف ویت ا فول تَنک اُو گس

714 try to fill it up just before you drop off the car

تُرآی تو فیل ایت آپ جاست بیفُر یو درآپ اَف دِ کآر

سعی کنید که باک را پر کنید درست قبل از اینکه ماشین را تحویل می دهید

715 because we charge more than a regular gas station

بیکآز وی چارج مُر دَن ا ریگولآر گس سَنشین

716 O.K. I'll take it. Where do I sign?

زیرا ما بیشتر از پمب بنزین معمولی هزینه می گیریم

اُکی. ایل تیک ایت. وِر دو آی سآین؟

بسیار خوب. من آن را می خواهم. کجا را باید امضاء کنم؟



New Words

لغات جدید

to rent	تو رنت	اجاره کردن
several	سورآل	چندین
available	اویلبل	موجود
subcompact	ساب کامپکت	جا دار - وسیع - بزرگ
compact	کامپکت	جمع و جور - کوچک
mid- sized	مید - سآیزد	اندازه ی متوسط
luxury	لاکسری	شیک - مجلل
fuel	فیول	سوخت
economy	اکانمی	اقتصادی - به صرفه
safety	سیفتی	آمن - ایمن
unlimited	آنلیمیتد	نامحدود
flat rate	فلت ریت	نرخ ثابت
to drop off	تو درآپ آف	تحویل دادن
nationwide	نیشن و آید	سراسری
to start off	تو ستارت آف	عازم شدن
to fill up	تو فیل آپ	پُر کردن
because	بیکآز	زیرا - چون
to sign	تو سآین	امضاء کردن



1. 4-door car / sedan

ماشین سواری ۴ در

2. 2-door car / coupe

ماشین ۲ در / کوپه

3. hybrid

توسوخت

4. sports car

ماشین اسپورت

5. convertible

کروکی

6. station wagon

واگن استیشن

7. SUV (sport–utility vehicle)

ام بی وی (خونرویی چند منظوره)

8. minivan

مینی ون



Asking for directions

پرسیدن مسیر

717 good morning. Can I help you? صبح بخیر. اجازه هست کمکتان کنم؟

گود مَرْنِنگْ. کَن آئی هَلَبْ یو؟

718 I'm trying to figure out the best way to get to Washington

آیمْ تَرِآئی اِنِنگْ تو فِیگور آوْتْ دِ بَسْتْ وِی تو گِتْ تو وَاشِنِگْتَنْ

دارم سعی می کنم که بهترین مسیر به واشینگتن را پیدا کنم

719 are you driving or flying?

آر یو دِرِآیوِنِگْ اُر فَلَآئی اِنِنگْ؟

آیا با ماشین می روید یا با هواپیما؟ (آیا شما دارید رانندگی می کنید یا پرواز؟)

720 I'm driving

دارم رانندگی می کنم. (ماشین دارم) آیمْ دِرِآیوِنِگْ

721 my car's parked outside

ماشین من بیرون پارک شده است مَآیْ کَآرَزْ پَآرکْتْ آوْتْ سَآیدْ

722 you have two options

شما دو راه انتخاب دارید یو هَوُ تو آپْشِنزْ

723 the first is to take Interstate 85 north

دِ فِرْسْتْ ایزْ تو تِیکْ اِنْتِرْسْتِیتْ اِینی فَایوْ نَرْتْ

اولین (انتخاب این است که) به سمت شمال اِنْتِرْسْتِیتْ ۸۵ بروید

724 through Georgia, South Carolina, North Carolina and Virginia

ثورو جَرُجِیْ یَا، نَآوْتْ کَآرْلِینَا، نَرْتْ کَآرْلِینَا اَنْدْ وِیرْجِینیْ یَا

از جورجیا و جنوب کارولینا و شمال کارولینا و ویرجینیا بگذرید

725 what's the other option?

انتخاب دیگری چیست؟ وَاْتْسْ دِی آدِرْ آپْشِنْ؟

726 you could also take I-75 north through Georgia, into Tennessee

یو کود آَلْسْ تِیکْ آئی-۷۵ نَرْتْ ثورو جَرُجِیْ یَا، اِینْ تو تِِنِسیْ

شما همچنین می توانید I-75 را به سمت شمال بروید و از جرجیا رد شوید و وارد تِنِسیْ شوید



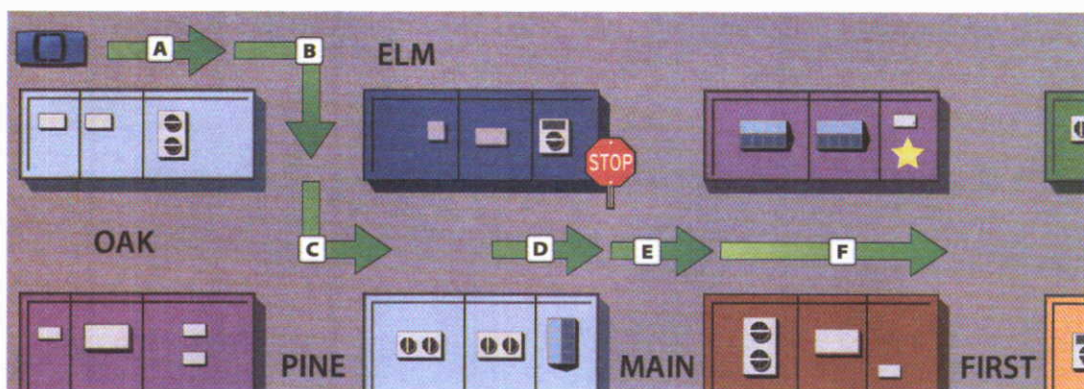
- 727 in Tennessee, you pick up I-81 which will take you into Virginia
 این تنسی، یو پیک آپ آی-۸۱ ویچ ویل تیک یو این تو ویرجینی یا
 در تنسی I-81 را بروید که شما را به ویرجینیا می برد
- 728 you then take I-66 to Washington
 سپس I-66 را به سمت واشینگتن بروید
 یو دن تیک آی-سیکستی سیگس تو واشینگتن
- 729 is there a difference in distance between the two?
 ایز در ا دیفرنس این دیستنس بیتوین د تو؟
 آیا در فاصله فرقی هم بین این دو تا می باشد؟
- 730 I-85 is somewhat shorter,
 آی-ایتی فایو ایز سام وات شرتر
 I-85 قدری کوتاه تر است
- 731 but it's not as scenic
 بات ایش نات از سینک
 اما خیلی خوش منظره، نیست
- 732 and there is usually a lot more traffic
 آند در ایز یوزوالی آلات مر تریک
 و معمولاً ترافیک زیادی هم دارد
- 733 how do I pick up I-85 in Atlanta?
 هآز دو آی پیک آپ آی-ایتی فایو این آتلانتا؟
 چطوری به I-85 در آتلانتا بروم
- 734 just head north on the freeway until
 فقط مستقیم به سمت شمال
 you reach the I-285 (two eighty-five) beltway
 جاست هد نرت آن د فیری وی آنتیل یو ریچ د آی-تو ایتی فایو بلتوی
 در آزاد راه بروید تا به I-285 برسید
- 735 then follow the signs
 سپس از تابلوها (علامت ها) پیروی کنید
 دن فال د ساینز
- 736 by the way, do you have any information about the Washington D.C. area?
 بآی د وی، دو یو هو ائی اینفرمیشن اباوت د واشینگتن دی سی. ارییا؟
 راستی، آیا شما اطلاعاتی در مورد منطقه ی واشینگتن دی سی دارید؟
- 737 sure. Here's a packet of brochures
 شر. هیزر ا پکت او برشرز
 حتماً بفرمایید این هم یک (کتاب راهنمای کوچک) بسته، بروشور
- 738 do you need a hotel reservation?
 دو یو نید ا هتل رزرویشن؟
 آیا شما نیاز به رزرو هتل دارید؟
- 739 No. thanks. I've already made one
 ن. تنکس. آیو آردی مید وان
 نه. متشکرم. قبلاً یکی رزرو کرده ام



New Words

لغات جدید

to figure out	تو فیگور آؤت	فهمیدن - تشخیص دادن
to fly	تو فلای	پرواز کردن
outside	آؤت سآید	بیرون
south	سؤث	جنوب
north	نؤث	شمال
difference	دیفرنس	فروق - اختلاف
distance	دبستنس	فاصله
between	بیت وین	بین
somewhat	سآم وآت	تأحدی - قدری
shorter	شؤرتر	کوتاه تر
free way	فیری وی	بزرگ راه
information	اینفرمیشن	اطلاعات
area	اریآ	منطقه
packet	پکت	بسته - کارتن - پاکت
brochure	برؤشر	بروشور



A. Go straight on Elm Street.

در خیابان الم مستقیم برو.

B. Turn right on Pine Street.

در خیابان پین به راست بپیچ.

C. Turn left on Oak Street.

در خیابان اوک به چپ بپیچ.

D. Stop at the corner.

در گوشه بایست.

E. Go past Main Street.

از خیابان اصلی رد شو.

F. Go one block to First Street.

به اندازه یک بلوک تا خیابان فرست جلو برو.



A flight to the West Coast

یک پرواز به وست کست

- 740 a ticket to San Francisco یک بلیط به سانفرانسیسکو
 ا تیکت تو سن فرانسیسکو
- 741 how many pieces of luggage will you be checking?
 هاو منی پیسز آو لاگیج ویل یو بی چکینگ؟
 چند تا چمدان را (برای تحویل دادن) چک خواهید کرد؟
- 742 just two فقط دو تا
 جاست تو
- 743 may I have an aisle seat?
 میسکن است لطفاً یک صندلی، کنار راهرو داشته باشم؟
 می آی هو آن آیل سینت؟
- 744 Yes, seat 12-c in the coach section بله. صندلی شماره ۱۲-۰ در قسمت گوشه
 یس، سینت توآلو-سی این د کچ سکشن
- 745 you'll be boarding in about 30 minutes from gate 16
 یول بی بردینگ این اباوت ثرتی میتس فرآم گیت سیکستین
 شما حدوداً تا ۳۰ دقیقه دیگر از درب شماره ی شانزده، سوار خواهید شد
- 746 good morning. Can I offer you something to drink?
 گود مرنینگ. کن آی آفر یو سام ثینگ تو دیرنیک؟
 صبح بخیر. اجازه هست چیزی برای نوشیدن پیشنهاد کنم؟
- 747 coffee, please. No cream or sugar لطفاً قهوه. بدون خامه و شکر
 کافی، پلیز. ن کیریم ار شوگر
- 748 today we'll be serving lunch امروز ما ناهار، سرویس خواهیم داد
 تودی ویل بی سروینگ لانچ

749 how long will it take to get to San Francisco?

هَآؤْ لَاتَنُکْ وِیلْ ایتْ تِیکْ تُو گِتْ تُو سَنْ فَرَنسِیسْکْ؟

چه مدت طول می کشد که به سانفرانسیسکو برسیم؟

750 about four hours

اِبَاؤْتْ فُرْ آوَرزْ

حدوداً ۴ ساعت

751 would you like a newspaper or magazine?

آیا شما روزنامه می خواهید یا مجله؟

وُوجْ یُو لَآبْکْ اِ نِیوزِپِپِرْ اُرْ مَکْزِینْ؟

752 No. thanks. I brought a book

نه. متشکرم. من یک کتاب (همراه خود دارم) آوردم

نْ. تَنُکْسْ. آئیْ بَرَاتْ اِ بُکْ (بُکْ)

753 it's all about U.S history

همه آن، در مورد تاریخ ایالات متحده است

اِیْتْسْ آلْ اِبَاؤْتْ یُو.اسْ هِیْسْتِرِیْ

754 and it's fascinating!

اَنْدْ اِیْتْسْ فَسیْنِیتِنگْ!

و آن خیلی جَدَاب است

In the Airline Terminal در ترمینال هواپیمایی



1. skycap

حملات فرودگاهی

2. check-in kiosk

کیوسک تحویل چمدان و بار

3. ticket agent

سامور بلیوط

4. screening area

محل کنترل و بازدید

At the Security Checkpoint در محل بازرسی امنیتی



5. TSA* agent / security screener

تی اس ای / سامور امنیتی

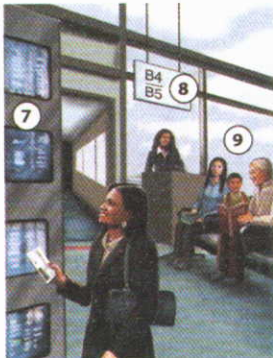
6. bin

سینی

New Words

لغات جدید

fascinating	فَسینِینِگْ	جالب
ticket	تِیکِٹْ	بلیط
piece	پِیسْ	تکه - قطعه
luggage	لَاغِجْ	کیف - چمدان
aisle	آیْلْ	راهرو
seat	سِیْتْ	جا - صندلی
coach	کُچْ	گوشه - کنار
section	سِکْشَنْ	بخش
to board	تو بُردْ	سوار شدن - بارگیری کردن
gate	گِیْتْ	دروازه - درب
coffee	کَافِیْ	قهوه
cream	کیریمْ	خامه
sugar	شوکِرْ	شکر
newspaper	نیوزپِپِرْ - نوزپِپِرْ	روزنامه
magazine	مَگَزینْ	مجله



7. arrival and departure monitors

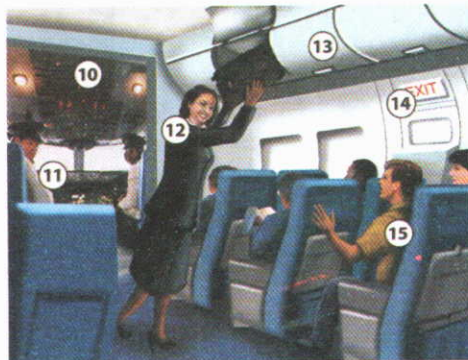
پرده های نمایش پرواز های ورودی و خروجی

8. gate

ورودی

9. boarding area

محل سوار شدن به هواپیما



10. cockpit

کابین خلبان

11. pilot

خلبان

12. flight attendant

مهماندار هواپیما

13. overhead compartment

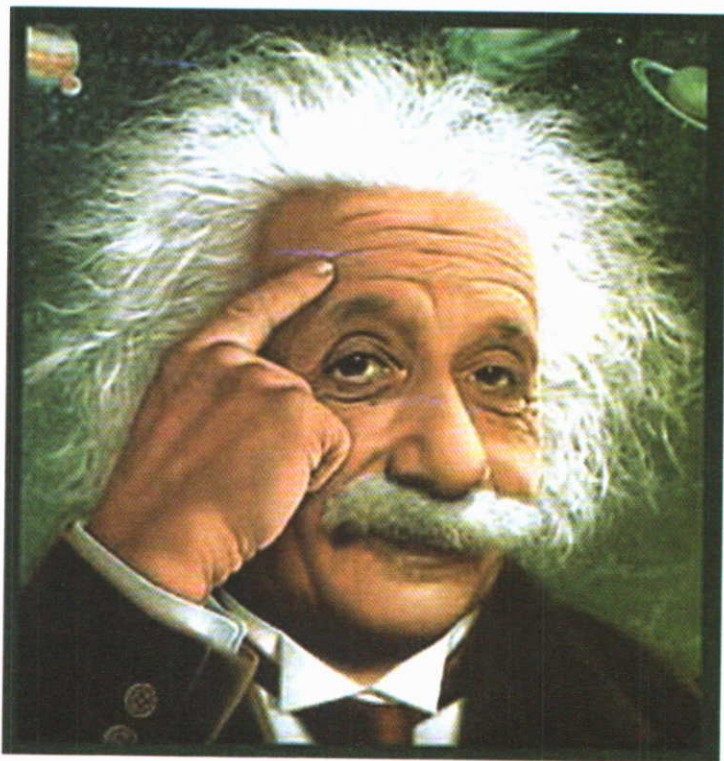
قفسه های بالای سر

14. emergency exit

خروج اضطراری

15. passenger

مسافر

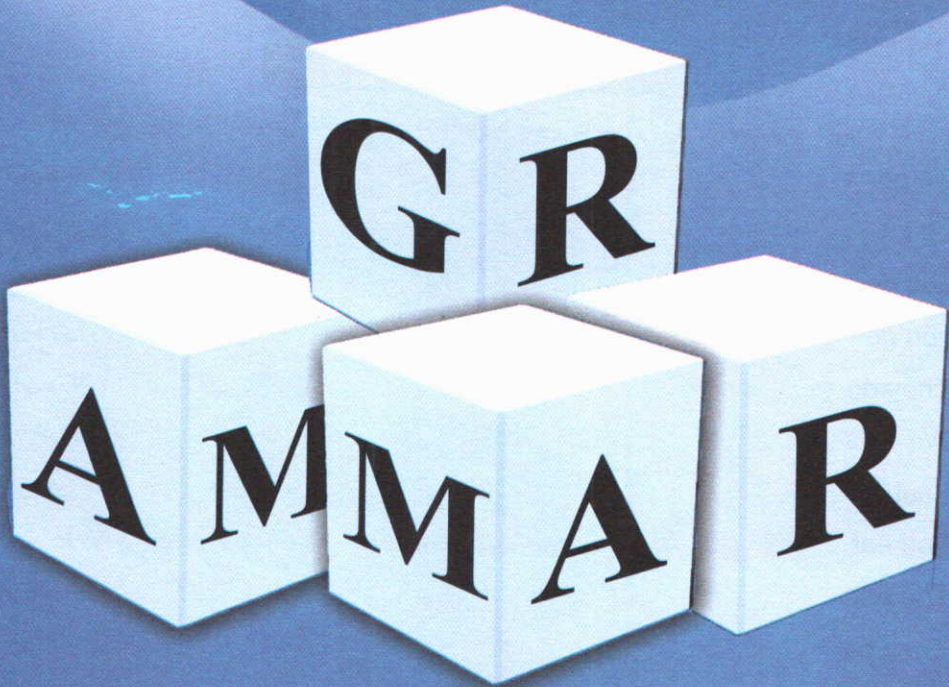


**"The important thing is not to
stop questioning.
Curiosity has its own reason for
existing."**

انگلیسی

دستور زبان

بخش
دوم





زمان حال ساده Simple Present Tense

عملی را گویند که به صورت تکرار یا عادت صورت می گیرد. مثلاً:

I go to school everyday (اُوریدی) سِکولُ تو گُکُ آی روم می روم به مدرسه می روم

یکی از علامت های زمان حال ساده ، عبارت everyday (اُوریدی) به معنای هر روز می باشد.

every به معنای هر ، به همراه زمان می آید. مثلاً:

every morning	اُوری مُرِنِنگُ	هر روز صبح
every evening	اُوری ای وِینِنگُ	هر غروب
everyday	اُوریدی	هر روز
every week	اُوری وِیکُ	هر هفته
every month	اُوری مَآنْثُ	هر ماه
every year	اُوری یِرُ	هر سال

طرز ساخت حال ساده مثبت

برای ساختن حال ساده در انگلیسی کافی است که فاعل یا ضمیر فاعلی را قبل از فعل قرار دهیم. مانند:

we go	وی گُکُ	ما می رویم
I go	آی گُکُ	من می روم
you go	یو گُکُ	شما می روید
you go	یو گُکُ	تو می روی
They go	دی گُکُ	آنها می روند
We eat	وی ایتُ	ما می خوریم
I eat	آی ایتُ	من می خورم
You eat	یو ایتُ	شما می خورید
You eat	یو ایتُ	تو می خوری
They eat	دی ایتُ	آنها می خورند

توجه ۱: اگر فاعل یا ضمیر فاعلی، سوم شخص مفرد باشد، در این صورت به فعل باید s یا es بدیم. مانند:

He goes	هُی کُرُ	او می رود
Ali goes	عَلِی کُرُ	علی می رود
She goes	شِی کُرُ	او می رود
Mina goes	مِیْنَا کُرُ	مینا می رود
He eats	هُی اِیْتَسُ	او می خورد
Ali eats	عَلِی اِیْتَسُ	علی می خورد
She eats	شِی اِیْتَسُ	او می خورد
Mina eats	مِیْنَا اِیْتَسُ	مینا می خورد

توجه ۲: افعالی که به (x - z - s - sh - ch - o) ختم می شوند، در سوم شخص مفرد حال ساده es

می گیرند (در صورتی که جمله ی ما، سؤالی یا منفی نباشد). مانند:

او هر روز به مدرسه می رود هی کُرُ تو سَکُولِ اِوِرِیدِی He goes to school everyday

او انگلیسی درس می دهد هی تِیچِزُ اِیْنِگِلیشُ He teaches English

او هر روز تلویزیون تماشا می کند هی وَاچِیزُ تی.وی اِوِرِیدِی He watches TV everyday

او هر هفته ماشینش را می شوید هی وَاشِیزُ هِیزُ کَاَرِ اِوِرِی وِیکُ He washes his car every week

توجه ۳: اگر در حال ساده سوم شخص مفرد، فعل به y ختم شود و قبل از y حرف بی صدا باشد، در

این صورت باید y را به i تبدیل کرده و سپس es اضافه کنیم مانند: فعل study در مثال زیر

او هر روز انگلیسی مطالعه می کند She studies English every day

شِی سِتَادِیزُ اِیْنِگِلیشُ اِوِرِیدِی

توجه ۴: اگر در حال ساده ی سوم شخص مفرد، فعل به y ختم شود و قبل از y حرف صدا دار باشد

در این صورت y تغییر نکرده و فقط s اضافه می شود. مانند: pray و play در مثال های زیر

او فوتبال بازی می کند هی پِلِیزُ فُوتَبَالُ He plays football

او هر روز صبح در مسجد نماز می خواند هی پِرِیزُ اِیْنِ دِ مَاسَکُ اِوِرِی مُرْنِنگُ He prays in the mosque every morning

طرز سؤالی کردن حال ساده

توجه ۱: برای سؤالی کردن جملات فارسی از آیا در اول جمله استفاده می کنیم اما در زبان انگلیسی

برای سؤالی کردن نیاز به فعل کمکی مخصوص مان زمان داریم.



مثلاً برای سؤالی کردن حال ساده، کافی است که فعل های کمکی **Do** یا **Does** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سؤال قرار دهیم.

توجه ۲: **does** برای سوم شخص مفرد می باشد و **do** برای غیر سوم شخص مفرد. مانند :

Do we go?	دو	وی	گُ؟	آیا ما می رویم؟
Do I go?	دو	آی	گُ؟	آیا من می روم؟
Do you go?	دو	یو	گُ؟	آیا شما می روید؟
Do you go?	دو	یو	گُ؟	آیا تو می روی؟
Does he go?	دآز	هی	گُ؟	آیا او می رود؟
Does Ali go?	دآز	علی	گُ؟	آیا علی می رود؟
Does Mina go?	دآز	مینا	گُ؟	آیا مینا می رود؟
Does she go?	دآز	شی	گُ؟	آیا او می رود؟

توجه ۳: درجملات سؤالی، فعل سوم شخص مفرد، دیگر نیازی به **s** یا **es** ندارد.

طرز منفی کردن حال ساده

برای منفی کردن حال ساده، کافی است فعل های کمکی **don't** یا **doesn't** را قبل از فعل بیاوریم.

توجه ۱: **doesn't** برای سوم شخص مفرد می باشد و **don't** برای غیر سوم شخص مفرد. مانند :

We don't go	وی	دَنْتْ	گُ	ما نمی رویم
I don't go	آی	دَنْتْ	گُ	من نمی روم
You don't go	یو	دَنْتْ	گُ	شما نمی روید
You don't go	یو	دَنْتْ	گُ	تو نمی روی
They don't go	دی	دَنْتْ	گُ	آنها نمی روند
He doesn't go	هی	دَاژَنْتْ	گُ	او نمی رود
Ali doesn't go	علی	دَاژَنْتْ	گُ	علی نمی رود
She doesn't go	شی	دَاژَنْتْ	گُ	او نمی رود
Mina doesn't go	مینا	دَاژَنْتْ	گُ	مینا نمی رود

توجه ۲: در جملات منفی و یا سؤالی، فعل سوم شخص مفرد، نیازی به **s** یا **es** ندارد.

حالت فرمولی حال ساده

فرمول حال ساده به همراه مثال، در سه حالت سؤالی، مثبت و منفی به شکل زیر می باشد

۱ سؤالی: Do + فاعل غیر سوم شخص مفرد + فعل + ... ?

۱ مثال: Do دو they دی go گُ ... ?

Do they go? آیا آن ها می روند؟ دو دی گُ؟

۲ سؤالی: Does + فاعل سوم شخص مفرد + فعل + ... ?

۲ مثال: Does he go ... ?

Does he go? آیا او می رود؟ دآزُ هی گُ؟

۱ مثبت: فاعل غیر سوم شخص مفرد + فعل + ...

۱ مثال: They go

They go آن ها می روند. دی گُ

۲ مثبت: (es - s) + فعل + فاعل سوم شخص مفرد + مثبت

۲ مثال: He eats او می خورد. هی ایٹسُ

۲ مثال: He goes او می رود. هی گُزُ

۱ منفی: (do not - don't) + فعل + ...

۱ مثال: They don't go

They don't go آن ها نمی روند. دی دنتُ گُ

۲ منفی: (does not - doesn't) + فعل + ...

۲ مثال: He doesn't go

he doesn't go او نمی رود. هی دآزنتُ گُ



برای یادگیری زبان انگلیسی شناختن زمان ها (حال . گذشته . آینده) و آشنایی با افعال ، ضروری است.
 برای آشنا شدن با افعال باید بدانیم مصدر چیست و چگونه تبدیل به فعل می شود ، چون فعل رکن (پایه) اساسی جمله است.

تعریف مصدر (Infinitive)

مصدر عملی را گویند که زمان و شخص ندارد . مصدرها در زبان فارسی به **دن** یا **تن** ختم می شوند.

مانند:

to eat	تو	ایٲ	خوردن
to go	تو	گُ	رفتن
to write	تو	رآیٲ	نوشتن
to see	تو	سی	دیدن
to close	تو	کَلَز	بستن
to speak	تو	سپیک	صحبت کردن
to open	تو	اِبِن	باز کردن

توجه : همان گونه که ملاحظه می کنید ، مصدرها در زبان انگلیسی با **to** آغاز می شوند .

طرز جمله سازی از مصدر

جملات امری : اگر بخواهیم به کسی یا کسانی دستور دهیم یا آنها را نصیحت کنیم یا از آنها تقاضایی کنیم .
 باید از جملات امری استفاده کنیم ، که به دو دسته تقسیم می شوند:

۱ - امر مثبت ۲ - امر منفی

فعل امر مثبت : اگر **to** را از اول مصدر حذف کنیم در این صورت فعل امر مثبت ساخته ایم که دارای دو معنی می باشد .
مصدر بدون to = امر مثبت

to go	تو	گُ	رفتن
go = گُ	((امر به یک نفر))		برو
go = گُ	((امر به بیشتر از یک نفر))		بروید
to eat	تو	ایٲ	خوردن
eat = ایٲ	((امر به یک نفر))		بخور
eat = ایٲ	((امر به بیشتر از یک نفر))		بخورید
to open	تو	اِبِن	باز کردن
open	اِبِن		باز کن - باز کنید

to close تو کَلَزْ بستن

close کَلَزْ ببند - ببندید

to speak تو سَبِیْکْ صحبت کردن

speak سَبِیْکْ صحبت کن - صحبت کنید

فعل امر منفی: اگر **to** را از اول مصدر حذف کنیم و به جایش **don't** قرار دهیم، در این صورت امر منفی ساخته ایم با دو معنی. مصدر بدون **to + don't = امر منفی** مانند:

to go تو گُ رفتن

don't go = دَنْتْ گُ ((امر به یک نفر)) نرو

don't go = دَنْتْ گُ ((امر به بیشتر از یک نفر)) نروید

to eat تو ایت خوردن

don't eat = دَنْتْ ایت ((امر به یک نفر)) نخور

don't eat = دَنْتْ ایت ((امر به بیشتر از یک نفر)) نخورید

to open تو اَپِنْ باز کردن

don't open دَنْتْ اَپِنْ باز نکن - باز نکنید

to close تو کَلَزْ بستن

don't close دَنْتْ نبند - نبندید

to speak تو سَبِیْکْ صحبت کردن

don't speak دَنْتْ سَبِیْکْ صحبت نکن - صحبت نکنید

توجه ۱: جملات امری نیازی به فاعل ندارند. (اگر بخواهیم بر فاعل تأکید کنیم ، می توانیم فاعل را هم بیاوریم)

You come here یو کام هیر شما بیایید اینجا

توجه ۲: برای تأکید جملات امری از **do** استفاده می کنیم. مانند:

Call me کَالْ می به من تلفن کن

که در حالت تأکید می شود

Do call me دو کَالْ می حتماً به من تلفن کن



توجه ۳: عبارت **please** به معنای لطفاً از علامت فعل امر می باشد که در اول یا آخر جملات امری می آید . مانند :

Please open the door	پیلیزْ اَینْ دِ - دَرْ	لطفاً آن در را باز کن
Open the door, please	اَینْ دِ دَرْ ، پیلیزْ	آن در را باز کن، لطفاً
Please don't write on the desk	دَنْتْ رَآیتْ آنْ دِ دِسْکْ	لطفاً روی میز ننویس
Don't write on the desk, please	دَنْتْ رَآیتْ آنْ دِ دِسْکْ ، پیلیزْ	روی میز ننویس لطفاً

صرف مصدر **to be** در زمان حال

am - is - are در زمان حال تبدیل می شود به **to be**

am	اَمْ	هستم
is	ایزْ	هست
are	آر	هستی. هستیم. هستید. هستند

ترکیب **to be** با ضمائر فاعلی به شکل های زیر می باشد :

We are	وی آر	ما هستیم
You are	یو آر	شما هستید
You are	یو آر	تو هستی
They are	دی آر	آنها هستند
I am	آیْ اَمْ	من هستم
He is	هی ایزْ	او هست
Ali is	علی ایزْ	علی هست
She is	شی ایزْ	او هست
Mina is	مینا ایزْ	مینا هست
It is	ایتْ ایزْ	آن هست
This is	دیسْ ایزْ	این هست
That is	دَتْ ایزْ	آن هست
We are teachers	وی آر تیچرزْ	ما معلم هستیم
I am a student	آیْ اَمْ اِ سْتیوَدنْتْ	من یک دانش آموز هستم
He is a doctor	هی ایزْ اِ داکْتَرْ	او یک دکتر است
It is a book	ایتْ ایزْ اِ بُکْ (بوکْ)	آن یک کتاب است

طرز سؤالی کردن to be در زمان حال

برای سؤالی کردن to be کافی است که **am . is . are** را به اول جمله بیاوریم . مانند :

Are we ... ?	آر وی ... ؟	آیا ما هستیم ... ؟
Are you ... ?	آر یو ... ؟	آیا شما هستید ... ؟
Are you ... ?	آر یو ... ؟	آیا تو هستی ... ؟
Are they ... ?	آر دی ... ؟	آیا آنها هستند ... ؟
Am I ... ?	آم آی ... ؟	آیا من هستم ... ؟
Is he ... ?	ایز هی ... ؟	آیا او هست ... ؟
Is she ... ?	ایز شی ... ؟	آیا او هست ... ؟
Is it ... ?	ایز ایت ... ؟	آیا آن هست ... ؟
Are we teachers?	آر وی تیچرز؟	آیا ما معلم هستیم ؟
Am I a student?	آم آی اِ سِتیودنْت؟	آیا من یک دانش آموز هستم ؟
Is he a doctor?	ایز هی اِ داکْتِر؟	آیا او یک دکتر است ؟
Is it a book?	ایز ایت اِ بک (بوک)؟	آیا آن یک کتاب است ؟

طرز منفی کردن to be در زمان حال

برای منفی کردن to be کافی است که یک **not** جلوی **am . is . are** قرار دهیم . مانند :

We are not	وی آر نَات	ما نیستیم
You are not	یو آر نَات	شما نیستید
You are not	یو آر نَات	تو نیستی
They are not	دی آر نَات	آن ها نیستند
He is not	هی ایز نَات	او نیست
She is not	شی ایز نَات	او نیست
It is not	ایت ایز نَات	آن نیست
We are not teachers	وی آر نَات تیچرز	ما معلم نیستیم
I am not a student	آم آی نَات اِ سِتیودنْت	من یک دانش آموز نیستم
He is not a doctor	هی ایز نَات اِ داکْتِر	او یک دکتر نیست
It is not a book	ایت ایز نَات اِ بک (بوک)	آن یک کتاب نیست



حالت های مخفف to be

برای مخفف کردن **to be** کافی است که حرف اول **am . is . are** را به آپستروف ' تبدیل کنیم.

am = 'm

I am = I'm

(الف) حالت مثبت :

I'm a student

آیم اِ سْتیوڈنْت

من یک دانش آموز هستم

is = 's

he is = he 's

He's a teacher

هیز اِ تیچِر

او یک معلم است

are = 're

you are = you're

You're a doctor

یور اِ داکْتِر

am not = am not

I am not = I'm not

(ب) حالت منفی :

Am not : توجه : حالت مُخَفَّف ندارد

I'm not a teacher

آیم نَات اِ تیچِر

من معلم نیستم

is not = isn't

He is not = He isn't

He isn't a student

هی ایزنْت اِ سْتیوڈنْت

او دانش آموز نیست

are not = aren't

You are not = You aren't

You aren't a nurse

یو آرنت اِ نِرس

تو پرستار نیستی

مبحث there are و there is

there is به معنای **وجود دارد** یا **هست** می باشد که با اسم مفرد می آید و برای بیان بودن چیزی یا

شخصی در مکانی به کار می رود. مانند:

There is a pen on the desk

یک خودکار روی میز تحریر (هست) وجود دارد.

دِر ایز اِ پِن اِن دِ دِسک

There is a red car in the street

یک ماشین قرمز در خیابان هست

دِر ایز اِ رِد کَار اِن دِ سْتِریت

There is an apple in the basket

یک سیب در سبد وجود دارد

دِر ایز اِن اَپَل اِن دِ بَسکِت

توجه : برای سوالی کردن کافی است که **is** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم.

مانند:

Is there a pen on the desk?

آیا یک خودکار روی میز تحریر (هست) وجود دارد؟

ایز دِر اِن پِن اِن دِ دِسک؟

Is there a red car in the street?

آیا یک ماشین قرمز در خیابان هست؟

ایزُ در اِردِ کآر اینِ دِ سْتیریتْ؟

Is there an apple in the basket?

آیا یک سیب در سبد وجود دارد؟

ایزُ در آن اَپل اینِ دِ بَسْکِتْ؟

توجه ۱: برای منفی کردن کافی است که یک **not** به **is** اضافه کنیم.

توجه ۲: **There is not = There isn't** به معنای وجود ندارد یا نیست ، می باشد

There is not a pen on the desk

یک خودکار روی میز تحریر (نیست) وجود ندارد.

دِر ایزِنَاتْ اِ پِنْ اَنّ دِ دِسْکْ

There isn't an apple in the basket

یک سیب در سبد وجود ندارد

دِر ایزِنْتْ اَنّ اَپل اینِ دِ بَسْکِتْ

There isn't a red car in the street

یک ماشین قرمز در خیابان نیست

دِر ایزِنْتْ اِردِ کآر اینِ دِ سْتیریتْ

There are به معنای وجود دارند یا هستند می باشد که با اسم جمع قابل شمارش می آید و برای بیان

بودن چیزها یا اشخاص در مکانی به کار می رود. مانند:

توجه: در زبان فارسی ما در بسیاری از موارد برای اشیاء از فعل های مفرد استفاده می کنیم. یعنی در اینجا

به جای وجود دارند از وجود دارد و به جای هستند از هست ، استفاده می کنیم.

There are ten pens on the desk

ده خودکار روی میز تحریر (هست) وجود دارد.

دِر آر تِن پِنزْ اَنّ دِ دِسْکْ

There are two red cars in the street

دو ماشین قرمز در خیابان هست

دِر آر تو رِدِ کآرز اینِ دِ سْتیریتْ

There are many apples in the basket

تعداد زیادی سیب در سبد وجود دارد

دِر آر مَنی اَپلزْ اینِ دِ بَسْکِتْ

توجه: برای سوالی کردن کافی است که **are** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم.

مانند:

Are there ten pens on the desk?

آیا ده خودکار روی میز تحریر (هست) وجود دارد؟

آر دِر تِن پِنزْ اَنّ دِ دِسْکْ؟



Are there two red cars in the street? آیا دو ماشین قرمز در خیابان هست؟

آر در تو رد کآرز این د سْتیریت؟

Are there many apples in the basket? آیا تعداد زیادی سیب در سبد وجود دارد؟

آر در منی آپلز این د بَسْکِت؟

توجه ۱: برای منفی کردن کافی است که یک **not** به **are** اضافه کنیم. مانند:

توجه ۲: **There are not = There aren't** به معنای وجود ندارند یا نیستند ، می باشد

There are not ten pens on the desk ده خودکار روی میز تحریر (نیست) وجود ندارد.

در آرنات تِن پَنز آن د دِسْک

There aren't two red cars in the street دو ماشین قرمز در خیابان نیست

در آرنْت تو رد کآرز این د سْتیریت

There aren't many apples in the basket تعداد زیادی سیب در سبد وجود ندارد

در آرنْت منی آپلز این د بَسْکِت

توجه: در پاسخ دادن به اینگونه سوالات ، از همان **there** استفاده می کنیم. مانند:

توجه: پاسخ اول ، کوتاه و پاسخ دوم، بلند می باشد.

Is there an apple in the basket? آیا یک سیب در سبد وجود دارد؟

ایز در آن آپل این د بَسْکِت؟

Yes, there is. بله وجود دارد. یس در ایز.

There is an apple in the basket. یک سیب در سبد وجود دارد.

در ایز آن آپل این د بَسْکِت

Are there many apples in the basket? آیا تعداد زیادی سیب در سبد وجود دارد؟

آر در منی آپلز این د بَسْکِت؟

Yes, there are. بله وجود دارد. یس در آر.

There are many apples in the basket. تعداد زیادی سیب در سبد وجود دارد.

در آر منی آپلز این د بَسْکِت

Is there a red car in the street?

آیا یک ماشین قرمز در خیابان هست؟

ایز در اِردِ کآر این دِ سْتیریت؟

No, there isn't.

نه. نیست.

نُ در ایزنْت.

There isn't a red car in the street

یک ماشین قرمز در خیابان نیست.

در ایزنْت اِردِ کآر این دِ سْتیریت

Are there two red cars in the street?

آیا دو ماشین قرمز در خیابان هست؟

آر در تو ردِ کآرز این دِ سْتیریت؟

No, there aren't.

نه. نیست.

نُ در آرنت.

There aren't two red cars in the street.

دو ماشین قرمز در خیابان نیست

در آرنت تو ردِ کآرز این دِ سْتیریت

توجه: در جواب های منفی کوتاه از حالت مخفف استفاده کنید.

توجه بسیار مهم: برای گذشته کردن کافی است که **is** را به **was** و **are** را به **were** تبدیل کرد.

(لطفاً به گذشته ی **to be** مراجعه کنید)

زمان حال استمراری

Present continuous tense

عملی را گویند که در هنگام صحبت کردن در حال انجام شدن است یعنی از عملی صحبت می کند که هم اکنون در حال انجام است به همین دلیل به آن حال واقعی نیز می گویند. حال استمراری دارای دو فعل می باشد، یکی فعل کمکی ثابت **to be** و دیگری فعلی که در حال انجام شدن است و با توجه به منظور جمله، متغیر می باشد.

توجه: **to be** در زمان حال استمراری همان **am . is . are** می باشند که فعل های کمکی حال استمراری هستند .

طرز ساخت حال استمراری طبق فرمول

فرمول: **now** + ... + **ing** + فعل + (**am - is - are**) + فاعل

توجه ۱: در این فرمول **ing** به معنای **در حال** یا **مشغول**، می باشد .

توجه ۲: **now** به معنای (**حالا - الان - اکنون**) می تواند در آخر جملات حال استمراری بیاید.



به نمونه های زیر دقت کنید

I am going to school now آی اَم گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ

(حالا دارم به مدرسه می روم) اکنون در حال رفتن به مدرسه هستیم.

He is going to school now هی ایزُ گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ

(او حالا دارد به مدرسه می رود) او اکنون در حال رفتن به مدرسه است.

They are going to school now دیِ آر گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ

(آن ها حالا دارند به مدرسه می روند) آن ها حالا در حال رفتن به مدرسه هستند.

طرز سؤالی کردن حال استمراری طبق فرمول

(now) + ... + ing فعل + فاعل + (am . is . are) : فرمول

توجه : برای سؤالی کردن حال استمراری کافی است که فعل های کمکی (am . is . are) را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله ، علامت سؤال قرار دهیم . مانند :

Am I going to school now? اَم آی گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ؟

(آیا حالا دارم به مدرسه می روم ؟) آیا حالا در حال رفتن به مدرسه هستیم؟

Is he going to school now? ایزُ هی گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ؟

(آیا او حالا در حال رفتن به مدرسه است؟) آیا او حالا دارد به مدرسه می رود؟

Are they going to school now? آر دیِ گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ؟

(آیا آن ها حالا در حال رفتن به مدرسه هستند؟) آیا آن ها حالا دارند به مدرسه می روند؟

طرز منفی کردن حال استمراری طبق فرمول

(now) + ... + ing فعل + not + (am . is . are) + فاعل : فرمول

توجه : برای منفی کردن حال استمراری کافی است که **not** را جلوی فعل های کمکی (are . is . am) قرار دهیم ، مانند :

I am not going to school now من حالا در حال رفتن به مدرسه نیستم
آیِ اَم ناَتُ گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ

He is not going to school now او حالا در حال رفتن به مدرسه نیست
هی ایزُ ناَتُ گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ

They are not going to school now آنها حالا در حال رفتن به مدرسه نیستند
دیِ آر ناَتُ گُ اینگُ تو سَکولُ ناؤُ

توجه مهم: هنگام اضافه کردن **ing** به آخر بعضی از افعال، تغییراتی صورت می گیرد که باید به آنها دقت کرد. افعالی که به یک **e** ختم می شوند در هنگام اضافه کردن **ing** باید **e** را حذف کنیم. مانند:

come + ing	→	coming	کامینگ	در حال آمدن
have + ing	→	having	هَوینگ	در حال خوردن
make + ing	→	making	میکینگ	در حال درست کردن - در حال ساختن
write + ing	→	writing	رآیتینگ	در حال نوشتن

توجه: **be** در اینجا استثناء دارد و در هنگام اضافه کردن **ing** حذف نمی شود. (**being**)

کلیه افعال یک بخشی یا دو بخشی که حرف آخرشان بی صدا باشد و حرف ماقبل آخر یک صدا دار باشد، در هنگام اضافه کردن **ing** حرف بی صدای آخر دو بار تکرار می شود. لطفاً فعل های زیر را حفظ

put on + ing	→	putting on	پوتینگ آن	در حال پوشیدن
sit + ing	→	sitting	سیتینگ	در حال نشستن (نشسته)
get up + ing	→	getting up	گتینگ آپ	در حال بیدار شدن
swim + ing	→	swimming	سوامینگ	در حال شنا کردن
run + ing	→	running	رآنینگ	در حال دویدن

توجه: اگر حرف آخر بی صدا و قبل از آن دو حرف صدا دار باشد در اینصورت حرف بی صدای آخر

تکرار نمی شود. مانند: در حال خوردن **eat + ing = eating** ایتینگ

توجه: اگرچه در کلمات زیر، حرف آخر بیصدا است و حرف ماقبل از آخر یک حرف صدا دار دارد اما چون استرس (فشار صوتی) در بخش اول می باشد به همین جهت حرف بیصدای آخر، تکرار نمی شود. لئصفاً افعال زیر را به خاطر بسپارید.

open	اِپِن	بازکردن
listen	لیسن	گوش دادن
answer	انسِر	جواب دادن
happen	هپِن	اتفاق افتادن
limit	لیمیت	محدود کردن
cover	کآور	پوشاندن
		مانند:
open + ing = opening	اِپِنینگ	در حال بازکردن



صرف to be در زمان گذشته

برای صرف **to be** در زمان گذشته از فعل های کمکی **was** (واز) و **were** (ور) استفاده می کنیم

Was	وآز	بودم ، بود
were	ور	بودی، بودید، بودند
I was	آی و آز	من بودم
He was	هی و آز	او بود
We were	وی و ور	ما بودیم
You were	یو و ور	شما بودید
You were	یو و ور	تو بودی
They were	دی و ور	آنها بودند

مانند جملات زیر:

I was at home yesterday من دیروز در منزل بودم آی و آز ات هم یستردی
 He was absent last week او هفته گذشته غایب بود هی و آز ايسنت لست ویک

طرز سؤالی کردن to be در زمان گذشته

برای سؤالی کردن **to be** در زمان گذشته کافی است که **was** و **were** را به اول جمله بیاوریم

Was I ... ?	وآز آی ... ؟	آیا من بودم ... ؟
Was he ... ?	وآز هی ... ؟	آیا او بود ... ؟
Were we ... ?	ور وی ... ؟	آیا ما بودیم ... ؟
Were you ... ?	ور یو ... ؟	آیا شما بودید ... ؟
Were you ... ?	ور یو ... ؟	آیا تو بودی ... ؟
Were they ... ?	ور دی ... ؟	آیا آنها بودند ... ؟

مانند جملات زیر:

Was I at home yesterday? آیا من دیروز در منزل بودم؟

وآز آی ات هم یستردی؟

Was he absent lastweek? آیا او هفته گذشته غایب بود؟

وآز هی ايسنت لست ویک؟

Were you present yesterday? آیا تو دیروز حاضر بودی؟ ور یو پرزنت یستردی؟

طرز منفی کردن to be در زمان گذشته

برای منفی کردن to be کافی است که یک not جلوی was یا were قرار دهیم.

مانند: (was not = wasn't were not = weren't)

I was not	آی و آژ نآت	→	I wasn't	آی و آژنت	من نبودم
He was not	هی و آژ نآت	→	He wasn't	هی و آژنت	او نبود
We were not	وی و آژ نآت	→	We weren't	وی و آژنت	ما نبودیم
You were not	یو و آژ نآت	→	You weren't	یو و آژنت	شما نبودید
You were not	یو و آژ نآت	→	You weren't	یو و آژنت	تو نبود
They were not	دی و آژ نآت	→	They weren't	دی و آژنت	آن ها نبودند

مانند جملات زیر:

I wasn't at home yesterday

من دیروز در منزل نبودم

آی و آژنت ات هم یستریدی

He wasn't absent last week

او هفته ی گذشته غایب نبود

هی و آژنت اسینت لست ویک

They weren't present yesterday

آن ها دیروز حاضر نبودند

دی و آژنت پریزنت یستریدی

توجه: در زمان گذشته از قیدهای زمان گذشته ی زیر استفاده می شود

yesterday

یستریدی

دیروز

ago + زمان + عدد

two days ago

تو دیز اگ

دو روز قبل

five weeks ago

فایو ویکس اگ

پنج هفته ی پیش

last + زمان

last week

لست ویک

هفته ی گذشته

last year

لست یز

سال گذشته

last month

لست مانت

ماه گذشته

توجه ۱: ago به معنای قبل یا پیش می باشد

توجه ۲: last به معنای گذشته می باشد



صرف مصدر to have در زمان حال

صرف مصدر **to have** به معنای داشتن:

We have	وی هَوُ	ما داریم
I have	آی هَوُ	من دارم
You have	یو هَوُ	شما دارید
You have	یو هَوُ	تو داری
They have	دی هَوُ	آنها دارند
He	هی هَزْ	او دارد
She has	شی هَزْ	او دارد
It has	ایت هَزْ	آن دارد- این دارد

به جملات زیر دقت کنید.

We have a house	وی هَوُ اِ هَاوُسْ	ما یک خانه داریم
I have a car	آی هَوُ اِ کَارْ	من یک ماشین دارم
You have ten maps	یو هَوُ تِنْ مِپْسْ	شما ده تا نقشه دارید
You have a pen	یو هَوُ اِ پِنْ	تو یک خودکار داری
They have many pens	دی هَوُ مَنِ پِنزْ	آنها تعداد زیادی خودکار دارند
He has a ball	هی هَزْ اِ بَالْ	او یک توپ دارد
She has a scarf	شی هَزْ اِ سِکَارْفْ	او یک روسری دارد

توجه ۱: برای سوالی کردن می توانیم **have** یا **has** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم. مانند:

Have we a house?	هَوُ وی اِ هَاوُسْ؟	آیا ما یک خانه داریم؟
Have I a car?	هَوُ آی اِ کَارْ؟	آیا من یک ماشین دارم؟
Have you ten maps?	هَوُ یو تِنْ مِپْسْ؟	آیا شما ده تا نقشه دارید؟
Have you a pen?	هَوُ یو اِ پِنْ؟	آیا تو یک خودکار داری؟
Have they many pens?	هَوُ دی مَنِ پِنزْ؟	آیا آنها تعداد زیادی خودکار دارند؟
Has he a ball?	هَزْ هی اِ بَالْ؟	آیا او یک توپ دارد؟
Has she a scarf?	هَزْ شی اِ سِکَارْفْ؟	آیا او یک روسری دارد؟

توجه ۲: برای منفی کردن کافی است که یک **not** به **have** یا **has** اضافه کنیم. مانند:

We have not a house	وِی هُوَ نَاتِ اِ هَاوُسْ	ما خانه نداریم
I have not a car	اِی هُوَ نَاتِ اِ كَارْ	من ماشین ندارم
You have not ten maps	یُو هُوَ نَاتِ تِنِ مَپْسْ	شما ده تا نقشه ندارید
You have not a pen	یُو هُوَ نَاتِ اِ پِنْ	تو خودکار نداری
They have not many pens	دِی هُوَ نَاتِ مَنِ پِنزْ	آنها تعداد زیادی خودکار ندارند
He has not a ball	هَی هَزْ نَاتِ اِ بَالْ	او توپ ندارد
She has not a scarf	شِی هَزْ نَاتِ اِ سِكَآرْفْ	او روسری ندارد

توجه ۳: حالت مخفف **have not = haven't** و **has not = hasn't** می باشد.

توجه ۴: **have** دارای پنج معنی می باشد. (دارم - داری - داریم - دارید - دارند)

توجه ۵: **has** دارای یک معنی می باشد. (دارد)

توجه ۶: البته می توان برای سوالی کردن **to have** در زمان حال از **do** یا **does** و در زمان گذشته از

did استفاده کرد. مانند:

Do we have a house?	دو وِی هُوَ اِ هَاوُسْ؟	آیا ما یک خانه داریم؟
Do I have a car?	دو اِی هُوَ اِ كَارْ؟	آیا من یک ماشین دارم؟
Do you have ten maps?	دو یُو هُوَ تِنِ مَپْسْ؟	آیا شما ده تا نقشه دارید؟
Do you have a pen?	دو یُو هُوَ اِ پِنْ؟	آیا تو یک خودکار داری؟
Do they have many pens?	دو دِی هُوَ مَنِ پِنزْ؟	آیا آنها تعداد زیادی خودکار دارند؟
Does he have a ball?	داز هَی هُوَ اِ بَالْ؟	آیا او یک توپ دارد؟
Does she have a scarf?	داز شِی هُوَ اِ سِكَآرْفْ؟	آیا او یک روسری دارد؟

توجه ۷: از **does** برای سوم شخص مفرد استفاده می کنیم.

نکته ی مهم: در سوالی با **does** باید **has** را به **have** تبدیل کنیم.

توجه ۸: برای منفی کردن نیز می توان از **don't** یا **doesn't** برای زمان حال و از **didn't** برای

زمان گذشته استفاده کرد. مانند:



We don't have a house	وی دنت هُو اِ هَاؤُسْ	ما خانه نداریم
I don't have a car	آی دنت هُو اِ کَار	من ماشین ندارم
You don't have ten maps	یو دنت هُو تِن مِپْسْ	شما ده تا نقشه ندارید
You don't have a pen	یو دنت هُو اِ پِنْ	تو خودکار نداری
They don't have many pens	دی دنت هُو مَنی پِنزْ	آنها تعداد زیادی خودکار ندارند
He doesn't have a ball	هی دآزنت هُو اِ بَالْ	او توپ ندارد
She doesn't have a scarf	شی دآزنت هُو اِ سِکَارْفْ	او روسری ندارد

توجه ۹: در حالت منفی با **doesn't** باید **has** را به **have** تبدیل کنیم.

توجه ۱۰: برای سوالی کردن **do** یا **does** را به اول جمله می آوریم و برای منفی کردن **don't** یا **doesn't** را قبل از فعل قرار می دهیم.

لطفاً برای درک بیشتر این موضوع به زمان حال ساده و طریقه ی سوالی و منفی کردن آن مراجعه کنید.

زمان گذشته ی استمراری past continuous tense

عملی را گویند که در زمان گذشته به طور استمرار انجام شده است یعنی عملی که در زمان گذشته در هنگام گفتن در حال انجام شدن بوده. گذشته ی استمراری دارای دو فعل می باشد. یکی فعل ثابت **to be** و دیگری فعلی که در حال انجام شدن بوده ((انجام می شده)) و با توجه به منظور جمله، متغیر می باشد. **توجه:** **to be** در زمان گذشته ی استمراری، همان **was** و **were** می باشد که فعل های کمکی زمان گذشته ی استمراری هستند.

طرز ساخت گذشته ی استمراری طبق فرمول

فرمول: ... + فعل **ing** + **was / were** + فاعل

توجه ۱: در این فرمول **ing** به معنای **در حال** یا **مشغول** می باشد.

توجه ۲: **was** به معنای (بودم - بود) و **were** به معنای (بودی - بودیم - بودید - بودند)

می باشد. مثال:

I was going to school آی و آز گُک اینگُک تو سَکولُ
 من در حال رفتن به مدرسه بودم . (داشتم به مدرسه می رفتم)

He was going to school آی و آز گُک اینگُک تو سَکولُ
 او در حال رفتن به مدرسه بود . (داشت به مدرسه می رفت)

They were going to school آی و آز گُک اینگُک تو سَکولُ
 آنها در حال رفتن به مدرسه بودند . (داشتند به مدرسه می رفتند)

طرز سؤالی کردن گذشته ی استمراری طبق فرمول

فرمول : (was / were) + فاعل + فعل ing + ... ?

توجه : برای سؤالی کردن گذشته ی استمراری کافی است که فعل های کمکی **was** و **were** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سؤال قرار دهیم . مانند :

Was I going to school? آی و آز گُک اینگُک تو سَکولُ؟
 آیا من در حال رفتن به مدرسه بودم ؟ (آیا داشتم به مدرسه می رفتم؟)

Was he going to school? آی و آز گُک اینگُک تو سَکولُ؟
 آیا او در حال رفتن به مدرسه بود ؟ (آیا او داشت به مدرسه می رفت؟)

Were they going to school? آی و آز گُک اینگُک تو سَکولُ؟
 آیا آن ها در حال رفتن به مدرسه بودند؟ (آیا داشتند به مدرسه می رفتند؟)

طرز منفی کردن گذشته ی استمراری طبق فرمول

فرمول : (was not / were not) + فاعل + فعل ing + ...

توجه : برای منفی کردن گذشته ی استمراری کافی است که **not** را جلوی فعل های کمکی **was** و **were** قرار دهیم . مانند :

I wasn't going to school آی و آزنتُ گُک اینگُک تو سَکولُ
 من در حال رفتن به مدرسه نبودم

He wasn't going to school آی و آزنتُ گُک اینگُک تو سَکولُ
 او در حال رفتن به مدرسه نبود

They weren't going to school آی و آزنتُ گُک اینگُک تو سَکولُ
 آن ها در حال رفتن به مدرسه نبودند



توجه مهم : (چه موقع فعل را بصورت گذشته ی استمراری می آوریم؟) هرگاه بخواهیم زمان وقوع کاری را در زمان گذشته که معمولاً با حرف اضافه **at** بیان می شود را بگوییم ، آن را بصورت گذشته ی استمراری می آوریم . مانند:

I was studying English دیروز در این موقع ، مشغول مطالعه کردن انگلیسی بودم
at this time yesterday (دیروز همین موقع ، داشتم انگلیسی مطالعه می کردم)

آئی و آژ ستآدینگک اینگیلیش ات ديس تايم پستردی
 They were playing football دیشب ساعت ۱۰ آن ها در حال بازی کردن فوتبال بودند
at 10 o'clock last night (دیشب ساعت ۱۰ داشتند فوتبال بازی می کردند)

دی وِر پلِی اینگک فوْتبال ات تن اُکلاک لست نایت

زمان گذشته ی ساده Simple past tense

عملی را گویند که در زمان گذشته صورت گرفته و در همان زمان به پایان رسیده است . مثلاً :

They played football yesterday آن ها دیروز فوتبال بازی کردند

دی پلید فوْتبال پستردی
 I saw Ali yesterday من دیروز علی را دیدم
 آی سا علی پستردی

توجه : دوستان عزیز، برای درک گذشته ی ساده بهتر است که ابتدا حالت سؤالی و سپس حالت منفی آن را بخوانید و در آخر، حالت مثبت آن را یاد بگیرید

طرز ساخت سؤالی گذشته ی ساده طبق فرمول

؟ ... + فعل ساده + فاعل + **Did** : فرمول
 آیا تو دیدی؟ سی see یو you دید Did : مثال

مانند:

آیا او دید ...؟ دید هی سی؟ Did he see ?

آیا همه چیز را به او گفتی؟ Did you tell her anything?

دید یو تل هر انیشینگک؟ دید مینا هلپ یو؟ آیا مینا به تو کمک کرد؟
 Did Mina help you?

لطفاً نمونه های مرتب شده ی زیر را تمرین کنید.

Did we play football ?	دید وی پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا ما فوتبال بازی کردیم ؟
Did I play football ?	دید آی پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا من فوتبال بازی کردم ؟
Did you play football ?	دید یو پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا شما فوتبال بازی کردید ؟
Did you play football ?	دید یو پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا تو فوتبال بازی کردی ؟
Did they play football ?	دید دی پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا آنها فوتبال بازی کردند ؟
Did he play football ?	دید هی پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا او فوتبال بازی کرد ؟
Did Ali play football ?	دید علی پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا علی فوتبال بازی کرد ؟
Did she play football ?	دید شی پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا او فوتبال بازی کرد ؟
Did Mina play football ?	دید مینا پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا مینا فوتبال بازی کرد ؟
Did your brother play football ?	دید یرُ برآدر پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا برادرت فوتبال بازی کرد ؟
Did your brothers play football ?	دید یرُ برآدرز پِلی فوْتِبَالُ ؟	آیا برادرانت فوتبال بازی کردند ؟
Did we go to school yesterday?	دید وی گُ تو سِکولُ یِسْتَرِدِیْ ؟	آیا ما دیروز به مدرسه رفتیم ؟
Did I go to school yesterday ?	دید آی گُ تو سِکولُ یِسْتَرِدِیْ ؟	آیا من دیروز به مدرسه رفتم ؟
Did you go to school yesterday?	دید یو گُ تو سِکولُ یِسْتَرِدِیْ ؟	آیا شما دیروز به مدرسه رفتید ؟
Did you go to school yesterday?	دید یو گُ تو سِکولُ یِسْتَرِدِیْ ؟	آیا تو دیروز به مدرسه رفتی ؟
Did they go to school yesterday?	دید دی گُ تو سِکولُ یِسْتَرِدِیْ ؟	آیا آنها دیروز به مدرسه رفتند ؟
Did he go to school yesterday?	دید هی گُ تو سِکولُ یِسْتَرِدِیْ ؟	آیا او دیروز به مدرسه رفت ؟



آیا علی دیروز به مدرسه رفت ؟ Did Ali go to school yesterday?

دید علی گُت تو سکولِ یَسْتَرِدِی؟

آیا او دیروز به مدرسه رفت ؟ Did she go to school yesterday?

دید شی گُت تو سکولِ یَسْتَرِدِی؟

آیا مینا دیروز به مدرسه رفت ؟ Did Mina go to school yesterday?

دید مینا گُت تو سکولِ یَسْتَرِدِی؟

توجه : برای سؤالی کردن گذشته ی ساده از فعل کمکی **did** در اول جمله استفاده می شود

طرز منفی کردن گذشته ی ساده طبق فرمول

... + فعل ساده (مصدر بدون to) + **did not / didn't** + فاعل : فرمول

(مثال الف)

ما دیروز فوتبال بازی نکردیم We didn't play football yesterday

وی دیدنْتِ پِلیْ فوتبالِ یَسْتَرِدِیْ

من دیروز فوتبال بازی نکردم I didn't play football yesterday

آی دیدنْتِ پِلیْ فوتبالِ یَسْتَرِدِیْ

شما دیروز فوتبال بازی نکردید You didn't play football yesterday

یو دیدنْتِ پِلیْ فوتبالِ یَسْتَرِدِیْ

تو دیروز فوتبال بازی نکردی You didn't play football yesterday

یو دیدنْتِ پِلیْ فوتبالِ یَسْتَرِدِیْ

آنها دیروز فوتبال بازی نکردند They didn't play football yesterday

دیْ دیدنْتِ پِلیْ فوتبالِ یَسْتَرِدِیْ

او دیروز فوتبال بازی نکرد He didn't play football yesterday

هی دیدنْتِ پِلیْ فوتبالِ یَسْتَرِدِیْ

علی دیروز فوتبال بازی نکرد Ali didn't play football yesterday

علی دیدنْتِ پِلیْ فوتبالِ یَسْتَرِدِیْ

She didn't play football yesterday او دیروز فوتبال بازی نکرد

شی دیدنت پلی فوتبال یستریدی

Mina didn't play football yesterday مینا دیروز فوتبال بازی نکرد

مینا دیدنت پلی فوتبال یستریدی

Your brother didn't play football yesterday برادرت دیروز فوتبال بازی نکرد

یر برآدر دیدنت پلی فوتبال یستریدی

Your brothers didn't play football yesterday برادرانت دیروز فوتبال بازی نکردند

یر برآدرز دیدنت پلی فوتبال یستریدی

(مثال ب)

We didn't go to school yesterday ما دیروز به مدرسه نرفتیم

وی دیدنت گئ تو سکول یستریدی

I didn't go to school yesterday من دیروز به مدرسه نرفتم

آی دیدنت گئ تو سکول یستریدی

You didn't go to school yesterday شما دیروز به مدرسه نرفتید

یو دیدنت گئ تو سکول یستریدی

You didn't go to school yesterday تو دیروز به مدرسه نرفتی

یو دیدنت گئ تو سکول یستریدی

They didn't go to school yesterday آنها دیروز به مدرسه نرفتند

دی دیدنت گئ تو سکول یستریدی

He didn't go to school yesterday او دیروز به مدرسه نرفت

هی دیدنت گئ تو سکول یستریدی

Ali didn't go to school yesterday علی دیروز به مدرسه نرفت

علی دیدنت گئ تو سکول یستریدی

She didn't go to school yesterday او دیروز به مدرسه نرفت

شی دیدنت گئ تو سکول یستریدی

Mina didn't go to school yesterday مینا دیروز به مدرسه نرفت

مینا دیدنت گئ تو سکول یستریدی



توجه: برای منفی کردن گذشته ی ساده از (**did not** دید نآت) یا (**didn't** دیدنُت) استفاده می شود.

طرز ساخت گذشته ی ساده ی مثبت، طبق فرمول

... + فعل گذشته + فاعل : فرمول

توجه: فعل گذشته به دو شکل ساخته می شود.

الف) اگر فعل با قاعده باشد برای گذشته شدن نیاز به **ed** دارد. مانند:

We played football yesterday

ما دیروز فوتبال بازی کردیم

وی پلید فوتبال یسترِدی

I played football yesterday

من دیروز فوتبال بازی کردم

آی پلید فوتبال یسترِدی

You played football yesterday

شما دیروز فوتبال بازی کردید

یو پلید فوتبال یسترِدی

You played football yesterday

تو دیروز فوتبال بازی کردی

یو پلید فوتبال یسترِدی

They played football yesterday

آنها دیروز فوتبال بازی کردند

دی پلید فوتبال یسترِدی

He played football yesterday

او دیروز فوتبال بازی کرد

هی پلید فوتبال یسترِدی

Ali played football yesterday

علی دیروز فوتبال بازی کرد

علی پلید فوتبال یسترِدی

She played football yesterday

او دیروز فوتبال بازی کرد

شی پلید فوتبال یسترِدی

Mina played football yesterday

مینا دیروز فوتبال بازی کرد

مینا پلید فوتبال یسترِدی

Your brother played football yesterday

برادرت دیروز فوتبال بازی کرد

یر برآدر پلید فوتبال یسترِدی

Your brothers played football yesterday

برادرانت دیروز فوتبال بازی کردند

یر برآدرز پلید فوتبال یسترِدی

ب) اگر فعل بی قاعده باشد برای گذشته شدن، حالت خاصی وجود ندارد و باید آن را حفظ کرد.
مانند **to go** (تو گ) که بی قاعده است و گذشته آن می شود **went** (وِنت) . مثال :

We went to school yesterday ما دیروز به مدرسه رفتیم

وی وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

I went to school yesterday من دیروز به مدرسه رفتم

آی وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

You went to school yesterday شما دیروز به مدرسه رفتید

یو وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

You went to school yesterday تو دیروز به مدرسه رفتی

یو وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

They went to school yesterday آنها دیروز به مدرسه رفتند

دی وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

He went to school yesterday او دیروز به مدرسه رفت

هی وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

Ali went to school yesterday علی دیروز به مدرسه رفت

علی وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

She went to school yesterday او دیروز به مدرسه رفت

شی وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

Mina went to school yesterday مینا دیروز به مدرسه رفت

مینا وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

Your brother went to school yesterday برادرت دیروز به مدرسه رفت

یُر برآدر وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

Your brothers went to school yesterday برادرانت دیروز به مدرسه رفتند

یُر برآدرز وِنت تو سَکول یَسْتَرِدِیْ

توجه : فعل گذشته ی ساده در حالت مثبت برای سوم شخص مفرد دیگر نیازی به **s** یا **es** ندارد.

(چون **s** یا **es** مربوط به زمان حال ساده ی سوم شخص مفرد در حالت مثبت می باشند)



توجه: هر فعل بی قاعده که گذشته شود، به تنهایی شش معنی دارد. به چند فعل در قاعده زیر دقت کنید:

(تو سی **to see**) به معنای دیدن می باشد که گذشته آن می شود (**saw** سا) به معنای:

دیدم ، دیدی ، دید ، دیدیم ، دیدید ، دیدند. مثال :

We saw	وی سا	ما دیدیم
I saw	آی سا	من دیدم
You saw	یو سا	شما دیدید
You saw	یو سا	تو دیدی
They saw	دی سا	آنها دیدند
He saw	هی سا	او دید
Ali saw	علی سا	علی دید
She saw	شی سا	او دید
Mina saw	مینا سا	مینا دید

Ali and Mina saw my friend in the park علی و مینا دوست مرا در پارک دیدند

علی آند مینا سا مای فرند این د پارک

(تو ایت **to eat**) به معنای خوردن می باشد که گذشته آن می شود (**ate** ایت) به معنای:

خوردم ، خوردی ، خورد ، خوردیم ، خوردید ، خوردند. مثال :

We ate	وی ایت	ما خوردیم
I ate	آی ایت	من خوردم
You ate	یو ایت	شما خوردید
You ate	یو ایت	تو خوردی
They ate	دی ایت	آن ها خوردند
He ate	هی ایت	او خورد
Ali ate	علی ایت	علی خورد
Mina ate	مینا ایت	مینا خورد
She ate	شی ایت	او خورد

your brother ate an apple برادرش یک سیب خورد

His brother ate two apples برادرش دو تا سیب خورد

(تو کام to come) به معنای آمدن می باشد که گذشته ی آن می شود (کامِ came) به

معنای : آمدم ، آمدی ، آمد ، آمدم ، آمدید ، آمدند. مثال :

We came	وی کامِ	ما آمدم
I came	آی کامِ	من آمدم
You came	یو کامِ	شما آمدید
You came	یو کامِ	تو آمدی
They came	دی کامِ	آن ها آمدند
He came	هی کامِ	او آمد
Ali came	علی کامِ	علی آمد
She came	شی کامِ	او آمد
Ali and Mina came	علی آند مینا کامِ	علی و مینا آمدند

your brother came here yesterday morning

دیروز صبح برادرت به اینجا آمد

یُر برادرِ کامِ هیرِ یسْتَرْدِی مَرْنِنگِ

(تو بای to buy) به معنای خریدن می باشد که گذشته ی آن می شود (بایْت bought) به

معنای: خریدم، خریدی، خرید، خریدیم، خریدید، خریدند. مثال:

We bought	وی بایْت	ما خریدیم
I bought	آی بایْت	من خریدم
You bought	یو بایْت	شما خریدید
You bought	یو بایْت	تو خریدی
They bought	دی بایْت	آن ها خریدند
He bought	هی بایْت	او خرید
Ali bought	علی بایْت	علی خرید
She bought	شی بایْت	او خرید
Mina bought	مینا بایْت	مینا خرید

My father bought a big house last year

سال گذشته پدرم یک خانه ی بزرگ خرید

مایِ فادرِ بایْت اییگِ هاوسِ لستِ یِر

توجه ۳: طرز تلفظ ed

ed دارای سه صدای / t / یا / d / یا / Id / می باشد.
 الف) اگر ed به صداهای t یا d برسد در این صورت / Id / تلفظ می شود. مانند

wanted	وَأَنْتَد	خواستم.خواستی.خواست.خواستیم.خواستید.خواستند
needed	نِیدِد	نیاز داشتم. نیاز داشتی. نیاز داشت ...
waited	وِیتَد	منتظر ماندم. منتظر ماندی. منتظر ماند ...

الف) توضیح اضافی: چون آخر فعل t یا d است پس در این کلمات ed صدای / اد / می دهد.
 ب) توضیح اضافی: اگر آخر فعل با قاعده یکی از صداهای Sh (ش)، ch (چ)، k، p باشد در این صورت ed صدای / t. ت / می دهد. مانند:

walked	وَأَكْتَد	قدم زدم. قدم زدی ... (پیاده رفتم. پیاده رفتی ...)
Asked	أَسَكْتَد	سوال کردم. سوال کردی ... (پرسیدم. پرسیدی ...)
Helped	هَلِپْتَد	کمک کردم. کمک کردی ...
washed	وَأَشْتَد	شستم. شستی ...
watched	وَأَچْتَد	تماشا کردم. تماشا کردی ...

ج) در غیر دو صورت بالا ed صدای / d / می دهد. مانند:

played	پَلِیدَد	بازی کردم. بازی کردی ...
prayed	پَرِیدَد	نماز خواندم. نماز خواندی ...
studied	سْتَادِیدَد	مطالعه کردم. مطالعه کردی ...

زمان آینده ی ساده Simple future tense

عملی را گویند که در زمان آینده انجام خواهد شد. مثال:

I will play football tomorrow

من فردا فوتبال بازی خواهم کرد

آی ویل پلی فوتبال تومارو

توجه ۱: will (ویل) فعل کمکی آینده ی ساده می باشد که به تنهایی شش معنی دارد:
 (خواهم ، خواهی ، خواهد ، خواهیم ، خواهید ، خواهند) ولی باید آنها را در جمله بکار برد.



ازعلامت های شناسایی زمان آینده ی ساده، عبارات زیر را می توان نام برد:

1) tomorrow	تومارُ	فردا
2) soon	سونُ	به زودی
3) next + زمان		
next week	نِگسْتُ وِیکُ	هفته بعد
next year	نِگسْتُ یِرُ	سال آینده

توجه ۲: next (نِگسْتُ) به معنای آینده ، بَعْد یا بَعْدی می باشد .

طرز ساخت زمان آینده ی ساده ی مثبت طبق فرمول

... + فعل ساده + will + فاعل : فرمول

We will go to school tomorrow ما فردا به مدرسه خواهیم رفت

وِی وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

I will go to school tomorrow من فردا به مدرسه خواهم رفت

آیُ وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

You will go to school tomorrow شما فردا به مدرسه خواهید رفت

یو وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

You will go to school tomorrow تو فردا به مدرسه خواهی رفت

یو وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

They will go to school tomorrow آن ها فردا به مدرسه خواهند رفت

دیُ وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

He will go to school tomorrow او فردا به مدرسه خواهد رفت

هیُ وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

Ali will go to school tomorrow علی فردا به مدرسه خواهد رفت

علی وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

She will go to school tomorrow او فردا به مدرسه خواهد رفت

شیُ وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

Mina will go to school tomorrow مینا فردا به مدرسه خواهد رفت

مینا وِیلُ گُ تو سَکولُ تومارُ

توجه: برای مخفف کردن **will** کافی است که دو حرف اول آن را به ' (**آپستروف**) تبدیل کنیم. مانند:

Will = 'll	ایل = ویل	خواهم . خواهی . خواهد . خواهیم . خواهید . خواهند.
We will = we'll	وییل = وی ویل	ما خواهیم...
I will = I'll	آیل = آی ویل	من خواهم...
You will = you'll	یول = یو ویل	شما خواهید...
They will = they'll	دیل = دی ویل	آنها خواهند...
he will = He'll	هیل = هی ویل	او خواهد...
She will = She'll	شیل = شی ویل	او خواهد...
It will = It'll	ایتیل = ایت ویل	آن خواهد

طرز ساخت زمان آینده ی ساده ی سؤالی طبق فرمول

Will + فاعل + فعل + ... ؟

Will we go ... ?	ویل وی گُ ... ؟	آیا ما خواهیم رفت ؟
Will I go ... ?	ویل آی گُ ... ؟	آیا من خواهم رفت ؟
Will you go ... ?	ویل یو گُ ... ؟	آیا شما خواهید رفت ؟
Will you go ... ?	ویل یو گُ ... ؟	آیا تو خواهی رفت ؟
Will they go ... ?	ویل دی گُ ... ؟	آیا آنها خواهند رفت ؟
Will he go ... ?	ویل هی گُ ... ؟	آیا او خواهد رفت ؟
Will Ali go ... ?	ویل علی گُ ... ؟	آیا علی خواهد رفت ؟
Will she go ... ?	ویل شی گُ ... ؟	آیا او خواهد رفت ؟
Will Mina go ... ?	ویل مینا گُ ... ؟	آیا مینا خواهد رفت ؟
Will your brother go ... ?	ویل یُر برادر گُ ... ؟	آیا برادرت خواهد رفت ؟
will your brohters go ... ?	ویل یُر برادرز گُ ... ؟	آیا برادرانت خواهند رفت ؟

توجه: برای سؤالی کردن آینده، از فعل کمکی **will** در اول جمله استفاده می کنیم و آخر جمله علامت سوال قرار می دهیم.



طرز ساخت زمان آینده ی منفی طبق فرمول

... + فعل + (will not یا won't) + فاعل : فرمول

We won't go	وی وِئْتْ گُ	ما نخواهیم رفت
We will not go	وی ویلْ نَاتْ گُ	ما نخواهیم رفت
I won't go	آیْ وِئْتْ گُ	من نخواهم رفت
I will not go	آیْ ویلْ نَاتْ گُ	من نخواهم رفت
You won't go	یو وِئْتْ گُ	شما نخواهید رفت
You won't go	یو وِئْتْ گُ	تو نخواهی رفت
They won't go	دی وِئْتْ گُ	آن ها نخواهند رفت
He won't go	هی وِئْتْ گُ	او نخواهد رفت
Ali won't go	علی وِئْتْ گُ	علی نخواهد رفت
She won't go	شی وِئْتْ گُ	او نخواهد رفت
Mina won't go	مینا وِئْتْ گُ	مینا نخواهد رفت

توجه: برای منفی کردن آینده ی ساده از **will not** یا **won't** قبل از فعل استفاده می کنیم .
با معلومات دستوری خود جمله ی زیر را کامل کنید .

A: I phone the doctor tomorrow.

توضیح:

چون **tomorrow** به معنای فردا ، مخصوص زمان آینده است بنابراین در جای خالی باید **will** بیاوریم .
ترجمه : من فردا به دکتر تلفن خواهم کرد . (اگر بخواهیم جمله را منفی بگوییم باید **won't** بیاوریم)

B: She won't go to the park (yesterday – soon – everyday)

توضیح: چون **she won't go** به معنای او نخواهد رفت و **won't** مخصوص زمان آینده است بنابراین در جای خالی باید **soon** به معنای به زودی که مربوط به آینده می باشد را بیاوریم .
ترجمه : او به زودی به پارک نخواهد رفت .

توجه: **yesterday** به معنای دیروز ، علامت گذشته و **everyday** به معنای هرروز ، علامت حال ساده می باشد .

مبحث اعداد اصلی Cardinal Numbers

Numbers	نَامَبْرُز	اعداد
0- Zero	زَيْرُ	صفر
1- one	وَأَن	یک
2- two	تو	دو
3- three	ثِیرِی	سه
4- four	فُرُ	چهار
5- five	فَآیُو	پنج
6- six	سِیْکْسُ	شش
7- seven	سَوْنُ	هفت
8- eight	اِیْتُ	هشت
9- nine	نَآئِنُ	نه
10- ten	تِنُ	ده
11- eleven	الْوَن (ایلون)	یازده
12- twelve	تَوَالُو	دوازده
13- thirteen	ثِرْتِینُ	سیزده
14- fourteen	فُرْتِینُ	چهارده
15- fifteen	فِیْفْتِینُ	پانزده
16- sixteen	سِیْکْسْتِینُ	شانزده
17- seventeen	سَوْنْتِینُ	هفده
18- eighteen	اِیْتِینُ	هیجده
19- nineteen	نَآئِنْتِینُ	نوزده
20- twenty	تَوَانْتِی	بیست
21- twenty-one	تَوَانْتِی. وَأَن	بیست و یک



Numbers	نمبرز	اعداد
22- twenty- two	توانتی. تو	بیست و دو
23- twenty- three	توانتی. تیری	بیست و سه
24- twenty- four	توانتی. فر	بیست و چهار
25- twenty- five	توانتی. فایو	بیست و پنج
30- thirty	ثرتی (ثردی)	سی
40- forty	فرتی (فردی)	چهل
50- fifty	فیفتی	پنجاه
60- sixty	سیکستی	شصت
70- seventy	سونتی (سوندی)	هفتاد
80- eighty	ایتی (ایدی)	هشتاد
90- ninety	نانتی	نود
100- one hundred	وآن هاندر	صد - یکصد
101- one hundred one	وآن هاندر وآن	صد و یک
1000- one thousand	وآن تاوژند	هزار - یک هزار
10000- ten thousand	تن تاوژند	ده هزار
100000- one hundred thousand	وآن هاندر تاوژند	صد هزار - یکصد هزار
1000000- one million	وآن میلیون	یک میلیون
1000000000- one billion	وآن بیلین	یک بیلین (یک میلیارد)

مبحث اعداد ترتیبی Ordinal Numbers

1st = first	فِرْسْت	اول - اولین - اولی
2nd = second	سِکَنْد	دوم - دومین - دومی
3rd = third	ثِرْد	سوم - سومین - سومی
4th = fourth	فُورْت	چهارم - چهارمین - چهارمی
5th = fifth	فِیْفْت	پنجم - پنجمین - پنجمی
6th = sixth	سِکْث	ششم - ششمین - ششمی
7th = seventh	سِوِنْت	هفتم - هفتمین - هفتمی
8th = eighth	ایْت	هشتم - هشتمین - هشتمی
9th = ninth	نَایْنْت	نهم - نهمین - نهمی
10th = tenth	تِنْت	دهم - دهمین - دهمی
11th = eleventh	الْوِنْت	یازدهم - یازدهمین - یازدهمی
12th = twelfth	توَالْفْت	دوازدهم - دوازدهمین - دوازدهمی
13th = thirteenth	ثِرْتِنْت	سیزدهم - سیزدهمین - سیزدهمی
14th = fourteenth	فُورْتِنْت	چهاردهم - چهاردهمین - چهاردهمی
15th = fifteenth	فِیْفْتِنْت	پانزدهم - پانزدهمین - پانزدهمی
16th = sixteenth	سِکْسْتِنْت	شانزدهم - شانزدهمین - شانزدهمی
17th = seventeenth	سِوِنْتِنْت	هفدهم - هفدهمین - هفدهمی
18th = eighteenth	ایْتِنْت	هجدهم - هجدهمین - هجدهمی
19th = nineteenth	نَایْنْتِنْت	نوزدهم - نوزدهمین - نوزدهمی
20th = twentieth	توَانْتی اِث	بیستم - بیستمین - بیستمی
21st = twenty-first	توَانْتی فِرْسْت	بیست و یکم - بیست و یکمین
30th = thirtieth	ثِرْتی اِث	سی ام - سی امین
40th = fortieth	فُورْتی اِث	چهل - چهلمین - چهلمی



50th= fiftieth

فِئْتِي اِثْ

پنجاهم - پنجاهمین - پنجاهمی

60th= sixtieth

سِکْسْتِي اِثْ

شصتم - شصتمین - شصتمی

70th= seventieth

سَوْنِي اِثْ

هفتادم - هفتادمین - هفتادمی

80th= eightieth

اِثْنِي اِثْ

هشتادم - هشتادمین - هشتادمی

90th= ninetieth

نَايْنِي اِثْ

نودم - نودمین - نودمی

100th= one hundredth

وَ اَنْ هَا نْدِرِدْثْ

صدم - صدمین - صدمی

1000th= one thousandth

وَ اَنْ تَا زَنْدْثْ

هزارم - هزارمین - هزارمی

اعداد لاتین

Roman Numbers

I	1	X	10
II	2	XV	15
III	3	XX	20
IV	4	XXX	30
V	5	XL	40
VI	6	L	50
VII	7	C	100
VIII	8	D	500
IX	9	M	1.000



مبحث زمان
Time



- 1- hour
- 2- minutes
- 3- seconds
- 4- a.m.
- 5- p.m.



- أَوْر
- مِئْسَسْ (مِئْسَسْ)
- سَكِنْدَز
- اَيِّ اَمِّ
- بِي اَمِّ



- ساعت
- دقایق
- ثانیه ها



- قبل از ظهر
- بعد از ظهر

6- 1:00 one o'clock



وَأَنْ اَكْلَاكَا

ساعت یک

7- 1:05 one-oh-five
five after one



وَأَنْ أَفَايُو
فَايُو أَفْتِرْ وَأَنْ

یک و پنج دقیقه
پنج دقیقه بعد از یک

8- 1:10 one-ten
ten after one



وَأَنْ تَنْ
تَنْ أَفْتِرْ وَأَنْ

یک و ده دقیقه
ده دقیقه بعد از یک

9- 1:15 one-fifteen
a quarter after one



وَأَنْ فِيفْتِينْ
اِكْرَبْرْ أَفْتِرْ وَأَنْ

یک و پانزده دقیقه
یک ربع بعد از یک

10- 1:20 one-twenty
twenty after one



وَأَنْ تَوَانْتِي
تَوَانْتِي أَفْتِرْ وَأَنْ

یک و بیست دقیقه
بیست دقیقه بعد از یک

11- 1:30 one-thirty
half past one



وَأَنْ ثِرْتِي
هَفْ بَسْتْ وَأَنْ

یک و سی دقیقه
نیم ساعت گذشته از یک



12- 1:40	one-forty	وَأَنْفُورْتِي	يَكْ وَ چَهْل دَقِيْقَه
twenty to two		تَوَانْتِي تُو تُو	بِيْسْت دَقِيْقَه (مَانْدَه) بَه دُو
13- 1:45	one-forty-five	وَأَنْفُورْتِي فَايُو	يَكْ وَ چَهْل وَ پَنَج دَقِيْقَه
a quarter to two		اِكْرَتْرُ تُو تُو	يَكْ رِبْع (مَانْدَه) بَه دُو
14- sunrise		سَاَنْ رَايِز	طَلُوْع أَفْتَاب
15- morning		مُرْنِيْنِكْ	صَبْح
16- noon		نُون	ظَهْر
17- afternoon		أَفْتَرْنُون	بَعْد از ظَهْر



18- sunset	سَاَنْ سِت	غُرُوْب أَفْتَاب
19- evening	ايُونِيْنِكْ	عَصْر
20- night	نَايْت	شَب
21- midnight	مِيْدَانَايْت	نِيْمَه شَب



22- early	اِرْلِي	زُوْد
23- on time	اَنْ تَايْم	بَه مَوْقِع (سَر مَوْقِت)
24- late	لِيْت	دِيْر

توجه ۱: کلمه ی **o'clock** فقط برای ساعت کامل به کار می رود.

توجه ۲: **past** یا **after** به معنای **گذشته از** می باشد و از ساعت دوازده و یک دقیقه تا پنج و پنجاه و نه دقیقه ، به کار می رود.

توجه ۳: **to** به معنای **مانده به** برای ساعت شش و یک دقیقه تا ساعت یازده و پنجاه و نه دقیقه به کار می رود.

توجه ۴: **a quarter to** به معنای **یک ربع مانده به** و **a quarter past** به معنای **یک ربع گذشته از** می باشند که می توانند بدون **a** هم در جمله بکار روند.

توجه ۵: برای بیان ساعت بصورت کامپیوتری (عددی) کافی است که اعداد را به همان ترتیبی که آمده اند بیان کنیم.

توجه ۶: **a.m.** به معنای **قبل از ظهر** یا **صبح** از ساعت دوازده و یک دقیقه ی شب (یعنی یک دقیقه بامداد) شروع شده و تا ساعت یازده و پنجاه و نه دقیقه ی (ظهر) به کار می رود.

توجه ۷: **p.m.** به معنای **بعد از ظهر** و یا **شب** می باشد که از ساعت دوازده و یک دقیقه ی (ظهر) شروع شده و تا یازده و پنجاه و نه دقیقه ی شب استفاده می شود.

توجه ۸: **12:00 a.m.** یعنی دوازده شب که **midnight** یعنی **نیمه شب** نیز گفته می شود.

توجه ۹: **12:00 p.m.** یعنی دوازده ظهر که **noon** یعنی **ظهر** نیز گفته می شود.

زمان حال کامل یا ماضی نقلی Present perfect tense

حال کامل یا ماضی نقلی بیان کننده ی عملی است که در زمان گذشته انجام شده و اثر آن تا به زمان حال باقی مانده است و شاید این اثر به زمان آینده نیز برسد. مانند :

I have seen that film before

آی هُو سِین دَتَ فِیْلِمُ بَیْفُرُ

یعنی من قبلاً آن فیلم را دیده ام. یعنی عمل دیدن در زمان گذشته انجام شده است اما اثر آن که به یاد ماندن فیلم است تا کنون باقی مانده و شاید این اثر تا چندین سال دیگر هم باقی بماند، به همین دلیل جمله را به شکل زمان ماضی نقلی بیان کردیم. برای ساختن حال کامل (ماضی نقلی) از فرمول زیر استفاده می کنیم.

... + قسمت سوم فعل یا (Have - has) + فاعل : **فرمول حال کامل**

I have seen Ali

آی هُو سِین علی

من علی را دیده ام

she has seen Ali

شی هَز سِین علی

او علی را دیده است



توجه : P.P یا Past Participle همان قسمت سوم فعل می باشد که به آن در زبان فارسی اسم مفعول می گویند.

توجه : برای ساختن اسم مفعول در زبان فارسی کافی است که (ن) مصدر را حذف کرده و به جای آن

(ه) اضافه کنیم. مانند: ۱- رفتن <<< رفته ۲- دیدن <<< دیده ۳- خوردن <<< خورده

۴- گفتن <<< گفته ۵- شستن <<< شسته ۶- بازی کردن <<< بازی کرده

اما برای یادگیری اسم مفعول (P.P) در زبان انگلیسی باید آنها را حفظ کنید. مانند:

seen	سین	دیده
eaten	ایتین	خورده
gone	گان	رفته
washed	واشت	شسته
played	پلید	بازی کرده
visited	ویزیتد	دیده- ملاقات کرده

توجه مهم : افعال در انگلیسی به دو دسته ی **باقاعده** و **بی قاعده** تقسیم می شوند.

افعال باقاعده آنهایی هستند که قسمت دوم (گذشته) و قسمت سوم آن ها (اسم مفعول) با اضافه کردن

ed ساخته می شود، مانند:

افعال باقاعده

قسمت سوم	قسمت دوم	قسمت اول
اسم مفعول	گذشته	حال
played	بازی کرد	بازی کردن
prayed	نماز خواند	نماز خواندن
worked	کار کرد	کار کردن
wanted	خواست	خواستن
watched	تماشا کرد	تماشا کردن
washed	شست	شستن
decided	تصمیم گرفت	تصمیم گرفتن
preferred	ترجیح داد	ترجیح دادن

و افعال بی قاعده آنهایی هستند که مانند افعال با قاعده ed نمی گیرند و قسمت دوم و قسمت سوم آنها باید حفظ شوند، مانند:

افعال بی قاعده

قسمت سوم	قسمت دوم	قسمت اول
اسم مفعول	گذشته	حال
سین	سآ	سی
دیده	دید	دیدن
کام	کیم	کام
آمده	آمد	آمدن
ایتین	ایت	ایت
خورده	خورد	خوردن
گان	ونت	گ
رفته	رفت	رفتن
سلیت	سلیت	سلیب
خوابیده	خوابید	خوابیدن
برآت	برآت	بیرینگ
آورده	آورد	آوردن
بت	بت	بت
شرط بسته	شرط بست	شرط بستن
بیلت	بیلت	بیلد
ساخته	ساخت	ساختن
بات	بات	بای
خریده	خرید	خریدن



طرز سؤالی حال کامل

برای سؤالی کردن حال کامل، کافی است که فعل کمکی **have** یا **has** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم. مانند فرمول:

فرمول سؤالی حال کامل : **have** یا **has** + ... ?

have you seen Ali ? هُوَ یو سینُ علی؟ آیا تو علی را دیده ای؟

has she seen Ali ? هَزْ شی سینُ علی؟ آیا او علی را دیده است؟

طرز منفی کردن حال کامل

برای منفی کردن حال کامل، کافی است که به فعل کمکی **have** یا **has** یک **not** اضافه کنیم، مانند فرمول:

فرمول حال کامل منفی : **has not** یا **have not** + فاعل + ...

I have not (haven't) seen Ali من علی را ندیده ام
آی هُوَ نَاتُ (هَوْنْتُ) سینُ علی

She has not (hasn't) seen Ali او علی را ندیده است
شی هَزْ نَاتُ (هَزْنْتُ) سینُ علی

توجه : از علامتهای حال کامل **for** و **since** می باشد. اگر عمل انجام شده در زمان مشخصی از گذشته باشد و تا زمان حال ادامه داشته باشد از عبارت **since** به معنای (از ... تا حالا) استفاده می کنیم، مانند:

He has been sick since last night او از شب گذشته تا حالا بیمار بوده است

هی هَزْ بِنُ سِیْکُ سِیْسُ لَسْتُ نَآیْتُ

Have you seen him since 1999? آیا شما از سال ۱۹۹۹ تا حالا او را دیده اید؟

هَوَ یو سینُ هِیْمُ سِیْسُ نَآیْسْتِیْنُ نَآیْسْتِی نَآیْنُ؟

و برای بیان طول زمان از **for** استفاده می کنیم، مانند:

I haven't seen Mina for two years من دو سال است که مینا را ندیده ام

آی هَوْنْتُ سینُ مِیْنَا فُرُ تو بِرُزْ

I haven't watched TV for a long time برای مدت زیادی است که تلویزیون تماشا نکرده ام

آی هَوْنْتُ وَاچْتُ تی.وی فُرُ لِانْگُ تَآیْمُ

توجه: در حال کامل، فعل کمکی **has** به معنای **است** می باشد و فعل کمکی **have** دارای پنج معنی (**ام - ای - ایم - اید - اند**) است.

زمان گذشته ی کامل یا ماضی بعید Past Perfect Tense

ماضی بعید بیان کننده ی عملی است که در زمان گذشته، قبل از یک عمل دیگر انجام شده است. ماضی بعید معمولاً به تنهایی در جمله کاربرد ندارد و با یک فعل گذشته ی دیگر، بیان می شود و برای ربط این دو جمله از کلمات ربطی زیر استفاده می شود

After – before – when – as soon as – by the time – because

گذشته ی کامل طبق فرمول زیر ساخته می شود

... + (P.P) قسمت سوم فعل + had + فاعل : فرمول ماضی بعید

We had seen

We had seen ما دیده بودیم وی هَد سین

The man had left when I got there آن مرد رفته بود وقتیکه من به آنجا رسیدم

دِ مَنْ هَد لِفْتُ وَنْ آيْ گَاتْ دِر

The old man had died by the time the doctor arrived

دِ اَلْدِ مَنْ هَد دَايْدِ بَايْ دِ تَايْمِ دِ دَاكْتِرِ آرَايُودِ

آن پیر مرد مرده بود زمانیکه دکتر به آنجا رسید

She had studied English before she went to the U.S

شی هَد ستادید اینگیلش بیفُر شی وَنْتِ تو دِ یو.اِسْ

او قبل از اینکه به ایالات متحده برود، انگلیسی مطالعه کرده بود

They went home after they had finished their homework

دِي وَنْتِ هُمْ اَفْتِرْ دِي هَد فینیشْتِ دِر هُمْ وُرْكْ

آن ها بعد از اینکه تکالیفشان را تمام کردند، به منزل رفتند

He was tired because he had worked hard

هی وَاَز تَايِرْدِ بیکاز هی هَد وُرْكْتِ هَاَرْدِ

او خسته بود چون سخت کار کرده بود



طرز سوالی کردن ماضی بعید

برای سوالی کردن ماضی بعید کافی است که فعل کمکی **had** را به اول جمله بیاوریم و آخر جمله علامت سوال بگذاریم. مانند فرمول :

؟ ... + (P.P) قسمت سوم فعل + فاعل + **Had** : فرمول ماضی بعید سوالی

آیا شما آن فیلم را دیده بودید؟ هَد یو سین دِ فِیْلِمْ ؟ Had you seen the film?

بله. دیده بودم. یِسْ آی هَد Yes, I had.

نه. ندیده بودم. نْ آی هَدِنْتْ No, I hadn't.

آیا علی آن فیلم را دیده بود؟ هَد علی سین دِ فِیْلِمْ ؟ Had Ali seen the film?

بله. دیده بود. یِسْ هی هَد Yes, He had.

نه. ندیده بود. نْ هی هَدِنْتْ No, He hadn't.

آیا خواهرت آن فیلم را دیده بود ؟ هَد یِرْ سیسْتِرْ سین دِ فِیْلِمْ ؟ Had your sister seen the film?

بله. دیده بود. یِسْ شی هَد Yes, She had.

نه. ندیده بود. نْ شی هَدِنْتْ No, She hadn't.

طرز منفی کردن ماضی بعید

برای منفی کردن ماضی بعید کافی است که یک **not** جلوی فعل کمکی **had** بگذاریم، مانند فرمول:

... + (P.P) قسمت سوم فعل + **had not / hadn't** + فاعل : فرمول ماضی بعید

من قبلاً آن فیلم را ندیده بودم I hadn't seen the film before

آیْ هَدِنْتْ سین دِ فِیْلِمْ بیْفِرْ

او قبلاً آن فیلم را ندیده بود He hadn't seen the film before

هیْ هَدِنْتْ سین دِ فِیْلِمْ بیْفِرْ

آنها قبلاً آن فیلم را ندیده بودند They hadn't seen the film before

دیْ هَدِنْتْ سین دِ فِیْلِمْ بیْفِرْ

توجه : در ماضی بعید، فعل کمکی **had** دارای شش معنی (بودم. بودی. بود. بودیم. بودید. بودند) می باشد.

نکاتی در مورد (مصدر بدون to + to be going to)

to be going to برای بیان عملی به کار می رود که در زمان آینده با تصمیم و برنامه ریزی قبلی، انجام خواهد شد. مانند جمله های زیر

We are going to buy a car (یعنی هم پول داریم و هم تصمیم خرید)

وی آر گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

I am going to buy a car (یعنی هم پول دارم و هم تصمیم خرید)

آیُ اَم گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

You are going to buy a car شما قصد دارید یک ماشین بخرید

یو آر گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

You are going to buy a car تو قصد داری یک ماشین بخری

یو آر گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

They are going to buy a car آنها قصد دارند یک ماشین بخرند

دِیُ آر گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

He is going to buy a car او قصد دارد یک ماشین بخرد

هِی اِزُ گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

She is going to buy a car او قصد دارد یک ماشین بخرد

شِی اِزُ گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

My parents are going to buy a car والدینم قصد دارند یک ماشین بخرند

مَایُ پَرِنْتسُ آر گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

His friend is going to buy a car دوستش قصد دارد یک ماشین بخرد

هِیزُ فَرِنْدُ اِزُ گُ اینگُ تو بایُ اِ کَار

در حقیقت **to intend = to be going to** به معنای قصد داشتن است

They intend to play football آن ها قصد دارند فوتبال بازی کنند

دِیُ اینْتِنْدُ تو پِلِیُ فوْتبَالُ

They are going to play football آنها قصد دارند فوتبال بازی کنند

دِیُ آر گُ اینگُ تو پِلِیُ فوْتبَالُ



طرز سوالی کردن to be going to

برای سوالی کردن to be going to کافی است که مانند سوالی کردن to be در زمان حال و گذشته (لطفأ به مبحث آن مراجعه کنید)

از فعل های کمکی (am - is - are - was - were) استفاده کنیم . مانند جملات زیر:

Are we going to buy a car? آیا ما قصد داریم یک ماشین بخریم؟

آر وی گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

Am I going to buy a car? آیا من قصد دارم یک ماشین بخرم؟

آم آی گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

Are you going to buy a car? آیا شما قصد دارید یک ماشین بخرید؟

آر یو گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

Are you going to buy a car? آیا تو قصد داری یک ماشین بخری؟

آر یو گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

Are they going to buy a car? آیا آنها قصد دارند یک ماشین بخرند؟

آر دی گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

Is he going to buy a car? آیا او قصد دارد یک ماشین بخرد؟

ایزُ هی گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

Is she going to buy a car? آیا او قصد دارد یک ماشین بخرد؟

ایزُ شی گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

Are my parents going to buy a car? آیا والدینم قصد دارند یک ماشین بخرند؟

آر مایُ پَرنتسُ گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

Is his friend going to buy a car? آیا دوستش قصد دارد یک ماشین بخرد؟

ایزُ هیزُ فرِنْدُ گُ اینگُ تو بایُ اِ کارُ ؟

What are you going to buy? قصد داری چی بخری؟

واتُ آر یو گُ اینگُ تو بایُ ؟

Why are you going to buy it? چرا قصد داری آنرا بخری؟

وآیُ آر یو گُ اینگُ تو بایُ ایتُ ؟

طرز منفی کردن to be going to

برای منفی کردن to be going to کافی است که مانند منفی کردن to be در زمان حال و گذشته

(لطفاً به مبحث آن مراجعه کنید)

از فعل های کمکی (am - is - are - was - were) استفاده کنیم . مانند جملات زیر:

We are not going to buy a car (یعنی تصمیم خرید، نداریم) ما قصد نداریم یک ماشین بخریم.

وی آر نات گ اینگ تو بای ا کار

I am not going to buy a car (یعنی تصمیم خرید، ندارم) من قصد ندارم یک ماشین بخرم.

آ ام نات گ اینگ تو بای ا کار

You are not going to buy a car شما قصد ندارید یک ماشین بخرید

یو آر نات گ اینگ تو بای ا کار

You are not going to buy a car تو قصد نداری یک ماشین بخری

یو آر نات گ اینگ تو بای ا کار

They are not going to buy a car آنها قصد ندارند یک ماشین بخرند

دی آر نات گ اینگ تو بای ا کار

He is not going to buy a car او قصد ندارد یک ماشین بخرد

هی ایز نات گ اینگ تو بای ا کار

She is not going to buy a car او قصد ندارد یک ماشین بخرد

شی ایز نات گ اینگ تو بای ا کار

My parents are not going to buy a car والدینم قصد ندارند یک ماشین بخرند

مای پرنٹس آر نات گ اینگ تو بای ا کار

His friend is not going to buy a car دوستش قصد ندارد یک ماشین بخرد

هیز فریند ایز نات گ اینگ تو بای ا کار

اگر بخواهیم، می توانیم جملات را بصورت سوالی و منفی (جمله هم سوالی باشد و هم منفی) بیان کنیم

در این حالت باید فعل کمکی منفی شده را به اول جمله بیاوریم. مانند:

Are not (aren't) you going to buy the car? آیا شما قصد ندارید آن ماشین را بخرید؟

آر نات (آرنت) یو آر نات گ اینگ تو بای ا کار؟



مبحث جملات شرطی Conditional Sentences

جملات شرطی انواع گوناگونی دارند که سه نوع مهم آنها عبارتند از:

۱- **شرطی نوع اول**: یا شرطی حقیقی که مربوط به زمان آینده می شود و امکان انجام آن می باشد.

توجه: هر جمله ی شرطی دو قسمت دارد ۱ - جمله ی شرط ، که با **if** شروع می شود ۲ - جواب شرط.

در شرطی نوع اول جمله ی شرط به زمان حال ساده و جواب آن به زمان آینده ی ساده می باشد.

طبق فرمول:

زمان آینده ساده ، زمان حال ساده + **if** : **فرمول شرطی نوع اول**

اگر من یک ماشین بخرم ، به مشهد می روم. (خواهم رفت) If I buy a car, I will go to Mashha.

ایفْ آیْ بَآیْ اِ کَآرْ ، آیْ ویلْ گُ تُو مشهد

توجه داشته باشید که:

۱ - به جای **will** می توانیم از فعلهای کمکی

(**can - must - may - ought to - needn't**) استفاده کنید.

۲ - شما می توانید جواب شرط را به اول جمله بیاورید و در اینصورت باید کاما (,) را حذف کنید.

مانند: If you come early, you can watch the film.

ایفْ یُو کَآمِ ارلی ، یُو کَنْ وَاچْ دِ فیلمْ

اگر شما زود بیایید ، (شما) می توانید فیلم را تماشا کنید.

You can watch the film If you come early.

یُو کَنْ وَاچْ دِ فیلمْ ایفْ یُو کَآمِ ارلی

شما می توانید فیلم را تماشا کنید اگر (شما) زود بیایید.

If you open the windows , you may catch cold

ایفْ یُو اُپِنْ دِ وِیندُزْ ، یُو میْ کَچْ کُلْدْ

اگر شما پنجره ها را باز کنید، ممکن است که سرما بخورید

You may catch cold If you open the windows

یُو میْ کَچْ کُلْدْ ایفْ یُو اُپِنْ دِ وِیندُزْ

ممکن است که سرما بخورید اگر شما پنجره ها را باز کنید

If you know the story, you needn't read the book

ایفْ یُو نُ دِ سِتریْ ، یُو نیْدِنْتْ رِیدْ دِ بوکْ

اگر شما داستان را می دانید ، لازم نیست که آن کتاب را بخوانید

You needn't read the book If you know the story

یُو نیْدِنْتْ رِیدْ دِ بوکْ (بوکْ) ایفْ یُو نُ دِ سِتریْ

لازم نیست که آن کتاب را بخوانید، اگر شما داستان را می دانید

۲- شرطی نوع دوم: به شرطی نوع دوم، شرطی غیرمُحتمل و غیرواقعی می گویند که طبق فرمول زیر ساخته می شود. (این شرطی مربوط به زمان حال می باشد)

زمان آینده در گذشته ، زمان گذشته ی ساده + if : فرمول شرطی نوع دوم

توجه ۱: برای ساختن زمان آینده در گذشته ی ساده کافی است که will را به would تبدیل کنیم.

توجه ۲: به جای would می توان از فعلهای کمکی might - could - should استفاده کرد. مانند:

If I studied hard, I would pass the exam

ایفْ آیْ سَتَادیدِ هَارْد، آیْ وُودِ پَسْ دِ اِگْزَمْ

اگر به سختی مطالعه می کردم، قبول می شدم. (یعنی سخت مطالعه نکردم و قبول نشدم).

I would pass the exam If I studied hard من قبول می شدم اگر به سختی مطالعه می کردم

آیْ وُودِ پَسْ دِ اِگْزَمْ ایفْ آیْ سَتَادیدِ هَارْد

If you came early, you could see them

ایفْ یو کِیمْ اِری، یو کود سی دِم

اگر زود می آمدی، می توانستی آن ها را ببینی. (یعنی زود نیامدی و آن ها را نمی توانی ببینی)

You could see them If you came early می توانستی آن ها را ببینی اگر زود می آمدی.

یو کود سی دِم ایفْ یو کِیمْ اِری

If you came early, you could watch the film.

ایفْ یو کِیمْ اِری، یو کود وَاچْ دِ فِیلمْ

اگر شما زود می آمدید، (شما) می توانستید فیلم را تماشا کنید.

If you opened the windows, you might catch cold

ایفْ یو اُپِنْدِ دِ وِینْدُز، یو مَایْتْ کَچْ کُلْد

اگر شما پنجره ها را باز می کردید، ممکن بود که سرما بخورید

You might catch cold If you opened the windows

یو مَایْتْ کَچْ کُلْد ایفْ یو اُپِنْدِ دِ وِینْدُز

ممکن بود که سرما بخورید اگر شما پنجره ها را باز می کردید



۳ - شرطی نوع سوم : این شرطی نیز غیر حقیقی می باشد و مربوط به زمان گذشته است و طبق فرمول زیر ساخته می شود.

آینده در گذشته کامل ، ماضی بعید + If : فرمول شرطی نوع سوم

توجه : برای ساختن زمان آینده در گذشته ی کامل، کافی است که بعد از عبارت **would have** قسمت سوم فعل را بیاوریم . مانند:

If he had invited me, I would have gone there

ایفُ هی هَدِ اِنُوآیْتِدِ می ، آی وود هُو گَانُ درِ

اگر او مرا دعوت کرده بود، به آنجا می رفتم. (یعنی او مرا دعوت نکرد و من هم به آنجا نرفتم)

I would have gone there If he had invited me

آی وود هُو گَانُ درِ ایفُ هی هَدِ اِنُوآیْتِدِ می

به آنجا می رفتم اگر او مرا دعوت کرده بود. (یعنی او مرا دعوت نکرد و من هم به آنجا نرفتم)

If you had came early, we would have watched the film.

ایفُ یو هَدِ کِیْمُ اِرلی ، یو وود هُو وَاچْتِ دِ فِیْلِمُ

اگر شما زود آمده بودید ، ما آن فیلم را تماشا کرده بودیم.

If I had bought the car , we would have gone there

ایفُ آی هَدِ بَاْتِ دِ کَار ، وی وود هُو گَانُ درِ

اگر من آن ماشین را خریده بودم ، ما به آنجا رفته بودیم

If he had known that man, he would have helped him

ایفُ هی هَدِ نُنْ دَتْ مَن ، هی وود هُو هِلِپْتِ هِیْمُ

اگر او، آن مرد را شناخته بود ، به او کمک کرده بود

نکاتی در مورد

can – may – should

الف (can) به معنای توانستن می باشد ، فعل کمکی است و بیان کننده ی توانایی انجام کار می باشد و بعد از آن فعل ساده می آید یعنی همان **مصدر بدون to** . مانند :

I can swim.

آی کَن سَویَم

من می توانم شنا کنم یعنی من توانایی شنا کردن را دارم، یعنی من شنا بلد هستم .

توجه : برای منفی کردن کافی است یک **not** به **can** اضافه کنیم .

can't (کَنْتْ) = **can not** (کَن نَاتْ)

که در این صورت عدم توانایی انجام کار را می رساند . مثال :

I can't drive.

آی کَنْتْ دِرَآیُوْ

یعنی من نمی توانم رانندگی کنم، یعنی رانندگی بلد نیستم .

توجه : برای سؤالی کردن **can** را به اول جمله می آوریم و آخر جمله علامت سوال می گذاریم . مانند :

Can he drive?

کَن هِی دِرَآیُوْ ؟

آیا او می تواند رانندگی کند ؟

توجه : Can I ... ? به معنای (آیا من می توانم ... ؟) برای اجازه گرفتن نیز بکار می رود یعنی

(آیا اجازه هست من ... ؟) مانند مثال های زیر :

Can I leave the classroom?

اجازه هست کلاس درس را ترک کنم ؟

کَن آی لیو دِ کِلَسْ رُوْمْ ؟

Can I go out?

کَن آی گَکْ آوْتْ ؟

اجازه هست بیرون بروم ؟

Can I help you?

کَن آی هِلْپْ یُوْ ؟

اجازه هست کمکتان کنم ؟

توجه : برای جواب کوتاه دادن به هر جمله ای باید از فعل کمکی آن جمله استفاده کنیم . مانند :

Can he drive the car?

کَن هِی دِرَآیُوْ دِ کَارْ ؟

آیا او می تواند آن ماشین را براند ؟

No, he can't.

نُ، هِی کَنْتْ

نه او نمی تواند

Yes, he can.

پِسْ، هِی کَن

بله او می تواند



توجه: گذشته **can** می شود **could** که برای بیان توانایی انجام کار در زمان گذشته می باشد و **couldn't** بیان کننده ی عدم توانایی در زمان گذشته است. مانند:

I can swim now but I couldn't swim last year

آی کَن سَوایم نَاوُ بَاتُ آی کُودُنْتُ سَوایم کَسْتُ یَرُ
من حالا می توانم شنا کنم اما سال گذشته نمی توانستم. یعنی سال گذشته توانایی شنا کردن را نداشتم

توجه: از عبارت **could** برای اجازه گرفتن در زمان حال نیز استفاده می شود. مانند:

Could you please open the door?

میشه لطفاً در را باز کنید ؟

کُود یو (کُوج یو) ییلیزُ اَینِ دِ دُرُ ؟

ب (may) به معنای **ممکن بودن** می باشد و فعل کمکی است و برای بیان امکان چیزی به کار می رود و بعد از آن فعل ساده می آید یعنی **مصدر بدون to** . مانند :

I may see him

آی می سی هیم

ممکن است او را ببینم

It may rain tonight

ایت می رین تونایت

ممکن است امشب باران بیارد

توجه ۱: **it** برای بیان آب و هوا به کار می رود . **توجه ۲:** **rain** (رین) به معنای باران و باران باریدن می باشد. **توجه ۳:** برای منفی کردن کافی است یک **not** به **may** اضافه کنیم .

توجه ۴: **may not** حالت مخفف ندارد . مثال :

It may not rain

ایت می نَات رین

ممکن نیست باران بیارد

توجه ۵: برای سؤالی کردن **may** را به اول جمله می آوریم . مانند :

May they come?

می دی کام ؟

آیا ممکن است آن ها بیایند؟

May he go?

می هی گک ؟

آیا ممکن است او برود ؟

توجه ۶: **May I ... ?** می آی ... ؟ به معنای (آیا ممکن است من ... ؟) ، برای اجازه گرفتن مؤدبانه نیز به کار می رود و در این صورت به معنای (آیا اجازه هست من ... ؟) می باشد . مانند:

May I use your pen?

می آی یوز یر پن ؟

آیا ممکن است از خودکار شما استفاده کنم ؟ (یعنی آیا اجازه هست از خودکار شما استفاده کنم ؟)

May I go out?

می آی گک آوت ؟

اجازه هست بیرون بروم ؟

May I help you?

می آی هلب یو ؟

اجازه هست کمکتان کنم ؟

توجه ۷: برای جواب کوتاه دادن باید از فعل کمکی خود جمله استفاده کنیم . مانند :

May he come here? (اجازه هست او به اینجا بیاید؟)

می می کام هیر؟

Yes, He may.

پس، می می

بله، ممکن است. (بله، اجازه دارد)

No, He may not.

ن، می می نات

نه، ممکن نیست. (نه، اجازه ندارد)

توجه ۸: might (مایْت) گذشته may می باشد.

توجه ۹: should (شود) به معنای باید می باشد و فعل کمکی است و بیشتر برای بیان (انجام وظایف)

به کار می رود و بعد از آن ، فعل ساده یعنی مصدر بدون to می آید. مانند :

He should open the door (او باید در را باز کند)

هی شود این د در

I should clean my room (من باید اتاقم را تمیز کنم؟)

آی شود کیلین مای روم

توجه ۱۰: برای منفی کردن کافی است not را به should اضافه کنیم .

(شود نات) should not نباید = (شودنت) shouldn't

He shouldn't open the window (او نباید پنجره را باز کند)

هی شودنت این د ویند

I shouldn't go there (من نباید به آنجا بروم)

آی شودنت گ در

توجه ۱۱: برای سؤالی کردن should را به اول جمله می آوریم و آخر جمله علامت سوال می گذاریم مانند:

Should they study English? (آیا آنها باید انگلیسی مطالعه کنند؟)

شود دی ستادی اینگیلش؟

Should you speak Arabic? (آیا شما باید عربی صحبت کنید؟)

شود یو سپیک آریک

توجه ۱۲: برای جواب کوتاه دادن باید از فعل کمکی خود جمله استفاده کنیم . مانند :

Should he swim in this river? (آیا او باید در این رودخانه شنا کند)

شود هی سوی م این دیس ریور؟

Yes, he should.

پس، می می شود.

بله او باید شنا کند

No, he shouldn't.

ن، می می شودنت.

نه او نباید شنا کند



نکاتی در مورد

have to & must

Have to (هَفْ تو) مربوط به زمان حال و به معنای مجبور بودن می باشد و بعد از آن باید از شکل ساده ی فعل یعنی **مصدر بدون to** استفاده کرد. مانند:

We have to go	وی هَفْ توگْ	ما مجبوریم برویم
I have to go	آی هَفْ توگْ	من مجبورم بروم
You have to go	یو هَفْ توگْ	شما مجبورید بروید
You have to go	یو هَفْ توگْ	تو مجبوری بروی
They have to go	دی هَفْ توگْ	آنها مجبورند بروند
He has to go	هی هَزْ توگْ	او مجبور است برود
She has to go	شی هَزْ توگْ	او مجبور است برود

توجه ۱: have to بصورت (هَفْ تو) تلفظ می شود

توجه ۲: در حالت مثبت در سوم شخص مفرد از **has to** استفاده می کنیم

توجه ۳: برای سوالی کردن **have to** از **do** یا **does** استفاده می کنیم.

توجه ۴: does مخصوص سوم شخص مفرد می باشد

توجه ۵: در حالت سوالی یا منفی برای تمام فاعل ها فقط از **have to** استفاده می شود.

Do we have to go?	دو وی هَفْ توگْ؟	آیا ما مجبوریم برویم؟
Do I have to go?	دو آی هَفْ توگْ؟	آیا من مجبورم بروم؟
Do you have to go?	دو یو هَفْ توگْ؟	آیا شما مجبورید بروید؟
Do you have to go?	دو یو هَفْ توگْ؟	آیا تو مجبوری بروی؟
Do they have to go?	دو دی هَفْ توگْ؟	آیا آنها مجبورند بروند؟
Does he have to go?	دآز هی هَفْ توگْ؟	آیا او مجبور است برود؟
Does she have to go?	دآز شی هَفْ توگْ؟	آیا او مجبور است برود؟

توجه ۱: برای منفی کردن **have to** کافی است که از **don't** یا **doesn't** استفاده کنیم.

توجه ۲: **doesn't** مخصوص سوم شخص مفرد می باشد.

توجه ۳: در جملات منفی و یا سوالی هرگز از **has to** استفاده نمی شود. مانند:

We don't have to go	وی دَنْتْ هَفْ تُوگْ	ما مجبور نیستیم برویم
I don't have to go	آی دَنْتْ هَفْ تُوگْ	من مجبور نیستم بروم
You don't have to go	یو دَنْتْ هَفْ تُوگْ	شما مجبور نیستید بروید
You don't have to go	یو دَنْتْ هَفْ تُوگْ	تو مجبور نیستی بروی
They don't have to go	دی دَنْتْ هَفْ تُوگْ	آنها مجبور نیستند بروند
He doesn't have to go	هی دَاژَنْتْ هَفْ تُوگْ	او مجبور نیست برود
She doesn't have to go	شی دَاژَنْتْ هَفْ تُوگْ	او مجبور نیست برود

نکته: اگر بخواهیم زمان گذشته ی **have to** و یا **has to** را بکار ببریم، باید از **had to** استفاده کنیم.

مانند:

We had to go	وی هَد تُوگْ	ما مجبور بودیم برویم
I had to go	آی هَد تُوگْ	من مجبور بودم بروم
You had to go	یو هَد تُوگْ	شما مجبور بودید بروید
You had to go	یو هَد تُوگْ	تو مجبور بودی بروی
They had to go	دی هَد تُوگْ	آنها مجبور بودند بروند
He had to go	هی هَد تُوگْ	او مجبور بود برود
Ali had to go	علی هَد تُوگْ	علی مجبور بود برود
She had to go	شی هَد تُوگْ	او مجبور بود برود
Mina had to go	مینا هَد تُوگْ	مینا مجبور بود برود
Ali and Reza had to go	علی آند رضا هَد تُوگْ	علی و رضا مجبور بودند بروند

توجه ۱: برای سوالی کردن **had to** از **did** استفاده می شود.

توجه ۲: در حالت سوالی برای تمام ضمائر از **have to** استفاده می کنیم. مانند:



Did we have to go?	دید وی هَفْ توگْ؟	آیا ما مجبور بودیم برویم؟
Did I have to go?	دید آیْ هَفْ توگْ؟	آیا من مجبور بودم بروم؟
Did you have to go?	دید یو هَفْ توگْ؟	آیا شما مجبور بودید بروید؟
Did you have to go?	دید یو هَفْ توگْ؟	آیا تو مجبور بودی بروی؟
Did they have to go?	دید دِیْ هَفْ توگْ؟	آیا آنها مجبور بودند بروند؟
Did he have to go?	دید هی هَفْ توگْ؟	آیا او مجبور بود برود؟
Did she have to go?	دید شی هَفْ توگْ؟	آیا او مجبور بود برود؟

توجه ۱: برای منفی کردن **had to** از **didn't** استفاده می شود.

توجه ۲: در حالت منفی برای تمام ضمایر از **have to** استفاده می کنیم. مانند:

We didn't have to go	وی دیدنْتْ هَفْ توگْ	ما مجبور نبودیم برویم
I didn't have to go	آیْ دیدنْتْ هَفْ توگْ	من مجبور نبودم بروم
You didn't have to go	یو دیدنْتْ هَفْ توگْ	شما مجبور نبودید بروید
You didn't have to go	یو دیدنْتْ هَفْ توگْ	تو مجبور نبودی بروی
They didn't have to go	دِیْ دیدنْتْ هَفْ توگْ	آنها مجبور نبودند بروند
He didn't have to go	هی دیدنْتْ هَفْ توگْ	او مجبور نبود برود
She didn't have to go	شی دیدنْتْ هَفْ توگْ	او مجبور نبود برود

نکته: **must** به معنای **باید** می باشد و برای تمام ضمایر به یک شکل به کار می رود و بعد از آن از فعل

ساده یعنی همان **مصدر بدون to** استفاده می شود. مانند:

We must go	وی مَاسْتْ گْ	ما باید برویم
I must go	آیْ مَاسْتْ گْ	من باید بروم
You must go	یو مَاسْتْ گْ	شما باید بروید
You must go	یو مَاسْتْ گْ	تو باید بروی
They must go	دِیْ مَاسْتْ گْ	آنها باید بروند
He must go	هی مَاسْتْ گْ	او باید برود
She must go	شی مَاسْتْ گْ	او باید برود

توجه: **must** در حالت سوالی به اول جمله می آید. مانند:

Must we go?	ماست وی گُ؟	آیا ما باید برویم؟
Must I go ?	ماست آی گُ؟	آیا من باید بروم؟
Must you go?	ماست یو گُ؟	آیا شما باید بروید؟
Must you go?	ماست یو گُ؟	آیا تو باید بروی؟
Must they go?	ماست دی گُ؟	آیا آنها باید بروند؟
Must he go?	ماست هی گُ؟	آیا او باید برود؟
Must Ali go?	ماست علی گُ؟	آیا علی باید برود؟
Must she go?	ماست شی گُ؟	آیا او باید برود؟
Must Mina go?	ماست مینا گُ؟	آیا مینا باید برود؟
Must your brother go home?	ماست یر برادر گُ هم؟	آیا برادرت باید به خانه برود؟
Must your brothers go home?	ماست یر برادرز گُ هم؟	آیا برادرانت باید به خانه بروند؟

توجه ۱: در حالت منفی باید به **must** یک **not** اضافه شود و حالت مخفف آن **mustn't** (ماست) می باشد.

مانند:

We must not go	وی ماست نات گُ	ما نباید برویم
We mustn't go	وی ماست گُ	ما نباید برویم
I mustn't go	آی ماست گُ	من نباید بروم
You mustn't go	یو ماست گُ	شما نباید بروید
You mustn't go	یو ماست گُ	تو نباید بروی
They mustn't go	دی ماست گُ	آنها نباید بروند
He mustn't go	هی ماست گُ	او نباید برود
Ali mustn't go	علی ماست گُ	علی نباید برود
She mustn't go	شی ماست گُ	او نباید برود
Mina mustn't go	مینا ماست گُ	مینا نباید برود



مبحث ضمایر مفعولی

ضمایر مفعولی به جای اسمی که مفعول جمله باشد، می توانند قرار بگیرند و از تکرار آن جلوگیری کنند.
ضمایر مفعولی بعد از فعل می آیند و عبارتند از :

us	آسُ	ما را ، به ما
me	می	من را ، به من
you	یو	شما را ، به شما
you	یو	تورا ، به تو
them	دِم	آن ها را ، به آن ها
him	هِیم	او را ، به او (مخصوص مذکر)
her	هِر	او را ، به او (مخصوص مؤنث)
it	ایْت	آن را ، به آن

مانند مثال های زیر :

I saw them	آیْ سَأْ دِم	من آن ها را دیدم
I saw him	آیْ سَأْ هِیم	من او را دیدم
I saw you	آیْ سَأْ یو	من تو را دیدم
I saw it	آیْ سَأْ ایْت	من آن را دیدم
They saw me	دیْ سَأْ می	آن ها مرا دیدند
They saw us	دیْ سَأْ آسُ	آن ها ما را دیدند
Give them a ball	گیوْ دِم اِ بَالْ	به آن ها یک توپ بدهید
Give her a cup	گیوْ هِر اِ کَآپْ	به او یک فنجان بدهید
Give me a pen	گیوْ می اِ پَنْ	به من یک خودکار بدهید
Please help me	پیلِزْ هِلْپْ می	لطفاً به من کمک کنید
Please help him	پیلِزْ هِلْپْ هِیم	لطفاً به او کمک کنید
Please help them	پیلِزْ هِلْپْ دِم	لطفاً به آنها کمک کنید

جدول مقایسه

ضمایر فاعلی قبل از فعل	صفات ملکی قبل از اسم	ضمایر مفعولی بعد از فعل
we = ما	مان = our = مال ما	us = ما را ، به ما
I = من	م = my = مال من	me = من را ، به من
you = شما	تان = your = مال شما	you = شما را ، به شما
you = تو	ت = your = مال تو	you = تو را ، به تو
they = آنها	شان = their = مال آنها	them = آنها را ، به آنها
he = او (مذکر)	ش = his = مال او (مذکر)	him = او را ، به او (مذکر)
she = او (مؤنث)	ش = her = مال او (مؤنث)	her = او را ، به او (مؤنث)
it = آن (حیوان و اشیاء)	ش = its = مال آن (حیوان و اشیاء)	it = آن را ، به آن (حیوان و اشیاء)

مثال :	فاعل	فعل	مفعول
	I (آی)	saw (سا)	them (دم)
	من	دیدم	آن ها را
	They (دی)	saw (سا)	me (می)
	آنها	دیدند	مرا

توجه ۱: صفات ملکی به همراه اسم می آیند و بدون اسم ، بی معنا و مفهوم می باشند .

توجه ۲: صفت ملکی به همراه اسم ، می تواند فاعل یا مفعول جمله باشد . مانند :

برادرم ، پدرت را دید مایِ برادرِ سا یَرِ فادرِ My brother saw your father
 فاعل فعل مفعول

خواهرش یک فنجان چای به مادرم داد مفعول غیر انسان مفعول انسانی فعل فاعل
 His sister gave my mother a cup of tea

هیزِ سیسترِ گیوِ مایِ مادرِ اِ کاپِ اوِ تی



مبحث ضمایر ملکی Possessive pronouns

ضمیر ملکی به جای اسم و صفت ملکی می آید . چون به جای اسم می آید به آن ضمیر می گویند و چون مالکیت را می رساند به آن ملکی می گویند. ضمایر ملکی عبارتند از:

ours	آورز	مال ما - برای ما
mine	ماین	مال من - برای من
yours	یرز	مال شما - برای شما
yours	یرز	مال تو - برای تو
theirs	درز	مال آن ها - برای آن ها
his	هیز	مال او - برای او (مذکر)
hers	هرز	مال او - برای او (مؤنث)
its	ایتس	مال آن - برای آن (غیرانسان)

This is my car = this car is mine = this is mine

دیس ایز مای کار = دیس کار ایز ماین = دیس ایز ماین

این ماشین من است = این ماشین مال من است = این مال من است

Is that your bag?	ایز دت یر بگ؟	آیا آن کیف تو است؟
No, it's hers	ن. ایتس هرز	نه. آن مال او (مؤنث) است
No, it's Mina's	ن. ایتس میناز	نه. آن مال مینا است
No, it's my brother's	ن. ایتس مای برادرز	نه. آن مال برادرم است
No, it's Ali's	ن. ایتس علیز	نه. آن مال علی است
No, it's his	ن. ایتس هیز	نه. آن مال او است
No, it isn't mine.	ن. ایت ایزنت ماین	نه. آن مال من است
whose car is it?	هوز کار ایز ایت؟	آن ماشین چه کسی است؟
It's mine	ایتس ماین	آن برای من است

مبحث ضمائر انعکاسی Reflexive pronouns

می دانیم که در جملات بعد از فعل جایگاه مفعول می باشد حال اگر فاعل و مفعول جمله یکی باشد ، در این صورت به جای مفعول جمله، از ضمیر انعکاسی استفاده می کنیم . ضمائر انعکاسی عبارتند از:

ourselves	آوَرِ سِلْوَزْ	خودمان را
myself	مَآیْ سِلْفْ	خودم را
yourselves	یُرْ سِلْوَزْ	خودتان را
yourself	یُرْ سِلْفْ	خودت را
themselves	دَمْ سِلْوَزْ	خودشان را
himself	هِمِ سِلْفْ	خودش را (مذکر)
herself	هَرِ سِلْفْ	خودش را (مؤنث)
itself	اِیْتْ سِلْفْ	خودش را (غیر انسان)

به مثالهای زیر دقت کنید:

I hurt Ali	آیْ هَرْتْ عَلِیْ	من به علی صدمه زدم
I hurt him	آیْ هَرْتْ هِمِ	من به او صدمه زدم

در این جملات **Ali** و **him** مفعول جمله می باشند و با فاعل جمله فرق دارند.

اما در جمله ی اشتباه **I hurt me** که فاعل و مفعول جمله یکی هستند به جای **me** باید از ضمیر

انعکاسی مربوط به آن یعنی **myself** به معنای خودم را، استفاده کنیم. مانند:

I hurt myself	آیْ هَرْتْ مَآیْ سِلْفْ	من به خودم صدمه زدم
You hurt yourself	یو هَرْتْ یُرْ سِلْفْ	تو به خودت صدمه زدی
He hurt himself	هی هَرْتْ هِمِ سِلْفْ	او به خودش صدمه زد
She hurt herself	شی هَرْتْ هَرِ سِلْفْ	او به خودش صدمه زد
they hurt themselves	دِیْ هَرْتْ دَمْ سِلْوَزْ	آنها به خودشان صدمه زدند
We hurt ourselves	وِیْ هَرْتْ آوَرِ سِلْوَزْ	ما به خودمان صدمه زدیم
You hurt yourselves	یو هَرْتْ یُرْ سِلْوَزْ	شما به خودتان صدمه زدید



He saw himself in the mirror

او خودش را در آینه دید

هِی سَا هِیْم سِلْفَ اَیْنِ دِ مِیْرِرِ

The girl burnt herself badly

آن دختر بد جوری خودش را سوزاند

دِ گِرْلِ بَرْتَتْ هِرْ سِلْفَ بَدْلِی

توجه ۱: بعضی از افعال نیاز به دو مفعول دارند. اگر مفعول شخصی بصورت ضمیر مفعولی یا ضمیر انعکاسی بعد از مفعولی که غیر انسان باشد بیاید، در اینصورت قبل از خود نیاز به حرف اضافه **for** یا **to** دارد. مانند:

They bought a car for themselves

آنها یک ماشین برای خودشان خریدند

دِی بَاتْ اِ کَارْ فُرْ دِمْ سِلْوَزْ

We built a house for ourselves

ما برای خودمان یک خانه ساختیم

وِی بِلْتْ اِ هَاوْسْ فُرْ آوْرْسِلْوَزْ

He made a cake for himself

او برای خودش یک کیک درست کرد

هِی مِیْدْ اِ کِیْکْ فُرْ هِیْم سِلْفَ

توجه ۲: در حالی که اگر ابتدا مفعول انسانی و سپس مفعول غیر انسانی بیاید هیچ نیازی به حرف اضافه نمی باشد. مانند:

They bought themselves a car

آنها یک ماشین برای خودشان خریدند

دِی بَاتْ دِمْ سِلْوَزْ اِ کَارْ

We built ourselves a house

ما برای خودمان یک خانه ساختیم

وِی بِلْتْ آوْرْسِلْوَزْ اِ هَاوْسْ

He made himself a cake

او برای خودش یک کیک درست کرد

هِی مِیْدْ هِیْم سِلْفَ اِ کِیْکْ

توجه ۳: بعد از حرف اضافه ی **with** از ضمائر مفعولی استفاده می شود نه ضمائر انعکاسی. مانند:

Mina took the baby with her

مینا نوزاد را با (به همراه) خود برد

مِیْنَا تَوَكُّ دِ بَبِی وِیْتْ هِرْ

They took the car with them

آنها ماشین را با خود بردند

دِی تَوَكُّ دِ کَارْ وِیْتْ دِمْ

ضمایر تأکیدی Emphasizing Pronouns

ضمایر تأکیدی به دو دسته ی تأکیدِ فاعلی و تأکیدِ مفعولی تقسیم می شوند و از نظر شکلی مانند ضمایر انعکاسی می باشند اما در جمله کاربرد آن ها فرق دارد، برای مثال ضمیر تأکیدی فاعلی بعد از فاعل و یا بعد از مفعول جمله می آید، مانند:

I myself wrote the letter	آیْ مَائِ سَلْفُ رُتْ دِ لِیْتِرْ	من خودم آن نامه را نوشتم
I wrote the letter myself	آیْ رُتْ دِ لِیْتِرْ مَائِ سَلْفُ	من خودم آن نامه را نوشتم
I myself saw them	آیْ مَائِ سَلْفُ سَا دِمْ	من خودم آن ها را دیدم
I saw them myself	آیْ سَا دِمْ مَائِ سَلْفُ	من خودم آن ها را دیدم

و ضمیر تأکیدی مفعولی بعد از مفعول مورد نظر می آید، مانند:

I saw Ali himself	آیْ سَا عَلِیْ هِیْمِ سَلْفُ	من خود علی را دیدم
I saw him himself	آیْ سَا هِیْمِ هِیْمِ سَلْفُ	من خود او را دیدم
I saw Mina herself	آیْ سَا مِیْنَا هِرْ سَلْفُ	من خود مینا را دیدم
I saw her herself	آیْ سَا هِرْ هِرْ سَلْفُ	من خود او را دیدم
I saw Ali and Mina themselves		من خود علی و مینا را دیدم

آیْ سَا عَلِیْ اَنْدِ مِیْنَا دِمِ سَلْوَزْ

I saw them themselves	آیْ سَا دِمِ دِمِ سَلْوَزْ	من خود آن ها را دیدم
I gave the wallet to the man himself		من کیف پول را به خود آن مرد دادم

آیْ گِیُوْ دِ وَاَلْتِ تُو دِ مَن هِیْمِ سَلْفُ

توجه: اگر این ضمایر بعد از حرف **by** بیایند، معنای به تنهایی می دهند، مانند:

You can't do it by yourself شما نمی توانید آن (کار) را به تنهایی انجام دهید

یُو کَنْتَ دُو اِیْتِ بَآیْ یُرْسَلْفُ

My sister likes to study by herself خواهرم دوست دارد به تنهایی مطالعه کند

مَائِ سِیْسْتِرْ لَآ یُکْسِ تُو سِتَادِیْ بَآیْ هِرْ سَلْفُ



قیدهای تکرار (قیود تکرار) Adverbs of frequency

بعضی از قیدهای تکرار عبارتند از :

always	آل وِیزُ	همیشه
often	آفِن	اغلب
usually	یوزوَالِی	معمولاً
sometimes	سَامْ تَائِمَزْ	گاهی اوقات
never	نور	هرگز
seldom	سِلْ دِمْ	به ندرت
rarely	رِ دِلِی	به ندرت
generally	جِنِرَالِی	معمولاً

قید تکرار بیان کننده ی تکرار فعل، می باشد. مثلاً اگر عمل انجام شده همیشگی و صد درصد باشد ، از قید تکرار **always** (آل وِیزُ) به معنای همیشه ، استفاده می کنیم . مانند:

I am always at home on Fridays من همیشه جمعه ها در منزل هستم

آی اَمْ آل وِیزُ اَتْ هَمْ اَن فِرَآی دِیزُ

و اگر تکرار فعل به صفر برسد از **never** استفاده می کنیم .

توجه : **never** به معنای هرگز می باشد ، در جملات مثبت می آید و معنای جمله را منفی می کند . مانند:

He is never at home on Fridays او هرگز جمعه ها در منزل نیست

هِی اِیزُ نور اَتْ هَمْ اَن فِرَآی دِیزُ

جایگاه قیدهای تکرار

(۱) بعد از **to be** مانند :

He is always here at ten او همیشه ساعت ۱۰ اینجا است

هِی اِیزُ آل وِیزُ هِیرِ اَتْ تِنْ

They are often there on Sundays آنها اغلب یکشنبه ها آنجا هستند

دِی آر آفِن دِرْ اَن سَآندِیزُ

(۲) قبل از فعل اصلی . مانند :

They always study English آن ها همیشه انگلیسی مطالعه می کنند

دِی آل وِیزُ سَتَآدی اِن گِلیشْ

He never comes here on Mondays او هرگز دوشنبه ها به اینجا نمی آید

هِی نور کَآمَزْ هِیرِ اَن مَآندِیزُ

مبحث مالکیت of و 's

برای بیان مالکیت برای غیر انسان از **of** استفاده می شود .

در انگلیسی (در) می شود **the door** و کلاس می شود **the class** اگر بخواهیم بگوییم (در کلاس) یعنی دری که متعلق به کلاس است، باید به جای کسره مالکیت از **of** استفاده کنیم . مانند :

the door of the class	دِ دُرُ آوِ دِ کِلَسُ	درِ کلاس
the door of the car	دِ دُرُ آوِ دِ کَارُ	درِ ماشین
the door of the house	دِ دُرُ آوِ دِ هَاؤُسُ	درِ خانه
the roof of the house	دِ رُوفُ آوِ دِ هَاؤُسُ	پشت بامِ خانه
the windows of the house	دِ وِیَنْدُزُ آوِ دِ هَاؤُسُ	پنجره های خانه
the legs of the table	دِ لِگُزُ آوِ دِ تِیْبِلُ	پایه های میز
the wheels of the bicycle	دِ وِیلُزُ آوِ دِ بَایْسِیکِلُ	چرخ های دوچرخه

توجه : **of** را از سمت چپ، ترجمه می کنیم .

برای بیان مالکیت برای انسان از **'s** استفاده می شود . **'s** همان کسره ی مالکیت برای انسان می باشد . مثال

Ali's book	عَلِیزُ بُکُ (بوکُ)	کتابِ علی
Ali's father	عَلِیزُ قَادِرُ	پدرِ علی
My uncle	مَآئِ اَنْکِلُ	عمویم
My father's brother	مَآئِ قَادِرِزُ برَادِرُ	برادرِ پدرم
My aunt	مَآئِ اَنْتُ	عمه ام
My father's sister	مَآئِ فادِرِزُ سِیْسْتِرُ	خواهرِ پدرم
My uncle	مَآئِ اَنْکِلُ	دایی ام
My mother's brother	مَآئِ مَادِرِزُ برَادِرُ	برادرِ مادرم
My aunt	مَآئِ اَنْتُ	خاله ام
My mother's sister	مَآئِ مَادِرِزُ سِیْسْتِرُ	خواهرِ مادرم

توجه ۱ : **'s** را از سمت راست ترجمه می کنیم . مثال :

←
Mina's car

مِیْنَازُ کَارُ

ماشینِ مینا



the wheels of Ali's bicycle are big

چرخ های دوچرخه ی علی، بزرگ هستند

د وِیلزْ آو علیزْ بِآیسیکلْ آر بیگْ

The colour of Mina's car is brown

رنگ ماشینِ مینا، قهوه ای است

دِ کالَرِ آو مینازْ کآر ایزْ برآونْ

طرز قرار گیری کلمات در جملات انگلیسی در حالت کلی

فاعل	فعل	مفعول	قید مکان	قید زمان
I	saw	him	in the park	yesterday
آی	سآ	هیم	این دِ پآرکْ	یسترْدِی
من	دیدم	او را	در پارک	دیروز

توجه ۱: دقت داشته باشید که

فاعل: کننده ی کار را می گویند. (من = I)

فعل: عمل انجام شده است. (دیدم = saw)

مفعول: کسی یا چیزی که کار، روی آن انجام می شود. (او را = him)

قید (مکان): محلی که فعل در آن جا انجام می شود. (در پارک = in the park)

قید (زمان): زمانی که فعل انجام می شود. (دیروز = yesterday)

توجه ۲: این فرمول فقط برای حالت مثبت می باشد.

توجه ۳: بین فعل و زمان رابطه ی مستقیم برقرار است یعنی اگر فعل آینده باشد، زمان هم باید آینده باشد و

به همین ترتیب. مانند: $\text{زمان آینده} <<<<<<<<< \text{فعل آینده} >>>>>>>>$

I will see him in the park tomorrow

من فردا او را در پارک خواهم دید

آی ویلْ سی هیمْ این دِ پآرکْ توْمآرْ

زمان حال <<<<<<<<< فعل حال >>>>>>>>

I see him in the park every day

من هرروز او را در پارک می بینم

آی سی هیمْ این دِ پآرکْ اُوْریدی

زمان گذشته <<<<<<<<< فعل گذشته >>>>>>>>

I saw him in the park last night

من شب گذشته او را در پارک دیدم

آی سآ هیمْ این دِ پآرکْ لَسْتْ نآیتْ

مبحث قید های حالت Adverbs of manner

قید حالت بیان کننده چگونگی و حالت فعل می باشد .

طرز ساخت قید حالت : اگر به بعضی از صفت ها **Iy** اضافه کنیم آنها را به قید حالت تبدیل کرده ایم. مانند:

صفت	قید حالت
bad	بد بدلی badly به بدی
quick	سریع ، تند کوایکلی quickly به تندی ، به سرعت
rapid	سریع ، تند رییدلی rapidly به تندی ، به سرعت
careful	با دقت کرفولی carefully به دقت
careless	بی دقت کرفلسلی carelessly با بی دقتی
beautiful	زیبا بیوتیفولی beautifully به زیبایی
slow	آرام ، کند ، آهسته سللی slowly به آرامی
easy	آسان ایزیلی easily به آسانی

چند قید حالت بی قاعده که باید حفظ شوند .

good	خوب	Well	ول	به خوبی
fast	سریع	Fast	فست	به سرعت
hard	سخت	Hard	هارد	به سختی

جایگاه قید حالت

قیدهای حالت ، بعد از مفعول می آیند و اگر در جمله مفعول نداشتیم ، قید حالت را بعد از فعل می آوریم

مانند :

He can speak English quickly

او می تواند به سرعت انگلیسی صحبت کند

هی کَن سِیکَ اینگیلِش کوایکلی

She can speak English fast

او می تواند به سرعت انگلیسی صحبت کند

شی کَن سِیکَ اینگیلِش فست

A careful driver drives carefully

یک راننده با دقت ، به دقت رانندگی می کند

ا کرفول درآیور درآیوز کرفولی



او به کندی شنا می کند هی سوايْمَزْ سَلِّي He swims slowly

یک دونده سریع، به سرعت می دود اِ فَسْتْ رَا نَرْ رَا نَرْ فَسْتْ A fast runner runs fast

توجه: در هنگام اضافه کردن **ly** به صفت **easy** باید **y** را به **i** تبدیل کنیم.

به آسانی **easily** ایزیلی >>>>>>>>>> **easy + ly**

او به آسانی عربی صحبت می کند هی سِيِكْسْ اَرِيِكْ ايزِيلِي He speaks Arabic easily
صفتهای زیر نیز مانند **easy** می باشند.

happy	هپی	شاد
pretty	پرتی	زیبا
heavy	هوی	سنگین
busy	بیزی	گرفتار

مبحث صفت

صفت در زبان انگلیسی قبل از اسم می آید و در مورد آن اسم توضیح می دهد و آن را بیان می کند.

توجه: هر چیزی که به اسم نسبت داده می شود، صفت است. مانند:

short	شُرْتْ	کوتاه - قد کوتاه
thin	ثِنْ	لاغر
tall	تَالْ	بلند - قد بلند
fat	فَتْ	چاق
bad	بَدْ	بد
good	گود	خوب
white	وَاِيتْ	سفید
black	بَلِکْ	سیاه

مانند:

a fat boy	اِ فَتْ بِي	یه پسر چاق
a white shirt	اِ وَاِيتْ شِرْتْ	یه پیراهن سفید

جایگاه صفت: صفت دو جایگاه دارد: (۱) قبل از اسم. (۲) بعد از فعل های ربطی که **to be** یکی

از آن ها می باشد. مانند:

صفت قبل از اسم

He is a tall boy	هی ایژ ا تال بی	او پسر بلند قدی است
Ali is a fat driver	علی ایژ ا گود درآیور	علی یک راننده ی چاق است

صفت بعد از to be

He is tall	هی ایژ تال	او بلند قد است
Ali is fat	علی ایژ فت	علی چاق است

صفت بعد از فعل ربطی

The soup tastes nice	د سوپ تیتسن نایس	مزه ی سوپ خوب است
You look tired	یو لوک تآیرد	شما خسته به نظر می رسید
She got bored	شی گات بُرد	او خسته شد
I feel fine now	آی فیل فاین ناو	حالا حالم خوب است
It smells great	ایت سملز گریت	بوی آن عالی است

مبحث اسم فاعل

اسم فاعل از فعل ساخته می شود و بیان کننده ی عمل فعل می باشد.

اسم فاعل = er + بعضی از فعل ها : **طرز ساخت اسم فاعل**

speaker	سپیکر	player	پلیئر	بازی کن
teacher	تیچر	writer	رایتر	نویسنده
swimmer	سویمر	driver	درآیور	راننده
runner	رانر	worker	ورکر	کارگر

به جملات زیر دقت کنید.

He is a swimmer	هی ایژ ا سویمر	او یک شناگر است
Ali is a runner	علی ایژ ا رانر	علی یک دوندۀ است
Mina is a writer	مینا ایژ ا رایتر	مینا یک نویسنده است
Sina is a worker	سینا ایژ ا ورکر	سینا یک کارگر است



طرز قرارگیری چند صفت قبل از یک اسم

یک اسم می تواند قبل از خود یک یا چند صفت داشته باشد. مانند فرمول زیر:

determiner + quality + size + age + color + nationality+ material+ noun

اسم + جنس (ماده) + ملیت + رنگ + سن و سال (قدمت) + اندازه + کیفیت + تعریف کننده ها

a nice large new colorful Iranian silk carpet

اِ كَارِبَتٌ سَيْلِكٌ اِیرَانِیِّنْ كَالرَّفُولُ نِیو لَآرَجٌ نَآیْسٌ اِ

فرش ابریشمی ایرانی رنگارنگ جدید بزرگ خوب یک

توجه: در این فرمول می توانیم به جای تعریف کننده ها از (اعداد ، صفات اشاره به دور و نزدیک، صفات

ملکی، حرف تعریف نکره (a - an) حرف تعریف معین (the) استفاده نمود. مانند:

The tall old man was clever

آن پیر مرد بلند قد، باهوش بود

دِ تَالٌ اَلْدُّ مَنٌ وَاَزٌ كَلِوَرٌ

This old gold watch is expensive

این ساعت طلای قدیمی، گران می باشد

دِیْسٌ اَلْدُّ كَلْدٌ وَاَجٌ اِیْزٌ اِكْشِنَسِیو

That difficult new history book is over there آن کتاب تاریخ جدید مشکل، آنطرف می باشد

دَتٌ دِیْفِیْكَالْتٌ نِیو هِیْسْتَرِی بُكٌ اِیْزٌ اُوْرٌ دِرِ

I saw an old Italian physics teacher

من یک معلم فیزیک ایتالیایی پیر را دیدم

اِیْ سَا اَنْ اَلْدُّ اِیْتَالِیِّنْ فِیْزِیْكَسٌ تِیْچَرٌ

The thin tall boy felt very tired

آن پسر بلند قد لاغر، خیلی احساس خستگی می کرد

دِ نِیْنٌ تَالٌ بُیٌ فِلْتٌ وِرِی تَآیْرِدٌ

The new green plastic chairs will become cheaper

دِ نِیو گِیْرِیْنٌ پَلَسْتِیْكَ چِرْزٌ وِیْلٌ بِیْكَامٌ چِیْرٌ

صندلی های پلاستیکی سبز رنگ جدید، ارزانتر خواهند شد

These large white cotton shirts are very old

دِیْزٌ لَآرَجٌ وَاَیْتٌ كَاتِنٌ شِرْتِسٌ آر وِرِی اَلْدُّ

این پیراهن های نخی سفید بزرگ، خیلی قدیمی هستند

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسامی قابل شمارش: آن هایی را گویند که هم حالت مفرد دارند و هم حالت جمع. مانند:

pen	پَن	(مفرد)	خودکار
pens	پَنز	(جمع)	خودکارها
book	بُک (بوک)		کتاب
books	بُکس (بوکس)		کتاب ها
man	مَن		مرد
men	مِن		مردها
woman	وَمِن		زن
women	وَمِن		زن ها
country	کاتری		کشور
countries	کاتریز		کشورها
city	سیتی		شهر
cities	سیتیز		شهرها
box	باکس		جعبه
boxes	باکسز		جعبه ها
glass	گلس		لیوان
glasses	گلسز		لیوان ها
dress	درِس		لباس زنانه
dresses	درِسز		لباس های زنانه
bus	باس		اتوبوس
buses	باسز		اتوبوس ها
watch	وآچ		ساعت مچی
watches	وآچز		ساعت های مچی
orange	آرنج		پرتقال
oranges	آرنجز		پرتقال ها



توجه: اگر **es** به صداهاى (س-ش-چ-ج-ز) برسد، صدای / **IZ** / از (ایز) می دهد
اسامی غیر قابل شمارش: آنهایی را می گویند که فقط حالت مفرد دارند و هرگز جمع بسته نمی شوند. مانند:

water	وآئِرْ	آب
milk	مِلْکْ (میلْکْ)	شیر
tea	تِی	چای
coffee	کافِی	قهوه
sugar	شوگرْ	شکر
rice	رَایْسْ	برنج
meat	مِیْتْ	گوشت
bread	بِرِدْ	نان
cheese	چِیزْ	پنیر
butter	بَاْتِرْ	کره
money	مَآنی	پول

طرز استفاده از

a little (الِیْتْلُ) **much** - (مَآجْ)

a little به معنای مقدار کم اما در حد مثبت می باشد و همیشه با اسامی غیرقابل شمارش به کار می رود. مانند:

There is a little bread on the plate

دِرِ ایزْ اِلِیْتْلُ بَرِدْ اَنْ دِ پِلِیْتْ

مقدار کمی نان (اما در حد کافی) بر روی بشقاب وجود دارد

little به معنای مقدار کم و ناکافی می باشد و همیشه با اسامی غیرقابل شمارش به کار می رود. مانند:

There is little bread on the plate

دِرِ ایزْ لِیْتْلُ بَرِدْ اَنْ دِ پِلِیْتْ

مقدار کمی نان (در حد ناکافی - بسیار ناچیز) بر روی بشقاب وجود دارد

much به معنای مقدار زیادی می باشد و با اسامی غیر قابل شمارش به کار می رود . مانند :

There is much bread on the plate

مقدار زیادی نان بر روی بشقاب هست

در ایز مَاجِ بَرِدِ آن دِ پِلِتْ

طرز استفاده از

a few (افیو) **many** (منی)

a few به معنای تعداد کمی اما در حد مثبت می باشد و همیشه با اسامی جمع بکار می رود . مانند :

There are a few books on the table

در آر افیو بُکْسْ (بوکْسْ) آن دِ تِیْلْ

تعداد کمی کتاب (مثلاً با اینکه تعداد آنها کم می باشد اما برای امتحان مورد نظر کافی است) روی میز وجود دارد

few به معنای تعداد کمی و ناکافی می باشد و همیشه با اسامی جمع بکار می رود . مانند :

There are few books on the table

در آر فیو بُکْسْ (بوکْسْ) آن دِ تِیْلْ

تعداد کمی کتاب (تعداد آنها کم است و برای امتحان مورد نظر کافی نمی باشند) روی میز وجود دارد

many به معنای تعداد زیادی می باشد و همیشه با اسامی جمع بکار می رود . مانند :

There are many cars in the street

در خیابان تعداد زیادی ماشین وجود دارد

در آر مِنی کَارَزِ این دِ سْتِیرِیْتْ

توجه : several به معنای چندین می باشد و همیشه با اسامی جمع بکار می رود . مانند :

There are several cars in the street

در خیابان چندین ماشین وجود دارد

در آر سَوْرَالْ کَارَزْ این دِ سْتِیرِیْتْ

a lot of به معنای زیاد (تعداد زیادی یا مقدار زیادی) می باشد پس اگر معنای تعداد بدهد، با

اسامی جمع بکار می رود و اگر معنای مقدار بدهد، با اسامی غیر قابل شمارش می آید . مانند :

There are a lot of cars in the street

در خیابان تعداد زیادی ماشین وجود دارد

در آر اِ لَاتْ آو کَارَزِ این دِ سْتِیرِیْتْ

There is a lot of bread on the plate

مقدار زیادی نان بر روی بشقاب هست

در ایز اِ لَاتْ آو بَرِدِ آن دِ پِلِتْ



مبحث سؤالی با کلمات پرسشی

طرز سؤالی با ((How much)) هاؤ مآج

How much به معنای چه مقداری یا چقدر می باشد که بعد از آن اسم غیر قابل شمارش می آید و

سپس جمله ی سؤالی . مانند فرمول :

? ... یک جمله ی پرسشی + اسم غیر قابل شمارش + **How much** : فرمول

در فنجان چقدر شیر وجود دارد ؟
How much milk is there in the cup?

هاؤ مآج مَلْكَ (میلک) ایز در این دِ کآپ ؟

مقدار زیادی شیر در فنجان می باشد
There is much milk in the cup

در ایز مآج مَلْكَ (میلک) این دِ کآپ

شما چقدر پول نیاز دارید ؟
How much money do you need?

هاؤ مآج مانی دو یو نید ؟

من مقدار کمی پول نیاز دارم
I need a little money

آی نید ا لیتل مانی

طرز سؤالی با ((How many)) هاؤ منی

How many به معنای چه تعدادی یا چندتا می باشد که بعد از آن اسم جمع و سپس جمله ی سؤالی

می آید. مانند فرمول زیر:

? ... یک جمله ی پرسشی + اسم جمع + **How many** : فرمول

در آن کتابخانه چندتا کتاب وجود دارد ؟
How many books are there in the library ?

هاؤ منی بُكْس (بوکس) آر در این دِ لآبیری ؟

تعداد زیادی کتاب در کتابخانه وجود دارد
There are many books in the library.

در آر منی بُكْس (بوکس) این دِ لآبیری

شما چندتا خودکار دارید ؟
How many pens do you have ?

هاؤ منی پَنز دو یو هو ؟

من پنج خودکار دارم
I have five pens

آی هو فایو پنز

((who هو)) کلمه ی پرسشی

who به معنای چه کسی یا چه کسانی می باشد و مخصوص سؤالی کردن فاعل انسانی می باشد .

مراحل سؤالی با **who** :

(۱) **who** را به اول جمله می آوریم .

(۲) فاعل جمله را حذف کرده و مابقی جمله را می نویسیم . مانند :

He plays football well in the park every day

هی پلیز فوتبال ول این د پارک اوری دی

او هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند

Who plays football well in the park every day?

هو پلیز فوتبال ول این د پارک اوری دی؟

چه کسی هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند؟

They play football well in the park every day

دی پلی فوتبال ول این د پارک اوری دی

آنها هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کنند

Who play football well in the park every day?

هو پلی فوتبال ول این د پارک اوری دی؟

چه کسانی هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کنند؟

((what و آت)) کلمه ی پرسشی

what (الف) به معنای چه چیزی یا چه چیزهایی ، مخصوص سوالی کردن فاعل غیر انسانی می باشد .

مراحل سؤالی با **what** فاعلی :

(۱) **what** را به اول جمله می آوریم .

(۲) فاعل غیر انسانی جمله را حذف کرده و مابقی جمله را می نویسیم . مانند :

That black dog runs very fast

آن سگ سیاه خیلی سریع می دود

دت بلك داک رانز وری فست

What runs very fast?

و آت رانز وری فست؟

چه چیزی خیلی سریع می دود؟



what (ب) به معنای چه، چی یا چه چیزی را، می باشد و مخصوص سؤالی کردن مفعول غیر انسانی است.

مراحل سؤالی با **what** مفعولی :

(۱) **what** را به اول جمله می آوریم . (۲) مفعول جمله را حذف می کنیم .

(۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم . مانند :

He plays **football** well in the park every day

هی پلیز فوتبال ول این د پارک اوری دی

او هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند

What does he play well in the park every day?

وات دآز هی پلی ول این د پارک اوری دی؟

او هرروز در پارک چی (چه چیزی) را به خوبی بازی می کند ؟

کلمه ی پرسشی ((هاو How))

How به معنای چطور یا چگونه می باشد و برای سؤالی کردن چگونگی و حالت فعل بکار می رود ، مثلاً

برای سؤالی کردن قید حالت از **How** استفاده می کنیم .

مراحل سؤالی با **How** :

(۱) **How** را به اول جمله می آوریم . (۲) قید حالت را حذف می کنیم .

(۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم . مانند :

He plays football **well** in the park every day

هی پلیز فوتبال ول این د پارک اوری دی

او هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند

How does he play football in the park every day?

هاو دآز هی پلی فوتبال این د پارک اوری دی؟

او هرروز در پارک، چگونه فوتبال بازی می کند ؟

He goes to school **by bus** every day.

او هرروز با اتوبوس به مدرسه می رود.

هی گز تو سکول بای باس اوری دی

How does He go to school every day?

او هرروز چگونه به مدرسه می رود؟

هاو دآز هی گ تو سکول اوری دی ؟

کلمه ی پرسشی ((where))

where به معنای کجا می باشد و مخصوصِ سؤالی کردنِ مکان جمله است .

مراحل سؤالی با **where** :

(۱) **where** را به اول جمله می آوریم . (۲) مکان جمله را حذف می کنیم .

(۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم . مانند :

او هرروز در پارک به خوبی بازی می کند **He plays football well in the park every day**

هی پلیز فوتبال ول این د پارک اوری دی

Where does he play football well every day?

ور دآز هی پلی فوتبال ول اوری دی؟

او هرروز در کجا به خوبی فوتبال بازی می کند؟

The cat is **under the car**.

د کت ایز آندر د کار

آن گربه زیر ماشین است

Where is the cat?

ور ایز د کت؟

آن گربه کجا است؟

The dog was **in the car**.

د داگ واز این د کار

آن سگ داخل ماشین بود

Where was the dog?

ور واز د داگ؟

آن سگ کجا بود؟

کلمه ی پرسشی ((when))

when به معنای چه موقع یا کی، مخصوص سؤالی کردن زمان جمله است .

مراحل سؤالی با **when** :

(۱) **when** را به اول جمله می آوریم . (۲) زمان جمله را حذف می کنیم .

(۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم . مانند :

He plays football well in the park every day

هی پلیز فوتبال ول این د پارک اوری دی

When does he play football well in the park?

ون دآز هی پلی فوتبال ول این د پارک؟

او هرروز در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند

او چه موقع در پارک به خوبی فوتبال بازی می کند؟



They went to Mashhad **last year**

آنها سال پیش به مشهد رفتند.

دِیْ وَنْتِ تُو مَشْهَدُ لَسْتِ یَرِ

When did they go to Mashhad?

آنها کی به مشهد رفتند؟

وِنْ دِیدِ دِیْ گُ تُو مَشْهَدُ؟

کلمه ی پرسشی ((وای why))

why به معنای چرا، مخصوص پرسیدن علت و دلیل می باشد.

مراحل سؤالی با **why** :

(۱) **why** را به اول جمله می آوریم . (۲) علت و دلیل را حذف می کنیم .

(۳) جمله را به شکل سوالی می نویسیم . مانند :

They took a bus **because it was cheap**

دِیْ تِکْ (توک) اِ بَاسْ بیکاز ایتْ وَاَز چِپْ

آن ها اتوبوس گرفتند (سوار شدن) چون (زیرا) آن ارزان بود

Why did they take a bus?

چرا آن ها اتوبوس سوار شدند؟

وآی دیدِ دِیْ تِکْ اِ بَاسْ؟

کلمه ی پرسشی ((هوز whose))

whose به معنای مال چه کسی یا برای چه کسی، مخصوص سؤالی کردن مالکیت برای اشخاص می باشد.

مراحل سؤالی با **whose** :

(۱) **whose** را به اول جمله می آوریم . (۲) اسمی که به همراه 's مالکیت است را حذف می کنیم .

(۳) جمله را به شکل سؤالی می نویسیم .

توجه: اگر اسمی که 's مالکیت دارد به همراه اسم بعد از خود، فاعل جمله باشد در این صورت نیازی به

سؤالی کردن جمله نمی باشد. مانند :

Ali's bag is on the ground

کیف علی روی زمین است

علیزْ بَگْ ایزْ آنْ دِ گِراوتْ

Whose bag is on the ground?

کیف چه کسی روی زمین است؟

هوز بَگْ ایزْ آنْ دِ گِراوتْ؟

Ali's brother went there yesterday

دیروز برادر علی به آنجا رفت

علیز برآدر وئْت در یسْتَرْدِی

Whose brother went there yesterday?

دیروز برادر چه کسی به آنجا رفت؟

هوز برآدر وئْت در یسْتَرْدِی؟

He sees Mina's bag on the table

او کیف مینا را روی میز می بیند

هی سیز میناز بگْ آن د تیبِل

Whose bag does he see on the table ?

او، کیف چه کسی را روی میز می بیند؟

هوز بگْ دآز هی سی آن د تیبِل؟

کلمه ی پرسشی ((which)) ویچ

Which به معنای کدام می باشد ، اگر قبل از اسم بیاید ، صفت است و اگر به تنهایی بیاید ضمیر می باشد

و در حالت فاعلی و مفعولی به کار می رود. مانند:

The old bus goes to the airport.

آن اتوبوس قدیمی به فرودگاه می رود

د اَلد بآسْ کُزْ تو د اِرْپُرتْ؟

Which bus goes to the airport?

کدام اتوبوس به فرودگاه می رود؟ (حالت فاعلی)

ویچْ بآسْ کُزْ تو د اِرْپُرتْ؟

Which bus did you choose?

کدام اتوبوس را انتخاب کردید؟ (حالت مفعولی)

ویچْ بآسْ دید یو جوز؟

The red pen is mine and the blue one is yours

د رِد پِنْ ایزْ مآینْ آند د بولو وآنْ ایزْ یُرْزْ

آن خودکار قرمز مال من است و آن آبی مال شما می باشد.

Which pen is yours?

ویچْ پِنْ ایزْ یُرْزْ؟ (در حالت صفت)

Which is yours?

ویچْ ایزْ یُرْزْ؟ (در حالت ضمیر)

Which man did you see in the park?

کدام مرد را در پارک دیدی؟

ویچْ مَن دید یو سی اینْ د پارکْ؟

Which one is Ali's?

ویچْ وآنْ ایزْ علیزْ

کدام یکی برای علی است؟



مبحث کاربردهای It

it اگر قبل از فعل بیاید ضمیر فاعلی می باشد و اگر بعد از فعل بیاید، ضمیر مفعولی است که در این مورد توضیح داده شده است. حال می خواهیم کاربرد های **it** را به عنوان فاعل جمله بیان کنیم.

(۱) کاربرد **it** برای بیان اشیاء ، حیوان و یا انسان

It is a cat	اِیْتْ اِیْزْ اِ كَتْ	آن یک گربه است
It is a hat	اِیْتْ اِیْزْ اِ هَتْ	آن یک کلاه است
It is me	اِیْتْ اِیْزْ مِی	من هستم (منم)

(۲) **it** برای بیان زمان

It is two oclock	اِیْتْ اِیْزْ تُو اُكْلَاكْ	ساعت دو است
It is late	اِیْتْ اِیْزْ لَیْتْ	دیر است
It is early	اِیْتْ اِیْزْ اِرْلِی	زود است
It is time for lunch	اِیْتْ اِیْزْ تَایْمْ فُرْ لَآنْجْ	وقت ناهار است

(۳) **it** برای بیان آب و هوا

It is cold	اِیْتْ اِیْزْ کُلْدْ	سرد است
It is hot	اِیْتْ اِیْزْ هَاْتْ	گرم است
It is raining	اِیْتْ اِیْزْ رِیْنِیْنِگْ	دارد باران می بارد
It is windy	اِیْتْ اِیْزْ وِیْنْدِی	هوا بادی است
It is cloudy	اِیْتْ اِیْزْ کِلَاوْدِی	هوا ابری است

(۴) **it** برای بیان مسافت

It is near	اِیْتْ اِیْزْ نِیْرْ	(فاصله) نزدیک است
It is far	اِیْتْ اِیْزْ فَاْرْ	(مسافت) دور است

از اینجا تا فروشگاه بعدی چقدر فاصله می باشد؟

هَآوُ فَاْرْ اِیْزْ اِیْتْ فِرَاْمْ هِیْرْ تُو دِ نِگْسْتْ شَاپْ

از اینجا تا آنجا، پنجاه متر است

اِیْتْ اِیْزْ فِیْفْتِیْ مِیْتْرْزْ فِرَاْمْ هِیْرْ تُو دِ

(۵) کاربرد **it** در فرمول زیر

... + مصدر با **to** + (مفعول **for**) + اسم یا صفت + **to be** + **It** : فرمول

توجه : آمدن **for** با مفعول ، اجباری نیست اما اگر بیایید جمله را از حالت کلی بودن خارج کرده و آن را محدود می سازد. مانند:

حالت کلی

It is easy to speak English صحبت کردن انگلیسی آسان می باشد

ایتْ ایزْ ایزی تو سِیکْ اینگیلِشْ

حالت محدود

It is easy for me to speak English صحبت کردن انگلیسی برای من آسان می باشد

ایتْ ایزْ ایزی فَرْ می تو سِیکْ اینگیلِشْ

به نمونه های دیگر توجه نمایید.

It is time to eat dinner وقت خوردن شام است ایتْ ایزْ تایْمْ تو ایتْ دینِرْ

It is necessary to stand in line در صف ایستادن ضروری است

ایتْ ایزْ نیسِرِی تو سْتَد این لَاینْ

Is it hard to finish the book? آیا به اتمام رساندن آن کتاب سخت است؟

ایزْ ایتْ هَارد تو فینِشْ دِ بُکْ؟

It wasn't easy to climb the tree بالا رفتن از آن درخت آسان نبود

ایتْ وَاژنْتْ ایزی تو کَلایْمْ دِ تیری

نکته : در این فرمول اگر بخواهیم **it** را حذف کنیم باید ابتدا مصدر جمله را تبدیل به اسم مصدر کرده یعنی

آن را به شکل **ing** دار نوشته و به جای **it** بیاوریم. مانند:

It is easy for me to speak English صحبت کردن انگلیسی برای من آسان می باشد

ایتْ ایزْ ایزی فَرْ می تو سِیکْ اینگیلِشْ

Speaking English is easy for me صحبت کردن انگلیسی برای من آسان می باشد

سِپِکِنِگْ اینگیلِشْ ایزْ ایزی فَرْ می



یک مثال دیگر

It is necessary to stand in line

در صف ایستادن ضروری است

ایْتْ ایزْ نِیْسِرِیْ تُو سْتَدِ اِیْنْ لَآئِیْنْ

Standing in line is necessary

در صف ایستادن ضروری است

سْتَدِیْنِکْ اِیْنْ لَآئِیْنْ ایزْ نِیْسِرِیْ

مبحث ربط دو جمله با استفاده از افعال
(know – believe – think – hope – guess)

to know	تُو نُوْ	دانستن
to believe	تُو بِلِیُو	اعتقاد داشتن - ایمان داشتن
to think	تُو ثِیْنِکْ	فکر کردن
to hope	تُو هُپْ	امیدوار بودن
to guess	تُو گِیْسْ	حدس زدن

اگر بخواهیم دو جمله را به هم ربط بدهیم و از افعال بالا استفاده کنیم ، می توانیم از حرف ربط **that** به معنای **که** بعد از افعال مذکور استفاده کنیم. مانند:

I know that she lives with you. من می دانم که او با تو زندگی می کند.

آیْ نُوْ دَتْ شِیْ لِیُوْزْ وِیْتْ یُوْ

We believe that he can't do it. ما اعتقاد داریم که او نمی تواند آن کار را انجام دهد.

وِیْ بِلِیُوْ دَتْ هِیْ کَنْتْ دُ اِیْتْ

Do you think that I can work here? آیا تو فکر می کنی که من می توانم اینجا کار کنم؟

دُو یُوْ ثِیْنِکْ دَتْ آیْ کَنْ وُرْکْ هِیْرْ؟

They don't hope that he will arrive on time. آنها امیدی ندارند که او به موقع خواهد رسید.

دِیْ دُنْتْ هُپْ دَتْ هِیْ وِیْلْ اَرَایُوْ اَنْ تَآیْمْ

I guess that he comes here من حدس می زنم که او به اینجا می آید

آیْ گِیْسْ دَتْ هِیْ کَآْمَزْ هِیْرْ

توجه ۱: در جملات مذکور می توان **that** را حذف کرد.

توجه ۲: قسمت قبل از **that** می تواند به شکل مثبت، سوالی و یا منفی باشد.

توجه ۲: قسمت بعد از **that** می تواند به شکل مثبت و یا منفی باشد اما هرگز به شکل سوالی نمی آید.

چند اصطلاح مهم با Do

Do a favor	دو اِ فِیور	لطف کردن
Do one's best	دو وَاَنْزُ بَسْتْ	کوشش کردن
Do one's duty	دو وَاَنْزُ دِیوتی	انجام وظیفه کردن
Do a service	دو اِ سِرْوِیسْ	خدمت کردن
Do homework	دو هُم وُرْکْ	تکلیف، انجام دادن
Do a sum	دو اِ سَامْ	مسئله حل کردن
Do work	دو وُرْکْ	کار انجام دادن
Do the bedroom	دو دِ بَدْرُومْ	مُرتَب کردن اتاق خواب
Do a kindness	دو اِ کَاَیْنَدِیْسْ	مهربانی کردن
Do injury	دو اِیْنِجِری	آسیب رساندن
Do good	دو گُود	خوبی کردن
Do by	دو بَاَیْ	رفتار کردن با
Do over	دو اُورْ	تکرار کردن
Do justice	دو جَاَسْتِیسْ	با عدالت رفتار کردن
Do harm	دو هَاَرْمْ	آسیب رساندن

Do your best

دو یُز بَسْتْ

نهایت تلاشت را بکن



چند اصطلاح مهم با Make

Make a mistake	مِیْکُ اِ مِیْسْتِیْکُ	اشتباه کردن
Make money	مِیْکُ مَآنی	پول درآوردن
Make a living	مِیْکُ اِ لِیوِنِگُ	امرار معاش کردن
Make a fire	مِیْکُ اِ فَاآِرُ	آتش درست کردن
Make a journey	مِیْکُ اِ جِرْنِی	سفر کردن
Make a face	مِیْکُ اِ فِیْسُ	شکلک درآوردن
Make laugh	مِیْکُ لَفُ	خنداندن
Make fun of	مِیْکُ فَاَنْ اَوْ	مسخره کردن
Make sure	مِیْکُ شُرُ	مطمئن کردن
Make speech	مِیْکُ سَبِیْجُ	سخنرانی کردن
Make friend	مِیْکُ فَرِنْدُ	دوست شدن
Make war	مِیْکُ وَاَرْ	جنگ کردن
Make haste	مِیْکُ هِیْسْتُ	عجله کردن
Make a discovery	مِیْکُ اِ دِیْسْکَاوِرِی	کشف کردن
Make an appointment	مِیْکُ اَنْ اَیْتِمِنْتُ	قرار ملاقات گذاشتن
Make one's mind up	مِیْکُ وَاَنْزُ مَآیْنِدُ اَبُ	تصمیم گرفتن

haste makes waste

هَیْسْتُ مِیْکْسُ وِیْسْتُ

عجله کار شیطان است

مبحث زمان آینده ی کامل Future perfect

آینده ی کامل برای بیان عملی است که تا زمان مشخصی از آینده به اتمام خواهد رسید. شروع این زمان ممکن است که در زمان گذشته ، حال و یا آینده باشد، اما اتمام آن حتماً در آینده ای مشخص است. مانند مثال های زیر

I started studying this book yesterday. I will have finished it by next week

آی ستارتد ستادینگ دیس بوک یستریدی. آی ویل هو فینیشت ایت بای نکست ویک
من مطالعه ی این کتاب را دیروز شروع کردم. من آن را تا هفته ی آینده به پایان خواهم رساند (می رسانم)

I start studying this book now. I will have finished it by next week

آی ستارت ستادینگ دیس بوک ناو. آی ویل هو فینیشت ایت بای نکست ویک
من مطالعه ی این کتاب را حالا شروع می کنم. من آن را تا هفته ی آینده به پایان خواهم رساند (می رسانم)

I will start studying this book tomorrow. I will have finished it by next week

آی ویل ستارت ستادینگ دیس بوک تومار. آی ویل هو فینیشت ایت بای نکست ویک
من مطالعه ی این کتاب را فردا شروع خواهم کرد (می کنم). من آن را تا هفته ی آینده به پایان خواهم رساند (می رسانم)

توجه: برای بیان آینده ی کامل از فرمول زیر استفاده می کنیم

فرمول آینده ی کامل

زمان + (by - in - on) + (pp) قسمت سوم فعل + will + have + فاعل : فرمول

در این فرمول (by - in - on) به معنای **تا** می باشد که به شکل های زیر به کار می روند.

۱ - by با قید زمان به کار می رود. مانند :

I will have finished it by next month

آی ویل هو فینیشت ایت بای نکست مانت

تا ماه آینده، آن را تمام کرده ام (تمام خواهم کرد - تمام می کنم)

برای ترجمه ی این فرمول به زبان فارسی از **تا + اصطلاح زمان + زمان ماضی نقلی** استفاده می شود.



۲ - in با طول زمان به کار می رود. مانند :

I will have finished it in two weeks

آی ویل هو فینیش ایت این تو ویکس

تا دو هفته ی دیگه آن را تمام کرده ام (تمام خواهم کرد - تمام می کنم)

۳ - on برای روز ها به کار می رود. مانند :

I will have finished it on the first of June

آی ویل هو فینیش ایت آن د فرست آو جون

تا اول ژوئن آن را تمام کرده ام (تمام خواهم کرد - تمام می کنم)

توجه ۱: عبارت **by the time** به معنای **تا زمانی که** از علامت های آینده ی کامل است. مانند :

By the time you come here I will have seen the film

بای د تایم یو کام هییر آی ویل هو سین د فیلم

تا زمانی که به اینجا بیایی، من آن فیلم را دیده ام (خواهم دید . می بینم)

توجه ۲: عبارت **after** به معنای **بعداز** می توانند در زمان آینده ی کامل به کار رود. مانند :

The leaves will have fallen after two weeks

د لیوز ویل هو فالن آفتر تو ویکس

بعد از دو هفته ی دیگه برگ ها افتاده اند (خواهند افتاد)

توجه ۳: عبارت **before** به معنای **بعداز** می توانند در زمان آینده ی کامل به کار رود. مانند :

They will have arrived there before five o'clock

دی ویل هو آرایو در بیفر فایو اکلاک

آن ها قبل از ساعت پنج به آنجا رسیده اند (خواهند رسید)

مبحث جملات سببی Causative form

اگر عمل انجام شده به درخواست یا فرمان شخص دیگری باشد، در اینصورت باید از جملات سببی استفاده کنیم. مثلاً در جمله ی ، دادم خانه ام را رنگ کردند، عمل رنگ کردن توسط اشخاص دیگری انجام شده اما به میل و اراده و فرمان من بوده است.

جملات سببی به دو دسته ی معلوم و مجهول تقسیم می شوند. اگر فاعل را مشخص نکنیم جمله ی ما مجهول سببی است و اگر فاعل را ذکر کنیم، جمله ی ما معلوم سببی می باشد و طبق فرمول های زیر ساخته می شوند.

فرمول سببی مجهول

... + قسمت سوم فعل + مفعول غیر انسان + (have - has - get) + فاعل : فرمول

I have my house painted آی هُوَ مَآیْ هَاوُسْ پینتید
می دهم خانه ام را رنگ کنند(حال)

I get my house painted آی گِتْ مَآیْ هَاوُسْ پینتید
می دهم خانه ام را رنگ کنند(حال)

I will have my house painted آی ویلْ هُوَ مَآیْ هَاوُسْ پینتید
می دهم (خواهم داد) خانه ام را رنگ کنند(زمان آینده)

I will get my house painted آی ویلْ گِتْ مَآیْ هَاوُسْ پینتید
می دهم (خواهم داد) خانه ام را رنگ کنند(زمان آینده)

I had my house painted آی هَدْ مَآیْ هَاوُسْ پینتید
دادم خانه ام را رنگ کردند(گذشته)

I got my house painted آی گَاتْ مَآیْ هَاوُسْ پینتید
دادم خانه ام را رنگ کردند(گذشته)

He has his car washed every week هی هِزْ کَارْ وَاَشْتْ اُورِیْ وِیکْ
او می دهد هر هفته ماشینش را می شویند

He gets his car washed every week هی گِتْسْ هِزْ کَارْ وَاَشْتْ اُورِیْ وِیکْ
او می دهد هر هفته ماشینش را می شویند

He will have his car washed tomorrow هی ویلْ هُوَ هِزْ کَارْ وَاَشْتْ تومارْ
او فردا می دهد (خواهد داد) ماشینش را بشویند

He will get his car washed tomorrow هی ویلْ گِتْ هِزْ کَارْ وَاَشْتْ تومارْ
او فردا می دهد (خواهد داد) ماشینش را بشویند

He had his car washed هی هَدْ هِزْ کَارْ وَاَشْتْ
او داد ماشینش را شُستند

He got his car washed هی گَاتْ هِزْ کَارْ وَاَشْتْ
او داد ماشینش را شُستند



فرمول سببی معلوم ۱

... + مصدر بدون to + مفعول انسانی + (have - has - make) + فاعل : فرمول

I have Ali paint my house every year من هر سال می دهم علی خانه ام را رنگ کند

آی هُو علی پینت مایِ هاؤسِ اوریِ یرِ

I make Ali paint my house every year

آی میك علی پینت مایِ هاؤسِ اوریِ یرِ

من هر سال می دهم علی (علی را مجبور می کنم) خانه ام را رنگ کند

She has Ali wash the car every day

او هر روز می دهد علی ماشین را بشوید

شی هَز علی و آش دِ کارِ اوریِ دیِ

I had Ali paint my house last week

هفته ی گذشته دادم علی خانه ام را رنگ کرد

آی هَد علی پینت مایِ هاؤسِ لستِ ویکِ

فرمول سببی معلوم ۲

...+ مصدر با to + مفعول انسانی + (get - ask - want) + فاعل : فرمول

I get Ali to paint my house every year

من هر سال می دهم علی خانه ام را رنگ کند

آی گت علی تو پینت مایِ هاؤسِ اوریِ یرِ

I ask Ali to paint my house every year

آی آسک علی تو پینت مایِ هاؤسِ اوریِ یرِ

من هر سال می دهم علی (از علی تقاضا می کنم) خانه ام را رنگ کند

She gets Ali to wash the car every day

او هر روز می دهد علی ماشین را بشوید

شی گتس علی تو و آش دِ کارِ اوریِ دیِ

I got Ali to paint my house last week

هفته ی گذشته دادم علی خانه ام را رنگ کرد

آی گات علی تو پینت مایِ هاؤسِ لستِ ویکِ

I wanted Ali to paint my house last week

آی و آنتد علی تو پینت مایِ هاؤسِ لستِ ویکِ

هفته ی گذشته دادم علی (از علی خواستم) خانه ام را رنگ کرد

مبحث حروف اضافه prepositions

حرف اضافه کلمه ای است که رابطه ی میان کلمات را نشان می دهد. این کلمات با اسم، صفت و یا فعل به کار می روند و به تنهایی دارای معنی می باشند. مانند:

She is **at** home شی ایز اَت هم او در منزل است

We live **near** here وی لیو نِیرِ هیرِ ما همین نزدیکی ها زندگی می کنیم

The cat is **under** the car دِ کَتِ ایز اِنْدِرِ دِ کَارِ آن گربه زیر آن ماشین است

Your passport is **on** the table یِرِ پَسپُورْتِ ایز اِنِ دِ تِیْبِلِ پاسپورت شما روی آن میز است

His hat is **in** my bag هِیزِ هَتِ ایزِ اِنِ مَایِ بَگِ کلاه او در (داخل) کیف من است

He is standing **next to** me هِیِ ایزِ سْتِنْدِنِگِ نِکْسْتِ تُوِ مِیِ او کنار من ایستاده است

My car is **behind** the building مَایِ کَارِ ایزِ بیهَایِنْدِ دِ بیلْدِنِگِ ماشین من پشت ساختمان است

توجه: دقت داشته باشید که حروف اضافه یکی از قسمت های مهم در زبان انگلیسی هستند و شما عزیزان باید در به کار بردن آن ها دقت کنید.

مبحث حرف اضافه ی in

In در موارد زیر بکار می رود

۱- با ماه های سال مانند:

In January	این جنواری	در ماه ژانویه (ماه اول سال مسیحی)
In February	این فبرواری	در ماه فوریه (ماه دوم سال مسیحی)
In March	این مارچ	در ماه مارس (ماه سوم سال مسیحی)
In April	این اپریل	ماه آوریل (ماه چهارم سال مسیحی)
In May	این می	در ماه مه (ماه پنجم سال مسیحی)
In June	این جون	در ماه ژوئن (ماه ششم سال مسیحی)
In July	این جولای	ژوئیه (ماه هفتم سال مسیحی)
In August	این آگست	در ماه اوت- ماه آگوست (ماه هشتم سال مسیحی)
In September	این سپتامبر	در ماه سپتامبر (ماه نهم سال مسیحی)
In October	این اکتبر	در ماه اکتبر (ماه دهم سال مسیحی)
In November	این نوامبر	در ماه نوامبر (ماه یازدهم سال مسیحی)
In December	این دسامبر	در ماه دسامبر (ماه دوازدهم سال مسیحی)



۲- با بخش هایی از روز مانند :

In the morning	این دِ مَرْنِنگْ	در هنگام صبح
In the afternoon	این دِ اَفْتِرْ نونْ	در هنگام بعد از ظهر
In the evening	این دِ ایوینِنگْ	در هنگام غروب
In the night	این دِ نَایْتْ	در هنگام شب

توجه : برای بیان تاریخ دو روش وجود دارد.

الف : به روش انگلیسی آمریکایی : در این روش ابتدا سهس روز و بعد از آن سال می آید. مانند:

March 21, 1999	((نوشتاری . رسمی))	۱۹۹۹	بیست و یک مارس
March 21st, 1999	((نوشتاری. غیر رسمی))	۱۹۹۹	بیست و یکم مارس
March 21st, 1999	((گفتاری))	۱۹۹۹	بیست و یکم مارس
3/21/1999	((بصورت عددی))	۱۹۹۹	بیست و یک مارس

ب : به روش انگلیسی بریتانیایی : در این روش ابتدا روز سپس ماه و بعد از آن سال می آید.

21 March, 1999	((نوشتاری . رسمی))	۱۹۹۹	بیست و یک مارس
21st March, 1999	((نوشتاری. غیر رسمی))	۱۹۹۹	بیست و یکم مارس
21st of March, 1999	((گفتاری))	۱۹۹۹	بیست و یکم مارس
21/3/1999	((بصورت عددی))	۱۹۹۹	بیست و یک مارس

توجه : برای گفتن سال ها باید آنها را دوتا ، دوتا از چپ به راست بخوانیم. مانند:

1999	نَایْتِنِ نَایْتِنِ - نَایْنِ	سال ۱۹۹۹
1810	ایْتِنِ تِنِ	سال ۱۸۱۰

اما اگر سال ما در آخر دو صفر داشته باشد، دو صفر آخر را (هآندرد) می گوئیم. **hundred = 00**

1800	ایْتِنِ هآندرد	سال ۱۸۰۰
1900	نَایْتِنِ هآندرد	سال ۱۹۰۰

اگر حرف ماقبل از آخر، صفر باشد آنرا **oh** و یا **o** تلفظ می کنیم و یا به شکل های زیر می گوئیم. مانند:

2008	توآئی آه ایْتْ	سال ۲۰۰۸
2008	تو تآزْند آند ایْتْ	سال ۲۰۰۸
2008	تو تآزْند ایْتْ	سال ۲۰۰۸

توجه: اگر سال ما در آخر سه صفر داشته باشد به شکل زیر تلفظ می شود.

سال ۲۰۰۰ دِیرِ تو تآزَند

سال ۲۰۰۰ تو تآزَند

۳ - با فصل های سال مانند:

در بهار این سِپَرینِک

در تابستان این سَامِر

در پاییز این آتَم (آتَم)

در زمستان این وِیَنَر

۴ - با دوره های زمان مانند:

در دوران جوانی اش این هِیَزِ یوْث

در زمان غیبتش این هِیَزِ اَبْسِنَس

سرانجام - در آخر این دِ (دی) اِنْد

۵ - با بسیاری از مکان ها می آید. مانند:

در آسمان این دِ سِکَاَی

در شیراز این شِیْرَاز

در رختخواب این بَد

در خیابان این دِ سَتِیْرِت

۶ - in در زمان آینده می آید و به معنای **تا** و **یا در مدت** می باشد. مانند:

I will be there in 5 minutes تا پنج دقیقه ی دیگر، آنجا خواهیم بود

آی وِیلْ بی دِرِ اینْ فَاَیُوْ مِنتِسْ

The bus will leave in 10 minutes اتوبوس تا ده دقیقه ی دیگر حرکت خواهد کرد

دِ بَاسْ وِیلْ لیوْ اینْ تِنْ مِنتِسْ

I will see you in ten minutes من شما را تا ده دقیقه ی دیگر خواهم دید

آی وِیلْ سی یوْ اینْ تِنْ مِنتِسْ

The plane will arrive in 20 minutes هواپیما تا بیست دقیقه ی دیگر (می رسد) خواهد رسید

دِ پِلِنْ وِیلْ اَرِآیُوْ اینْ توآتِی مِنتِسْ



مبحث حرف اضافه ی on

۱ - On در مورد مکان (در صورتی که تماس برقرار باشد) به معنای روی می باشد . مانند:

On the table	آن دِ تِیبلُ	روی میز
On the book	آن دِ (بُک) بوکُ	روی کتاب
On the wall	آن دِ وَاَلُ	روی دیوار

۲ - با روز های هفته مانند :

On Saturday	آن سَترْدِیْ	در روز شنبه
On Sunday	آن سَاَنْدِیْ	در روز یکشنبه
On Monday	آن مَانْدِیْ	در روز دوشنبه
On Tuesday	آن تی یوزْدِیْ	در روز سه شنبه
On Wednesday	آن وِنزْدِیْ	در روز چهارشنبه
On Thursday	آن تِرزْدِیْ	در روز پنجشنبه
On Friday	آن فِرَاْیْدِیْ	در روز جمعه

۳ - با روز های ماه و هرچه که مربوط به یک روز خاص باشد. مانند:

On March 5th	آن مَارچُ فِیْفْثُ	روز پنجم مارس
On my birthday	آن مَایُ بَرْتْ دِیْ	در روز تولدم

مبحث حرف اضافه ی at

۱ - at برای بیان زمان کوتاه مانند:

At night	اَتْ نَآیْتُ	در شب
At midnight	اَتْ مِیْدْ نَآیْتُ	در نیمه شب
At noon	اَتْ نُونُ	در ظهر
At five o'clock	اَتْ فَایْوُ اُکْلَاکُ	در ساعت ۵
At sunset	اَتْ سَاَنْسِتُ	در غروب آفتاب

۲ - با مناسبت ها و برای بیان سن و سال

At Christmas	اَتْ کِریْسْمِسُ	در کریسمس
At the age of forty	اَتْ دِ اِیچُ آوُ فُرْتِیْ	در سنِ چهل سالگی

۳- برای نشان دادن مکان مانند:

At the station	أَتِ دِ سَيِّسِيْن	در ایستگاه
At school	أَتِ سَكُوْل	در مدرسه
At the window	أَتِ دِ وِينْدُو	در کنار پنجره
At the door	أَتِ دِ دُوْر	در کنار در
At home	أَتِ هُم	در منزل
At work	أَتِ وُرْك	(در) سر کار

توجه: اگر حروف اضافه با افعال بیابند معنای آن‌ها را عوض می‌کنند و ترکیبات دیگری می‌سازند. مانند: **put** که به معنای **گذاشتن** می‌باشد ولی اگر با حرف اضافه **on** بیاید به معنای **پوشیدن** است.

به نمونه‌ی زیر توجه کنید

Put your hat on the desk	پوْتُ یُرْ هَتُّ اَنْ دِ دِسْكُ	کلاهت را روی میز بگذار
Put on your hat	پوْتُ اَنْ یُرْ هَتُّ	کلاهت را سرت بگذار (پوش)

بنابراین یکی از بهترین راه‌های یادگیری حرف اضافه این است که آن‌ها را به همراه فعل‌ها یا صفت‌ها یا اسم‌هایی که می‌آیند، به خاطر بسپاریم

مبحث حرف تعریف معین (معرفه) The

حرف تعریف معین **the** قبل از اسم‌های به کار می‌رود که برای گوینده و شنونده معرفه باشند یعنی اینکه هم گوینده و هم شنونده آن اسم را بشناسند. مثلاً وقتی که گوینده جمله‌ی زیر را بکار می‌برد

I bought the car	اَيُّ بَاتُ دِ كَارُ	من آن ماشین (ماشین) را خریدم
------------------	----------------------	------------------------------

یعنی ماشینی را که شنونده در مورد آن با خبر بوده درحالی‌که اگر شنونده خبر نداشت، جمله را به این صورت بکار می‌برد

I bought a car	اَيُّ بَاتُ اِ كَارُ	من یک ماشین خریدم
----------------	----------------------	-------------------

از دیگر کاربردهای **the** در موارد زیر می‌باشد.

۱- اگر یک بار اسمی را بصورت نکره بکار بردیم در موارد بعدی آن را بصورت معرفه می‌آوریم. مانند:

I saw a man in the park	اَيُّ سَأِ اِمْنِ اَيْنِ دِ پارْكُ	من مردی را در پارک دیدم
The man had a new car	دِمَنْ هَدِ اِنِيُو كَارُ	مرد (آن مرد) یک ماشین جدید داشت
The new car was white	دِ نِيُو كَارُ وَاَزِ وَاَيْتُ	آن ماشین جدید، سفید بود



توجه : حرف تعریف معین **the** می تواند هم قبل از اسم مفرد بیاید هم قبل از اسم جمع. مانند:

I bought the bag آئی بَاتِ دِ بَگْ من آن کیف را خریدم

I bought the bags آئی بَاتِ دِ بَگْز من آن کیف ها را خریدم

۲- در جملات امری از اسم معرفه استفاده می کنیم. مانند:

Open the door, please اَپِنِ دِ دُر، پِلِیز لطفاً در را باز کنید

Please point to the fan پِلِیز پُیْنْتِ تُو دِ فَن لطفاً به پنکه اشاره کنید

۳- حرف تعریف معین **the** می تواند به همراه قسمت هایی از شبانه روز بیاید. مانند:

In the morning اِیْنِ دِ مُرْنِیْنِگْ در هنگام صبح

In the evening اِیْنِ دِ اِیوِنِیْنِگْ در هنگام غروب

In the afternoon اِیْنِ دِ اَفْتِرْنُونْ در هنگام بعد از ظهر

۴- حرف تعریف معین **the** با آنهایی که در دنیا یکی هستند می آید. مانند:

The sun دِ سَاَن خورشید

The earth دِ اِرْثْ زمین

The moon دِ مَوْنْ ماه

The sky دِ سَکَاَیْ آسمان

۵- با اسامی زیر حرف تعریف **the** به کار می رود.

۱- اگر بخواهیم بعضی از صفات را به جمع تبدیل کنیم.

۲- با نام رودخانه ها و اقیانوس ها.

۳- با کشورهایی که بصورت اسم جمع می باشند

۴- با زمان ها ، روزها ، ماه ها و فصل های مشخص شده از طرف خودمان. مانند:

1- the poor - the rich دِ پُور - دِ رِیچ فقرا - ثروتمندان

2- the Mississippi River دِ مِیسیسیپی رِیور رودخانه ی میسیسیپی

3- the united states دِ یونایتد سِتیٹسْ ایالات متحده

4- on the Monday before Christmas روز دوشنبه ی قبل از کریسمس

آن دِ مَآندِیْ بِیْفَرْ کِریْسْمَسْ

۶ - حرف تعریف معین **the** در موارد زیر به کار نمی رود.

۱ - با تعریف کننده ها مانند :

صفات اشاره (**this - that - these - those**)

صفات ملکی (**my - our - your - his - her - its - their**)

صفات کمی (**some - much - many - a few - a little - few - little - several - a lot**)

۲ - با اسامی کشورها ، شهرها و اسامی اشخاص. مانند:

I love Iran	آی لآو ایرآن	من ایران را دوست دارم
I live in Tehran	آی لو (لیو) این تهرآن	من در تهران زندگی می کنم
He is Mr Amini	هی ایزر مِستِر آمینی	او آقای امینی است

۳ - با بسیاری از اسامی متداولی از قبیل وعده های غذایی ، بیماری ها و روشهای مسافرت. مانند:

Will you have lunch wite me? آیا ناهار را با من صرف خواهید کرد؟

ویل یو هو لآنج ویت می؟

Her mother has Cancer مادرش سرطان دارد

هرز مادر هز کَنسر

I go to work by car من با اتومبیل به سرکار میروم

آی گُ تو وُرکُ بآی کآر

۴ - اگر در رابطه با اسامی جمع در حالت کلی صحبت کنیم ، در اینصورت نیازی به **the** نمی باشد. مانند:

Tigers are very fierce ببرها خیلی ترسناک می باشند

تایگِرز آر وری فیرس

Prices are keep going up قیمت ها همینطور به بالا رفتن ادامه می دهند

پرایسز آر کیپ گ اینگ آپ

حرف نامعین a/an

حرف نامعین **a** به معنای **یک** می باشد که برای اسامی مفرد نامشخص (نکره) به کار می رود. مانند:

It is a ball این یک توپ است

ایت ایز ا بآل

He is a teacher او یک معلم است

هی ایزر ا تیچر

I see a boy in the car من یک پسر (پسری) را در ماشین می بینم

آی سی ا بوی این د کآر



اگر حرف بعد از **a** یکی از حروف صدادار (**a - e - i - o - u**) باشد. در اینصورت به جای **a** باید از **an** به معنای یک استفاده کرد. مانند:

It is an apple	اِیْتْ اِیْزْ اَنْ اَپِلْ	این یک سیب است
It is an egg	اِیْتْ اِیْزْ اَنْ اِگْ	این یک تخم مرغ است
It is an ice-cream	اِیْتْ اِیْزْ اَنْ آیسْ کیریمْ	این یک بستنی است
It is an orange	اِیْتْ اِیْزْ اَنْ اَرَنْجْ (اَرَنْجْ)	این یک پرتقال است
It is an umbrella	اِیْتْ اِیْزْ اَنْ اَمْبِرَلَا	این یک چتر است

اگر اسم ما به بیشتر از یک چیز دلالت کنید دیگر نمی توانیم از **a / an** استفاده کنیم. مانند :

I have two apples	آیْ هَوُ تو اَپِلْزْ	من دو تا سیب دارم
-------------------	----------------------	-------------------

مبحث افعال دو کلمه ای Two-word verbs

افعال دو کلمه ای به دو دسته تقسیم می شوند ۱ - جُدا نشدنی ۲ - جدا شدنی

افعال جدا نشدنی آنهایی هستند که مفعول به صورت اسم یا ضمیر مفعولی، بعد از حرف اضافه می آید. مانند:

Look at me	لُکْ (لوکْ) اَتْ می	به من نگاه کن
Don't Look at Ali	دَنْتْ لُکْ (لوکْ) اَتْ علی	به علی نگاه نکن

همان طور که می بینید **Ali** و **me** که مفعول هستند، بعد از حرف اضافه آمده اند.

تعدادی از افعال دو کلمه ای جدا نشدنی

Unseparable verbs

Agree on	اَگیرِی اَنْ	به توافق رسیدن در مورد چیزی
Agree with	اَگیرِی وِیْتْ	موافق بودن با
Ask for	اَسْکْ فُرْ	درخواست کردن
Believe in	بیلِیو اِیْنْ	اعتقاد داشتن به
Call at	کَالْ اَتْ	به جایی یا مکانی رفتن (سَرزدن - دیدن)
Call on	کَالْ اَنْ	کسی را مُلاقات کردن - به کسی سَرزدن
Call out	کَالْ اَوْتْ	فریاد کردن

Care for	كَرَّ فُرَّ	توجه داشتن به
Depend on	دَيْبَنْدَ آنْ	بستگی داشتن به
Differ from	دَيْفِرْ فِرَامْ	فرق داشتن با
Export from	اِكْمِیْرْتْ فِرَامْ	صادر کردن از
Get along with	گِتْ اِلَا تَنْگْ وِیْتْ	کنار آمدن با - سازگاری کردن با
Get out of	گِتْ آوْتْ آو	کنار رفتن از
Get rid of	گِتْ رِدْ آو	خلّاص شدن از
Give in	گِیو اینْ	تسليم شدن
Go over	گُكْ أُوْر	مُرور کردن
Hear of	هَیِرْ آو	خبردار شدن از
Hold on	هَلْدْ آنْ	صَبْر کردن - نگه داشتن
Hope for	هَبْ فُرْ	أَمِیدوار بودن به
Import into	اِیْمِیْرْتْ اِیْنْ تُو	وارد کردن به
Insist on	اِیْسِیْسْتْ آنْ	اِصْرار داشتن بر- اِصْرار کردن بر
Keep off	کِیْبْ آفْ	فاصله گرفتن از
Keep off the grass	کِیْبْ آفْ دِ گِرَسْ	وارد چمن نشوید (از چمن فاصله بگیرید)
Keep on	کِیْبْ آنْ	ادامه دادن
Listen to	لِیْسِنْ تُو	گوش دادن به
Look after	لُكْ (لُوكْ) أَقْتِرْ	مُرَاقبَت کردن از
Look at	لُكْ (لُوكْ) أَتْ	نگاه کردن به
Look for	لُكْ (لُوكْ) فُرْ	جُستجو کردن - دُنْبَال گشتن
Look into	لُكْ (لُوكْ) اِیْنْ تُو	بَررسی کردن- رَسیدگی کردن
Look like	لُكْ (لُوكْ) لَآیْكْ	شبیبه بودن به
Look out	لُكْ (لُوكْ) آوْتْ	مُواظب بودن - مُراقب بودن
Look upon	لُكْ (لُوكْ) اِپَانْ	مُلاحظه کردن



Persist in	پَرسیسْتُ اَیْنُ	پافشاری کردن بر
Rely on	رِیَلائیْ اَنْ	تکیه کردن بر - تکیه داشتن بر
Run across	رَأْنُ اَکْرَاسُ	مواجه شدن - برخورد کردن
Run into	رَأْنُ اَیْنِ تُو	بطور تصادفی مواجه شدن با
Run out of	رَأْنُ اَوْتُ اَو	تمام شدن - تمام کردن
Run over	رَأْنُ اَوْرُ	تصادف کردن (زیر گرفتن)
Search for	سِرْجُ اَفْرُ	جستجو کردن - دنبال گشتن
Take care of	تِیکُ کَرُ اَو	مراقبت کردن از
Talk about	تَاکُ اِبَاوْتُ	صحبت کردن درمورد
Talk to	تَاکُ تُو	صحبت کردن با
Talk with	تَاکُ وِیْتُ	صحبت کردن با
Think about	تِینْکُ اِبَاوْتُ	فکر کردن درمورد
To be afraid of	تُو بَیْ اَفْرِیدُ اَو	ترسیدن از
To be different from	تُو بَیْ دِیْفِرِنْتُ فِرَامُ	فَرَق داشتن از
To be interested in	تُو بَیْ اِیْتِرِسْتِدُ اَیْنُ	عَلاقه مند بودن به
To be responsible for	تُو بَیْ رِیْسپانْسِیْبِلُ فُرُ	مَسئول بودن
To be similar to	تُو بَیْ سِیْمِیلَارُ تُو	شبیهِ بودن به
To be sorry about	تُو بَیْ سَارِیْ اِبَاوْتُ	مَتأسف بودن درمورد
To be tired of	تُو بَیْ تَایِرِدُ اَو	خسته بودن از
To be worry about	تُو بَیْ وُریْ اِبَاوْتُ	نَگران بودن درمورد
Wait for	وِیْتُ فُرُ	مُنتظر ماندن
Wish for	وِیْشُ فُرُ	آرزو داشتن بر

افعال جدا شدنی آن هایی هستند که مفعول به صورت اسم می تواند هم بعد از حرف اضافه بیاید وهم قبل از حرف اضافه، اما اگر مفعول به شکل ضمیر مفعولی باشد، حتماً باید قبل از حرف اضافه قرار بگیرد. مانند:

Call up	كَالْ اَبْ	تلفن کردن
Call up Mina	كَالْ اَبْ مِینَا	به مینا تلفن کن
Call Mina up	كَالْ مِینَا اَبْ	به مینا تلفن کن
Call her up	كَالْ هِرْ اَبْ	به او تلفن کن

این عبارت (**Call up her**) غلط می باشد ، چون ضمیر مفعولی هرگز در افعال دوکلمه ی جداشدنی

بعد از حرف اضافه نمی آید

تعدادی از افعال دوکلمه ای جداشدنی

Separable verbs

Call down	كَالْ دَاوْنُ	سَرَزَنش کردن
Don't call her down for that mistake		به خاطر آن اشتباه، او را سَرَزَنش نکن
	دَنْتْ كَالْ هِرْ دَاوْنُ فُرْ دَتْ مِیْسِیْكُ	
Call off	كَالْ اَفْ	به تعویق انداختن
Call up	كَالْ اَبْ	تلفن زدن
Call them up	كَالْ دِمْ اَبْ	به آن ها تلفن بزن
Fill out	فِیلْ اَوْتُ	کامل کردن - پُر کردن
Give away	گیو اویْ	بخشیدن
Give back	گیو بَكْ	پَس دادن - برگرداندن
Give up	گیو اَبْ	رها کردن - تسلیم شدن
Hand in	هِنْد اِینْ	تحویل دادن
Leave alone	لیو اَلْنْ	به حال خود گذاشتن - رهاکردن
Leave out	لیو اَوْتُ	حذف کردن
Look up	لُکْ (لوکْ) اَبْ	پیداکردن (واژه در فرهنگ لغت)



Pick up	پیکْ آپْ	چیدن - (با دست) برداشتن
Put away	پوتْ اویْ	کنار گذاشتن
Put down	پوتْ دآونْ	پایین گذاشتن
Put on	پوتْ آنْ	پوشیدن
Put out	پوتْ آوتْ	خاموش کردن
Put up with	پوتْ آپْ ویتْ	سازش کردن - کنار آمدن - ساختن
Save up	سیوْ آپْ	پس انداز کردن
Take away	تیکْ اویْ	دور کردن
Take back	تیکْ بکْ	پس دادن
Take down	تیکْ دآونْ	یادداشت کردن - پایین بردن
Take off	تیکْ آفْ	در آوردن - گندن لباس
Please take off your shoes	پیلیزْ تیکْ آفْ یرْ شوزْ	لطفاً کفش هایتان را در بیاورید
Please take them off	پیلیزْ تیکْ دمْ آفْ	لطفاً آن هارا (کفش هایتان را) در بیاورید
Please take your shoes off	پیلیزْ تیکْ یرْ شوزْ آفْ	لطفاً کفش هایتان را در بیاورید
Take over	تیکْ اُورْ	به عهده گرفتن
Think over	تینکْ اُورْ	مُرور کردن
Turn down	ترنْ دآونْ	کَم کردن صدای (رادیو ، تلویزیون ...)
Turn off	ترنْ آفْ	خاموش کردن (رادیو ، تلویزیون ...)
Turn on	ترنْ آنْ	روشن کردن (رادیو ، تلویزیون ...)
Turn up	ترنْ آپْ	بلند کردن صدای (رادیو ، تلویزیون ...)
Wake up	ویکْ آپْ	بیدار کردن
Write down	رایتْ دآونْ	یادداشت کردن

مبحث جملات معلوم و مجهول Active and Passive

تعریف جمله ی معلوم : جمله ای را معلوم گویند که فاعل آن مشخص بوده و فاعل در جای اصلی خود یعنی در اوّل جمله قرار دارد. مثلاً: حمید هر هفته آن ماشین را می شوید. در اینجا حمید فاعل جمله است چون حمید است که عمل شستن را ، انجام می دهد.

Hamid washes the car every week

حمید هر هفته آن ماشین را می شوید

حمید و آَشِيزُ دِ كَارِ اَوْرِي وَيَكُ

جمله ی مجهول

جمله ای را مجهول می گویند که فاعل آن مشخص نبوده و عمل انجام شده به مفعول نسبت داده می شود. در این گونه جملات ، مفعول به شکل ضمیر فاعلی یا اسم به جای فاعل در اوّل جمله می آید که به آن نایب فاعل می گویند . مثلاً می گوئیم : آن ماشین هر هفته شسته می شود. در این جمله مشخص نیست که چه کسی ماشین را می شوید اما مفعول ماشین بوده و مشخص است چون عمل شستن بر روی ماشین انجام شده است.

The car is washed every week

آن ماشین هر هفته شسته می شود

دِ كَارِ اِيْزُ وَاَشْتُ اَوْرِي وَيَكُ

توجه : جمله ی مجهول ، فاعل ندارد اما می توان فاعل را در آخر جمله به همراه **by** آورد.

by به معنای **به وسیله ی** یا **توسط** می باشد

The car is washed every week by Hamid

آن ماشین هر هفته توسط حمید شسته می شود

دِ كَارِ اِيْزُ وَاَشْتُ اَوْرِي وَيَكُ بَايْ حَمِيْدِ

اگر بخواهیم اسمی را بصورت ضمیر بعد از **by** بیاوریم باید از ضمیر مفعولی استفاده کنیم. مانند :

The car is washed every week by him

آن ماشین هر هفته توسط او شسته می شود

دِ كَارِ اِيْزُ وَاَشْتُ اَوْرِي وَيَكُ بَايْ هِيْمِ

چرا جمله را به شکل مجهول به کار می بریم ؟

ما بسیاری از جملات را به شکل مجهول بکار می بریم چون در بسیاری از موارد عمل انجام شده مهم است نه کسی که آن کار را انجام می دهد . مثلاً می گوئیم : هزار تن شکر به ایران وارد شد. در این جمله عمل انجام شده که وارد کردن شکر است مهم می باشد نه شخص یا اشخاصی که این عمل را انجام داده اند. و اگر عملی انجام شود و فاعل آن، معلوم و مشخص نباشد، باید جمله را مجهول بگوئیم. مثلاً: آن مرد دیروز کشته شد. در این جمله مشخص نیست که عمل انجام شده (کشتن) توسط چه کسی، صورت گرفته است.



فرمول جملات مجهول در حالت کلی

... + قسمت سوم فعل جمله (p. p) + (با توجه به زمان جمله To be) + نایب فاعل : فرمول

توجه ۱ : این فرمول برای تمام جملات مجهول به کار می رود.

توجه ۲ : در این فرمول باید نایب فاعل را به شکل اسم یا ضمیر فاعلی به کار ببرید.

توجه ۳ : در این فرمول منظور از **to be** با توجه به زمان جمله ، یعنی اگر جمله زمان گذشته است باید

از **was** یا **were** استفاده کرد و اگر جمله آینده است باید از **will be** استفاده شود.

صرف to be در زمان های مختلف

معانی	صرف to be	زمان ها
می شود	am - is - are	حال ساده
شد	was - were	گذشته ی ساده
خواهد شد	will be	آینده ی ساده
دارد می شود	(am . is . are) + being	حال استمراری
داشت می شد	(was . were) + being	گذشته ی استمراری
شده است	(have – has) + been	حال کامل (ماضی نقلی)
شده بود	had + been	گذشته ی کامل (ماضی بعید)
خواهد شد (زمان مشخص از آینده)	Will have been	آینده ی کامل

مثال کلی جملات مجهول در زمانهای مختلف

The film is seen	دِ فِیْلَمِ اِیْزِ سِیْنِ	فیلم دیده می شود
The film was seen	دِ فِیْلَمِ وَاَزِ سِیْنِ	فیلم دیده شد
The film will be seen	دِ فِیْلَمِ وِیْلُ بَیْ سِیْنِ	فیلم دیده خواهد شد
The film is being seen	دِ فِیْلَمِ اِیْزِ بَیْنِگْ سِیْنِ	فیلم دارد دیده می شود
The film was being seen	دِ فِیْلَمِ وَاَزِ بَیْنِگْ سِیْنِ	فیلم داشت دیده می شد
The film has been seen	دِ فِیْلَمِ هَزَّ بَیْنِ سِیْنِ	فیلم دیده شده است
The film had been seen	دِ فِیْلَمِ هَدَّ بَیْنِ سِیْنِ	فیلم دیده شده بود
The film will have been seen.	دِ فِیْلَمِ وِیْلُ هَوُ بَیْنِ سِیْنِ	فیلم دیده خواهد شد

مبحث سؤالات کوتاه پایان جمله (دُم سؤالی) Tag questions

tag question عبارت کوتاه سؤالی می باشد که به آخر جمله اضافه شده و منظور از آن، سؤال نیست بلکه برای تأیید جمله ی بیان شده می باشد.

عبارت های (مگه نه ؟ اینطور نیست؟ هان ؟ درسته ؟) مُعادل هایی برای **tag question** می باشند.
مثال:

He is a good boy, isn't he? او پسر خوبی است، مگه نه؟

هی ایزُ اِ گود بُیُ ، ایزنْتْ هی؟

He is not a good boy, is he? او پسر خوبی نیست، هست؟

هی ایزُ نَاتْ اِ گود بُیُ ، ایزُ هی؟

He was not a good boy, was he? او پسر خوبی نبود، بود؟

هی وَاَزْ نَاتْ اِ گود بُیُ ، وَاَزْ هی؟

They can swim well, can't they? آن ها می توانند به خوبی شنا کنند، این طور نیست؟

دِیْ کَنْ سَوایْمْ وِلْ ، کَنْتْ دِیْ؟

They can not swim well, can they? آن ها نمی توانند به خوبی شنا کنند، این طور نیست؟

دِیْ کَنْ نَاتْ سَوایْمْ وِلْ ، کَنْ دِیْ؟

We will go there, won't we? ما به آنجا خواهیم رفت، مگه نه؟

وی وِیلْ گُ دِرْ ، وَنْتْ وی؟

We will not go there, will we? ما به آنجا نخواهیم رفت، مگه نه؟

وی وِیلْ نَاتْ گُ دِرْ ، وِیلْ وی؟

طرز ساخت دُم سؤالی

برای ساخت دُم سؤالی باید به موارد زیر دقت کرد.

- ۱- دُم سؤالی را برای جملات مثبت یا منفی به کار می برند.
- ۲- برای ساخت دُم سؤالی نیاز به فعل کمکی جمله داریم.
- ۳- اگر جمله فعل کمکی نداشته باشد باید از **do** و **does** برای جملات زمان حال ساده و از **did** برای جملات زمان گذشته ی ساده استفاده کنیم.



You love her, don't you? تو او را دوست داری ، مگه نه؟ یو لآوُ هِرُ ، دَنْتُ یو؟

You don't love her, do you? تو او را دوست نداری ، داری؟ یو دَنْتُ لآوُ هِرُ ، دو یو؟

She loves you, doesn't she? او تو را دوست دارد ، این طور نیست؟

شی لآوُز یو ، دآزَنْتُ شی؟

She doesn't love you, does she? او تو را دوست ندارد ، این طور نیست؟

شی دآزَنْتُ لآوُ یو ، دآز شی؟

She told them anything, didn't she? او همه چیز را به آن ها گفت ، نگفت؟

شی تُلْدِ دِمُ اِنِیْنِیْنِکُ ، دِیْدِنْتُ شی؟

She didn't tell them anything, did she? او به آن ها هیچ چیز نگفت ، گفت؟

شی دِیْدِنْتُ تِلْ دِمُ اِنِیْنِیْنِکُ ، دِیْد شی؟

نکات مهم

- ۱- اگر جمله مثبت باشد در این صورت باید برای دُم سوالی از فعل کمکی منفی مُخفف استفاده کنیم
- ۲- اگر جمله منفی باشد در این صورت باید برای دُم سوالی از فعل کمکی مثبت غیر مُخفف استفاده کنیم
- ۳- ابتدا فعل کمکی را می آوریم و سپس ضمیر فاعلی
- ۴- در دُم سؤالی هرگز نباید از اسم استفاده کنیم

Ali was here, wasn't he? علی اینجا بود ، مگه نه؟ علی و آز هِیْرُ ، و آزَنْتُ هی؟

Mina wasn't there, was she? مینا آنجا نبود ، مگه نه؟ مینا و آزَنْتُ دِرُ ، و آز شی؟

۸- اگر جمله ی ما با **let us** یا **let's** شروع شود ، در دُم سوالی آن **shall we?** می آوریم

Let us play football, shall we? بیا فوتبال بازی کنیم ، باشه؟

لِتْ اَسْ پِلِیْ فوْتِبَالْ ، شَلْ وی؟

Let's play chess, shall we? بیا شطرنج بازی کنیم ، می آیی؟

لِتْسْ پِلِیْ چِسْ ، شَلْ وی؟

۹- در **tag** جملات امری از **will you?** استفاده می کنیم

Open the door, will you? در را باز کن ، مُمکنه؟

اِپِنْ دِ دُرُ ، وِیْلْ یو؟

Come here, will you? بیا اینجا ، میشه؟

کآم هِیْرُ ، وِیْلْ یو؟

۱۰- در tag جمله ای که فعل آن am باشد، از **aren't I?** استفاده می کنیم

I am a teacher, aren't I? آی اَم ا تِیچَر، آرِنْت آی؟ من معلم هستم، نیستم؟

I am four years older than you, aren't I? آی اَم فُور یِرز اُلدر دِن یو، آرِنْت آی؟ من چهار سال از تو بزرگتر هستم، مگه نه؟

آی اَم فُور یِرز اُلدر دِن یو، آرِنْت آی؟

I am eating your food, aren't I? آی اَم اینِنگ یُر فود، آرِنْت آی؟ من دارم غذای شما را می خورم، مگه نه؟

آی اَم اینِنگ یُر فود، آرِنْت آی؟

مبحث جملات تعجبی

What!

What a!

What an!

این عبارات به همراه اسم و یا اسمی که صفت دارد، برای بیان تعجب به کار می روند و در آخر جمله، علامت تعجب (!) می آید. مانند:

What a splendid park!	وَأْتِ ا سَبْلِنْدِدِ پَارِكْ!	چه پارک باشکوهی!
What an able woman!	وَأْتِ اَنْ اِبِلْ وُمن!	چه خانم توانایی!
What an attractive woman!	وَأْتِ اَنْ اَتْرَكْتِیوُ وُمن!	چه خانم جذابی!
What a nice girl!	وَأْتِ ا نَایْسْ گِرل!	چه دختر خوبی! - چه دختر زیبایی!
What a beautiful day!	وَأْتِ ا بیوْتِیْفولُ دِی!	چه روز زیبایی!
What beautiful days!	وَأْتِ بیوْتِیْفولُ دِیْز!	چه روزهای قشنگی!
What a brave soldier!	وَأْتِ ا بَرِیوُ سَلْجِر!	چه سرباز شجاعی!
what apples!	وَأْتِ ا پِلْز!	چه سیب هایی!
What an apple!	وَأْتِ اَنْ اِبِل!	چه سیبی!
What an active member!	وَأْتِ اَنْ اَكْتِیوُ مِمْبِر!	چه عضو فعالی!
What an angry man!	وَأْتِ اَنْ اَنگِیْرِی مَن!	چه مرد خشمگینی!
What a game!	وَأْتِ ا گِیْم!	چه بازی ای! - چه مسابقه ای!
What a building!	وَأْتِ ا بِلْدِنگ!	عجب ساختمانی!

مبحث ضمائر موصولی (که موصولی)

Relative Pronouns

که موصولی جمله ی وصفی را به اسم قبل از خود وصل کرده و به همین جهت موصول نامیده می شود و خاصیت آن این است که از تکرار اسم قبل از خود جلوگیری می کند و به همین دلیل ضمیر نام می گیرد. ضمائر موصولی همان (که) در زبان فارسی می باشند اما در زبان انگلیسی آنها را با توجه به اسمی که قبل از آنها می آید و جایگاهی که آن اسم دارد مشخص می کنند. مثلاً اگر این اسم مخصوص شخص باشد و این شخص فاعل جمله نیز باشد ، باید از **who** استفاده کنیم. مانند :

The man is very polite. دِ مَنْ ایزُ وری پُلَایتْ آن مرد خیلی مؤدب است.

He lives here. هی لوز (لیوز) هیرُ او اینجا زندگی می کند.

The man who lives here is very polite مردی که در اینجا زندگی می کند خیلی مؤدب است

دِ مَنْ هُو لوز هیرُ ایزُ وری پُلَایتْ

که در اینجا **who** به معنای **که** می باشد و از تکرار اسم اول (**the man**) در جمله ی دوم (**he**) جلوگیری کرده است . به مثال دیگری توجه کنید.

The boy is my friend. دِ بُو ایزُ مَای فِرِنْد آن پسر دوست من است.

He plays football very well. هی پِلِیزُ فوْتِبَالُ وری وِل او خیلی خوب فوتبال بازی می کند.

The boy **who** plays football very well is my friend.

دِ بُو هُو پِلِیزُ فوْتِبَالُ وری وِل ایزُ مَای فِرِنْد

پسری که خیلی خوب فوتبال بازی می کند، دوست من است

توجه ۱: در این جمله **who** نقش فاعلی را دارد چرا که بعد از آن بلافاصله از فعل استفاده کرده ایم.

توجه ۲: می توان از **that** به جای **who** استفاده کرد. مانند:

The man that lives here is very polite. مردی که در اینجا زندگی می کند خیلی مؤدب است.

دِ مَنْ دَتْ لوز هیرُ ایزُ وری پُلَایتْ

The boy that plays football very well is my friend.

دِ بُو دَتْ پِلِیزُ فوْتِبَالُ وری وِل ایزُ مَای فِرِنْد

پسری که خیلی خوب فوتبال بازی می کند، دوست من است.



حال اگر بخواهیم از تکرار اسم شخصی که مفعول جمله ی دوم است جلوگیری کنیم باید از **whom** استفاده کنیم. مانند:

The man is very polite. دِ مَنْ ایزِ وِری پُلایتْ آن مرد خیلی مؤدب است.

I meet him in the park آی میتْ هیمْ اینْ دِ پَارکْ من او را در پارک ملاقات می کنم.

The man whom I meet in the park is very polite

دِ مَنْ هومْ آی میتْ اینْ دِ پَارکْ ایزِ وِری پُلایتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

توجه ۱: در این جمله **whom** نقش مفعولی را دارد چرا که بعد از آن بلافاصله از فاعل استفاده کرده ایم.

توجه ۲: در این جمله می توان از **who** به جای **whom** استفاده کرد.

توجه ۳: **whom** فقط حالت مفعولی دارد درحالی که **who** هم حالت فاعلی و هم حالت مفعولی دارد.

توجه ۴: می توان از **that** به جای **who** و **whom** استفاده کرد. مانند:

The man whom I meet in the park is very polite

دِ مَنْ هومْ آی میتْ اینْ دِ پَارکْ ایزِ وِری پُلایتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

The man who I meet in the park is very polite

دِ مَنْ هومْ آی میتْ اینْ دِ پَارکْ ایزِ وِری پُلایتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

The man that I meet in the park is very polite

دِ مَنْ دَتْ آی میتْ اینْ دِ پَارکْ ایزِ وِری پُلایتْ

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

اگر بخواهیم از تکرار اسم غیر انسان که حالت فاعلی یا مفعولی دارد جلوگیری بکنیم باید از **which** به معنای (که) استفاده شود.

توجه ۱: اگر بعد از **which** از فعل استفاده کنیم حالت حذف فاعلی است.

توجه ۲: اگر بعد از **which** از فاعل استفاده کنیم حالت حذف مفعولی است.

مانند:

The birds which fly south are beautiful پرندگانی که به جنوب پرواز می کنند، زیبا هستند

دِ بَرْدَسْ وِیچِ فِلائی سَاوْثُ آرِ بیویفولُ

The bag which he bought yesterday is in his room

دِ بَگْ وِیچِ هِی بَاتِ یِسْتَرِدِی ایزُ اینُ هیزُ رومُ

کیفی را که او دیروز خرید، در اتاقش می باشد

توجه ۱: چون **fly** فعل است پس **which** حالت فاعلی دارد.

توجه ۲: چون **he** فاعل است پس **which** حالت مفعولی دارد.

توجه ۳: می توان از **that** به جای **which** استفاده کرد. مانند:

The birds that fly south are beautiful پرندگانی که به جنوب پرواز می کنند، زیبا هستند

دِ بَرْدَسْ دَتْ فِلائی سَاوْثُ آرِ بیویفولُ

The bag that he bought yesterday is in his room

دِ بَگْ دَتْ هِی بَاتِ یِسْتَرِدِی ایزُ اینُ هیزُ رومُ

کیفی را که او دیروز خرید، در اتاقش می باشد

نکته ۱: از میان ضمائر موصولی می توان **whom** و **which** مفعولی را حذف کرد. مانند:

The man **whom** I meet in the park is very polite

دِ مَن هومِ آی میتُ اینُ دِ پارکُ ایزُ وری پُلائیْت

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

The man I meet in the park is very polite

دِ مَن آی میتُ اینُ دِ پارکُ ایزُ وری پُلائیْت

مردی را که من در پارک ملاقات می کنم خیلی مؤدب است

The bag **which** he bought yesterday is in his room

دِ بَگْ وِیچِ هِی بَاتِ یِسْتَرِدِی ایزُ اینُ هیزُ رومُ

کیفی را که او دیروز خرید، در اتاقش می باشد

The bag he bought yesterday is in his room کیفی را که او دیروز خرید، در اتاقش است

دِ بَگْ هِی بَاتِ یِسْتَرِدِی ایزُ اینُ هیزُ رومُ



نکته ۲: اگر بعد از ضمائر موصولی فاعلی (**who-which-that**) از **am-is-are-was-were** یعنی **to be** استفاده کرده باشیم ، در اینصورت می توانیم ضمائر موصولی به همراه فعل **to be** را از جمله حذف کنیم. مانند:

The man **who is** sitting on the chair is my friend

دِ مَنْ هُو ایزِ سِیتِنِگْ آن دِ چِر ایزِ مَایِ فِرِنْد

مردی که روی صندلی نشسته است ، دوست من است

The man sitting on the chair is my friend

مرد روی صندلی نشسته ، دوست من است

دِ مَنْ سِیتِنِگْ آن دِ چِر ایزِ مَایِ فِرِنْد

The pens **which are** on the desk are mine

دِ پِنزُ ویچُ آر آن دِ دِسکُ آر مَاینُ

خودکارهایی که روی میز هستند، برای من می باشند

The pens on the desk are mine

خودکارهای روی میز ، برای من می باشند

دِ پِنزُ آن دِ دِسکُ آر مَاینُ

The car **that is** over there is hers.

ماشینی که آنطرف است، مال اوست

دِ کَآر دَت ایزُ اُورِ دِر ایزُ هِرزُ

The car over there is hers.

ماشینی که آنطرف است، مال اوست

دِ کَآر اُورِ دِر ایزُ هِرزُ

مبحث مقایسه ی صفت

Comparison of adjectives

صفت از نظر مقایسه به سه دسته تقسیم می شود

۱ - صفت مطلق یا ساده ۲ - صفت تفضیلی یا برتر ۳ - صفت عالی یا برترین

اگر بخواهیم دو صفت ساده را با هم مقایسه کنیم و بین آن دو هیچ فرقی نگذاریم در این صورت از فرمول

زیر استفاده می کنیم

Comparison of Equality

as صفت ساده as

که آن بیان کننده ی مقایسه صفت برابری می باشد ، مانند:

as tall as	آز تَالْ آز	به بلندی
as short as	آز شُرْتُ آز	به کوتاه قَدی
as beautiful as	آز بی یوتی فوْل آز	به زیبایی
as old as	آز اَلْد آز	به پیری = هم سن
as big as	آز بیگْ آز	به بزرگی
as new as	آز نی یو آز	به جدیدی = به تازگی
as warm as	آز وَاَرْم آز	به گرمی
as good as	آز گود آز	به خوبی
as easy as	آز ایزی آز	به آسانی = به سادگی
as expensive as	آز اِکْس پَن سِیو آز	به گرانی

برای مثال اگر علی بلند قد باشد و رضا هم به همان اندازه بلند قد باشد، در این صورت می‌گوییم علی و رضا هر دو به یک اندازه بلند قد هستند و یا علی هم قَدِ رضا است. مانند:

Ali is as tall as Reza علی ایز آز تَالْ آز رضا علی به بلند قَدی رضا هست
و یا اگر علی ۶۵ سال داشته باشد و مینا هم ۶۵ سال داشته باشد در این صورت می‌گوییم علی هم سن مینا هست. یعنی آنها هم سن هم می‌باشند.

Ali is as old as Mina علی ایز آز اَلْد از مینا علی و مینا هم سن هستند
و اگر بخواهیم جمله را منفی کنیم بهتر است به جای **as** اول از **so** استفاده کنیم مانند

Ali isn't so old as Mina علی ایزنْت سُ اَلْد آز مینا علی و مینا هم سن نیستند
I am not so old as you آی اَم نَات سُ اَلْد آز یو من هم سن تو نیستم

مبحث صفت تفضیلی

Comparative Adjective

اگر بخواهیم دو صفت را باهم مقایسه کنیم و یکی را بر دیگری برتری بدهیم در این صورت از صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم. صفت تفضیلی بین دو اسم یا دو چیز یا دو گروه، یک صفت را بر صفت دیگر برتری می‌دهد. صفت تفضیلی به شکل‌های زیر ساخته می‌شوند:

۱- اگر صفت یک سیلابی (یک بخشی) باشد در این صورت برای تبدیل شدن به تفضیلی کافی است که بعد از صفت **er** و **than** اضافه کنیم مانند فرمول:



er + than + صفت یک بخشی = فرمول صفت تفضیلی (یک)

که در این فرمول er به معنای تر و than به معنای از می باشد مانند :

taller than	تَالِرْ دَنْ	بلند تر از
older than	اَلْدِرْ دَنْ	بزرگتر از - پیرتر از - قدیمی تر از
bigger than	بِیْگِرْ دَنْ	بزرگتر از (از نظر اندازه)
newer than	نِی یوَارِ دَنْ	جدیدتر از - نو تر از
smaller than	سَمَالِرْ دَنْ	کوچک تر از (از نظر اندازه)
larger than	لَارْجِرْ دَنْ	بزرگتر از (از نظر اندازه و سائز)
fatter than	فَتِرْ دَنْ	چاق تر از
colder than	کَلْدِرْ دَنْ	سردتر از
warmer than	وَارْمِرْ دَنْ	گرم تر از
faster than	فَسْتِرْ دَنْ	سریع تر از - تندتر از
finer than	فَآئِنِرْ دَنْ	زیباتر از
hotter than	هَاتِرْ دَنْ	داغ تر از

مثلاً اگر دو ماشین داشته باشیم و یکی از دیگری جدید تر باشد ، می گوئیم

This car is newer than that car

این ماشین از آن ماشین جدید تر است

دِیْسْ کَارِ اِیْزْ نِی یوَارِ دَنْ دَتْ کَارِ

و یا می توانیم بگوئیم

That car is older than this car

آن ماشین از این ماشین قدیمی تر است

دَتْ کَارِ اِیْزْ اَلْدِرْ دَنْ دِیْسْ کَارِ

توجه ۱: اگر صفت یک بخشی به حرف بی صدا ختم شود و حرف ماقبل از آخر، یک صدا دار باشد در این صورت حرف بی صدای آخر در هنگام گرفتن er دوبار تکرار می شود. مانند :

1- big + er = bigger

2- hot + er = hotter

3- fat + er = fatter

می بینید که g در big بی صدا بوده و قبل از آن یک حرف با صدا (i) وجود دارد، بنابراین حرف g دوبار تکرار شده است.

توجه ۲: اگر صفت یک بخشی به حرف **e** برسد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت تفضیلی کافی است که یک **r** به آن اضافه کنیم. مانند:

1- Large + er = larger

2- fine + er = finer

۲- اگر صفت دو سیلابی (دو بخشی) باشد و حرف آخر آن **y** باشد در این صورت برای تبدیل شدن به تفضیلی کافی است که بعد از صفت **er** و **than** اضافه کنیم مانند فرمول :

er + than + صفت دو بخشی که آخرش **y** باشد = **فرمول صفت تفضیلی (دو)**

توجه: اگر قبل از **y** حرف بی صدا باشد باید **y** را به **i** تبدیل کنیم

grey + er = greyer	گیرِ	خاکستری تر
easy + er = easier	ایزیِ	آسان تر
heavy + er = heavier	هویِ	سنگین تر
pretty + er = prettier	پرتیِ	زیباتر
happy + er = happier	هپیِ	خوشحال تر
merry + er = merrier	مریِ	خوشحال تر
busy + er = busier	بیزیِ	گرفتارتر - مشغول تر

۳- اگر صفت دو بخش یا بیشتر از دو بخش داشته باشد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت تفضیلی کافی است که قبل از صفت **more** و بعد از صفت **than** اضافه کنیم. مانند فرمول:

than + صفت دو بخش و بیشتر از دو بخش + **more** = **فرمول صفت تفضیلی (سه)**

که در این فرمول **more** به معنای **تر** و **than** به معنای **از** می باشد مانند:

More beautiful than	مُرُ بی یوتی فولُ دَنُ	زیباتر از
More expensive than	مُرُ اِکْس پَن سِیوُ دَنُ	گران تر از
More difficult than	مُرُ دِیفِیکالْتُ دَنُ	سخت تر از
More interesting than	مُرُ اِیْتِرِستِیْنِگُ دَنُ	جالب تر از
More useful than	مُرُ یوز فولُ دَنُ	مفیدتر از
More careful than	مُرُ کَر فوُلُ دَنُ	بادقت تر از
More amused than	مُرُ آم یوزدُ دَنُ	سرگرم شده تر از



مبحث صفت عالی Superlative Adjective

اگر بخواهیم از بین یک اسم با چند اسم یا یک چیز با چند چیز یا یک گروه با چند گروه، چند صفت را با هم مقایسه کنیم و یکی را بر صفات دیگر، برتری بدهیم در این صورت از صفت عالی استفاده می کنیم. صفت عالی به شکل های زیر ساخته می شود

۱- اگر صفت یک سیلابی (یک بخشی) باشد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت عالی کافی است که قبل از صفت **the** و بعد از صفت **est** اضافه کنیم. مانند فرمول :

est + صفت یک بخشی + **the** = فرمول صفت عالی (یک)

که در این فرمول **est** به معنای **ترین** و **the** از نشانه های صفت عالی می باشد مانند:

The tallest	دِ تَالِست	بلندترین
The oldest	دِ اَلدِست	بزرگترین - پیرترین - قدیمی ترین
the biggest	دِ بیگِست	بزرگترین (از نظر اندازه)
the newest	دِ نی یو است	جدیدترین - نوترین
the smallest	دِ سَمالِست	کوچک ترین (از نظر اندازه)
the largest	دِ لَارجِست	بزرگترین (از نظر اندازه و سائز)
the fattest	دِ فِتست	چاق ترین
the coldest	دِ کَلدِست	سردترین
the warmest	دِ وارمِست	گرم ترین
the fastest	دِ فِستِست	سریع ترین - تندترین
the finest	دِ فاینِست	زیباترین
the hottest	دِ هاتِست	داغ ترین

۲- اگر صفت دو سیلابی (دو بخشی) باشد و حرف آخر آن **y** باشد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت عالی کافی است که قبل از صفت **the** و بعد از صفت **est** اضافه کنیم مانند فرمول :

est + صفت دو بخشی که آخرش **y** باشد + **the** = فرمول صفت عالی (دو)

توجه : اگر قبل از **y** حرف بی صدا باشد باید **y** را به **i** تبدیل کنیم.

grey	+ est	=	greyest	دِ گَرِیْسْتُ	خاکستری ترین
easy	+ est	=	easiest	دِ اِیْزِ یِسْتُ	آسان ترین
heavy	+ est	=	heaviest	دِ هَوِی یِسْتُ	سنگین ترین
pretty	+ est	=	prettiest	دِ پَرْتِی یِسْتُ	زیباترین
happy	+ est	=	happiest	دِ هَپِی یِسْتُ	خوشحال ترین
merry	+ est	=	merriest	دِ مَرِی یِسْتُ	خوشحال ترین
busy	+ est	=	busiest	دِ بِیْزِی یِسْتُ	گرفتارترین - مشغول ترین

۳- اگر صفت دو بخش یا بیشتر از دو بخش داشته باشد در این صورت برای تبدیل شدن به صفت عالی کافی است که قبل از صفت **the most** اضافه کنیم مانند فرمول:

صفت دوبخش و بیشتر از دو بخش + **the most** = فرمول صفت عالی (سه)

که در این فرمول **the most** به معنای **ترین** می باشد. مانند:

The most beautiful	دِ مُسْتُ بِی یوتی فولُ	زیباترین
The most expensive	دِ مُسْتُ اِکْسِ پِن سِیوُ	گران ترین
The most difficult	دِ مُسْتُ دِیْفِیْکَالْتُ	سخت ترین
The most interesting	دِ مُسْتُ اِیْنْتِرِسْتِیْنِگُ	جالب ترین
The most useful	دِ مُسْتُ یوز فولُ	مفیدترین
The most careful	دِ مُسْتُ کَرْفولُ	بادقت ترین
The most amused	دِ مُسْتُ اَم یوزدُ	سرگرم شده ترین - خوشحال ترین

نکته ۱: یکی از علامت های صفت عالی حرف اضافه ی **in** می باشد که به همراه مکان می آید. مانند:

This is the most beautiful garden in this city این زیباترین باغ در این شهر می باشد

دِیْسُ اِیْزُ دِ مُسْتُ بِیوتیفولُ گاردِنُ اِیْنُ دِیْسُ سِیْتِی

This is the most expensive car in this place این گران ترین ماشین در این مکان می باشد

دِیْسُ اِیْزُ دِ مُسْتُ اِکْسِپِنْسِیوُ کَارُ اِیْنُ دِیْسُ پِلَیْسُ

نکته ۲: یکی از علامت های صفت عالی عبارت **of all** به معنای (... از همه) می باشد. مانند:

This car is the most expensive of all این ماشین از همه گرانتر است. (گرانترین ماشین است)

دِیْسُ کَارُ اِیْزُ دِ مُسْتُ اِکْسِپِنْسِیوُ کَارُ اَو آلُ



صفات بی قاعده

برای تبدیل صفات زیر به حالت تفضیلی یا عالی، قانون خاصی وجود ندارد و باید آن ها را حفظ کرد

گود	Good	خوب	بِتْرَ دَنْ	Better than	خوب تر از	دِ بَسْتُ	The best	خوب ترین
بد	Bad	بد	وَرْسُ دَنْ	Worse than	بدتر از	دِ وُرْسْتُ	The worst	بدترین
مَآجُ	Much	زیاد	مَرُّ دَنْ	More than	زیادتر از	دِ مُسْتُ	The most	زیادترین
منی	Many	زیاد	مَرُّ دَنْ	More than	زیادتر از	دِ مُسْتُ	The most	زیادترین
اِیْلُ	Ill	مریض	وَرْسُ دَنْ	Worse than	بدتر از	دِ وُرْسْتُ	The worst	بدترین
لِیْتَلُ	Little	کم	لِسُ دَنْ	Less than	کمتر از	دِ لِسْتُ	The least	کمترین
اَلْدُ	Old	مسن	اَلْدِرُ دَنْ	Elder than	مسن تر از	دِ اَلْدِسْتُ	The eldest	مسن ترین
فَآرُ	Far	دور	فِرْدِرُ دَنْ	Further than	بیشتر از	دِ فِرْدِسْتُ	The furthest	بیشترین
فَآرُ	Far	دور	فَآرِدِرُ دَنْ	Farther than	دورتر از	دِ فَآرِدِسْتُ	The farthest	دورترین
لِیْتُ	Late	دیر	لِیْتِرُ دَنْ	Later than	دیرتر از	دِ لِیْتِسْتُ	The latest	آخرین
لِیْتُ	Late	دیر	لِیْتِرُ	Latter	دومی - اخیر	دِ کِسْتُ	The last	آخری
اِیْنُ	In	داخل	اِیْنِرُ	Inner	داخلی	اِیْنِ مُسْتُ	Inmost	داخلی ترین
اُپُ	Up	بالا	اُپِرُ	Upper	بالا تر	اُپِ مُسْتُ	Upmost	بالا ترین

نکته : این مُسْتُ = Inmost اینر مُسْتُ = inner most
 اُپِ مُسْتُ = Upmost اُپِرُ مُسْتُ = upper most

به مثال زیر دقت کنید

This is a good car دیسُ ایزُ اِ گود کَآرُ این یک ماشینِ خوب است
 That car is better than this one آن ماشین، بهتر از این یکی است

دَتُ کَآرُ ایزُ بِتْرُ دَنْ دیسُ وَاْنُ

My car is the best مَآیُ کَآرُ ایزُ دِ بَسْتُ ماشینِ من ، بهترین است

مبحث rather (رَدِر) و fairly (فِرْلِي)

این دو کلمه قید هستند، به معنای نسبتاً می باشند و صفت یا قید را توصیف می کنند و فرق آن ها در این است که **rather** بیشتر با صفت و یا قیدی به کار می رود که برای گوینده، چندان خوشایند نباشد. مانند:

اینجا نسبتاً سرد است اِیْسُ رَدِر کُلْد اِیْن هِیِرْ
 که در این مثال سرمای اتاق از نظر گوینده، چیز خوشایندی نمی باشد.
 اداره ی او نسبتاً پیشرفته است هِیْزْ اَفِیْسْ اِیْزْ فِرْلِي مَادِرْنْ
 نسبتاً خوب تایپ می کند شِیْ تَایِپْسْ فِرْلِي وِلْ
 در اینجا صفت **modern** و قید **well** توصیف شده اند.

مبحث قرار گیری یک فعل بعد از فعل دیگر

در زبان انگلیسی برای آوردن دو فعل در کنار یک دیگر، الگو هایی وجود دارد که باید آن ها را حفظ کنیم و به کار ببریم.
 ۱ - افعالی که بعد از آن ها، فعل به صورت **مصدر با to** می آید بسیار زیاد بوده و ما آن هایی که خیلی مهم هستند را برای شما می گویم

مصدر با to + فعل

advise اَدُوْآیِزْ نصیحت کردن
 او به من نصیحت کرد که آن کار را انجام بدهم
 He advised me to do it هِیْ اَدُوْآیِزْدْ مِیْ تُوْ دُوْ اِیْتْ
 afford اَفِرْدْ استطاعت داشتن
 agree اَگِرِیْ موافق بودن - موافقت کردن
 او قبول کرد که بیاید
 She agreed to come شِیْ اَگِرِیْدْ تُوْ کَامْ
 allow اَلُوْ اجازه دادن
 My boss doesn't allow her to use the telephone

مَایْ بَاسْ دَاژَنْتْ اَلُوْ هِرْ تُوْ یُوْزْ دِ تِلْفَنْ

رئیس من به او اجازه نمی دهد که از تلفن استفاده کند



appear	أَپیر	ظاهر شدن
arrange	أَرْتِج	مُرتب کردن - چیدن
ask	أَسْک	خواستن - تقاضا کردن
She asked me to stay with her		او از من خواست که با او بمانم
	شی أَسْکْت می تو سْتی ویت هر	
attempt	أَتْمِپْت	کوشش کردن
beg	بِگ	درخواست کردن - خواهش کردن
begin	بِیْگین	شروع کردن
cause	کَاْز	سبب شدن - باعث شدن
choose	چوز	انتخاب کردن
command	کَاْمَنْد	دستور دادن
compel	کَاْمِپْل	وادر کردن - مجبور کردن
consent	کَاَنْ سِنْت	راضی شدن
dare	دِر	جرات کردن
decide	دِیْسَاَید	تصمیم گرفتن
He decided to go there	هی دِیْسَاَیدِ تو گُکْ دِر	او تصمیم گرفت به آنجا برود
determine	دِترْمِن - دِترْمِن	تصمیم گرفتن
encourage	اینکَاَرْج	تشویق کردن - ترغیب کردن
They encouraged her to come		آن ها او را تشویق کردند که بیاید
	دِیْ اینکَاَرْجِد هر تو کَاَمْ	
expect	اِکْسِپِکْت	انتظار داشتن
She expected me to do it		او از من انتظار داشت که آن را انجام بدهم
	شی اِکْسِپِکْتد می تو دو ایت	
fail	فَیل	شکست خوردن - رد شدن
force	فُرس	مجبور کردن

forget	فُرُغْتُ	فراموش کردن
You forgot to buy it again	اِغْنِ فُرُغَاتْ تُو بَأَى اِيت اِغْنِ	دوباره فراموش کردی، آن را بخری یو فُرُغَاتْ تُو بَأَى اِيت اِغْنِ
happen	هَپَن	اتفاق افتادن - رُخ دادن
hate	هَيْتْ	نفرت داشتن - متنفر بودن
hesitate	هَزَيْتَيْتْ	شک داشتن
hope	هَپْ	امیدوار بودن
instruct	اِیْن سِتْرَاكْتْ	دستور دادن - آموزش دادن
intend	اِیْتِنْد	قصد داشتن
invite	اِیْتُوَايْتْ	دعوت کردن
learn	لِرْن	یاد گرفتن - آموختن
Learn to speak English	اِیْن گِیْلِشْ سِیْکْ تُو لِرْن	صحبت کردن انگلیسی را یاد بگیرد لِرْن تُو سِیْکْ اِیْن گِیْلِشْ
leave	لِیو	ترک کردن - رفتن
like	لَايْکْ	دوست داشتن
I like to be with you	اَیْ لَايْکْ تُو یی ویتْ یو	دوست دارم با تو باشم
love	لَاوْ	عشق ورزیدن
manage	مَنْجْ	اداره کردن - مدیریت کردن
mean	مِیْنْ	مَنْظور داشتن - معنی دادن
need	نِید	احتیاج داشتن - نیاز داشتن
I need to buy a new book	اِیْن بُکْ نِید تُو بَأَى اِ نِیو بُکْ	لازم است که یک کتاب جدید بخرم اَیْ نِید تُو بَأَى اِ نِیو بُکْ
neglect	نِغْلَکْتْ	غفلت کردن - کوتاهی کردن
He neglected to write	هَی نِغْلَکْتَد تُو رَايْتْ	از نوشتن کوتاهی کرد
oblige	اَبْلَايْجْ	مجبور کردن
offer	اَفْرْ	پیشنهاد کردن
order	اُردِرْ	دستور دادن - سفارش دادن
He ordered me to stay at home	هَی اُردِرْد مِی تُو سِتْیْ اَتْ هَمْ	او به من گفت (دستور داد) در منزل، بمانم



permit	پَرْمِیتْ	اِجازه دادن
I permitted them to play	آیْ پَرْمِیتْدِمْ تُو پَلِیْ	به آن ها اجازه دادم که بازی کنند
persuade	پَرَسُوآیدْ	تَرْغیب کردن
plan	پَلَنْ	در نَظَر داشتن - برنامه داشتن
They plan to come here	دِیْ پَلَنْ تُو کَامْ هِیِرْ	آن ها در نظر دارن که به اینجا بیایند
prefer	پِیرِیْفِرْ	تَرْجیح دادن
I prefer to stay	آیْ پِیرِیْفِرْ تُو سِتیْ	تَرْجیح می دهم (که) بمانم
prepare	پِیرِیْرْ	آماده کردن - تَدَارک دیدن
press	پِرِسْ	فِشَار دادن - هُل دادن
pretend	پِیرِیْتِنْدْ	وَانمود کردن
promise	پِرَاْمِیْسْ	قول دادن
He promised to buy it	هِیْ پِرَاْمِیْسْدْ تُو بَآیْ اِیتْ	او قول داد که آن را بخرد
propose	پِرُپُزْ	پِشْنَهَاد کردن
recommend	رِکَاْمِنْدْ	تَوْصِیَه کردن
refuse	رِیْفِیُوزْ	اِمْتِنَاع کردن
regret	رِیْگِرْتْ	اَفْسُوس خوردن - پَشِیْمَان شدن
remember	رِیْمِیْبِرْ	بِه خَاطِر آوردن
Remember to wake me up	رِیْمِیْبِرْ تُو وِیْکْ مِیْ آپْ	یَاَدِتْ باشه که مرا بیدار کنی
remind	رِیْمَاِیْنْدْ	یَاَدَاوَرِی کردن
request	رِیْکُوآسْتْ	تَقَاضَا کردن - دِرْخَوَاسْت کردن
start	سِتَاْرْتْ	شُرُوع کردن
He started to learn English	هِیْ سِتَاْرْتِدْ تُو لِرْنْ اِیْنْگِیْلِشْ	او شروع به یادگیری انگلیسی کرد
swear	سُوْءِرْ	قَسْم خوردن
He swore to do it	هِیْ سُوْءِرْ تُو دُو اِیتْ	او قسم خورد که آن کار را انجام دهد
teach	تِیْچْ	دِرْس دادن - تَعْلِیْم دادن

tell	تَلِّ	گفتن
Tell her to stay here	تَلِّ هِرَّ تَو سَتِّي هِيرَّ	به او بگو که اینجا بماند
tempt	تَمْتِّ	فَرِيفْتَن - اِغْوَا كَرْدَن - وَسْوَسَه كَرْدَن
threaten	تَرْتِنِّ	تَهْدِيد كَرْدَن - تَرَسَانْدَن
They threatened to kill all the passengers		

دِي تَرْتِنْد تَو كِلِّ آل دِ پَسَنَجِرْز

آن ها تهدید کردند که همه ی مسافران را می کُشدند

trouble	تَرَابَلِّ	زَحْمَت دَادَن
try	تَرَايِّ	سَعِي كَرْدَن - تَلَّاش كَرْدَن
Try to succeed	تَرَايِّ تَو سَاكْسِيد	سعی کن که موفق بشوی
want	وَأَنْتْ	خَوَاسْتَن
I want to leave	آيْ وَأَنْتْ تَو لِيَو	می خواهم بروم
I want you to leave	آيْ وَأَنْتْ يَو تَو لِيَو	از تو می خواهم که بروی
warn	وَرْنِّ	هَشْدَار دَادَن
wish	وِيشْ	آرْزَو دَاشْتَن
I wish to see you again	آيْ وِيشْ تَو سِي يَو اِكْتِينْ	آمیدوارم که شما را دوباره ببینم

توجه ۱: افعال بر طبق حروف الفبا آمده اند

توجه ۲: need اگر به صورت فعل ناقص به کار برود، می تواند برای سوالی به اول جمله بیاید و برای منفی، not بگیرد و در این صورت فعل بعد از آن، بدون to می آید. مانند مثال:

You needn't work so hard	لازم نیست که شما این قدر سخت، کار بکنید
	يَو نِيدَنْتْ وُرْك سُو هَارْد
Need I tell you anything I do?	آیا لازم است که هر کاری می کنم به شما بگویم؟
	نید آی تل یو اینیگ آی دو؟
Need you see me?	آیا لازم است که مرا ببینید؟
	نید یو سی می؟



۲ - افعالی که بعد از آن ها فعل بصورت **مصدر بدون to** می آید عبارتند از

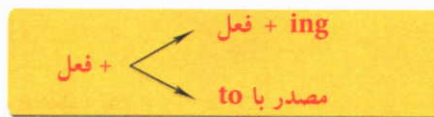
مصدر بدون to + فعل

can	کَنَ	توانستن
I can see you	آیْ کَنُ سِیْ یُو	من می توانم شما را ببینم
I can help you	آیْ کَنُ هَلْبُ یُو	من می توانم به شما کمک کنم
could	کُد (کود)	گذشته ی can می باشد
ire could swim	هی کُد (کود) سَوایْم	او می توانست شنا کند
Had better	هَد بَتر	بهرتر است
I had better start it	آیْ هَد بَتر سَتَارْت ایت	بهرتر است آن را شروع کنم
help	هَلْبُ	کمک کردن
I helped her carry the heavy box	من به او در حمل آن جعبه ی سنگین، کمک کردم	
	آیْ هَلْبُتْ هِرْ کَرِیْ دِ هِوِیْ بَاکْسُ	
let	لِتْ	اجازه دادن
let me help you	لِتْ مِیْ هَلْبُ یُو	اجازه بده کمکت کنم
I let him leave the class	به او اجازه دادم از کلاس خارج شود	
	آیْ لِتْ هِیْمْ لِیُو دِ کِلَسُ	
make	مِیکْ	مجبور کردن - وادار کردن
I make them go	آن ها را مجبور می کنم که بروند	
	آیْ مِیکْ دِمْ گُ	
he made me stay there	او مرا مجبور کرد که آنجا بمانم	
	هَیْ مِیدْ مِیْ سَتِیْ دِرْ	
may	مِیْ	ممکن بودن
it may rain	ممکن است باران بیارد	
	ایْتْ مِیْ رِینْ	
might	مَایْتْ	گذشته ی may می باشد
must	مَاسْتْ	باید
I must see her	باید او را ببینم	
	آیْ مَاسْتْ سِیْ هِرْ	
You must do it right now	شما باید آن را همین الان انجام بدهید	
	یُو مَاسْتْ دُو ایتْ رَایْتْ نَاوْ	

Would rather	وُود رَدِر	ترجیح دادن
He would rather live here		او ترجیح می دهد که اینجا زندگی کند
	هی وُود رَدِر لِو (لیو) هییر	
ought to	آتُ تو (آتُ تو)	باید
I ought to leave	آیُ آتُ تو لیو	باید بروم
we ought to help each other	وی آتُ تو هِلِبُ ایچِ آدِر	ما باید به یکدیگر کمک کنیم
shall	شَلُ	به جای آن از will استفاده می شود
should	شُد (شود)	باید
I should leave	آی شُد (شود) لیو	باید بروم
we should help each other	وی شُد (شود) هِلِبُ ایچِ آدِر	ما باید به یکدیگر کمک کنیم
will	ویلُ (خواهم. خواهی ...)	فعل کمکی آینده می باشد.
she will go there	شی ویلُ گُ در	او به آنجا خواهد رفت
would	وُد (وُود)	گذشته ی will می باشد

توجه: انگلیسی ها بعد از **help** از **مصدر با to** استفاده می کنند و آمریکایی ها بعد از **help** **مصدر بدون to** می آورند.

۳- افعالی که بعد از آن ها فعل یا به صورت **ing** یا به صورت **مصدر با to** می آیند، عبارتند از:



advise	آدوآیزُ	نصیحت کردن
allow	الآوُ	اجازه دادن
We don't allow smoking in our house	وی دَنَتُ الآوُ سَمُکِنِگُ اینِ آوُرِ هَاوُسُ	اجازه ی سیگار کشیدن در منزلمان را نمی دهیم
attempt	آتَمِپُتُ	کوشش کردن
begin	بیگینُ	شروع کردن



can't bear	كَتَّ بِرْ	توان جلوگیری از انجام کاری را نداشتن - تَحَمَّل نکردن
cease	سَيسْ	دستگیر کردن - متوقف کردن
continue	كَاتِنِيو	ادامه دادن
forbid	فُرَيْد	قَدَعَن کردن - ممنوع کردن
forget	فُرَيْتْ	فراموش کردن
hate	هَيْتْ	متنفر بودن
intend	اِبْتَنْد	قصد داشتن
like	لَايَكْ	دوست داشتن

I like to swim (دوست دارم شنا کنم (مربوط به حال حاضر می باشد یعنی الان دوست دارم شنا کنم)

آی لایک تو سوايم

I like swimming

آی لایک سوايمينگ

شنا کردن را دوست دارم (برای بیان حالت کلی می باشد. شاید در حال حاضر میل به شنا کردن هم نداشته باشم)

love	لَاو	عشق ورزیدن
neglect	نِغْلِكْتْ	غفلت کردن
permit	پَرْمِيْتْ	اجازه دادن
prefer	پِرِيْفِرْ	ترجیح دادن

I prefer to watch TV (من ترجیح می دهم که تلویزیون تماشا کنم)

آی پیريفر تو واچ تی.وی

I prefer to stay at home (من ترجیح می دهم در منزل بمانم)

آی پیريفر تو ستی ات هم

She prefers playing to working (او بازی را به کار ترجیح می دهد)

شی پیريفرز پلی اینگ تو ورکینگ

propose	پِرِيْزْ	پیشنهاد دادن
regret	رِيْغْرِکْتْ	آفسوس خوردن - پشیمان شدن
remember	رِيْمْمِبِرْ	به خاطر آوردن - به یاد داشتن

start	سَتَارَتْ	شروع کردن
stop	سَتَابَ	متوقف کردن - ایستادن
try	تَرَاىَ	سعی کردن - تلاش کردن
I like skiing	آى لَآيَكُ سَكى اِيْنِكُ	من اسكى را دوست دارم (در حالت كُلى)
I like to ski	آى لَآيَكُ تُو سَكى	دوست دارم اسكى كنم (يعنى همين اَلآن)

Remember to visit my mother

رِيْمَمِيْرُ تُو وِيْزِيْتُ مَآى مَادِرِ

به خاطر داشته باش که به مادرم سَرى بزنى (این عَمَل مربوط به آینده می باشد)

Remember visiting my mother?

رِيْمَمِيْرُ وِيْزِيْتِيْنِكُ مَآى مَادِرِ؟

دیدار با مادرم را به خاطر می آوری؟ (یادت می آید که مادرم را ملاقات کردی؟ این عَمَل مربوط به گذشته است)

۴ - افعالی که بعد از آن ها فعل به صورت **ing** یا **مصدر بدون to** می آیند عبارتند از



feel	فِيْلُ	احساس کردن
hear	هِيْرُ	شنیدن
I didn't hear the phone ring	آى دِيْدِنْتُ هِيْرُ دِ فُنْ رِيْنِكُ	نشنیدم که تلفن زنگ بزند (صدای زنگ تلفن را نشنیدم)
I heard her sing	آى هَرْدُ هِرْ سِيْنِكُ	شنیدم که آواز خواند
I heard her singing	آى هَرْدُ هِرْ سِيْنِكِيْنِكُ	شنیدم که داشت آواز می خواند
notice	نُتِيْسُ	مُتوجه شدن
observe	اَبْرُوْ	مُشاهده کردن
I observed her drop the letter	آى اَبْرُوْدُ هِرْ دِرَآپُ دِ لِيْرُ	دیدم که نامه را انداخت
I observed her dropping the letter	آى اَبْرُوْدُ هِرْ دِرَآپِيْنِكُ دِ لِيْرُ	دیدم که داشت نامه را می انداخت



See

سی

دیدن

I saw him take the money

آی سا هیم تیک دِ مانی

او را دیدم که پول را برداشت (عمل برداشتن پول، به طور کامل دیده شده است)

I saw him taking the money

آی سا هیم تیکینگ دِ مانی

او را دیدم که داشت پول را بر می داشت (در این حالت عمل برداشتن پول، به طور کامل دیده نشده است)

Watch

وآچ

تماشا کردن

I watched Jone hit katty

آی و آچت جان هیت کتی

من دیدم که جان، کتی را زد

I watched Jone hitting katty

آی و آچت جان هیتنگ کتی

من دیدم که جان، داشت کتی را می زد

۵ - افعالی که بعد از آن ها فعل به صورت **ing** می آید عبارتند از

ing + فعل + فعل

admit

آدمیت

پذیرفتن - قبول کردن - اقرار کردن

advise

آد و آیز

نصیحت کردن

appreciate

آپریشیایت

قدردانی کردن

avoid

آوید

پرهیز کردن - خودداری کردن

Avoid smoking

آوید سَمکینگ

از سیگار کشیدن پرهیزید

call off

کال آف

لغو کردن

can't avoid

کنت آوید

توان انجام ندادن کاری را نداشتن

I can't avoid picking the flower

آی کنت آوید پیکینگ دِ فلاور

نمی توانم آن گل را نچینم

can't help

کنت هلب

توان انجام ندادن کاری را نداشتن

I cant help eating it

آی کنت هلب ایتینگ ایت

نمی توانم آن را نخورم

can't stand	کَنْتُ سَتَدُ	استقامت انجام ندادن کاری را نداشتن
I can't stand eating it	آیْ کَنْتُ سَتَدُ اِیْتِیْنِکْ اِیْتُ	نمی توانم آن را نخورم
can't resist	کَنْتُ رِیْسْتُ	توان انجام ندادن کاری را نداشتن
I can't resist eating it	آیْ کَنْتُ رِیْسْتُ اِیْتِیْنِکْ اِیْتُ	نمی توانم آن را نخورم
consider	کَانْسِیْدِرْ	درنظر داشتن
I consider retiring	آیْ کَانْسِیْدِرْ رِیْتَاِیْرِیْنِکْ	درنظر دارم که بازنشسته شوم
contemplate	کَانْتَمَلِیْتُ	درنظر داشتن - اندیشیدن
delay	دِیْلِیْ (دِیْلِیْ)	تأخیر کردن - به تأخیر انداختن
deny	دِنَاْیْ	انکار کردن
detest	دِیْتِسْتُ	تَنَفَّر داشتن از
dislike	دِیْسْ لَآیْکْ	دوست نداشتن - بیزار بودن از
endure	اِنْ دُءِرْ	تَحَمَّل کردن
enjoy	اِیْنِجِیْ	لذت بردن از
I enjoy watching the film	آیْ اِیْنِجِیْ وَاچِیْنِکْ دِ فِیْلِمْ	از تماشای آن فیلم لذت می برم
I enjoy running in the morning	آیْ اِیْنِجِیْ رَاْتِیْنِکْ اِیْنْ دِ مُرْیِنِکْ	من از دویدن در هنگام صبح لذت می برم
escape	اِسْکِیْبْ	گُریختن - فرار کردن
excuse	اِکْسِیْوِزْ	مَعذرت خواستن
finish	فِیْنِشْ	تمام کردن - به اتمام رساندن
forgive	فُرْغِیُوْ	بَخشیدن - عَفُو کردن
give up	گِیُوْ آپْ	تَرک کردن - رها کردن
go on	گِکْ اَنْ	ادامه دادن
imagine	اِیْمَاجِنْ	تَصَوُّر کردن
involve	اِیْنُوْآلُوْ	مَسْتَلْزِم بودن - گرفتار شدن
keep	کِیْبْ	نگاه داشتن - ادامه دادن



keep on	کِبْ آنْ	ادامه دادن
leave off	لیو آفْ	مُتوقف کردن
mention	مِنْشِنْ	ذکر کردن - نام بردن
mind	مَآئِنْدْ	اهمیت دادن
do you mind closing the door?		ممکن است، در را ببندید؟
	دو یو مَآئِنْدْ کَلِزِنِگْ دِ دُرْ؟	
do you mind not closing the door?		ممکن است، در را نبندید؟
	دو یو مَآئِنْدْ نَاتْ کَلِزِنِگْ دِ دُرْ؟	
miss	مِیسْ	از دست دادن
postpone	پُستِیْنْ	به تأخیر انداختن
practice	پِرَکْتِیسْ	تمرین کردن
Put off	پوت آفْ	به تعویق انداختن - کنسل کردن
resent	رِزِنْتْ	اظهار تَنفَر کردن از - مُتَزَجِر شدن از
quit	کوا ی تْ	رها کردن - دست کشیدن از
resist	رِزِیسْتْ	استقامت کردن
regret	رِیْگْرِتْ	اَفْسوس خوردن - پَشیمان شدن
risk	رِیسْکْ	خَطَر کردن - به خطر انداختن
stop	سْتَابْ	مُتوقف کردن
Stop eating	سْتَابْ اِیْتِیْنِگْ	دیگه نَخور
stop singing	سْتَابْ سِیْنِگِیْنِگْ	دیگه آواز نَخوان
stop spesking	سْتَابْ سِپِکِیْنِگْ	دیگه صَحبت نکن
suggest	سَآجِستْ	پیشنهاد کردن
understand	اَنْدِرِستَندْ	فهمیدن

۴ - عبارات و صفاتی که بعد از آن ها فعل به صورت **ing** می آید عبارتند از

ing + فعل + بعضی از عبارات

have difficulty in	هُوَ دِيفِيكَالْتِي اَيْنُ	اشکال داشتن در - مشکل داشتن در
I have no difficulty in doing it		در انجام آن هیچ اشکالی (مشکلی) ندارم
	اَيُّ هُوَ نْ دِيفِيكَالْتِي اَيْنُ دِوَايْنِگْ اَيْتْ	
have the pleasure of	هُوَ دِ پِلِيزِرْ اَوُ	احساس شادی داشتن
it is no good	اَيْتْ اِيْزْ نْ گُودُ	خوب نیست
It is no good watching that film		تماشای آن فیلم خوب نیست
	اَيْتْ اِيْزْ نْ گُودُ وَاچِينِگْ دَتْ فِیْلَمُ	
It is no good getting angry		عصبانی شدن، خوب نیست
	اَيْتْ اِيْزْ نْ گُودُ گِیْنِگْ اَنْگِیْرِی	
it is no use	اَيْتْ اِيْزْ نْ یُوزُ	فایده ای ندارد
It is no use working here		کار کردن در اینجا بی فایده است
	اَيْتْ اِيْزْ نْ یُوزُ وُرْکِیْنِگْ هِیْرِ	
It is no use crying	اَيْتْ اِيْزْ نْ یُوزُ کِرْآیْ اَيْنِگْ	گریه، فایده ای ندارد
look forward to	لِکْ (لُوكْ) فُرُوآرْدُ تُو	مُشْتَاقْ بُوْدُنْ
take pleasure in	تِیْکْ پِلِيزِرْ اَيْنُ	احساس لذت بردن
She takes pleasure in helping the poor		او از کمک به فقرا، لذت می برد
	شِی تِیْکْسُ پِلِيزِرْ اَيْنُ هِلِیْنِگْ دِ پُورِ	
there is no harm in	دِرْ اِيْزْ نْ هَاَرْمُ اَيْنُ	در آن ضرری نیست
To be busy	تُو بِي بِيْزِي	گِرْفْتَارْ بُوْدُنْ - مَشْغُولْ بُوْدُنْ
to be used to	تُو بِي یُوزْدُ تُو	عادت داشتن
To be worth	تُو بِي وُرْثُ	آرْزْشْ دَاشْتُنْ
The film is worth seeing	دِ فِیْلَمُ اِيْزْ وُرْثُ سِی اَيْنِگْ	آن فیلم آرزش دیدن را دارد
to get used to	تُو گِتْ یُوزْدُ تُو	عادت کردن



much & very مبحث

very به معنای خیلی می باشد و با صفت های ساده و قیده های ساده به کار می رود. مانند:

Very cold	وِری کُلْد	خیلی سَرْد
Very tall	وِری تَال	خیلی قد بلند
Very fat	وِری فَت	خیلی چاق
Very late	وِری لِیت	خیلی دیر
Very early	وِری اِرلی	خیلی زود
Very brave	وِری بَرِیو	خیلی شجاع
Very slowly	وِری سَللی	خیلی آرام - خیلی آهسته - خیلی کند
Very quickly	وِری کَوایِگی	خیلی سَرِیع - خیلی تُند
Very rapidly	وِری رَپِدی	خیلی سَرِیع - خیلی تند
Very bravely	وِری بَرِیولی	خیلی شجاعانه
Very carefully	وِری کَرَفولی	خیلی بادَقَت
She is very fat	شی ایز وِری فَت	او خیلی چاق است
It is very late	ایت ایز وِری لِیت	خیلی دیر است
I drive very rapidly	آی دَرِایو وِری رَپِدی	من خیلی سَرِیع رانندگی می کنم
He fights very bravely	هی فایتس وِری بَرِیولی	او خیلی شجاعانه می جنگد
She runs very slowly	شی رانز وِری سَللی	او خیلی آرام می دود

Much به معنای خیلی یا زیاد می باشد و با صفت ها یا قیده های تفضیلی به کار می رود. مانند:

Much more careful than	مَآج مَر کَرَفول دَن	خیلی با دَقَت تر از
Leila is much more careful than Ahmad	لِیلا ایز مَآج مَر کَرَفول دَن اَحمَد	لیلا خیلی با دَقَت تر از احمد است
Much more beautiful than	مَآج مَر بی یوتی فول دَن	خیلی زیبا تر از
Leila is much more beautiful than her friends	لِیلا ایز مَآج مَر بی یوتی فول دَن هِر فَرِنْدز	لیلا خیلی زیبا تر از دوستانش است

Much more bravely than مَآجُ مَرِّ بَرِيوَلِي دَنْ خیلی شجاعانه تر
 He fights Much more bravely than his friends او خیلی شجاعانه تر از دوستانش می جنگد
 هِيَ فَاتِسُّ مَآجُ مَرِّ بَرِيوَلِي دَنْ هِيْزُ فَرِنْدِزْ

مبحث It is time ...

به معنای (وقتش است که ...) می باشد و به دو صورت به کار می رود

۱- اگر بعد از **it is time ...** مصدر با **to** بیاید، در این حالت، این عمل مربوط به آینده ی نزدیک می باشد که باید صورت بگیرد. مانند:

It is time to go to bed وقت خواب است (یعنی ما باید برویم و بخوابیم)

اَيْتُ اِيْزُ تَايْمُ تُوْ كُ تُوْ بَدِ

It is time to teach you a lesson وقت این است که به تو یه درسی بدهم (تو را تنبیه کنم)

اَيْتُ اِيْزُ تَايْمُ تُوْ تِيْجُ يُوْ اِلْسِنُ

It's time to bleed you وقتش است که تو را (بزنم) خونی کنم

اَيْتُ اِيْزُ تَايْمُ تُوْ بِيْلِيْدُ يُوْ

۲- اگر بعد از **it is time ...** فعل گذشته بیاید، بیان کننده ی عملی است که بهتر بوده انجام شود

It is time we went home ولی آن عمل انجام نشده است. مانند:

اَيْتُ اِيْزُ تَايْمُ وِيْ وِنْتُ هُمْ

وقتش است که خانه باشیم (یعنی در حال حاضر، ما باید در منزل باشیم ولی آنجا نیستیم)

مبحث none & every

every به معنای همه می باشد و با فعل مفرد به کار می رود. **None** در حقیقت **no one** بوده و

معنای هیچ کس می دهد و حالت منفی **every** می باشد. برای درک بیشتر به مثال های زیر دقت کنید.

Every student is present همه ی شاگردان، حاضر هستند اَوْرِيْ سْتِيُوْدِنْتُ اِيْزُ پَرِزَنْتُ

به جای جمله ی بالا که با فعل مفرد به کار رفته است می توان از **all** به معنای همه، استفاده کرد که در این صورت باید فعل را به شکل جمع بیاوریم.



All the students are present

همه ی شاگردان، حاضر هستند

آل دِ سْتِيوِدَنْتْسُ آر پَرزَنْتُ

None is absent

نَانْ اِيْزْ اَبْسَنْتُ

هیچ کس غایب نیست

توجه : none برای غیر انسان نیز استفاده می شود و با فعل های مفرد و جمع، به کار می رود

I had four cats once, none of them is \ are alive now

آیْ هَدُ فُورْ کَتْسُ وَاَنْسُ، نَانْ آو دِمُ اِيْزْ آر اِلَايُوْ نَاوُ

به زمانی چهار تا گربه داشتم، حال هیچ کدام از آن ها زنده نیستند

I wanted some money but there was none in my wallet

آیْ وَاَنْتِدْ سَامْ مَانِيْ بَاتُ دِرْ وَاَزْ نَانْ اَيْنُ مَائِيْ وَاَلْتُ

مقداری پول می خواستم اما هیچی در کیف پولم نبود

مبحث no & any

any به معنای هر می باشد که در جملات سوالی یا منفی می آید و با اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش بکار می رود. **no** به معنای هیچ می باشد که فقط در جملات مثبت می آید و معنای آن جمله را منفی می کند. ما می توانیم به جای (**any** و **not**) از **no** استفاده کنیم که در اینصورت باید به زمان جمله دقت داشته باشیم . مانند:

There **isn't any** milk in the cup

در فنجان هیچی شیر وجود ندارد.

دِرْ اِيْزَنْتُ اِنِيْ مِيْلْكُ اَيْنُ دِ كَآپُ

There is **no** milk in the cup

در فنجان هیچی شیر وجود ندارد.

دِرْ اِيْزِ نْ مِيْلْكُ اَيْنُ دِ كَآپُ

There aren't **any** cars in the street

در خیابان هیچ اتومبیلی وجود ندارد.

دِرْ آرَنْتُ اِنِيْ كَارزُ اَيْنُ دِ سْتْرِيتُ

There are **no** cars in the street

در خیابان هیچ اتومبیلی وجود ندارد.

دِرْ آرِ نْ كَارزُ اَيْنُ دِ سْتْرِيتُ

Do you have any money in your pocket?

آیا تو (هیچ) پولی در جیب داری؟

دو یو هُوَ اِنِی مَآنی اَیْنِ اَیْرُ پَآکِتْ؟

Yes, I do.

بله. من دارم. (جواب کوتاه مثبت) اَیْسِ اَیْ دُو

I have some money in my pocket.

من مقداری پول در جیبم دارم. (جواب بلند)

اَیْ هُوَ سَآمَ مَآنی اَیْنِ مَآیْ پَآکِتْ

No, I don't.

نه. من ندارم. (جواب کوتاه منفی) نَ اَیْ دَنْتْ

I don't have any money in my pocket

من هیچ پولی در جیبم ندارم. (جواب منفی بلند)

اَیْ دَنْتْ هُوَ اِنِی مَآنی اَیْنِ مَآیْ پَآکِتْ

I have no money in my pocket.

من هیچ پولی در جیبم ندارم. (جواب منفی بلند)

اَیْ هُوَ نَ مَآنی اَیْنِ مَآیْ پَآکِتْ

توجه ۱: any را در جملات مثبت، تبدیل به **some** می کنیم.

توجه ۲: any و **no** با اسامی مفرد و جمع بکار می رودند.

توجه ۳: any و **no** با فعل های مفرد و جمع بکار می رودند.

به مثال های بیشتر در این مورد توجه بفرمایید.

Did you have any money in your pocket?

آیا تو (هیچ) پولی در جیب داشتی؟

دید یو هُوَ اِنِی مَآنی اَیْنِ اَیْرُ پَآکِتْ؟

Yes, I did.

بله. من داشتم. (جواب کوتاه مثبت) اَیْسِ اَیْ دَیدْ

I had some money in my pocket.

من مقداری پول در جیبم داشتم. (جواب بلند)

اَیْ هَدَ سَآمَ مَآنی اَیْنِ مَآیْ پَآکِتْ

No, I didn't.

نه. من نداشتم. (جواب کوتاه منفی) نَ اَیْ دَیدَنْتْ

I didn't have any money in my pocket

من هیچ پولی در جیبم نداشتم. (جواب منفی بلند)

اَیْ دَیدَنْتْ هُوَ اِنِی مَآنی اَیْنِ مَآیْ پَآکِتْ

I had no money in my pocket.

من هیچ پولی در جیبم نداشتم. (جواب منفی بلند)

اَیْ هَدَ نَ مَآنی اَیْنِ مَآیْ پَآکِتْ



مبحث ترکیبات every – some – any – no – else

everyone	اوری وآن	هرکس - همه
everybody	اوری بادی	هرکس - همه
everything	اوری ٹینگ	هرچیز - همه چیز
everywhere	اوری ور	هرجا - همه جا
someone	سام وآن	یه کسی
somebody	سام بادی	یه کسی
something	سام ٹینگ	یه چیزی
somewhere	سام ور	یه جایی
some people	سام پیپل	کسانی
some things	سام ٹینگز	چیزهایی
some places	سام پلیسز	جاہایی
anyone	انی وآن	هرکس
anybody	انی بادی	هرکس
anything	انی ٹینگ	هرچیز
anywhere	انی ور	هرجا
no one	ن وآن	هیچ کس
nobody	ن بادی	هیچ کس
nothing	ناٹینگ	هیچ چیز
nowhere	ن ور	هیچ جا
someone else	سام وآن اِلْس	یه کس دیگه
somebody else	سام بادی اِلْس	یه کس دیگه
something else	سام ٹینگ اِلْس	یه چیز دیگه
somewhere else	سام ور اِلْس	یه جای دیگه
where else ?	ور اِلْس؟	دیگه کجا ؟
what else ?	وات اِلْس؟	دیگه چی ؟
who else ?	هو اِلْس؟	دیگه کی ؟
why else ?	وآی اِلْس؟	دیگه چرا ؟

مبحث either – neither

either – neither به عنوان صفت قبل از اسم می آیند. **either** به معنی هر یک از دو و **neither** به معنای هیچ یک از دو می باشد.

Either student needs a pen هر یک از دو دانش آموز به یک قلم نیاز دارند

ایدرِ سْتیوَدَنْتْ نیدز اِ پِنْ

Neither boy knows the address هیچ یک از دو پسر آدرس را نمی دانند

نیدرِ بُوئی نُوْزْ دِ (دی) اَدْرِسْ

توجه ۱: فاعلی که قبل از آن **either** یا **neither** باشد باید به صورت مفرد بیاید.

توجه ۲: اگر **either** یا **neither** با حرف **of** همراه باشند در این صورت اسم بعد از آن ها،

جمع می باشد. مانند:

Either of your parents likes you هر یک از والدینتان، شما را دوست دارند

ایدرِ آوِ یُرْ پَرَنْتَسْ لَایْکَسْ یو

Neither of the boys is here هیچ یک از دو پسر، اینجا نیستند

نیدرِ آوِ دِ بُوِزْ ایزْ هیرْ

مبحث did you say ... ?

گاهی از کسی سوالی می پرسیم و آن شخص جوابی می دهد و ما متوجه ی جواب نمی شویم و یا آن را نمی شنویم در این صورت می گوئیم:

گفتی ... ؟ که انگلیسی آن می شود **did you say ... ?** مانند:

Where do you live? کجا زندگی می کنی؟

وَرِ دو یو لَوِ (لیو)؟

Where did you say you live? گفتی کجا زندگی می کنی؟

وَرِ دید یو سِیْ یو لَوِ (لیو)؟

Where do you go? کجا می روی؟

وَرِ دو یو گُ؟

Where did you say you go? گفتی کجا می روی؟

وَرِ دید یو سِیْ یو گُ؟

What do you want? چی می خواهی؟

وَأْتِ دو یو وَاَنْتْ؟

What did you say you want? گفتی چی می خواهی؟

وَأْتِ دید یو سِیْ یو وَاَنْتْ؟



مباحث ؟ do you think

گاهی از کسی سؤالی پرسیده می شود و او به جای جواب دادن ، سوال دیگری را با عبارت (فکر می کنی ... ؟) مطرح می کند. مثلاً به کسی می گویند: کجا زندگی می کنی؟ و او به شما می گوید:

فکر می کنی (که) کجا زندگی می کنم؟

در این جمله فکر می کنی می شود **do you think ... ?** (دو یو ثینک ... ؟) مانند:

Where do you live? کجا زندگی می کنی؟
وَر دُو یو لُو (لیو) ؟

Where do you think I live? فکر می کنی (که) کجا زندگی می کنم؟

وَر دُو یو ثینک آی لُو (لیو) ؟

How many sisters do you have? چند تا خواهر داری؟

هَآو مِنی سِیستِرز دُو یو هُو؟

How many sisters do you think I have? فکر می کنی (که) چند تا خواهر دارم؟

هَآو مِنی سِیستِرز دُو یو ثینک آی هُو؟

Why does she leave home early? چرا او خانه را زود ترک می کند؟

وآی دَآز شی لیو هُم اِری؟

Why do you think she leaves home early?

وآی دُو یو ثینک شی لیوز هُم اِری؟

چرا فکر می کنی (که) او خانه را زود ترک می کند؟

How much money do you have? چقدر پول داری؟

هَآو مَآج مَآنی دُو یو هُو؟

How much money do you think I have? فکر می کنی که چقدر پول دارم؟

هَآو مَآج مَآنی دُو یو ثینک آی هُو؟

When is your appointment with her? قرار ملاقات شما با او کی می باشد؟

وَن ایز یُر اَپِیتمِنْت وِت هِر؟

When do you think my appointment is with her?

وَن دُو یو ثینک مَآی اَپِیتمِنْت ایز وِت هِر؟

فکر می کنی که قرار ملاقات من با او کی می باشد؟

طرز استفاده از when - as - since به عنوان حرف ربط

When به معنای **وقتیکه** حرف ربط زمان می باشد و هنگامی بکار می رود که یک عمل بعد از عمل دیگری

صورت بگیرد. مانند:

When I heard the doorbell, I opened the door.

وَنَ آئِ هِرْدِ دِ دُرْبِلْ آئِ اُپِنْدِ دِ دَرِ

وقتیکه صدای زنگ را شنیدم، درب را باز کردم.

توجه: یعنی ابتدا عمل شنیدن و سپس عمل بازکردن صورت گرفته است.

As به معنای **وقتیکه** حرف ربط زمان می باشد و هنگامی بکار می رود که هر دو عمل باهم و در یک زمان

انجام شوند. مانند:

I saw an accident **as** I was walking home.

آئِ سَا اَن اَكْسِيْدِنْتْ اَز آئِ وَاَز وَاكِيْنِكْ هُم

وقتیکه داشتم قدم زنان به منزل می رفتم، تصادفی را دیدم.

توجه: عمل قدم زدن و دیدن تصادف بطور همزمان اتفاق افتاده است.

توجه: به جای **as** به عنوان حرف ربط زمان می توان از **while** استفاده نمود.

توجه مهم: **As** به معنای **چونکه** (به علت اینکه ، چون ، زیرا) حرف ربط علت و دلیل هم می باشد و برای

بیان اینکه چرا چیزی اتفاق افتاده است و یا اینکه چرا کسی کاری را انجام داده است نیز مورد استفاده دارد.

As I was too hungry, I stopped to buy a sandwich.

مانند:

اَز آئِ وَاَز تُو هَا نَغِيرِ آئِ سَتَاپْتْ تُو بَايْ اِ سَنْدُوِيْجْ

چون خیلی گرسنه بودم، ایستادم تا یک ساندویچ بخرم.

توجه: در اینجا **as** به معنای چون، مساوی با **because** می باشد و می توانند به جای یک دیگر قرار بگیرند.

Because I was too hungry, I stopped to buy a sandwich.

بِيكَاَز آئِ وَاَز تُو هَا نَغِيرِ آئِ سَتَاپْتْ تُو بَايْ اِ سَنْدُوِيْجْ

توجه: **Since** اگر به معنای **چونکه** (از آنجایی که - به دلیل اینکه) باشد، حرف ربط دلیل و علت است و

مترادف با **because** می باشد اما رسمی تر است. مانند:

Since the exercise is too easy, we can easily do it.

سِيْسِنْسْ دِ اِكْسِرْسَايِزْ اِيْزْ تُو اِيْزِيْ وِي كَن اِيْزِيلِيْ دُو اِيْتْ

از آنجایی که (چون) آن تمرین خیلی آسان است، ما می توانیم آنرا به سادگی انجام دهیم.



توجه: در اینجا **since** به معنای چون، مساوی با **because** می باشد و می توانند به جای یک دیگر قرار بگیرند.

Because the exercise is too easy, we can easily do it.

بیکاز د اگرسآیزز ایز تو ایزی وی کن ایزیلی دو ایت

چون (از آنجایی که) آن تمرین خیلی آسان است، ما می توانیم آنرا به سادگی انجام دهیم.

طرز استفاده از **whether or** به عنوان حرف ربط

whether or این حرف ربط به معنای (چه چه) و یا (خواه خواه....) می باشد و می تواند دو جمله و یا دو بخش از یک جمله را به هم متصل نماید. از این حرف ربط برای بیان وضعیت انجام کار استفاده می شود یعنی بیان می کند که انجام یا عدم انجام آن کار هیچ اهمیتی ندارد چرا که در هر دو حالت، نتیجه ی آن عمل یکسان است. مانند:

We must do all these exercises **whether** they are easy **or** difficult.

وی مآست دو آل دیز اگرسآیزز ودر دی آر ایزی آر دینیکآلت

ما باید تمام این تمرینات را انجام بدهیم چه آنها آسان باشند چه سخت.

نکاتی در خصوص افعال

help - make - let

فعل **help** به معنای کمک کردن می باشد و بعد از آن می تواند مفعول قرار بگیرد و بعد از مفعول می توانیم فعل را به دو شکل **مصدر با to** یا **مصدر بدون to** بیاوریم. مانند:

She helped me (**to**) clean my house. او به من کمک کرد که خانه ام را تمیز کنم.

شی هلیت می (تو) کیلین مآی هاؤس

فعل **make** به معنای مجبور کردن (وادار کردن - وادار ساختن) می باشد و بعد از آن مفعول قرار می گیرد و بعد از مفعول، فعل را به شکل **مصدر بدون to** می آوریم. مانند:

She made me clean her house. او مرا وادار کرد که خانه اش را تمیز کنم.

شی مید می کیلین هر هاؤس

در اینجا **me** مفعول است که بعد از فعل **made** که بصورت گذشته است، آمده و بعد از آن از مصدر بدون **to** استفاده کرده ایم.

توجه بسیار مهم.

اگر جمله مجهول باشد باید از مصدر با **to** استفاده کنیم. پس در جملات مجهول بعد از **make** مصدر با **to** می آید. مانند:

I was made **to** clean her house. من مجبور شدم خانه اش را تمیز کنم.

آیَ وَاَزَ مِیْدُ تُو کِیلِینْ هِرْ هَاوَسْ

توجه: در صورت نیاز به مبحث جملات مجهول مراجعه نمایید.

فعل **let** به معنای اجازه دادن می باشد و بعد از آن می تواند مفعول قرار بگیرد و بعد از مفعول فعل را به شکل مصدر بدون **to** می آوریم. مانند:

She lets her son play football in the park.

شی لِتْسُ هِرْ سَانْ پَلِیْ فُتْبَالْ اِینْ دِ پَارْکْ

او به پسرش اجازه می دهد در پارک فوتبال بازی کند.

توجه: لطفاً به مبحث طرز قرارگیری یک فعل بعد از فعل دیگر مراجعه کنید.

طرز استفاده از by + فعل + ing

اگر بخواهیم بعد از حرف اضافه، فعل بیاوریم باید آن فعل به شکل (Gerund) یعنی از فعلی استفاده کنیم که دارای **ing** باشد.

حرف اضافه **by** در این فرمول به معنای از طریق (به وسیله ی - با - به شکل) می باشد و درحقیقت مساوی **by means of** می باشد که برای بیان روش انجام کار، مورد استفاده دارد. مانند:

Reza passed the test **by** studying hard. رضا با سخت مطالعه کردن در امتحان قبول شد.

رِضا پَسَدُ دِ تِسْتْ بَایْ سِتَادِیْنِگْ هَاَرْدُ

طرز تبدیل جمله ی وصفی (adjective clause) به عبارت وصفی (adjective phrase)

در حقیقت در این موارد به بیان چگونگی حذف ضمائر موصولی می پردازیم.

همانگونه که می دانید ضمائر موصولی عبارتند از: **who - whom - which** یعنی همان **that** با معنای که.



برای حذف ضمائر موصولی به موارد زیر دقت می کنیم.

۱ - اگر جمله ی وصفی در حالت معلوم باشد ابتدا ضمیر موصولی را حذف کرده و سپس فعل بعد از آنرا بصورت استمراری (یعنی فعل به شکل **ing** دار) می آوریم. مانند:

The men **who work** in this area are in danger. (جمله ی وصفی)

دِ مِنْ هُو وُرْکُ اِین دِیسْ اِری آ آر اِین دِینْجِرْ

مردانی که در این منطقه کار می کنند، در خطر می باشند.

The men **working** in this area are in danger. (عبارت وصفی)

دِ مِنْ وُرْکِینْگْ اِین دِیسْ اِری آ آر اِین دِینْجِرْ

مردانی که در این منطقه کار می کنند، در خطر می باشند.

در حقیقت **who** حذف شده و فعل به شکل **ing** دار، آمده است و معنای جمله تغییری نمی کند.

۲ - اگر جمله ی وصفی در حالت معلوم باشد و استمراری، ابتدا ضمیر موصولی و سپس فعل **to be** را حذف می کنیم. مانند:

The boy **who is playing** football is my friend. (جمله ی وصفی)

دِ بَیْ هُو اِیز پِلیْ اِینْگْ فُتْبالْ اِیز مَایْ فِرِنْدْ

پسری که در حال بازی کردن فوتبال می باشد، دوستم است.

The boy **playing** football is my friend. (عبارت وصفی)

دِ بَیْ پِلیْ اِینْگْ فُتْبالْ اِیز مَایْ فِرِنْدْ

پسری که در حال بازی کردن فوتبال می باشد، دوستم است.

در حقیقت **who** و **is** حذف شده و معنای جمله تغییری نمی کند.

۳ - اگر جمله ی وصفی در حالت معلوم و مفعولی باشد در اینصورت فقط باید ضمیر موصولی را حذف کنیم. مانند:

The boy **whom (who)** you saw in the park yesterday is my friend. (جمله ی وصفی)

دِ بَیْ هومْ (هو) یو سآ اِینْ دِ پَارْکْ یِسْتِرْدِیْ اِیز مَایْ فِرِنْدْ

پسری را که تو دیروز در پارک دیدی، دوست من است.

The boy you saw in the park yesterday is my friend. (عبارت وصفی)

دِ بُو یو سآ این دِ پَارکِ یَسْتَرْدِی ایز مآی فِرِنْدِ

پسری را که تو دیروز در پارک دیدی، دوست من است.

۴- اگر جمله ی وصفی در حالت مجهول باشد، ابتدا ضمیر موصولی و سپس فعل **to be** را حذف می کنیم. مانند:

(A)

The cars **which are** produced in this factory use a lot of fuel. (جمله ی وصفی)

دِ کَارزُ ویچُ آر پُرْدِیوسْد این دیسُ فِکْتَرِی یوزِ الْآتُ اَو فِیوَالُ

اتومبیل هایی که در این کارخانه تولید می شوند، سوخت زیادی استفاده می کنند.

The cars produced in this factory use a lot of fuel. (عبارت وصفی)

دِ کَارزُ پُرْدِیوسْد این دیسُ فِکْتَرِی یوزِ الْآتُ اَو فِیوَالُ

اتومبیل هایی که در این کارخانه تولید می شوند، سوخت زیادی استفاده می کنند.

(B)

Most of the people **who were** invited to the party were old friends. (جمله ی وصفی)

مُسْتُ اَو دِ پِیپِلُ هُو وِرِ اینوآیْتِدِ تو دِ پَارْتِی وِرِ اَلْدِ فِرِنْدِزُ

بیشتر افرادی که به مهمانی دعوت شدند، دوستان قدیمی بودند.

Most of the people invited to the party were old friends. (عبارت وصفی)

مُسْتُ اَو دِ پِیپِلُ اینوآیْتِدِ تو دِ پَارْتِی وِرِ اَلْدِ فِرِنْدِزُ

بیشتر افرادی که به مهمانی دعوت شدند، دوستان قدیمی بودند.

توجه: اگر جمله ی وصفی منفی باشد، در هنگام تبدیل شدن به عبارت وصفی باید از **not** استفاده کنیم. مانند:

Parents **who don't** earn enough money send their children to work. (جمله ی وصفی)

پَرِنْتِسُ هُو دَنْتُ اِرِنُ اینآفُ مآنی سِنْدِ دِرِ چیلْدِرِنُ تو وُرْکُ

والدینی که درآمد کافی ندارند، فرزندانشان را به سرکار می فرستند.

Parents **not earning** enough money send their children to work. (عبارت وصفی)

پَرِنْتِسُ نَاتُ اِرِنِنِگُ اینآفُ مآنی سِنْدِ دِرِ چیلْدِرِنُ تو وُرْکُ

والدینی که درآمد کافی ندارند، فرزندانشان را به سرکار می فرستند.

توجه: در اینجا علاوه بر اینکه ضمیر موصولی **who** حذف شده و فعل به شکل **ing** دار نوشته شده است،

می بینیم که به جای **don't** قید منفی **not** آمده است.



طرز استفاده از **enough** به معنای کافی (به اندازه ی کافی) در فرمول های زیر

A) ... + مصدر با **to** + (مفعول **for**) + **enough** + صفت + **tobe** + فاعل : فرمول (A)

توجه: آوردن عبارت داخل پرانتز اجباری نمی باشد.

He is tall enough to touch the ceiling.

هی ایز تال ایناف تو تاج د سیلینگ

او به اندازه ی کافی بلند قد است که سقف را لمس کند. (دستش به سقف می رسد)

He is rich enough to help the poor. او به اندازه ی کافی ثروتمند است که به فقرا کمک کند.

هی ایز ریچ ایناف تو هلپ د پور

B) ... + مصدر با **to** + (مفعول **for**) + **enough** + قید + فعل اصلی + فاعل : فرمول (B)

She practiced hard enough to pass the examination.

شی پرکتیسد هارد ایناف تو پس د اگزامینیشن

او به اندازه ی کافی سخت تمرین کرد تا در امتحان قبول شود.

C) ... + مصدر با **to** + (مفعول **for**) + اسم + **enough** + فعل + فاعل : فرمول (C)

Ali had enough time to read this novel.

علی هد ایناف تایم تو رید دیس ناول

علی به اندازه ی کافی برای خواندن این رمان وقت داشت.

There's enough money for you to take a vacation.

درز ایناف مانی فر یو تو تیک ا وکیشن

برای شما به اندازه ی کافی پول هست که به تعطیلات بروید.

طرز استفاده از **too** به معنای خیلی زیاد (خیلی خیلی)

در فرمول های زیر **too** به معنایی خیلی خیلی بوده و معنای جمله را منفی می کند. مانند:

A) ... + مصدر با **to** + (مفعول **For**) + صفت + **too** + **tobe** + فاعل : فرمول (A)

The coffee is too hot for me to drink.

د کافی ایز تو هات فر می تو دیرینگ

آن قهوه برای من خیلی زیاد داغ است که بنوشم. یعنی آن قهوه آنقدر داغ است که من نمی توانم آنرا بنوشم.

... + مصدر با to + (مفعول For) + قید + too + فعل اصلی + فاعل : **فرمول B)**

He works too slowly to finish it on time.

هی وُرکسُ تو سَللی تو فینیشُ ایتْ اَنْ تَائِمُ

او خیلی کند کار می کند که بتواند آن را به موقع تمام کند. یعنی او آنقدر کند کار می کند که نمی تواند آن کار را به موقع به اتمام برساند.

طرز استفاده از such به معنای چنین (چنان) در فرمول زیر

... + فعل + فاعل + that + اسم + such (a/an) + فعل + فاعل : **فرمول**

توجه: در این فرمول ۱- می توانیم قبل از اسم از صفت هم استفاده کنیم. ۲- a در صورتی می آید که حرف بعد از آن بی صدا و مفرد باشد. ۳- an زمانی می آید که حرف بعد از آن باصدا و مفرد باشد. ۴- اگر اسم ما جمع باشد، دیگر نیازی به a یا an نمی باشد. مانند:

It was such a nice day that we went to the seaside.

ایت وَاَز سَاجْ اِ نَایَسْ دِیْ دَتْ وِی وِنْتْ تو دِ سِی سَایَدِ

آنقدر روز قشنگی بود که ما به کنار دریا رفتیم.

It was such an easy test that everybody answered it.

ایتْ وَاَز سَاجْ اَنْ اِزِی تِسْتْ دَتْ اِوْرِی بَادی اَنْسَرِدِ ایتْ

آنقدر تست آسانی بود که همه به آن جواب دادند.

They were such good boys that everybody liked them.

دِیْ وِرِ سَاجْ گُودْ بَیْزْ دَتْ اِوْرِی بَادی لَایْکْتْ دِمِ

آنها چنان پسران خوبی بودند که همه آنها را دوست می داشتند.

طرز استفاده از while و whereas به عنوان حرف ربط

این کلمات، حروف ربطی هستند که به معنای (در حالیکه - گرچه - اما - حال آنکه - با وجود اینکه) می باشند و برای بیان تضاد مستقیم (مانند: زرنگ و تنبل - زشت و زیبا - خوب و بد - چاق و لاغر - کوتاه و بلند، ...) در اول و یا وسط جمله ی مرکب بکار می روند. مانند:

While Ali is a clever student, his brother is lazy.

وَأَيْلُ عَلِيٍّ اِزْ اِ كَلِوْرُ سْتِيوِدِنْتْ هِيزْ بَرَادِرْ اِزْ لِيْزِي

در حالی که علی دانش آموز زرنگی است، برادرش تنبل می باشد.



توجه: در اینجا تضاد بین زرنگ و تنبل را می بینیم که با حرف ربط **while** بیان شده است و می توانیم به جای آن از **whereas** استفاده کنیم. مانند:

Whereas Ali is a clever student, his brother is lazy.

وَرَأَى عَلِيٌّ اِيْزًا اِكْلُوْرُ سْتِيُوْدِنْتُ هِيْزُ بَرَادِرُ اِيْزُ لِيْزِي

درحالی که علی دانش آموز زرنگی است، برادرش تنبل می باشد.
به یک مثال دیگر توجه نمایید.

Some people like team sports, whereas others prefer individual sports.

سَامٌ پِيْلُ لَآيْكَ تِيْمٌ سِپَرْتْسُ وِرَازُ اَدِرْزُ پِرِيْفِرُ اِيْنْدِيُوِيْجُوَالُ سِپَرْتْسُ

برخی از مردم ورزش های تیمی را دوست دارند درحالی که مابقی، ورزش های انفرادی را ترجیح می دهند.

Some people like team sports, while others prefer individual sports.

سَامٌ پِيْلُ لَآيْكَ تِيْمٌ سِپَرْتْسُ وَاِيْلُ اَدِرْزُ پِرِيْفِرُ اِيْنْدِيُوِيْجُوَالُ سِپَرْتْسُ

برخی از مردم ورزش های تیمی را دوست دارند درحالی که مابقی، ورزش های انفرادی را ترجیح می دهند.
توجه: هر دو جمله به یک معنی می باشد.

توجه: حرف ربط **but** بیان کننده ی تضاد کلی و یا تضاد تناقض می باشد و فقط در وسط جمله کاربرد دارد و بهتر است که قبل از آن یک کاما آورده شود. مانند:

جمله ی مثبت **but**، جمله ی منفی

I don't like sweet food ,but I like chocolates.

اِيْ دَنْتُ لَآيْكَ سُوَايْتُ فُوْدُ بَاتُ اِيْ لَآيْكَ چَاكَلْتْسُ

من غذای شیرین دوست ندارم اما شکلات دوست دارم.

جمله ی منفی **but**، جمله ی مثبت

I like chocolates ,but I don't like sweet food

اِيْ لَآيْكَ چَاكَلْتْسُ بَاتُ اِيْ دَنْتُ لَآيْكَ سُوَايْتُ فُوْدُ

من شکلات دوست دارم اما غذای شیرین دوست ندارم.

طرز استفاده از **so that**

so that به معنای (آنقدر ... که) و یا (آنچنان ... که) می باشد و جمله ی بعد از **that** بیشتر

منفی بوده و با افعال کمکی **can't** و یا **couldn't** می آید. مانند فرمول زیر

جمله ی دوم + **that** + صفت + **so** + **to be** + فاعل : فرمول A)

The food was so salty that I couldn't eat it. غذا آنقدر شور بود که من نتوانستم آنرا بخورم.

دِ فُودِ وَأَزْ سٌ سَالْتِي دَتْ أَيْ كُودِنْتُ اَيْتْ اَيْتْ

The film was so good that I saw it twice. فیلم آنقدر خوب بود که من آنرا دو بار دیدم.

دِ فَيْلْمٌ وَأَزْ سٌ گُودِ دَتْ أَيْ سَأْ اَيْتْ تَوَأَيْسٌ

جمله ی دوم + **that** + قید + **so** + فعل اصلی + فاعل : **فرمول B)**

She ran so fast that she forgot to take her keys.

شِي رَنْ سٌ فَسْتٌ دَتْ شِي فُرُگَاتٌ تَوِ تَيْكَا هِرْ كِيْزٌ

او آنقدر سریع دوید که فراموش کرد کلیدهایش را ببرد.

توجه: در این فرمول می توان بعد از **so** از **many - few - much - little** استفاده کرد.

طرز استفاده از **so that**

So that به معنای **تا** (تا اینکه - برای اینکه - به منظور اینکه) می باشد و برای بیان هدف و منظور خاص، در

جملات مرکب بکار می رود و معمولاً بعد از آن از فعل کمکی **can** برای زمان حال و فعل کمکی **could**

برای زمان گذشته، استفاده می کنند. مانند فرمول:

... + مصدر بدون **to** + **can** + فاعل + **so that** + جمله در زمان حال : **فرمول A)**

Ali goes to the library so that he can study in a quiet place.

عَلِي كُزُّ تَوِ دِ لَائِبِرِي سُدْتْ هِي كَنْ سِتَادِي اَيْنِ اِ كَوَايْتْ پَلِيْسٌ

علی به کتابخانه می رود تا (بمنظور اینکه) او بتواند در محل ساکتی مطالعه کند.

... + مصدر بدون **to** + **could** + فاعل + **so that** + جمله در زمان گذشته : **فرمول B)**

Ali went to the library so that he could study in a quiet place.

عَلِي وَنْتُ تَوِ دِ لَائِبِرِي سُدْتْ هِي كُودِ سِتَادِي اَيْنِ اِ كَوَايْتْ پَلِيْسٌ

علی به کتابخانه رفت تا (بمنظور اینکه) او بتواند در محل ساکتی مطالعه کند.

توجه: در این فرمول بین **so that** هیچ کلمه و یا عبارتی قرار نمی گیرد.



توجه بسیار مهم:

برای بیان هدف یا منظور از انجام کار، می توان از **to** یا **in order to** یا **so as to** به معنای (تا - برای اینکه - تا اینکه - به منظور اینکه) استفاده کرد و باید بعد از آنها **مصدر بدون to** بیاوریم. مانند:

She is going to the post office **to** buy some stamps.

شی ایز گُ اَیْنِگُ تو دِ پُستِ آفِیسُ تو بَایِ سَامِ سَتَمِپِسُ

She is going to the post office **in order to** buy some stamps.

شی ایز گُ اَیْنِگُ تو دِ پُستِ آفِیسُ اَیْنِ اُردِرُ تو بَایِ سَامِ سَتَمِپِسُ

She is going to the post office **so as to** buy some stamps.

شی ایز گُ اَیْنِگُ تو دِ پُستِ آفِیسُ سُ اَزُ تو بَایِ سَامِ سَتَمِپِسُ

او قصد دارد به اداره ی پست برود تا (به منظور اینکه) تعدادی تمبر بخرد.

توجه: ۱- معنای هر سه جمله، یکی می باشد. **۲-** **in order to** و **so as to** حالت رسمی تر از **to** دارند.

طرز استفاده از **although - though - even though**

though - although این کلمات به معنای **گرچه** (اگرچه - هرچند که - علی رغم) می باشند و می توان در حالت تأکید از **even though** به معنای **حتی اگر چه** (به رغم اینکه) استفاده نمود. این حروف ربط نشان دهنده ی تضاد کلی هستند و در اول و یا وسط جملات مرکب می آیند. مانند:

Although she doesn't enjoy her job, she works very hard.

اَلْدُ شی دَاوَزْتُ اَنْجِیْ هِرْ جَابْ شی وُرْکَسُ وِری هَارْدُ

اگرچه (هرچند که) او از شغلش لذت نمی برد، او خیلی سخت کار می کند.

توجه: در اینجا **Although** تضاد بین لذت نبردن از کار و سخت کار کردن را می رساند.

They didn't hurry, though they were very late.

دِیْ دِیدِنْتُ هِری دُ دِیْ وِری لَیْتُ

آنها عجله نکردند، گرچه خیلی دیرشان شده بود.

توجه: در اینجا **though** تضاد بین عجله نکردن و دیر بودن وقت را می رساند.

I saw the movie once more even though I had seen it several times.

آیْ سَا دِ مَوِیْ وَاَنْسُ مَرُ اِیَوْنُ دُ آیْ هَدُ سِیْنُ اِیْتُ سِوَرَالْ تَایْمَزُ

یک بار دیگر آن فیلم را دیدم علی رغم اینکه آنرا چندین بار دیده بودم.

توجه: در اینجا **even though** تضاد بین یک بار و چندین بار را نشان می دهد.

توجه: در مکالمات **though** را در آخر جمله هم می آورند که در اینصورت معنای اما (**but**) می دهد. مانند:

The house isn't very nice, I like the garden though.

دِ هَاوَسْ اِيَزْتْ وِرِي نَائِسْ آيْ لَائِكْ دِ گَارْدِنْ دُ

آن خانه خیلی خوب نیست گرچه من باغ آنرا دوست دارم.

The house isn't very nice, but I like the garden.

توجه: این جمله برابر است با جمله ی

دِ هَاوَسْ اِيَزْتْ وِرِي نَائِسْ بَاتْ آيْ لَائِكْ دِ گَارْدِنْ

آن خانه خیلی خوب نیست اما من باغ آنرا دوست دارم.

طرز استفاده از **in spite of - despite**

این دو حرف ربط به معنای (علی رغم - با وجود) می باشند و برای بیان تضاد بکار می روند، فقط باید دقت داشته باشیم که بعد از آنها اسم می آید. (این اسم می تواند صفت هم داشته باشد و یا بصورت اسم مصدر بیان شود) مانند:

In spite of the heavy traffic, I arrived on time.

اينِ سَبَائْتْ اَوِ دِ هَوِي تَرْفِيكْ آيْ اَرَايُودْ اَنْ تَائِمِ

علی رغم ترافیک سنگین، من به موقع رسیدم.

He didn't eat anything despite being very hungry.

هِي دِيدِنْتْ اَيْتْ اِنِي تِينِگْ دِيسْبَائْتْ بِيِنِگْ وِرِي هَانْگِيرِي

او علی رغم اینکه خیلی گرسنه بود، هیچی نخورد.

طرز استفاده از

(قسمت سوم فعل یا همان اسم مفعول) **Should have + p. p**

از این فرمول برای بیان عملی استفاده می شود که بهتر بوده در زمان گذشته انجام شود اما انجام نشده است به همین دلیل به آن گذشته ی غیر واقعی می گویند. مانند:

I should have helped the poor man. (but I didn't)

آيْ شُود هَوِ هِلِپْتْ دِ پورِ مَنُ (بَاتْ آيْ دِيدِنْتْ)

من باید به آن مرد فقیر کمک می کردم. (اما آن کار را نکردم - اما به او کمک نکردم)

Ali should have seen his brother. (but he didn't)

علی شُود هَوِ سِينْ هِيْزُ بَرَادِرِ (بَاتْ هِي دِيدِنْتْ)

علی باید برادرش را می دید. (اما آن کار را نکرد)



طرز استفاده از

Shouldn't have + p p (قسمت سوم فعل یا همان اسم مفعول)

از این فرمول برای بیان عملی استفاده می شود که بهتر بوده در زمان گذشته انجام نشود اما انجام شده است.

I shouldn't have helped the man. (but I did)

آیْ شَوْدِنْتَ هُوَ هَلِيتَ دِ مَنْ (بَاتَ آيْ دِيد)

من نباید به آن مرد کمک می کردم. (اما آن کار را کردم - اما به او کمک کردم)

Ali shouldn't have seen his brother. (but he did)

علی شَوْدِنْتَ هُوَ سَيْنَ هِيْزُ بَرَادِرِ (بَاتَ هِيْ دِيد)

علی نباید برادرش را می دید. (اما آن کار را کرد)

طرز استفاده از

May/ Might have + p p (قسمت سوم فعل یا همان اسم مفعول)

از این فرمول برای بیان عملی استفاده می شود که در زمان گذشته انجام شده و ما درخصوص آن عمل اطمینان کامل نداریم یعنی هنگامی که جمله را به این فرم بیان می کنیم ضریب اطمینان ما کمتر از ۵۰ درصد می باشد. برای ترجمه ی این گونه جملات از عبارت های (**لا بد - ممکن است - شاید**) استفاده می شود.مانند:

Ali went to bed early last night.

علی دیشب زود خوابید .

علی وَنْتَ تُو بَدِ اِرْلِي لَسْتَ نَائِتْ

He may have been too tired.

او لابد خیلی خسته بوده

هِيْ مِيْ هُوَ بَيْنَ تُو تَائِرِدْ

He might have been too tired.

او لابد خیلی خسته بوده

هِيْ مَائِتْ هُوَ بَيْنَ تُو تَائِرِدْ

توجه: در جمله ی بالا می دانیم که علی شب گذشته زود خوابیده است اما بطور صد درصد نمی دانیم علت آن چه بوده و با حدس کمتر از پنجاه درصد می گویم که شاید او خیلی خسته بوده، که زود خوابیده **توجه:** **might** احتمالش از **may** کمتر است. به یک مثال دیگر توجه کنید.

Ali was absent yesterday.

علی وَآزْ اَبْسِنْتَ يَسْتِرْدِيْ

علی دیروز غایب بود

He may / might have been sick.

هِيْ مِيْ / مَائِتْ هُوَ بَيْنَ سِيْكَ

او لابد بیمار بوده

توجه: ما حدس می زنیم که شاید علت غیبت علی، بیماری او بوده.

طرز استفاده از

(قسمت سوم فعل یا همان اسم مفعول) **Must have + p p**

از این فرمول برای بیان عملی استفاده می شود که در زمان گذشته انجام شده و ما درخصوص آن عمل اطمینان و یقینی در حدود ۹۵ درصد داریم که در اینصورت جمله را با عبارت، **باید** یا **حتماً** بیان می کنیم. مانند:

Ali went to bed early last night.

علی دیشب زود خوابید

عَلِي وَنْتُ تُو بَدَّ اِرْلِي لَسْتُ نَأَيْتُ

He must have been too tired.

او حتماً خیلی خسته بوده

هِي مَأَسْتُ هُو بَيْنَ تُو تَأَيْرُدُ

توجه: در جمله ی بالا می دانیم که علی شب گذشته زود خوابیده است و همچنین اطمینان داریم که علت آن، خستگی زیاد بوده.

به یک مثال دیگر توجه کنید.

Ali was absent yesterday.

علی دیروز غایب بود

عَلِي وَآزْ اَبْسِنْتُ يَسْتَرِدِي

He must have been sick.

او حتماً بیمار بوده

هِي مَأَسْتُ هُو بَيْنَ سِيكُ

توجه: ما با اطمینان می گوئیم که علت غیبت علی، بیماری او بوده.

Try to be good and to do good

سعی کنید آدم های خوبی باشید و کارهای خوب انجام دهید.

با آرزوی موفقیت برای شما عزیزان



لیست افعال بی قاعده

توجه ۱: این لیستی از افعال بیقاعده می باشد و آن هایی که با رنگ آبی هستند، بیشتر به کار می روند.

توجه ۲: در این لیست، تمام افعال ستون اول به صورت مصدر ترجمه شده اند.

arise	arose	arisen	رخ دادن - برخاستن
awake	awoke	awoken	بیدار شدن - بیدار کردن
be	was	been	بودن
bear	bore	born/ borne	تحمل کردن - حمل کردن - زاییدن
beat	beat	beaten	زدن - کتک زدن - مغلوب شدن
become	became	become	شدن
befall	befell	befallen	اتفاق افتادن - رخ دادن
beget	begot	begotten	تولیدکردن - به وجود آوردن
begin	began	begun	شروع کردن
behold	beheld	beheld	دیدن - مشاهده کردن - نظاره کردن
bend	bent	bent	خم کردن - کج کردن - دولا کردن
bereave	bereft - bereaved	bereft - bereaved	محروم کردن
besech	besought	besought	التماس کردن
bet	bet	bet	شرط بستن
bid	bid	bid	امر کردن - دستور دادن - دعوت کردن
bind	bound	bound	بستن - صحافی کردن
bite	bit	bitten	گازگرفتن - گزیدن
bleed	bled	bled	خون آمدن - خونریزی کردن
blow	blew	blown	وزیدن - دمیدن - فوت کردن
break	broke	broken	شکستن - پاره کردن
breed	bred	bred	تولیدکردن - پروراندن - بیمار آوردن
bring	brought	brought	آوردن

broadcast	broadcast	broadcast	پخش کردن از رادیو
build	built	built	ساختن
burn	burnt	burnt	سوزاندن - سوختن
burst	burst	burst	ترکیدن - منفجر شدن
buy	bought	bought	خریدن
cast	cast	cast	انداختن
catch	caught	caught	گرفتن
chide	chid	chid	سرزنش کردن - گله کردن
choose	chose	chosen	انتخاب کردن
cleave	cleft - clove	cleft - clove	شکافتن - شکستن
cling	clung	clung	چسبیدن
come	came	come	آمدن
cost	cost	cost	ارزش داشتن - ارزیابی
creep	crept	crept	خزیدن
cut	cut	cut	بریدن
deal	dealt	dealt	مُعامله کردن
dig	dug	dug	کندن
do	did	done	انجام دادن
draw	drew	drawn	رسم کردن - کشیدن (نقاشی)
dream	dreamt	dreamt	خواب دیدن
drink	drank	drunk	نوشیدن
drive	drove	driven	رانندگی کردن
dwell	dwelt	dwelt	ساکن بودن یا شدن - دَوام آوردن
eat	ate	eaten	خوردن
fall	fell	fallen	اُفتادن



feed	fed	fed	غذا دادن
feel	felt	felt	احساس کردن - حس کردن
fight	fought	tought	جنگیدن - مبارزه کردن
find	found	found	پیدا کردن
fling	flung	flung	پرت کردن - جفتک زدن
fly	flew	flown	پرواز کردن
Forbear	forbore	forborne	گذشت کردن - اجتناب کردن
Forbid	forbade	forbidden	قدغن کردن
Forecast	forecast	forecast	پیش بینی کردن
forget	forgot	forgotten	فراموش کردن
forgive	forgave	forgiven	بخشیدن
forsake	forsook	forsaken	ترک کردن - فراموش کردن
freeze	froze	frozen	یخ زدن - یخ بستن
get	got	got	به دست آوردن
give	gave	given	دادن
go	went	gone	رفتن
grind	ground	ground	آسیاب کردن - خرد کردن
grow	grew	grown	رویدن - رویاندن - بزرگ شدن
hang	hung - hanged	hung - hanged	آویزان کردن - به دار آویختن
have	had	had	داشتن - خوردن
hear	heard	heard	شنیدن
hew	hewed	hewn - hewed	بریدن - قطع کردن - تراشیدن
hide	hid	hidden	مخفی کردن - پنهان کردن
hit	hit	hit	زدن - کتک زدن - تنه زدن
hold	held	held	نگه داشتن

hurt	hurt	hurt	صدمه زدن - آسیب رساندن
keep	kept	kept	نگه داشتن
kneel	knelt	knelt	زانو زدن - به زانو درآوردن
knit	knit	knit	بافتن
know	knew	known	دانستن - شناختن
lead	led	led	راهنمایی کردن - هدایت کردن
lean	leant	leant	کج شدن - تکیه کردن
leap	leapt	leapt	پریدن - جستن - خیز زدن
learn	learnt	learnt	آموختن
leave	left	left	ترک کردن - جا گذاشتن
lend	lent	lent	قرض دادن
let	let	let	اجازه دادن
lie	lay	lain	دراز کشیدن
light	lit - lighted	lit - lighted	روشن کردن
lose	lost	lost	گم کردن - باختن
make	made	made	ساختن - وادار کردن
mean	meant	meant	معنی دادن - منظورداشتن
meet	met	met	ملاقات کردن - دیدار کردن
Mislead	misled	misled	گمراه کردن
Mistake	mistook	mistaken	اشتباه کردن
Misunderstand	misunderstood	misunderstood	دُرست نفهمیدن
mow	mowed	mow <u>ed</u> - <u>m</u> ow <u>ed</u>	درو کردن - چیدن
Outdo	outdid	outdone	شکست دادن - بهتر انجام دادن
Outgrow	outgrew	outgrown	زودتر روییدن از - بزرگتر شدن از
Overbid	overbid	overbid	بیشتر پیشنهاد دادن



Overcome	overcame	overcome	چیره شدن - پیروز شدن
Overdo	overdid	overdone	بیش از حد انجام دادن
Overfeed	overfed	overfed	بیش از حد خوراندن
Override	overrode	overridden	بی‌اعتنایی کردن به
Overrun	overran	overrun	پایمال کردن - اشغال کردن
Overtake	overtook	overtaken	سبقت گرفتن از - غافلگیر کردن
overthrow	overthrew	overthrown	مُتفرق کردن - سَرنگون کردن
pay	paid	paid	پرداختن - پول دادن
put	put	put	گذاشتن - قراردادن
quit	quit	quit	تَرک کردن - رها کردن
read	read	read	خواندن (مطلب)
rend	rent	rent	پاره کردن - چاک دادن
Rewind	rewound	rewound	باز پیچیدن - به محل اول برگرداندن
rid	rid	rid	خَلاص کردن - آزاد کردن
ride	rode	ridden	راندن - سوار شدن
ring	rang	rung	زنگ زدن
rise	rose	risen	برخاستن - طلوع کردن - ترقی کردن
run	ran	run	دویدن
saw	sawed	sawn - sawed	آرّه کردن
say	said	said	گفتن
see	saw	seen	دیدن
seek	sought	sought	جستجو کردن - بازجویی کردن
sell	sold	sold	فروختن
send	sent	sent	فرستادن
set	set	set	قراردادن - غروب کردن

sew	sewed	sewn – sewed	خیاطی کردن - دوختن
shake	shook	shaken	تکان دادن
shed	shed	shed	آشک ریختن - پوست انداختن
shine	shone	shone	درخشیدن
shoot	shot	shot	تیراندازی کردن - با تیر زدن
show	showed	shown – showed	نشان دادن
shrink	shrank	shrunk	چروک شدن - منقبض شدن
shut	shut	shut	بستن
sing	sang	sung	آواز خواندن
sink	sank	sunk	فرو رفتن - غرق شدن
sit	sat	sat	نشستن
Slay	slew	slain	با خشونت کشتن - به قتل رساندن
sleep	slept	slept	خوابیدن
slide	slid	slid	سُر خوردن - لیز خوردن - خَطَا کردن
sling	slung	slung	آویزان کردن - پرتاب کردن
slink	slunk	slunk	جیم شدن - دزدانه راه رفتن
slit	slit	slit	چاک دادن - شکافتن - دریدن
smell	smelt	smelt	بو کردن - بو دادن
smite	smote	smitten	زدن - اثر گذاشتن - نیست و نابود کردن
sow	sowed	sown – sowed	کاشتن - بذر افشاندن
speak	spoke	spoken	صحبت کردن
speed	sped	sped	سرعت گرفتن
spell	spelt	spelt	هیجی کردن
spend	spent	spent	گذراندن - خرج کردن
spill	spilt	spilt	ریختن (مایع) - سَر رفتن



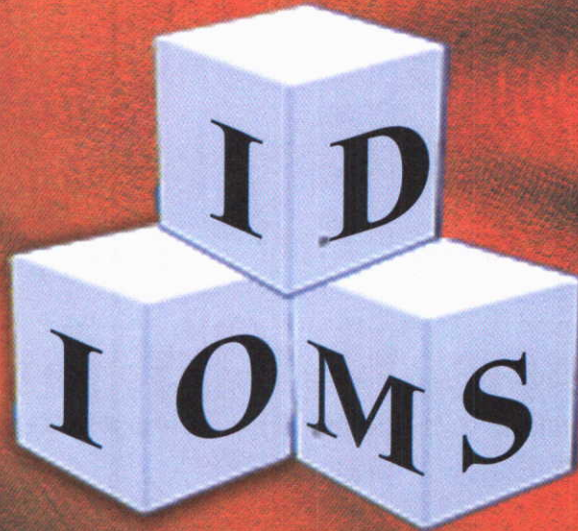
spin	span	spun	تابیدن - چرخاندن - چرخیدن
spit	spat	spat	تُف انداختن - تُف کردن
split	split	split	شکافتن - تقسیم کردن
spoil	spoilt	spoilt	خراب کردن - ضایع کردن - لوس کردن
spread	spread	spread	پهن کردن - مالیدن روی - اشاعه دادن
spring	sprang	sprung	پَریدن - جستن
stand	stood	stood	ایستادن
steal	stole	stolen	دزدیدن
stick	stuck	stuck	چسباندن - چسبیدن - فرو رفتن - گیر کردن
sting	stung	stung	نیش زدن - گزیدن - زخم زبان زدن
stink	stank	stunk	بوی بد دادن
strew	strewed	strewn - strewed	ریختن - افشاندن - پاشیدن - پخش کردن
stride	strode	strode	تِلُو تِلُو خوردن
strike	struck	struck	تصادف کردن - زدن - اعتصاب کردن
string	strung	strung	کشیدن - با نَخ بستن
strive	strove	striven	کوشیدن - تَقلا کردن
swear	swore	sworn	سوگند خوردن - فحش دادن - ناسزا گفتن
sweat	sweat	sweat	عَرَق کردن - عرق کسی را در آوردن
sweep	swept	swept	جارو کردن - گردگیری کردن
swell	swelled	swollen - swelled	مُتورم شدن - باد کردن - بالا آمدن
swim	swam	swum	شنا کردن
swing	swung	swung	تاب دادن - تاب خوردن - چرخیدن
take	took	taken	گرفتن - بردن
teach	taught	taught	درس دادن
tear	tore	torn	پاره کردن

tell	told	told	گفتن
think	thought	thought	فکر کردن
thrive	throve	thrived	تَرَقّی دادن - کامیاب شدن
throw	threw	thrown	!،!،اختن
thrust	thrust	thrust	سوراخ کردن - فرو بردن
tread	trod	trodden	لگد کردن - له کردن
unbend	unbent	unbent	راست شدن - خودمانی شدن
underbid	underbid	underbid	کمتر قیمت دادن (در مناقصه)
undergo	underwent	undergone	تَحْمیل کردن - دستخوش تغییراتی شدن
understand	understood	understood	فهمیدن
undertake	undertook	undertaken	به عهده گرفتن
undo	undid	undone	باز کردن - رشته ها را پنبه کردن
unwind	unwound	unwound	باز کردن (نَخ) - استراحت کردن
uphold	upheld	upheld	حمایت کردن - تایید کردن
upset	upset	upset	واژگون کردن - منقلب شدن
wake	woke	woken	بیدار شدن
wear	wore	worn	پوشیدن
weave	wove	woven	بافتن
wed	wed	wed	ازدواج کردن
weep	wept	wept	گریه کردن
wet	wet	wet	خیس کردن
win	won	won	برنده شدن - بردن - پیروز شدن
wind	wound	wound	کوک کردن - پیچیدن - پیچاندن
withdraw	withdrew	withdrawn	عقب کشیدن - دریغ داشتن
withhold	withheld	withheld	ندادن - دریغ داشتن - امتناع کردن
withstand	withstood	withstood	تاب آوردن - مقاومت کردن در برابر
wring	wrung	wrung	فشردن - چلانیدن - به زور گرفتن
write	wrote	written	نوشتن

اصطلاحات انگلیسی

بخش
سوم

IDIOMS



★ A bolt from the blue	ا بُلْتُ فِرَامَ دِ بُولُو	★ مثل اَجَلٍ مُّعَلَّقٍ
★ A bungalow	ا بَانُكَّالُ	★ خانه ی ویلایی
★ A close friend	ا كَلْسُ فِرِنْدِ	★ به دوست صمیمی
★ A couple of years	ا كَابِلُ اَوْ يِرْزِ	★ دو سال
★ A flat	ا فَلَطُ	★ به آپارتمان
★ A hectic life	ا هَكِّيكَ لَآيْفُ	★ به زندگی پُر مشغله
★ A holiday cottage	ا هَالِيدِي كَاتِيحُ	★ ویلای اجاره ای
★ A light sleeper	ا لَآيْتُ سَلِيْرُ	★ آدم سبک خواب
★ A money making job	ا مَانِي مِيكِنِيكُ جَابُ	★ به شغل پول ساز
★ A slip of the ear	ا سَلْبُ اَوْ دِ اَيِرُ	★ اشتباه شنیداری
★ A slip of the pen	ا سَلْبُ اَوْ دِ پِنُ	★ اشتباه چاپی
★ A slip of the tongue	ا سَلْبُ اَوْ دِ تَاَنِكُ	★ اشتباه لُهی
★ A ten dollar book	ا تِنِ دَالَرُ بُوکُ (بُکُ)	★ یک کتاب ده دلاری
★ A two hundred dollar passport	ا تُو هَانْدَرْدِ دَالَرُ پَسْپَرْتِ	★ یک پاسپورت دویست دلاری
★ A very hectic day	ا وِرِي هِكْ تِيكُ دِي	★ به روز پُر مشغله
★ A well-paid job	ا وِل-پِيْدِ جَابُ	★ به شغل پُر درآمد
★ Act your age	ا كَتُّ يِرْ اَيِيحُ	★ خجالت داره، تو بزرگ شدی
★ After all	ا فْتِرُ اَلُ	★ عاقبت - سرانجام
★ After having lunch	ا فْتِرُ هَوْنِيكُ لَانِيحُ	★ بعد از صرفِ ناهار
★ After quarreling with his wife	ا فْتِرُ كُوَارَلِيْنِيكُ وِيْتِ هِيْزِ وَايْفُ	★ بعد از دعوا با همسرش
★ After ten years of marriage	ا فْتِرُ تِنِ يِرْزِ اَوْ مَرِيحُ	★ بعد از ده سال ازدواج
★ after this interview	ا فْتِرُ دِيْسِ اِيْنْتِرُوِيُو	★ بعد از این مُصاحبه
★ All and all put together	اَلُ اَنْدِ اَلُ پُوْتِ تُوْگِدِرِ	★ روی هم رفته
★ All night	اَلُ نَايْتُ	★ تمام شب
★ All of a sudden	اَلُ اَوْ اِ سَادِنُ	★ ناگهان
★ All right	اَلُ رَايْتُ	★ بسیار خوب - باشد
★ All together	اَلُ تُوْگِدِرِ	★ همه با هم
★ Almost always	اَلْمُسْتُ اَلْوِيْزُ	★ تقریباً همیشه



- * Am I making myself understood or not? آیا می توانم منظورم را به شما برسانم یا نه؟
- آم آی مِیکینگ مای سلف آندرستود آر نات؟
- * Am I right? درست می‌گم؟
- آم آی رایت؟
- * Am I wrong? اشتباه می‌کنم؟
- آم آی رانگ؟
- * An eye for an eye چشم در برابر چشم
- آن آی فُر آنْ آنْ آی
- * Anybody else? آیا شخص دیگری هست؟
- انی بادی اِلْس؟
- * Anything else? آیا چیز دیگری هست؟
- انی ِثینگ اِلْس؟
- * Anything to drink? آیا چیزی برای نوشیدن هست؟ (شخص سؤال می‌کند)
- انی ِثینگ تو دیرینک؟
- * Anything to drink? چیزی می‌نوشی؟ (به شخصی تعارف می‌کنیم)
- انی ِثینگ تو دیرینک؟
- * Are you all right? آیا حالت خوب است؟
- آر یو آل رایت؟
- * Are you angry with me? آیا از دستم عصبانی هستی؟
- آر یو آنگیری ویت می؟
- * Are you bashful? آیا خجالت می‌کشی؟
- آر یو بشفول؟
- * Are you busy these days? آیا این روزها گرفتار هستی؟
- آر یو بیزی دیز دیز؟
- * Are you crazy? مگه دیوانه هستی؟
- آر یو کریزی؟
- * Are you driving today? امروز ماشین داری؟
- آر یو درایوینگ تودی؟
- * Are you feeling okay? حالت خوب است؟
- آر یو فیلینگ اکی؟
- * Are you fond of poetry? آیا به شعر و شاعری علاقه داری؟
- آر یو فاند او پ اتری؟
- * Are you free today? آیا امروز کاری نداری؟
- آر یو فیری تودی؟
- * Are you out of mind? مگه عقلت را از دست دادی؟
- آر یو آوت او مائند؟
- * Are you ready? آیا آماده‌ای؟
- آر یو ردی؟
- * Are you shy? آیا خجالت می‌کشی؟
- آر یو شای؟
- * Are you sure? مطمئنی؟
- آر یو شر؟
- * Are you tied up nowadays? آیا این روزها خیلی گرفتاری؟
- آر یو تاید آپ ناوادیز؟
- * Are you tired? آیا خسته‌ای؟
- آر یو تایرد؟
- * Are you usually on time? آیا شما معمولاً به موقع می‌رسید؟
- آر یو یوزوالی آن تایم؟
- * As a manager به عنوان یک مدیر
- آز اِ منجر

- | | | |
|--|---|--|
| * As a matter of fact | أَزِ اِمْتَرِ أَو فَكْتُ | * در حقیقت |
| * As a tourist | أَزِ اِ تَوْرِيسْتُ | * به عنوان یک توریست |
| * As far as I know | أَزِ فَاَرِ اَزِ اَيُّ نُ | * تا آنجا که من می دانم |
| * As I told you | أَزِ اَيُّ تَلْدِ يُو | * همان طور که بهت گفتم |
| * As usual | أَزِ يُوْزُوْءِلُ | * طبق معمول |
| * As you know | أَزِ يُو نُ | * همان طور که می دانی |
| * As you please | أَزِ يُو بِيْلِيْزُ | * هر طور راحت تری |
| * At any cost | أَتِ اِنِيْ كَاَسْتُ | * به هر قیمتی که شده |
| * At first appearance | أَتِ فَرِسْتُ اَبِيْرِنْسُ | * در نگاه اول |
| * At last her dad went along with that | | * بالاخره پدرش راضی شد |
| | أَتِ لَسْتُ هِرْ دَدِ وُنْتِ اِلْاَنِكْ وِيْتِ دَتِ | |
| * At the age of nine | أَتِ دِ اَبِيْجِ أَو نَايْنُ | * در سن نه سالگی |
| * At the moment | أَتِ دِ مُمِنْتُ | * در حال حاضر - اکنون - حالا |
| * Away with you | اَوِيْ وِيْتِ يُو | * بزن به چاک - برو بی کارت |
| * Be careful | بِيْ كِرْفُوْلُ | * مراقب باش - مواظب باش |
| * Be comfortable | بِيْ كَامْفُوْتِيْلُ | * راحت باش (باشید) - آسوده باش |
| * Be cool | بِيْ كُوْلُ | * خونسرد باش |
| * Be patient | بِيْ بِيْ شِنْتُ | * صبور باش |
| * Be polite | بِيْ پَلَايْتُ | * مؤدب باش |
| * Be quiet | بِيْ كُوَايْتُ | * ساکت باش |
| * Be short in your remarks | بِيْ شُرْتُ اَيْنُ يُرْ رِيْمَاْرِكْسُ | * مختصر، توضیح بدهید |
| * Be silent | بِيْ سَايْلِنْتُ | * ساکت باش |
| * Be useful | بِيْ يُوْزُوْفُوْلُ | * مفید باش |
| * Become free of danger | بِيْ كَامْ فِرِيْ أَو دِيْنَجِرُ | * آب، از آسیاب افتادن |
| * Believe it or not | بِيْلِيُو اِيْتِ اُرْ نَاتُ | * چه باور کنی چه نکنی |
| * Better if we meet in the park | | * اگر در پارک یکدیگر را ببینیم، بهتر است |
| | بِيْتَرِ اِيْفِ وِيْ مِيْتِ اَيْنِ دِ پَارِكُ | |
| * Better late than never | بِيْتَرِ لِيْتُ دَنْ نُوْرُ | * بهتر است که دیر بشه تا اصلاً نشه |



- * Better to cut it بهتر است (مشاجرہ را) تمومش کنیم
- * Big boys don't cry مرد (پسر بزرگ) که گریه نمی کنه
- * Bite your tongue زبانت را گاز بگیر
- * Both of you هر دو تا تون - هر دو ی شما
- * Break up پراکنده شوید
- * Business is business حساب حساب، کاکا برادر
- * But that aside ولی از آن گذشته
- * But, then again you are not too far اما از طرفی هم، زیاد بی ربط نمی گوید
- بات، دن، اگین، یو، آر، نات، تو، فار
- * Butter is made from milk (میلک) کره از شیر ساخته می شود
- * Button your lip دیگه حرف نزن
- * By air هوایی - از طریق هوا
- * By any chance بر حسب اتفاق
- * By chance شانس - اتفاقی
- * By heart از روی علاقه - قلباً
- * By land زمینی
- * By mistake اشتهاً
- * By no means ابداً - به هیچ وجه - به هیچ طریق (وسیله)
- * By sea دریایی - از طریق دریا
- * By the grace of God به لطف خدا
- * By the way راستی
- * Call me back به من زنگ بزن
- * Call off لغو کردن - کنسل کردن
- * Can I count on you? می تونم روت حساب کنم؟
- * Can I give you a lift? می تونم برسونمت؟ (با ماشین)
- * Can I give you a ride? می تونم برسونمت؟ (با موتور یا دوچرخه)
- کن، آی، گبو، یو، ا، ریفت؟
- * Can I leave a message? می تونم پیغام بگذارم؟
- کن، آی، لیو، ا، مسج؟

- * می تونم بهت اتکا کنم؟ کَنْ آی رِیَلایِ آن یو؟
- * می تونم آن ماشین را اجاره کنم؟ کَنْ آی رِنْت دَت کَار؟
- * می تونم پیغامتان را بگیرم؟ کَنْ آی تِیکِ اِ مِسیج؟
- * میشه منو پیاده کنی؟ کَنْ یو دِرآپِ می آف؟
- * میتونی آن را، یک راز نگهداری؟ کَنْ یو کیپِ ایتِ اِ سِیگَرِت؟
- * میشه منو پیاده کنی؟ کَنْ یو لِتِ می آف؟
- * به همین منوال ادامه دهید کَری ایتِ رَایتِ ثورو
- * بعداً می بینمت - تا بعد کِچ یو لِی نَر
- * مطمئناً سِرِنزِ لی
- * او را تشویق کنید چِرِ هِرِ آن
- * خوشحال باش - سخت نگیر چِرِ آپ
- * برای او دست بزنید کَلِبْ فُرِ هِرِ
- * لطفاً منطقه را خلوت کنید کِیلِیزِ آپِ دِ اِریِ یَا پِیلِیزِ
- * گوش هایت را بگیر کَلَاگْ یُرِ اِیرِزِ
- * بخت را بلند نمی بینم. شانس با من یار نیست کَافِی دَاژنْتِ اِگیرِیِ وِیتِ می
- * بیا کنارم کَامِ بیِ سَایدِ می
- * بیا اینجا کَامِ هِیرِ
- * خواهش می کنم، بفرماید داخل کَامِ اِینِ، پِیلِیزِ
- * بیا نزدیک کَامِ نِیرِ
- * ادامه بده - بجنب - شوخی نکن کَامِ آن
- * تَموشِ کُن کَامِ آنِ اِینِ
- * بریم سرِ اصلِ مطلب کَامِ توِ دِ پِینْتِ
- * هرچی میشه، بشه کَامِ وَاَتِ می
- * به شما تبریک می گویم کَاَنِ گِرِجولِیِ شِنِ توِ یو
- * منو می بخشی؟ کُودِ آیِ بیِ اِکْسِکیوزدِ؟
- * می تونم به چیزی بهت بگم؟ می تونم باهات صحبت کنم؟ کُودِ آیِ هُوِ اِ وُردِ وِیتِ یو؟

- ★ Do you expect me to believe that? از من انتظار داری که آن را باور کنم؟
 دو یو اِکْسِ پَکْتِ می تو بیلِیو دَتْ؟
- ★ Do you forgive me? آیا منو می بخشی؟
 دو یو فُرْگِیو می؟
- ★ Do you have a big family? آیا تعداد افراد خانواده ی شما زیاد هستند؟
 دو یو هَوَّ اِ بَیْگْ قَمِلی؟
- ★ Do you have a go with me? می خواهی دعوا کنی؟
 دو یو هَوَّ اِ گْ وِیْتْ می؟
- ★ Do you have any plans for this summer vacation?
 دو یو هَوَّ اِنِی پِلَنزْ فُرْ دِیسْ سَامِرْ وِکِی شِنْ؟
 آیا برای تعطیلات این تابستان هیچ برنامه ای داری؟
- ★ Do you hear me? آیا صدای مرا می شنوی؟
 دو یو هِیِرْ می؟
- ★ Do you know me? آیا منو می شناسی؟
 دو یو نُو می؟
- ★ Do you know what I am saying? می فهمی چی دارم میگم؟
 دو یو نُو وَاْتْ آئی اَمْ سِی اِنْگْ؟
- ★ Do you know what I mean? آیا منظورم را متوجه میشی؟
 دو یو نُو وَاْتْ آئی مِیْنْ؟
- ★ Do you live alone? آیا تنها زندگی می کنی؟
 دو یو لَوُ (لِیو) اَلْنْ؟
- ★ Do you need help? آیا به کمک نیاز داری؟
 دو یو نِیدْ هِلْپْ؟
- ★ Do you see what he means? آیا مقصود او را می فهمی؟
 دو یو سی وَاْتْ هِی مِیْنْ؟
- ★ Do you sell your car? آیا ماشینت را می فروشی؟
 دو یو سِلْ یُرْ کَاَرْ؟
- ★ Do you speak English with your friends? آیا با دوستانت انگلیسی صحبت می کنی؟
 دو یو سِپِکْ اِنْگِلیشْ وِیْتْ یُرْ فَرِنْدِزْ؟
- ★ Do your best نهایت سَعِیت را بَکُنْ
 دو یُرْ بَیْسْتْ
- ★ Does she like swimming? آیا او شناکردن را دوست دارد؟
 دَاَزْ شِی لَایْکْ سِوَاِیْمِیْنْگْ؟
- ★ Does she usually eat breakfast? آیا او معمولاً صبحانه می خورد؟
 دَاَزْ شِی یُوژوَالِی اِیْتْ بَرِکْفِیْسْتْ؟
- ★ Does this read? آیا مفهوم است؟ (آیا پیام واضح است؟)
 دَاَزْ دِیسْ رِیدْ؟
- ★ Don't be jealous on me به من حَسَدات نکن
 دَنْتْ بِی جِلسْ اَنْ می
- ★ Don't borrow trouble دنبال دَرْدِ سَر، نرو
 دَنْتْ بَاَرْ تِرَابِلْ
- ★ Don't let the opportunity slip فُرْصَت را از دست ندهید
 دَنْتْ لِتْ دِ اَپُرْچُوِنِی سِلِپْ



★ Don't put yourself out for us به خاطر ما خودت را به زحمت نینداز

دَنْتُ پَوْتُ یُرْسِلُفُ آوْتُ فُرْ آسُ

★ Don't squeeze my hand این قدر دَستَم را فشار نده

دَنْتُ سَکَوای ز مایِ هِنْدُ

★ Don't wait up for me tonight. I may be very late

دَنْتُ وِیْتُ آپُ فُرْ می تونایت. آی می بی وری لیت

★ امشب، منتظرم نباش. ممکن است خیلی دیر بیایم

★ Don't waste your money پولت را هدر نده

دَنْتُ وِیْسْتُ یُرْ مانی

★ Don't abandon hope نا امید نشو

دَنْتُ اِبَانْدُنْ هُبْ

★ Don't backbite, please لطفاً غیبت نکن

دَنْتُ بَکْ بَایْتُ، پیلیز

★ Don't be afraid ترس

دَنْتُ بی اَفْرِید

★ Don't be angry عصبانی نباش

دَنْتُ بی اَنگِری

★ Don't be funny خودت را لوس نکن - مسخره نشو

دَنْتُ بی فانی

★ Don't be late دیر نکن - دیر نیا

دَنْتُ بی لیت

★ Don't be shy خجالت نکش - تعارف نکن

دَنْتُ بی شای

★ Don't be silly احمق نباش

دَنْتُ بی سیلی

★ Don't be so rude این قدر گستاخ نباش

دَنْتُ بی سُ رُود

★ Don't be so stupid این قدر احمق نباش

دَنْتُ بی سُ سَنیوید

★ Don't be too choosy خیلی زیاد وسواسی نباش

دَنْتُ بی تو چوزی

★ Don't blame me منو سرزنش نکن

دَنْتُ بِلیم می

★ Don't bother me منو اذیت نکن

دَنْتُ بآذِر می

★ Don't bother me, please لطفاً منو اذیت نکن

دَنْتُ بآذِر می، پیلیز

★ Don't bother to knock, just go right in احتیاجی به در زدن نیست، مستقیم برو داخل

دَنْتُ بآذِر تو ناک، جَاسْتُ گُ رَایتِ این

★ Don't bother with the dishes, I'll take care of them

دَنْتُ بآذِر ویت دِ دیشیز، آیلُ تیکِ کَرِ آو دِم

★ به ظرف ها کاری نداشته باش، من ترتیب آن ها را می دهم

★ Don't bother yourself خودت را (اذیت نکن) به زحمت نینداز

دَنْتُ بآذِر یُرْسِلُفُ

★ Don't break my heart قلبم را نشکن

دَنْتُ بَرِیکُ مایِ هَارْتُ

- * Don't die on me دَنْتُ دَأَىٰ أَن مِی مَنُو نَكَارِی - مَنُو سَرِ كَارِ نِگْذَارِی
- * Don't do that دَنْتُ دُو دَنْتُ آن كَارِ رَا نِكَنْ
- * Don't drag me into this دَنْتُ دِرِگْ مِی اِیْنُ تُو دِیْسُ پَایِ مَنِ رَا وَسَطِ نِكَشِ
- * Don't fall for him دَنْتُ فَالٌ قُرْ هِیْمُ گُولِ حَرْفِ هَايِشِ رَا نِخُورِ
- * Don't forget me دَنْتُ فُرِگْتِ مِی مَرَا فَرَامُوشِ نِكَنْ
- * Don't get angry دَنْتُ گِئْتِ اَنْگِیْرِی عِصْبَانِی نَشُو
- * Don't get mouthy with him دَنْتُ گِئْتِ مَأُوئِی وَیْتُ هِیْمُ بَا اَوْ دَهْنِ بَه دَهْنِ، نَشُو - بَا اَوْ كَلِّ كَلِّ نِكَنْ
- * Don't get mouthy with me دَنْتُ گِئْتِ مَأُوئِی وَیْتُ مِی بَا مَنِ دَهْنِ بَه دَهْنِ نَشُو - بَا مَنِ كَلِّ كَلِّ نِكَنْ
- * Don't get picky with me دَنْتُ گِئْتِ پِیْكِی وَیْتُ مِی بَه مَنِ گِیْرِ، نَدَه . سَرِ بَه سَرِ مَنِ نِگْذَارِی
- * Don't get proud of yourself دَنْتُ گِئْتِ پَرَاوُدِ اَوْ یُرْسِلْفُ بَه خُودِ مَغْرُورِ نَشُو
- * Don't give up دَنْتُ گِیُو اَبُ تَسْلِیْمِ نَشُو
- * Don't hurry دَنْتُ هَرِی عِجْلَه نِكَنْ
- * Don't interfere in my business دَنْتُ اِیْنْتَرِفِرُ اِیْنِ مَأِی بِیْزِیْسُ دَرِ كَارِ مَنِ دِخَالْتِ نِكَنْ
- * Don't keep your hopes too high دَنْتُ كِیْبُ یُرْ هِیْسُ تُو هَایِ زِیَادِی اَمِیْدِوَارِ نَبَاشِ
- * Don't laugh at me دَنْتُ لَفْ اَتُ مِی بَه مَنِ نَخَنْدِ - مَنُو مَسْخَرَه نِكَنْ
- * Don't let your life go to waste دَنْتُ لِئْتُ یُرْ لَأِیْفُ گُ تُو وَیْسْتُ نِگْذَارِ زَنْدِگِیْتِ ، فَنَّا شُودِ
- * Don't look at me like this دَنْتُ لُوكُ اَتُ مِی لَأِیْكُ دِیْسُ اِیْنِ جُورِیِ بَه مَنِ نِگَهِ نِكَنْ
- * Don't loose your hair دَنْتُ لُوزُ یُرْ هِرُ دَسْتِ وَ پَایْتِ رَا گِّمِ نِكَنْ
- * Don't loose your head دَنْتُ لُوزُ یُرْ هِدُ عَقْلْتِ رَا اَزِ دَسْتِ نَدَه
- * Don't loose your temper دَنْتُ لُوزُ یُرْ تَعِیْرُ عِصْبَانِی نَشُو - كُنْتَرَلْتِ رَا اَزِ دَسْتِ نَدَه
- * Don't make a fuss over it دَنْتُ مِیْكُ اِ فَاْسُ اُورِ اِیْتُ وَسَاسِ بَه خُورِجِ نَدَه
- * Don't make an idiot out of yourself دَنْتُ مِیْكُ اَنُ اِیْدِیْتِ اَوْتُ اَوْ یُرْسِلْفُ خُودِ تِ رَا ضَايِعِ نِكَنْ
- * Don't make it sound like a big deal دَنْتُ مِیْكُ اِیْتِ سَاوْنُدُ لَأِیْكُ اِ یِیْگُ دِیْلُ زِیَادِ قَضِیَه رَا بِزَرْگِ نِكَنْ



- ★ Don't make me say it again ★ مجبورم نکن، آن را یک بار دیگه بگم
♦ دَنْتْ مِيكَ مِي سِي اَيْتْ اِگَيْنْ
- ★ Don't make me laugh ★ مَنو نخندون - خنده ام را در نياور
♦ دَنْتْ مِيكَ مِي لَفْ
- ★ Don't meddle ★ دخالت نکن
♦ دَنْتْ مِدِلْ
- ★ Don't mention it ★ قابلی ندارد-حرفش را هم نزن-خواهش می کنم
♦ دَنْتْ مِشْنْ اَيْتْ
- ★ Don't molest me ★ مرا اذیت نکن
♦ دَنْتْ مِلَسْتْ مِي
- ★ Don't move ★ تکان نخور - حرکت نکن
♦ دَنْتْ مَوُوْ
- ★ Don't panic me ★ هَلْمْ نکن
♦ دَنْتْ پَنِكَ مِي
- ★ Don't push me ★ مَنو مجبور نکن
♦ دَنْتْ پُوشْ مِي
- ★ Don't push yourself ★ خودت را اذیت نکن
♦ دَنْتْ پُوشْ يِرْسِلْفْ
- ★ Don't put yourself in trouble ★ خودت را به زحمت نینداز
♦ دَنْتْ پُوتْ يِرْسِلْفْ اَيْنْ تِرَابِلْ
- ★ Don't put yourself through hell ★ به خودت فشار نیاور
♦ دَنْتْ پُوتْ يِرْسِلْفْ ثُورُو هِلْ
- ★ Don't rush ★ عجله نکن
♦ دَنْتْ رَاشْ
- ★ Don't rush me ★ هَلْمْ نکن
♦ دَنْتْ رَاشْ مِي
- ★ Don't say anything ★ هیچی نگو - جیکت در نیاد
♦ دَنْتْ سِي اِنِي ثِينْگْ
- ★ Don't say it ★ این حرف را نزن
♦ دَنْتْ سِي اَيْتْ
- ★ Don't shy ★ خجالت نکش - تعارف نکن
♦ دَنْتْ شَايْ
- ★ Don't sit late at night ★ شب، تا دیر وقت نشین (بیدار نمون)
♦ دَنْتْ سِبْتْ لَيْتْ اَتْ نَايْتْ
- ★ Don't speak too soon ★ خیلی زود، قضاوت نکن
♦ دَنْتْ سِپِيْکْ تُو سُونْ
- ★ Don't spoil her ★ او را لوس نکن
♦ دَنْتْ سِپِيلْ هِرْ
- ★ Don't take it the wrong way ★ اشتباه برداشت نکن
♦ دَنْتْ تِيْکْ اَيْتْ دِ رَانْگْ وِي
- ★ Don't tell a lie ★ دروغ نگو
♦ دَنْتْ تِلْ اِ لَآيْ
- ★ Don't think of the past ★ به فکر گذشته نباش - گذشته ها گذشته
♦ دَنْتْ ثِينْکْ آو دِ پَسْتْ
- ★ Don't touch it ★ به آن دست نزن
♦ دَنْتْ تَآجْ اَيْتْ
- ★ Don't trouble yourself ★ خودت را به زحمت ننداز
♦ دَنْتْ تِرَابِلْ يِرْسِلْفْ
- ★ Don't trust him ★ به او اعتماد نکن
♦ دَنْتْ تِرَآسْتْ هِيْمْ
- ★ Don't walk out on me ★ مَنو نْكَارِي - مَنو سَرْ کار نگذاری
♦ دَنْتْ وَاكْ آوْتْ اَنْ مِي
- ★ Don't waste the time ★ وقت را هدر نده
♦ دَنْتْ وِيسْتْ دِ تَايْمْ

- * Don't work too hard دَنْتُ وُرْكُ تُو هَارِد * این قدر سخت کار نکن
- * Don't worry my dear دَنْتُ وُورِ مَائِ دِیِرُ * عزیزم نگران نباش
- * Don't you know me? دَنْتُ یُو نُّ مِی؟ * آیا منو نمی شناسی؟
- * Don't you know? دَنْتُ یُو نُّ؟ * آیا تو نمی دانی؟ - آیا تو نمی شناسی؟
- * Don't you see? دَنْتُ یُو سِی؟ * نمی بینی؟ - مگه نمی بینی؟
- * Don't you trust me? دَنْتُ یُو تِرَاسْتُ مِی؟ * آیا به من اعتماد نداری؟
- * Duck your head دَاكُّ یُرُ هِد * سَرَت را بَدْرُد - سَرَت را بگِیر پائین
- * Duty calls دِیوتِی کَالَزُّ * وظیفه ایجاب می کند
- * Eager to see you اِیگِرُ تُو سِی یُو * مُشْتاق دیدار
- * Eat your heart out اِیْتُ یُرُ هَارَتُ آوَتُ * دِلت بسوزه
- * Either this or that اِیْدِرُ دِیْسُ اُرُ دَتُّ * یا این یا آن
- * very funny! وِری فَاَنی! * اِیخِ کُنی! خِیلی لوس هستی! خِیلی خنده داره
- * Every now and then اِوِری نَاوُ اَنَدُ دِنُ * گاه گاهی
- * Every other day اِوِری آدِرُ دِی * یک روز در میان
- * Every other week اِوِری آدِرُ وِیكُ * یک هفته در میان
- * Everybody knows that اِوِری بَادِی تَزُّ دَتُّ * همه آن را می دانند
- * Everything is under control اِوِری تِیْنِگُ اِیْزُ اَنَدِرُ کِنْتِرُلُ * همه چیز تحت کُنْتِرل است
- * Everything will work out all right اِوِری تِیْنِگُ وِیْلُ وُرْكُ آوَتُ اَلْ رَاِیْتُ * همه چیز رو به راه و درست خواهد شد
- * Excuse my back اِکْسِکِیوْزُ مَائِ بَکُّ * ببخشید که پُشتم به شماسْت
- * Face to face فِیْسُ تُو فِیْسُ * رو در رو - مِقابِل
- * Feel free to do so فِیْلُ فِیْرِی تُو دُو سُ * تعارف نکن
- * Fifty-fifty فِیْفْتِی - فِیْفْتِی * پَنجاه - پَنجاه
- * First and foremost فِرِسْتُ اَنَدُ فِرِمُسْتُ * اوْکِین و مهمتَرین
- * First of all فِرِسْتُ آوُ اَلْ * اول از همه
- * Fling away فِیْلِیْنِگُ اِوِی * بَرَن به چاک - بَرُو پِی کَارت
- * Follow her فَاَلُ هِرُ * دِنبالش بَرُو
- * Follow me فَاَلُ مِی * دِنبالم بِیا



Learn English Rapidly

- * For all that قُرْ آلَ دَتْ * با همه ی این حرف ها
- * For appearance sake قُرْ اَبی یرِنسُ سِیْکْ * برای حفظ ظاهر
- * for fun قُرْ فَاَنْ * واسه خنده - برای تفریح
- * For God's sake قُرْ گَادزِ سِیْکْ * محض رضای خدا
- * For good قُرْ گود * برای همیشه
- * For nothing قُرْ نَائِنِکْ * به خاطر هیچی
- * For the time being قُرْ دِ تَائِمِ بِنِکْ * عجالتاً - فعلاً - در حال حاضر
- * For your information قُرْ یرِ اِنْفَرْمِیْشِنْ * محض اطلاع شما
- * For your sake only قُرْ یرِ سِیْکْ اَنلی * فقط به خاطر تو
- * Forever = for ever قُرْ اَوْر * برای همیشه
- * Forget about it قُرْگِتْ اِبَاوْتِ اِیْتْ * فراموشش کن
- * Forget it قُرْگِتْ اِیْتْ * فراموشش کن
- * Forgive me قُرْگِیو می * منو ببخش
- * Forgive me if I have used myself unmannerly قُرْگِیو می اِیْفْ آیْ هُو یوزد مَائِیْسِلْفْ اَنْمَرْلِی * من را ببخشید اگر که درست رفتار نکردم
- * Frankly speaking قُرْنِکْ لی سِپِکِنِکْ * راستش را بخواهی - صادقانه بگم
- * freeze قُرْ یَزِ * بی حرکت - تکان نخور - تکان نخورید
- * From now on قُرْ اَمْ نَاوْ اَنْ * از این به بعد
- * Get away from me قُرْگِتْ اَوِیْ قُرْ اَمْ می * از من دور شو - نزدیک من نیا - وِلْمْ کُنْ
- * Get comfortable قُرْگِتْ کَامْفُتُوْبِلْ * راحت باش - آسوده باش
- * Get comfy قُرْگِتْ کَامْفِی * راحت باش - آسوده باش
- * Get down قُرْگِتْ دَاوَنْ * پیاده شو
- * Get dressed قُرْگِتْ دَرَسْدْ * لباست را بپوش - آماده شو
- * Get lost قُرْگِتْ لَاسْتْ * گم شو - برو پی کارت
- * Get on قُرْگِتْ اَنْ * سوار شو
- * Get out قُرْگِتْ اَوْتْ * خارج شو - برو بیرون
- * Get out of here قُرْگِتْ اَوْتْ اَوْ هِیْرِ * از اینجا برو بیرون
- * Get out of my face قُرْگِتْ اَوْتْ اَوْ مَائِیْ فِیْسْ * از جلوی چشمم، دور شو

- ★ Get out of the car گَتِ آوَتِ آوِ دِ كَارِ از ماشين برو بيرون
- ★ Get serious with me گَتِ سِرِيَسِ وَبْتِ مِي با من، جدِّي باش
- ★ Get up گَتِ اَبِ بلند شو
- ★ Get your hands off me گَتِ يَزِ هِنْدَسِ اَفِ مِي دَسْتِ را بِنْداز - به من دَسْتِ نَزَن
- ★ Give a good word for me گِيوِ اِ گُوْدِ وُردِ فُرِ مِي سفارشِ من را بكن
- ★ Give her my regards گِيوِ هِرِ مَآيِ رِيگَارْدِزِ سلامِ مرا به او پِرسان
- ★ Give it another try گِيوِ اِيْتِ اَنِ اَدِرِ تِرَآيِ يَكِ دَفْعَه يِ دِيگَرِ هَمِ تَلَاشْتِ را بكن
- ★ Give it back to me گِيوِ اِيْتِ بَكِّ تُو مِي اَنِ را به من بَرگِرْدان - به من پَسِشِ بَدِه
- ★ Give me a call گِيوِ مِي اِ كَالِ به زَنگِي به من بزن
- ★ Give me a chance گِيوِ مِي اِ چَنَسِ به فُرَصْتِي (شانسِي) به من بده
- ★ Give me a hand گِيوِ مِي اِ هِنْدِ به من كَمَكِ كُن - كَمَكِ كُن
- ★ Give me a ring گِيوِ مِي اِ رِيَنگِ به زَنگِي به من بزن - با من تَماسِ بگير
- ★ Give me five گِيوِ مِي فَايُو بزن قَدِش - دَسْتِ بَدِه، بِيِنَم
- ★ Give my best to him گِيوِ مَآيِ بَسْتِ تُو هِيَمِ سلامِ مرا به او پِرسانيد
- ★ Glad to hear it گَلْدِ تُو هِيَرِ اِيْتِ از شَنِيدَن اَنِ خُوشحالِ شدم
- ★ Glad to meet you گَلْدِ تُو مِيْتِ يُو از مِلاقَاتِ با شِما خُوشحالِ شدم
- ★ Glad to see you گَلْدِ تُو سِي يُو از دِيدارِ شِما خُوشحالِ شدم
- ★ Glad to visit you گَلْدِ تُو وِزِيْتِ يُو از دِيدارِ شِما خُوشحالِ شدم
- ★ Go ahead گُ اِهْدِ ادامه بده
- ★ Go chase yourself گُ چِيَسِ يِرْسَلْفِ بَرُو پِي كَارْتِ - گُم شو
- ★ Go easy on that گُ اِزِي اَنِ دَتِ بِي خِيالِ - سَخْتِ نگير
- ★ Go straight ahead گُ سَتْرِيْتِ اِهْدِ مَسْتَقِيمِ به جَلُو بَرُويد
- ★ Go to the hell گُ تُو دِ هِلِ بَرُو به جَهَنَمِ
- ★ God bless him گَادِ بِلِسِ هِيَمِ خُداوندِ او را رَحْمَتِ كُنَد
- ★ God bless you گَادِ بِلِسِ يُو خُدا عُمَرْتِ بَدِه - عَافِيْتِ باشِي
- ★ God damn گَادِ دَمِ لَعْتِي
- ★ God damn you گَادِ دَمِ يُو خُدا لَعْنَتِ كُنَه
- ★ God spell گَادِ سِپِلِ به اَمَانِ خُدا



- * God willing گاد ویلینگ * هرچه که خدا بخواهد
- * Good bye گود بائی * خدا حافظ
- * Good enough گود اینآف * کافی است
- * Good for you گود فُر یو * خوش به حالت
- * Good heavens گود هوُنز * خدای من
- * Good job گود جَاب * آفرین - کارت خوب بود - آحسنت
- * Good luck گود لاک * موفق باشی
- * Good old days گود آلد دیز * یاد اون روزها بخیر
- * Good time گود تَائِم * اوقات خوش
- * Good to see you گود تو سی یو * خوب شد که دیدمت
- * Guess what! گس وَاَت! * حدس بزن که چی شده! راستی خبر داری!
- * Hands up هِنْدَسْ آپ * دست ها بالا
- * Happy birthday to you هِی بِرْث دِی تو یو * تولدت مبارک
- * Happy new year هِی نیو یِر * سال نو مبارک
- * Have a French leave هَو اِ فَرِنچ لیو * جیم شدن
- * Have a good time هَو اِ گود تَائِم * خوش بگذره - اوقات خوشی داشته باشی
- * Have a little bite with me هَو اِ لِیْتَلْ بَایْتْ وِیْتْ می * به لقمه با من بخور
- * Have a nice day هَو اِ نَایْسْ دِی * روز خوبی داشته باشی
- * Have a nice trip هَو اِ نَایْسْ تَرِپْ * سفر خوبی داشته باشی
- * Have a nice weekend هَو اِ نَایْسْ وِیکِنْد * تعطیلات پایان هفته، خوش بگذرد
- * Have a seat, please هَو اِ سِیْتْ، پِلیز * لطفاً بفرمایید بنشینید
- * Have you been there before? هَو یو بِن دِرِ بی فُر؟ * آیا قبلاً آنجا بودی؟
- * Have you ever eaten with her? هَو یو اَوِرِ اِیْتِنْ وِیْتْ هِر؟ * آیا تا حالا با او، غذا خورده ای؟
- * Have you ever found money in the street? هَو یو اَوِرِ فَاُنْدْ مَانی اِنِ دِ سْتِرِیْتْ؟ * آیا هرگز در خیابان، پول پیدا کرده ای؟
- * Have you ever met a famous person? هَو یو اَوِرِ مِتْ اِ فِیْمِسْ پِرْسِنْ؟ * آیا هرگز شخص معروفی را، ملاقات کرده ای؟

- * Have you ever won a prize? هُوَ یو اَوْر وُن اِ پَر اَیْزُ؟ آیا هرگز جایزه برده ای؟
- * Have you got a smoke? هُوَ یو گَاثُ اِ سَمُکُ؟ آیا سیگار داری؟
- * Have you had breakfast? هُوَ یو هَدِ پَر کُفَسْتُ؟ آیا صبحانه خورده ای؟
- * Haven't I seen you before? هَوْنْتُ اَیْ سَیْنُ یو بَیْفُرُ؟ آیا قبلاً شما را جایی ندیده ام؟
- * He bought this book at that shop او این کتاب را از آن مغازه خرید
- هَی بَاثُ دَیْسُ بُوکُ اَتُ دَتُ شَاپُ
- * He didn't turn a hair هَی دَیْدَنْتُ تَرْنُ اِ هَرُ خَم به اَبْرُو نیاورد
- * He doesn't relish advice هَی دَازَنْتُ رَیْشُ اَدْوَایْسُ او از نصیحت خوشش نمی آید
- * He ducked out of the responsibility او از زیر بار مسئولیت، شانه خالی کرد
- هَی دَاکُنْتُ اَوْتُ اَو دِ رِیْسَاَنْسِیْلِیْتِی
- * He faded هَی فَیْدِ رَنگش پَرِید
- * He flew off the handle هَی فَوْلُو اَفُ دِ هَنْدِلُ او از کوره در رفت - او به مرتبه جوش آورد
- * He gets above himself هَی گَنْسُ اِبَاوُ هِیْمُ سَلْفُ او آدم از خود راضی است
- * He gets on my nerves هَی گَنْسُ اَن مَآی نِرُوْزُ او اعصابم را خرد می کند
- * He has a bad memory هَی هَزُ اِ بَدِ مِعْرَی او حافظه ی بدی دارد
- * He has a lot of faces هَی هَزُ اِلَاَتُ اَو فِیْسُزُ او خیلی پُرو است
- * He has some good friends هَی هَزُ سَاْمُ گُوْدُ فَرِیَنْدُزُ او تعدادی دوست خوب دارد
- * He has some money هَی هَزُ سَاْمُ مَآنی او مقداری پول دارد
- * He is a button short هَی اِیْزُ اِ بَاثِنُ شُرْتُ عقلش پاره سنگ بر می دارد
- * He is a buzz killer هَی اِیْزُ اِ بَاْزُ کِیْلِرُ او آدم ضد حالی است
- * He is a clear thinker هَی اِیْزُ اِ کِیْلِیْزُ ثِیْنِکِرُ او آدم روشن فکری است
- * He is a conceited guy هَی اِیْزُ اِ کَنْسِیْتِیدُ گَآیُ او آدم خودخواهی است
- * He is a convict هَی اِیْزُ اِ کَاَنْ وِیْکُنْتُ او سابقه دار (مُجْرِم) است
- * He is a crook هَی اِیْزُ اِ کِرُکُ او آدمی، کُلاه بردار است
- * He is a dangerous man هَی اِیْزُ اِ دِیْنِجِرُسُ مَنُ او آدم خطرناکی است
- * He is a designing man هَی اِیْزُ اِ دِیْزَاِیْنِیْنِگُ مَنُ او آدم حیله گری است
- * He is a grind on the nerves هَی اِیْزُ اِ گَرَاِیْنِیدُ اَن دِ نِرُوْزُ مثل سوهان روح است



- * He is a man of his own word * او مردی است که به حرفش عمل می کند
هی ایز اِ مَنْ آو هیزْ اُنْ وُرد
- * He is a man of experience * او آدم با تجربه ای است * او آدم با تجربه ای است
هی ایز اِ مَنْ آو اِکسپیری اِنْسْ
- * He is a man of great honor * او مرد خیلی مُحترمی است * او مرد خیلی مُحترمی است
هی ایز اِ مَنْ آو گَرِیتْ اَنَرْ
- * He is a man of influence * او آدم با نفوذی است * او آدم با نفوذی است
هی ایز اِ مَنْ آو اِیْنْفِلَاِنْسْ
- * He is a man of means * او مرد ثروتمندی است * او مرد ثروتمندی است
هی ایز اِ مَنْ آو مینزْ
- * He is a man of sixty * او مردی شصت ساله است * او مردی شصت ساله است
هی ایز اِ مَنْ آو سیکستی
- * He is a man of wealth * او مردی ثروتمند است * او مردی ثروتمند است
هی ایز اِ مَنْ آو وِلْثْ
- * He is a marked man * او آدم تابلویی است * او آدم تابلویی است
هی ایز اِ مَارکِتْ مَنْ
- * He is a mommy's baby * او بچه ننه است * او بچه ننه است
هی ایز اِ مَآمیزْ بِنِی
- * He is a mooch * او آدم ولگردی است * او آدم ولگردی است
هی ایز اِ مِوچْ
- * He is a narrow minded guy * او آدم کوتاه فکری است * او آدم کوتاه فکری است
هی ایز اِ تَرُ مَآینِدْ گَآیْ
- * He is a posy guy * او آدم افاده ای است * او آدم افاده ای است
هی ایز اِ پُزی گَآیْ
- * He is a real bonehead * او خیلی احمق است - او کله پوک است * او خیلی احمق است - او کله پوک است
هی ایز اِ رِیلْ بَنِهِدْ
- * He is a risky man * او اهل ریسک است * او اهل ریسک است
هی ایز اِ رِیسکی مَنْ
- * He is a short sighted guy * او آدم کوتاه نظری است * او آدم کوتاه نظری است
هی ایز اِ شَرْتْ سَآیندْ گَآیْ
- * He is a sly one! * از این دُم بریده، هرچه بگویند، بر می آید! (او به آب زیر کاهی است که نگو!)
هی ایز اِ سَلَآیْ وَآنْ!
- * He is a solid guy * او آدم نیرومندی است * او آدم نیرومندی است
هی ایز اِ سَآلیدْ گَآیْ
- * He is a sticker * او آدم گیری است * او آدم گیری است
هی ایز اِ سْتِیکِرْ
- * He is a timid guy * او آدم ترسویی است * او آدم ترسویی است
هی ایز اِ تِیمیدْ گَآیْ
- * He is a tough guy * او آدم پُرتاقتی (سَرَسختی) است * او آدم پُرتاقتی (سَرَسختی) است
هی ایز اِ تَآفْ گَآیْ
- * He is a trouble maker * او دَرْدِ سَر ساز است * او دَرْدِ سَر ساز است
هی ایز اِ تَرِآبِلْ مِیکِرْ
- * He is a wet blanket * او آدم ضدحالی است * او آدم ضدحالی است
هی ایز اِ وَتْ بِلْتِکْتْ
- * He is after some mischief * باز دَرَصَدَدِ (شیطنت) موزیگری است * باز دَرَصَدَدِ (شیطنت) موزیگری است
هی ایز اِ آفْتَرْ سَآمِ مِیْشِجِیفْ
- * He is ahead of himself * او سَر از پا نمی شناسد * او سَر از پا نمی شناسد
هی ایز اِ هِدْ آو هِیمِ سَلْفْ
- * He is always quarrelling with his wife * او همیشه درحال دعوا کردن با همسرش است * او همیشه درحال دعوا کردن با همسرش است
هی ایز اِ آلوِیزْ کِوآرِلِینگْ وِیتْ هِیزْ وَآیْفْ

- ★ He is an old hand هی ایزْ اَنْ اَلْدْ هَنْدْ ★ او آمَد با تجربه ای است
- ★ He is an opportunist هی ایزْ اَنْ اَپْرُچُونِیْسْتْ ★ او آمَد فُرْصَتِ طَلْبِی است
- ★ He is easily huffed هی ایزْ ایزِیْلِی هَافْدْ ★ او زود، اوقاتِ تَلْخِی می کند
- ★ He is experienced about it هی ایزْ اِکْسِیْرِیَانِسْدْ اِبَاوْتْ اِیْتْ ★ او در این مورد، با تجربه است
- ★ He is faulty هی ایزْ قُلْتِی ★ او مُقْصِر است
- ★ He is idling around هی ایزْ ایدِلِیْنِکْ اَرَاوَنْدْ ★ او وِل می چرخه
- ★ He is lavish هی ایزْ لَوِیْشْ ★ او ولخرج است
- ★ He is lying هی ایزْ لَآی اِیْنِکْ ★ او دراز کشیده - او داره دروغ می‌گه
- ★ He is making a mischief هی ایزْ مِیْکِیْنِکْ اِ مِیْسْجِیْفْ ★ او داره دو به هم زنی (شُرارت) می کنه
- ★ He is not in هی ایزْ نَآتْ اِیْنْ ★ تو باغ نیست - حَواَسِشْ جَمْع نیست
- ★ He is on drugs هی ایزْ اَنْ دِرَاکْزْ ★ او موادِ مُخْدر استفاده کرده
- ★ He is on leave هی ایزْ اَنْ لِیوْ ★ او در مُرْخِصِی است
- ★ He is on you today هی ایزْ اَنْ یو تودِیْ ★ امروز رو تو، کلید کرده - امروز به تو، گیر داده
- ★ He is sitting هی ایزْ سِیْتِیْنِکْ ★ او نشسته
- ★ He is sleeping هی ایزْ سَلِیْپِیْنِکْ ★ او خوابیده
- ★ He is standing هی ایزْ سَنْدِیْنِکْ ★ او ایستاده
- ★ He is tight-fisted هی ایزْ تَآیْتْ - فِیْسْتْ ★ آب از دستش نمی چکد
- ★ He is too far off هی ایزْ تو فَاَر آفْ ★ خیلی از مسئله پَرْت است
- ★ He is under suspicion هی ایزْ اَنْدِرْ سَآسِیْشِیْنْ ★ او موردِ سَوءِ ظَنْ است
- ★ He is very brainy هی ایزْ وِری بَرِیْنِی ★ او خیلی باهوش است
- ★ He is very intelligent شی ایزْ وِری اِیْنْتِلِجِیْنْتْ ★ او خیلی باهوش است
- ★ He is washed out for the time being هی ایزْ وَاَشْتْ آوْتْ فُرْ دِ تَآیْمْ بِیْنِکْ ★ او درحال حاضر، خَسْتِه و کوفته است
- ★ He is wearing a black shirt هی ایزْ وِریْنِکْ اِ بِلِکْ شِرْتْ ★ او لباس سیاه پوشیده
- ★ He leaped down from a wall هی لِیْپْتْ دَاوَنْ فَرَاْمْ اِ وَاَلْ ★ از بالای دیوار به پایین پَرید
- ★ He leaped over the fence هی لِیْپْتْ اُورْ دِ فِیْنْسْ ★ او از روی نَرْدِه، پَرید
- ★ He let the cat out of the bag هی لِتْ دِ کَتْ آوْتْ آو دِ بَکْ ★ (آن خبیر) از دَهْنِش در رفت



- ★ He misused his talents هی میسوزد هیز تلتس * او از استعدادهایش در راه بد استفاده کرد
- ★ He pounced into the room هی پآونسد این تو د روم * او ناگهان به درون اتاق پرید
- ★ He ran with his life هی رن ویت هیز لآیف * او جان سالم، به در بُرد
- ★ He refuses to give back my money (پولم را پس نمی دهد) هی ریفیوزز تو گیو بک مای مانی * او از پس دادن پولم، امتناء می کند.
- ★ He regrets what he has done هی ریگرٹس و آت هی هز دآن * از آنچه که انجام داده، پشیمان است
- ★ He slid out of the room هی سلائیڈ آوت آو د روم * او از اتاق، جیم شد
- ★ He sold his passport هی سلد هیز پسرٹ * او پاسپورتش را فروخت
- ★ He spares himself هی سپرز هیم سلف * او با احتیاط، رفتار می کند
- ★ He took a leave of absence هی توک ا لیو آو آبسنس * او مرخصی بدون حقوق گرفت
- ★ He took my passport away from me هی توک مای پسرٹ اوی فرآم می * او پاسپورت مرا گرفت و بُرد
- ★ He took my visa هی توک مای ویزا * او ویزای من را گرفت
- ★ He used to smoke هی یوس تو سَمک * او سابقاً سیگار می کشید
- ★ He was no-good at anything هی و آز ن-گود آت اینینگ * به درد هیچ کاری نمی خورد
- ★ He was run over by that car هی و آز رآن اُور بآی دت کار * او زیر آن ماشین رفت (تصادف کرد)
- ★ He went back on his word هی وِنت بک آن هیز وُرد * او زیر حرفش زد
- ★ He went back on the deal هی وِنت بک آن د دیل * او دبه در آورد
- ★ Help yourself هِلپ یُرسلف * از خودت پذیرایی کن
- ★ Her face was lined هِر فیس و آز لآیند * صورتش پر از چین و چروک بود
- ★ Here and there هیر آند در * گاه گاهی - اینجا و آنجا
- ★ Here lies the point هیر لآیز د پینت * اصل نکته در اینجا است
- ★ Here you are هیر یو آر * بفرمایید بگیری
- ★ His attention isn't fixed هیز آتشن ایزنت فیگسد * حواسش جمع نیست
- ★ His car is out of order هیز کار ایز آوت آو اُردر * ماشینش خراب است
- ★ His prayer was answered هیز پریر و آز آنسرِد * دعایش مستجاب شد

- * His prayer was heard هیز پَریرِ و آَز هِرِد دُعایش مُستجاب شد
- * Hold me responsible for that هُلد می رِیسپاَنسیبل فَر دَت من مسئولیتش را قبول می کنم
- * Hold the line, please هُلد دِ لاین، پیلیز لطفاً گوشی خدمتان باشد
- * Honest to goodness آنسْت تو گودنس به خدا قسم
- * Hope revived in her هُپ ریوآیوَد این هِر امید، در او زنده شد
- * Hope to see you again هُپ تو سی یو اِگین (اِگن) امیدوارم که دوباره شما را ببینم
- * How about going out for dinner? چطور است که برای صَرَف شام، بیرون برویم؟
- هاوُ اِباوْت گْ اِینگْ اوتُ فَر دینر؟
- * How about you? هاوُ اِباوْت یو؟ شما چطور؟
- * How are things with you? هاوُ آر تُینگز ویت یو؟ اوضاع و احوال با شما چطور است؟
- * How are you doing? هاوُ آر یو دواینگ؟ حالت چطوره؟ اوضاع چطوره؟
- * How are you? هاوُ آر یو؟ حالت چطوره؟
- * How can I help you? هاوُ کن آی هِلپ یو؟ چطور می تونم کمکت کنم؟
- * How come! هاوُ کام! چه جوری اتفاق افتاد؟
- * How dare you! هاوُ در یو! چطور جرأت می کنی!
- * How did you do that? هاوُ دید یو دو دت؟ چطوری آن کار را انجام دادی؟
- * How do you do? هاوُ دو دو یو دو؟ احوال جناب عالی - سلام - از دیدارتان خوشحالم
- * How do you feel? هاوُ دو یو فیل؟ چه احساسی داری؟
- * How do you get to school? هاوُ دو یو گت تو سکول چطوری به مدرسه می روی؟
- * How do you know? هاوُ دو یو ن؟ از کجا می دانی؟
- * How do you like it? هاوُ دو یو لایک ایت؟ دوست داری آن چطوری باشد؟
- * How do you make your bread and butter? چطوری اِمرارِ معاش می کنی؟
- هاوُ دو یو مِیک یُر بَرِد اَنَد باتر؟
- * How do you put up with her? هاوُ دو یو پوت آپ ویت هِر؟ با او چگونه کنار می آیی؟ (چطوری او را تحمل می کنی؟)
- * How is he? هاوُ ایز هِی؟ حال او چطوره؟
- * How is it going? هاوُ ایز ایت گْ اینگ؟ اوضاع چطوره؟
- * How is your feeling? هاوُ ایز یُر فیلینگ؟ حالت چطور است؟



- * How late are you open? (باز هستید) کار می کنید؟ هاؤ لیت آر یو اُپن؟
- * How late can you call me? تا کی می توانی به من زنگ بزنی؟ هاؤ لیت کن یو کال می؟
- * How long are you staying? چه مدت اقامت خواهید کرد؟ هاؤ لائنگ آر یو ستی اینگ؟
- * How long have you been married? چه مدت است که ازدواج کرده ای؟ هاؤ لائنگ هو یو بین مرید؟
- * How many times do I have to tell you? چند بار باید بگویم؟ آخه چند بار باید به شما بگویم؟ هاؤ منی تائمز دو آی هف تو تل یو؟
- * How may I help you? چگونه می توانم کمکت کنم؟ هاؤ می آی هلپ یو؟
- * How much are you paid each month? هر ماه چقدر حقوق می گیری؟ هاؤ ماچ آر یو پید ایچ مانت؟
- * How much do I owe you? چقدر باید تقدیم کنم؟ (چقدر بدهکارم؟) هاؤ ماچ دو آی ا یو؟
- * How much does it cost? آن چقدر ارزش دارد؟ (قیمتش چنده؟) هاؤ ماچ داز ایت کاست؟
- * How much is it? قیمتش چند است؟ هاؤ ماچ ایز ایت؟
- * How much time a day do you spend studying? چه مدت در روز را برای مطالعه صرف می کنی؟ هاؤ ماچ تائم ا دی دو یو سپند ستادینگ؟
- * How often do you go shopping? چند وقت به چند وقت به خرید می روید؟ هاؤ آفن دو یو گ شاپینگ؟
- * How often do you go to the movies? چندوقت به چندوقت به سینما می روید؟ هاؤ آفن دو یو گ تو د موویز؟
- * How old are you? چند ساله هستی؟ هاؤ آلد آر یو؟
- * How should I know? از کجا باید بدانم؟ هاؤ شود آی نُ؟
- * How was I supposed to know? از کجا می دانستم؟ مگه کف دستم را بو کرده بودم؟ هاؤ واز آی ساپزد تو نُ؟
- * How's business? اوضاع کسب و کار، چگونه است؟ هاؤز بیزینس؟
- * How's everything with you? اوضاع و احوال چگونه؟ هاؤز اوریشینگ ویت یو؟
- * How's life? زندگی چگونه؟ هاؤز لایف؟
- * How's school? (اوضاع) مدرسه چگونه؟ هاؤز سکول؟

- * How's the family? هاوَز دِ قَمیلی؟ خانواده چطورند؟
- * How's work? هاوَز وُرک؟ کار و کاسبی چطور؟
- * I will get used to speaking English به صحبت کردن انگلیسی عادت خواهم کرد
- آی وِیلْ گِتْ یوزد تو سِپِکِنِگْ اِنِگیلِشْ
- * I am in a hurry آی اَمِ اِنِ اِ هِری عجله دارم
- * I am not speaking to you آی اَمِ نَاتْ سِپِکِنِگْ تو یو با شما صحبت نمی کنم
- * I am not sure آی اَمِ نَاتْ شُرْ مطمئن نیستم
- * I am swimming now آی اَمِ سِوای مِیْنِگْ نَاوْ الان دارم شنا میکنم
- * I am used to watching TV آی اَمِ یوزد تو وَاچِنِگْ تی.وی به تماشای تلویزیون عادت دارم
- * I am working now آی اَمِ وُرکِنِگْ نَاوْ حالا دارم کار می کنم
- * I am worried about you آی اَمِ وُرید اِبَاوْت یو من نگران شما هستم
- * I beg your pardon آی بِگْ یُرْ پَارْدِنْ ببخشید - معذرت می خواهم
- * I bet you win آی بِتْ یو وِیْنْ شرط می بندم که تو موفق می شوی
- * I bought this car from my friend من این ماشین را از دوستم خریدم
- آی بَاتْ دِیسْ کَار فِرَامْ مَایْ فِرِنْدْ
- * I came short آی کِمْ شُرْتْ دیگه خسته شدم - دیگه کم آوردم
- * I can hear you آی کَنْ هِیِرْ یو می توانم صدایت را بشنوم
- * I can see through you آی کَنْ سِی ثورو یو می توانم فکرت را بخوانم
- * I can tell you that in confidence می توانم با اطمینان به شما بگویم
- آی کَنْ تِلْ یو دَتْ اِنِ کَانْفِیْدِنْسْ
- * I can't tell the difference من نمی توانم تفاوت آن ها را بگویم
- آی کَنْتْ تِلْ دِ دِیْفِرِنْسْ
- * I can't place you آی کَنْتْ پِلِیسْ یو شما را به جا، نمی آورم
- * I can't place your face آی کَنْتْ پِلِیسْ یُرْفِیسْ شما را به جا، نمی آورم
- * I can't tell you anything آی کَنْتْ تِلْ یو اِنِثِنِگْ نمی توانم چیزی بهت بگویم
- * I caught a cold آی کَاتْ اِ کُلْدْ سرما خوردم
- * I changed my mind آی چِیْنِجِدْ مَایْ مَایْنِدْ تصمیمم را عوض کردم
- * I couldn't get a hold on him من نتوانستم او را گیر بیاورم
- آی کُودِنْتْ گِتْ اِ هِلْدْ اِنِ هِیْمْ



- * I couldn't make sense of what you said * متوجه نشدم که چی گفتی
آی کوردنت میک سنس آو وات یو سد
- * I count on you * رو شما حساب می کنم
آی کاونت آن یو
- * I'd like to have a word with you * می خواهم با شما صحبت کنم - (می خوام باهات حرف بزنم)
آید لایک تو هو ا وُرد ویت یو
- * I did it by myself * من به تنهایی آن کار را کردم
آی دید ایت بای مایسلف
- * I didn't expect you * از شما انتظار نداشتم
آی دیدنت اگسپکت یو
- * I do apologize * واقعاً معذرت می خواهم
آی دو آپالجایز
- * I do what you say * هر کاری را که بگویی انجام می دهم
آی دو وات یو سی
- * I do whatever you say * هر کاری را که بگویی، انجام می دهم
آی دو وات اور یو سی
- * I don't give a damn * اهمیتی نمی دهم
آی دنت گیو ا دم
- * I don't believe it * باورم نمیشه
آی دنت بیلو ایت
- * I don't care * اهمیتی نمی دهم
آی دنت کر
- * I don't feel very well * حالم خیلی خوب نیست
آی دنت فیل وری ول
- * I don't have much time * وقت زیادی ندارم
آی دنت هو ماچ تایم
- * I don't have permission * اجازه ندارم
آی دنت هو پرمیشن
- * I don't have the face to tell her * روم نمیشه که بهش بگم
آی دنت هو د فیس تو تل هر
- * I don't have the presence of mind * حضور ذهن ندارم
آی دنت هو د پرزنس آو مایند
- * I don't have time to breathe * وقت نفس کشیدن (سر خاروندن) ندارم
آی دنت هو تایم تو بیریز
- * I don't know what to do * نمی دانم که چکار کنم
آی دنت ن وات تو دو
- * I don't know where I am standing * نمی دانم که وضعیتم چگونه است
آی دنت ن ور آی ام ستندینگ
- * I don't know whose side to take * نمی دانم که طرف چه کسی را بگیرم - نمی دانم که هوای چه کسی را داشته باشم
آی دنت ن هوز ساید تو تیک
- * I don't remember you * شما را به خاطر نمی آورم
آی دنت ریممبر یو
- * I don't think so * من که این طور فکر نمی کنم
آی دنت ینک س
- * I don't understand * متوجه نمی شوم
آی دنت آندرستند

- * I don't want to upset you یو نَمی خواهم که تورا غمگین کنم آی دَنْت وَاَنْتُ تو آهَسْتِ یو
- * I doubt it! من که شک دارم! آی دَاوْت ایت!
- * I enjoy reading من از خواندن لذت می برم آی اینجی ریدینگ
- * I feel drowsy احساس گیجی می کنم آی فیل درآوزی
- * I feel honored احساس افتخار می کنم آی فیل آنزد
- * I go swimming everyday هر روز به شنا می روم آی گُ سَوای مینگ اُوریدی
- * I got a back جا خوردم آی گات ا بک
- * I got embarrassed دستپاچه شدم آی گات امبرسد
- * I got to go دیگه باید برم آی گات تو گ
- * I got used to them من به آن ها عادت کردم آی گات یوزد تو دم
- * I had a blast at your party! در مهمانی شما، به من خیلی خوش گذشت! آی هَد ا بِلَسْت اَت یُر پارتی!
- * I had to get physical with him مجبور شدم با او دعوا کنم آی هَد تو گت فیزیکال ویت هیم
- * I hate all of you از همه ی شما، بدم می آید - از هَمَتون مُتَنفَرَم آی هیت آل او یو
- * I hate cooking از آشپزی مُتَنفَرَم آی هیت کوکینگ
- * I hate you all از هَمَتون مُتَنفَرَم آی هیت یو آل
- * I have a connection به پارتی دارم (کسی که هوایم را داشته باشد) آی هُو ا کَانگَشِن
- * I have a lot to get done خیلی کار (عَقَب مانده) دارم که انجام بدم - سَرَم شلوغ است آی هُو ا لَات تو گت دَان
- * I have a query about him درمورد او تردید دارم آی هُو ا کُواری اِبَاوْت هیم
- * I have a surprise for you به خبر مُتَعَجَب کننده برایت دارم آی هُو ا سُوپَرَایز فُر یو
- * I have already done that آن را قبلاً انجام داده ام آی هُو ا لَرْدی دَان دَت
- * I have an interest in this affair من به این کار علاقه دارم آی هُو ا ن اِینتِرِست این دیس افر
- * I have got a headache سَرَم، دَرَد می کُند آی هُو گات ا هِدَاک
- * I have got a stomachache دل درد دارم آی هُو گات ا سَتَامَاک اک
- * I have got a toothache دندونم درد می کنه آی هُو گات ا تُوْتَاک
- * I have had sufficient به اندازه ی کافی (غذا) خورده ام آی هُو هَد سَافِشِنْت



- ★ I have heard so much about you ★ درباره ات زیاد شنیده ام
 آی هُو هَرْد سُو مَاجْ اِبَاوْتْ یُو
- ★ I have just eaten lunch ★ همین الان ناهار خوردم
 آی هُو جَاسْتْ اِیْتِنْ لَآنِجْ
- ★ I have never seen her ★ هرگز او را ندیده ام
 آی هُو نُوْر سِیْنِ هِرْ
- ★ I have no idea ★ نظری ندارم - فکری ندارم
 آی هُو نُ اَیْدِیْ یَا
- ★ I have no money ★ من پول ندارم
 آی هُو نُ مَآنی
- ★ I have no more use for it ★ آن دیگه به دردم، نمی خورد
 آی هُو نُ مُرْ یُوْزْ فُرْ اِیْتْ
- ★ I have no objection ★ اعتراضی (مخالفتی) ندارم
 آی هُو نُ اَبْجِکْشِنْ
- ★ I have no problem with that ★ مشکلی با آن ندارم
 آی هُو نُ پِرْآیْلِمُ وِیْتْ دَتْ
- ★ I have nothing to be nervous about ★ علّتی ندارد که نگران باشم
 آی هُو نَآئِنْکُ تُو بی نِرُوْسُ اِبَاوْتْ
- ★ I have nothing to say ★ حرفی برای گفتن ندارم
 آی هُو نَآئِنْکُ تُو سِیْ
- ★ I have seen that movie before ★ آن فیلم را قبلاً دیده ام
 آی هُو سِیْنِ دَتْ مَوِیْ یِئُرْ
- ★ I have to give it up ★ مجبورم آن را رها کنم
 آی هَفْ تُو گِیُو اِیْتْ اَبْ
- ★ I have to meet the dead line ★ مجبورم تا آخر مرحله را بروم
 آی هَفْ تُو مِیْتْ دِ دِدْ لَآئِنْ
- ★ I haven't eaten yet ★ هنوز غذا نخورده ام
 آی هَوْنْتْ اِیْتِنْ یِتْ
- ★ I haven't seen her since last week ★ از هفته ی گذشته تا حالا او را ندیده ام
 آی هَوْنْتْ سِیْنِ هِرْ سِیْنِسْ لَسْتْ وِیْکْ
- ★ I haven't told you because I forgot ★ بهت نگفتم، چون که فراموش کردم
 آی هَوْنْتْ تَلْدُ یُو بِیْکَازْ آیْ فُرْگَآتْ
- ★ I heard you were sick ★ شنیدم که بیمار بودی
 آی هَرْدُ یُو وِرْ سِیْکْ
- ★ I hope everything works for the best ★ امیدوارم که همه چیز مُرْتَبْ شود
 آی هُبْ اَوْرِیْشِنْکُ وِرْکْسُ فُرْ دِ بَسْتْ
- ★ I hope in God ★ به خدا امید دارم
 آی هُبْ اِیْنِ گَآدْ
- ★ I hope not ★ امیدوارم که این طور نباشد
 آی هُبْ نَآتْ
- ★ I hope so ★ امیدوارم که این طور باشد
 آی هُبْ سُو
- ★ I hope to see you again ★ امیدوارم که دوباره شما را ببینم
 آی هُبْ تُو سِیْ یُو اِگِیْنِ

- ★ I know exactly what you mean دقیقاً می دانم که منظور شما چیست
 آی ن اِکْرَکْتَلِی وَاَتْ یو مین
- ★ I know her by face او را از روی قیافه اش می شناسم
 آی ن هِرْ بَآی فِیسْ
- ★ I know it from A to Z همه ی آن را (از اول تا آخر) می دانم
 آی ن ایتْ فِرَامْ ای تو زِد
- ★ I know what you are going through! می دونم که چه رنجی داری می کنی!
 آی ن وَاَتْ یو آر گَکْ ایتْگْ ثورو!
- ★ I know what you mean می دانم منظور شما چیه
 آی نو وَاَتْ یو مین
- ★ I like reading خواندن (مطالعه) را دوست دارم (در حالت کلی) ریدینگْ
- ★ I like to read دوست دارم، بخوانم (اکنون) آی لَایکْ تو رید
- ★ I made her cry گریه اش را در آوردم آی مِیدْ هِرْ کِرَآیْ
- ★ I mean business دارم جدی میگویم آی مینْ بیزینسْ
- ★ I miss you very much دلم خیلی برات تنگ شده آی میسْ یو وِری مَآچْ
- ★ I missed you دلم برات تنگ شد - جات خالی بود آی میسْدْ یو
- ★ I once knew her well یک زمانی او را خوب می شناختم آی وَاَنسْ نیو هِرْ وِلْ
- ★ I owe you an apologize به معذرت خواهی به شما بدهکارم آی اُ یو اَن اَپَا لْجَآزِزْ
- ★ I owe you one یکی طلبت آی اُ یو وَاَنْ
- ★ I paid him back in his own coin مثل خودش، با هاش رفتار کردم آی پَیدْ هِیمْ بَکْ اینْ هِیزْ اُنْ کَینْ
- ★ I panicked از ترس، هل شدم آی پَنَکْتْ
- ★ I promise you بهت قول می دهم آی پِرَامِیسْ یو
- ★ I ran out of money پولم تمام شد آی رَنْ آوَتْ آو مَآنی
- ★ I really apologize واقعاً معذرت می خواهم آی ری یلی اَپَا لْجَآزِزْ
- ★ I really appreciate واقعاً تشکر می کنم آی ری یلی اَپَرِیشِی ایتْ
- ★ I really mean it واقعیت را میگویم - واقعاً منظورم این است آی ری یلی مینْ ایتْ
- ★ I really must go دیگه باید بروم آی ری یلی مَآسْتْ گَکْ
- ★ I remember it آن را بخاطر می آورم آی رِیمِیْرْ ایتْ
- ★ I reside in Tehran من مقیم تهران هستم آی رِیزَآیدْ این تِهْرَآنْ
- ★ I rest my hope on him تمام امیدم، به او است آی رِستْ مَآیْ هُپْ اَنْ هِیمْ



- * I rest on your promise (امیدم، به قول شماست)
آی رِسْتِ آن یُرِ پَرَامِیسْ
- * I revenged myself upon him ریونجِد مَایْسِلْفِ اِبَانْ هِیمْ
- * I spoke too soon آی سَپِکْ تو سونْ خیلی زود قضاوت کردم
- * I suppose you are off the subject فکر می کنم که شما از موضوع خارج شدید
آی سَپِزْ یو آر آف دِ سَاجِکْتْ
- * I swear آی سوِیْر قسم می خورم . سوگند یاد می کنم
- * I swim everyday آی سَویْمْ اوْرِیدِیْ من هرروز شنا می کنم
- * I take my hat off to you آی تِیکْ مَایْ هَتْ آفْ تو یو بابا ای وک - بابا خیلی کارت باحاله
- * I talked her into it آی تَاکْتْ هِرْ اِینْ تو ایتْ اورا با حرف، راضیش کردم
- * I talked her out of it آی تَاکْتْ هِرْ آوْتْ آو ایتْ اورا با حرف، مُنصرف کردم
- * I think otherwise آی تِینْکْ آدِرِوَایزْ من، غیراز این فکر می کنم
- * I think we are getting too far with it فکر می کنم که داریم از مسئله پرت می شویم
آی تِینْکْ وی آر گِتیْنْکْ تو فَاَرْ وِیْتْ ایتْ
- * I think you pick up a cold from one of them
آی تِینْکْ یو پِیکْ آپْ اِ کُلْدْ فِرِآمْ وَاَنْ آو دِمْ
- * من فکر می کنم که شما سرماخوردگی را از یکی از آن ها گرفتی
- * I took a risk آی توکْ اِ رِیسْکْ ریسک کردم - دل به دریا زدم
- * I tried my best آی تِرَایْدْ مَایْ بَستْ من نهایت تلاشم را کردم
- * I try to make it up آی تِرَایْ تو مِیکْ اِبْتْ آپْ سعی می کنم، جبران کنم
- * I try to stop by tonight آی تِرَایْ تو سَتَآپْ بَایْ تو نَآیتْ سعی می کنم امشب سری بهت بزنم
- * I usually go hiking آی یوژوآلی گُ هَآیکِینْگْ من معمولاً به پیاده روی، می روم
- * I value my reputation آی وِکیو مَایْ رِپِیْتِشِنْ من برای آبروی خودم، آرزش می گذارم
- * I waited up for her until 2 آی وِیْتِدْ آپْ فُرْ هِرْ آنتِیلْ تو دیر وقت، تا ساعت دو، مُتظر او ماندم
- * I want to know آی وَاَنْتْ تو نْ می خوام، بدانم
- * I was flustered آی وَاَزْ فِلاَسْتِرِدْ هُلْ شُدْمْ
- * I was shocked آی وَاَزْ شَاکْتْ شوکه شدم
- * I was surprised آی وَاَزْ سوْرپِرَآیزْدْ ذوق زده شدم

- * I was totally tongue-tied آئِ وَاَز تُوَالِي تَانِكْ - تَايِد * زبانم به کُلی، بند آمد
- * I was worried about you آئِ وَاَز وُرِيْد اِبَاوْتِ يُو * نگرانم بودم
- * I wasn't born yesterday (من که هالو نیستم - من که بچه نیستم) آئِ وَاَزَنْتِ بَرَنْ يَسْتِرْدِي * من دیروز مُتولد نشدم
- * I will hang you dry آئِ وَيْلِ هَنْگِ يُو دِرَايِ * پوستت را غلفتی در می آورم
- * I will just see you to the door آئِ وَيْلِ جَاَسْتِ سِي يُو تُو دِ دُر * فقط تا دم در، شما را بدرقه می کنم
- * I will just walk you to the door آئِ وَيْلِ جَاَسْتِ وَاكْتِ يُو تُو دِ دُر * فقط تا دم در، با شما می آیم
- * I wish I could go آئِ وَيْشِ آئِ كُوْدِ كُ * ای کاش می توانستم، بروم
- * I wish I knew her آئِ وَيْشِ آئِ نِيُو هِرْ * ای کاش او را می شناختم
- * I wish I were you آئِ وَيْشِ آئِ وِرِ يُو * ای کاش به جای شما بودم
- * I wish she were here آئِ وَيْشِ شِي وِرِ هِيِرْ * ای کاش او اینجا بود
- * I wish the best for you آئِ وَيْشِ دِ بَسْتِ قُرِ يُو * بهترین ها را برایت آرزو می کنم
- * I wish you all the luck in the world آئِ وَيْشِ يُو اَلْ دِ لَاكْ اَيْنِ دِ وُلْدِ * تمام خوشی های دنیا را برایت آرزو دارم
- * I wish you the best آئِ وَيْشِ يُو دِ بَسْتِ * بهترین ها را برایت آرزو می کنم
- * I wish you were here now آئِ وَيْشِ يُو وِرِ هِيِرْ نَاوْ * ای کاش شما حالا اینجا بودید
- * I would if I could آئِ وُوْدِ اَيْفِ آئِ كُوْدِ * ای کاش می توانستم
- * I would like to be with you آئِ وُوْدِ لَايِكْ تُو بِي وِيْتِ يُو * می خواهم با تو باشم
- * I would like to get off anywhere here آئِ وُوْدِ لَايِكْ تُو گِتِ آفِ اِنِي وِرِ هِيِرْ * این اطراف، هر جا که شد، پیاده می شوم
- * I would like to see more of you آئِ وُوْدِ لَايِكْ تُو سِي مَرِ آوِ يُو * من دوست دارم شما را بیشتر ببینم
- * I'll give you my reason آئِ مِ گِ اَيْنِكْ تُو دِ اِرْبَرْتِ تُو سِي اِ فَرِنْدِ آفِ * من دلیل خودم را به شما می گویم
- * I'm going to the airport to see a friend off آئِ مِ گِ اَيْنِكْ تُو دِ اِرْبَرْتِ تُو سِي اِ فَرِنْدِ آفِ * من برای بدرقه ی دوستم به فرودگاه می روم
- * I'm working like hell آئِ مِ گِ اَيْنِكْ تُو دِ اِرْبَرْتِ تُو سِي اِ فَرِنْدِ آفِ * به سختی دارم کار می کنم



- ★ I'd like to stay at home آید لَایکُ تو سَتی اَت هُم می خواهم در منزل بمانم ★
- ★ idiot ایدیت آدم احمق و بی شعور ★
- ★ If God wills ایف گَاد وِلزُ اگر خدا بخواهد ★
- ★ If I remember it right ایف آی ریمِمِر ایت رَایتُ اگر دُرست به خاطر بیاورم ★
- ★ If I were in your place ایف آی وِر این یُر پِلِیسُ اگر به جای تو بودم ★
- ★ If I were you ایف آی وِر یو اگر به جای تو بودم ★
- ★ If it is inconvenient for you ایف ایت ایز اینکنوِنِیانتُ فَر یو اگر برای شما اسباب زحمت است ★
- ★ If you don't mind ایف یو دَنُت مَآئِدُ اگر زحمتی نیست ★
- ★ If you please ایف یو پِلِیزُ اگر لطف کنی ★
- ★ I'll be back before you know it آیلُ بی بَکُ بیفَر یو نُ ایتُ تا چشم به هم بزنی، بر می گردم ★
- ★ I'll be back in a flash آیلُ بی بَکُ این اِ فِلَشُ تا چشم به هم بزنی، بر می گردم ★
- ★ I'll be back in no time آیلُ بی بَکُ این نُ تَایْمُ فوراً بر می گردم ★
- ★ I'll be in touch with you آیلُ بی این تَآچُ وِیتُ یو با شما تماس خواهم گرفت ★
- ★ I'll be right with you آیلُ بی رَایتُ وِیتُ یو همین آن بهت می رسم ★
- ★ I'll be there in five minutes آیلُ بی در این فَآیوُ مِینِتُسُ تا پنج دقیقه ی دیگه، آنجا خواهم بود ★
- ★ I'll be with you in a minute آیلُ بی وِیتُ یو این اِ مِنتُ تا یک دقیقه ی دیگه، پیشت خواهم بود ★
- ★ I'll call you back آیلُ کَالُ یو بَکُ بعداً بهت زنگ می زنم ★
- ★ I'll give you a lift آیلُ گیو یو اِ لِیْفُ من می رسونمت (با ماشین) ★
- ★ I'll give you a ride آیلُ گیو یو اِ رَایدُ می رسونمت (با دوچرخه یا ماشین) ★
- ★ I'll love you forever آیلُ لَو یو فُرَوِرُ همیشه دوستت خواهم داشت ★
- ★ I'll never forgive you آیلُ نِور فُرگیوُ یو هرگز تورا نمی بخشم ★
- ★ I'll pick you up آیلُ پِیکُ یو آپُ میام دنبالت (با وسیله) ★
- ★ I'm a great fan of you آیم اِ گَرِیتُ فَنُ آو یو از ارادتمندان شما هستم ★
- ★ I'm afraid آیم اَفَرِیدُ متأسفم ★
- ★ I'm afraid of dogs آیم اَفَرِیدُ آو دَاگُزُ از سگ ها می ترسم ★
- ★ I'm afraid, I can't help you آیم اَفَرِیدُ، آی کَنُتُ هِلُپُ یو متأسفم، نمی تونم کمکت کنم ★

- * I'm all ears آیم آل ایرز * سر تا پا ، گوش هستم
- * I'm as happy as ever آیم آز هبی آز اور * مثل همیشه خوشحالم
- * I'm ashamed آیم آشیمد * شرمنده ام
- * I'm at your service آیم ات یر سرویس * در خدمت شما هستم
- * I'm awfully sorry آیم آفولی ساری * واقعاً متأسفم
- * I'm busy آیم بیزی * گرفتارم - سرم شلوغ است - مشغولم
- * I'm busy now آیم بیزی ناو * فعلاً گرفتارم - حالا سرم شلوغ است
- * I'm cooked آیم کُکُت (کوکت) * دیگه بُریدم - دیگه کم آوردم
- * I'm divorced آیم دیورست * متارکه کرده ام
- * I'm done آیم دان * دیگه کارم تموم است - بیچاره شدم
- * I'm fed up with the work آیم فد آپ ویت د وُرك * از این کار خیلی خسته (ذله) شدم
- * I'm glad to hear it آیم گلد تو هیر ایت * از شنیدن آن خوشحالم
- * I'm going swimming tomorrow آیم گک اینگک سوی مینگک تومار * قصد دارم، فردا به شنا بروم آیم
- * I'm going to see the sights آیم گک اینگک تو سی د سائتس * قصد دارم، جاهای دیدنی را ببینم آیم
- * I'm in love with you آیم این لآو ویت یو * من عاشقتم - عاشقت شدم
- * I'm in tiptop shape آیم این تپ تآب شپ * توپ توپم - خیلی سرحال هستم
- * I'm just looking آیم جاست لوکینگک * فقط دارم نگاه می کنم
- * I'm married آیم مرید * ازدواج کرده ام
- * I'm not able to ... آیم نات ایبل تو... * من قادر نیستم ...
- * I'm not allowed آیم نات آلود * من اجازه ندارم
- * I'm not finished with you آیم نات فینیشت ویت یو * کارم با شما تمام نشده
- * I'm not kidding آیم نات کیدینگک * شوخی نمی کنم - جدی می گویم
- * I'm not talking to you آیم نات تاکینگک تو یو * با شما نبودم - باشما صحبت نمی کنم
- * I'm pleased آیم پیلزد * خوشحالم - مُفتخرم
- * I'm proud of myself آیم پراود آو مای سلف * من به خودم افتخار می کنم
- * I'm proud of you آیم پراود آو یو * من به تو افتخار می کنم
- * I'm single آیم سینگل * مُجرد هستم
- * I'm sorry آیم ساری * متأسف هستم



Learn English Rapidly

- * I'm standing by you آیم سَتَدینِکْ بَآیِ یو * هَوایت را دارم (کنارت ایستاده ام)
- * I'm sure as hell آیم شُرْ آز هِلْ * صَد در صَد، مُطْمئن هستم
- * I'm terribly sorry آیم تَرِیلِی سَآری * واقِعاً متأسفم
- * I'm tired because آیم تَآیرِد بیکَآز * خسته ام، چون
- * I'm usually late for class on Mondays مَعمولاً دوشنبه ها دیر به کلاس می رسم
- * In a very short time آیم یوزوَالِی لَیْتِ فُر کَلَسْ آن مَآندِیزُ * در مدت بسیار کوتاه
- * In a word tell me what went on این ا وِری شُرْت تَآیم * خلاصه بگو که چی شد این ا وُرد تَلِ می وَاَتِ وِنْتِ آن
- * In advance این اَدوَنَسْ * از قبل
- * In any case این اِنِی کِیَسْ * در هر صورت
- * In due time این دُو تَآیم * به وقت مناسب
- * In my opinion این مَآیِ آپِیْنِینْ * به عقیده ی من - به نَظَرِ من
- * In my view این مَآیِ وِیو * به نظر من - از دید من
- * In plain term این پَلِینْ تِرْمْ * به زبَان ساده
- * In short این شُرْت * خلاصه
- * In the long run این دِ لَآنْکْ رَآنْ * در دراز مدت
- * In your presence این یُرْ پِرِزِنَسْ * در حضور شما
- * Interesting painting, don't you think? اِیْتِرِسْتِیْنِکْ پِیْنِیْنِکْ ، دَنْتِ یو تِیْنِکْ؟ * نقاشی قشنگی است، اینطور نیست؟
- * Is everything okay? اِیْزْ اَوْرِیْنِیْنِکْ اَکِیْ؟ * آیا همه چیز مُرْتَب است؟
- * Is he nice? اِیْزْ هِی نَآیْسْ؟ * آیا او مُوَدَب (نجیب) است؟
- * Is that enough? اِیْزْ دَتِ اِیْنَافْ؟ * آیا کافی است؟
- * Is that right? اِیْزْ دَتِ رَآیْتْ؟ * آیا درسته؟ - آیا آن درست است؟
- * Is that you? اِیْزْ دَتِ یو؟ * خودتی؟ - تویی؟
- * Is there anything else? اِیْزْ دِرِ اِیْنِیْنِکْ اِلْسْ؟ * چیز دیگری هست؟
- * It became critical اِیْتْ بِیْکِیْمْ کِیرِیْتِکَآلْ * کار به جای باریک رسید
- * It can't be helped اِیْتْ کَنْتْ بِی هِلْپْتْ * چاره ای نیست
- * It could be better اِیْتْ کُودِ بِی بِتْرْ * (اوضاع) می تونست، بهتر از این ها باشه

- ★ It could be worse ایت کُود بی وُرس (اوضاع) می تونست، بدتر از این ها باشه
- ★ It couldn't be any better ایت کُودنْت بی انی بتر دیگه بهتر از این نمی شه
- ★ It crossed my mind ایت کِراسْت مَای مَآئِد به ذهنم خُطور کرد
- ★ It depends on you ایت دِپِنْدز آن یو به خودت بستگی داره
- ★ It does more harms than good ایت دَازَنْت دَاز مَر هَارْمَز دَنْ گُود ضررِش بیشتر از فایده اش است
- ★ It doesn't bother me at all ایت دَازَنْت بَآذِر می اَت آل اصلاً مرا اذیت نمی کنه
- ★ It doesn't matter ایت دَازَنْت مَتر مسئله ای نیست
- ★ It doesn't matter to me ایت دَازَنْت مَتر تو می برای من مسئله ای نیست
- ★ It doesn't suit you very much ایت دَازَنْت سوت یو وری مَآج (آن لباس) زیاد بهت نمی آید
- ★ It drifts your mind away ایت دِیرِفتَس بُر مَآئِد اوی آن فکر شما را مُنحرف می کند
- ★ It goes both ways ایت کُز بُت وِیز این رابطه، دوطرفه است
- ★ It goes for me too ایت کُز فُر می تو من هم همین طور
- ★ It goes with out saying ایت کُز ویت آوت سی اینگ واضح است
- ★ It in no matter ایت ایز ن مَتر (مَدِر) اشکالی ندارد
- ★ It is all over ایت ایز آل اُور به کلی تمام شد
- ★ It is no bad for a change ایت ایز ن بد فُر اِچَنج برای تنوع هم که شده، بد نیست
- ★ It is no good ایت ایز ن گُود خوب نیست
- ★ It is no use ایت ایز ن یوز فایده ای ندارد
- ★ It is pleased to see a friend ایت ایز بیلیزد تو سی اِ فرِنْد دیدن یک دوست، خوشایند است
- ★ It is well worth the effort ایت ایز ول ورت د اِ فُرت به زحمتش می ارزد
- ★ It is worth ایت ایز ورت ارزش داره
- ★ It isn't worth ایت ایزنْت ورت ارزشش را ندارد
- ★ It isn't worth the hassle ایت ایزنْت ورت د هِسل به درد سرش نمی ارزد
- ★ It looks good on you ایت لوکس گُود آن یو (آن لباس) به شما می آید
- ★ It made me tired ایت مید می تَآیرِد آن مرا خسته کرد
- ★ It makes me no difference ایت مِکس می ن دِیفرِنس برای من فَرْقی نمی کند



- ✱ It makes no difference to me ایت می‌کس ن دیفرنس تو می ✱ برای من فرقی نمی‌کند
- ✱ It occurred to me suddenly ایت آکرِد تو می سادِنلی ✱ ناگهان به ذهنم خطور کرد
- ✱ It pays to suffer ایت پیژ تو سافر ✱ به زحمتش می‌آرزد
- ✱ It rained all night ایت ریِنِد آل نایت ✱ تمام شب باران بارید
- ✱ It sounds a little bit fishy ایت ساوندز ا لیتل بیت فیشی ✱ قُضیه یه کمی بو دار به نظر می‌رسد
- ✱ It sounds a little bit odd ایت ساوندز ا لیتل بیت آد ✱ قُضیه یه کمی عجیب به نظر میرسد
- ✱ It stands to reason that... ایت ستندز تو ریزِن دت ... ✱ بدیهی است که ...
- ✱ It was a good get away ایت و آز ا گود گت اوی ✱ استراحت خوبی بود
- ✱ It was a good pass time ایت و آز ا گود پس تائم ✱ وقت گذرانی خوبی بود
- ✱ It was all my fault ایت و آز آل مای قُلت ✱ همه اش ، تقصیر من بود
- ✱ It was cruel of him to beat you
 ایت و آز کورواِل آو هیم تو بیت یو
 ✱ این نشان دهنده ی ظلم او بود که تو را زد - ظالمانه بود، که تو را زد
- ✱ It was done in joke ایت و آز دَان این جُک ✱ به شوخی این کار را کرد
- ✱ It was kind of you ایت و آز کائِنِد آو یو ✱ لطف کردید
- ✱ It was kind of you to do it ایت و آز کائِنِد آو یو تو دو ایت ✱ لطف کردید که این کار را انجام دادید
- ✱ It was kind of you to employ him ایت و آز کائِنِد آو یو تو ایمپلُی هیم ✱ لطف کردید که او را استخدام کردید
- ✱ It was quite uncivilly ایت و آز کوآیت آن سویلی ✱ آن رفتار دور از آداب اجتماعی بود
- ✱ It was quite unlike you ایت و آز کوآیت آنلایِک یو ✱ از شما بعید بود
- ✱ It was unkind ایت و آز آنکائِنِد ✱ بی‌انصافی بود
- ✱ It was unkind of you ایت و آز آنکائِنِد آو یو ✱ این، بی‌انصافی شما بود
- ✱ It was unkind of you to beat him ایت و آز آنکائِنِد آو یو تو بیت هیم ✱ بی‌انصافی شما بود که او را زدید
- ✱ It wasn't me, maybe it was my double ایت و آزنت می ، مِبی ایت و آز مای دابل ✱ من نبودم، شاید یکی شبیه به من بوده

- ✱ It wasn't me, maybe it was my look alike ✱ من نبودم، شاید یکی شبیه به من بوده

ایْتْ وَاَزَنْتْ می، مِیبی ایْتْ وَاَز مَآیْ لُوكْ الْآبِکْ
- ✱ It went out of my mind ✱ از ذهنم پرید - از ذهنم خارج شد

ایْتْ وَنْتْ آوْتْ آو مَآیْ مَآئِنْد
- ✱ It wouldn't be too far if I say ✱ زیاد هم بی ربط نگفته ام اگر بگویم

ایْتْ وُودَنْتْ بی تو قَاَر ایْفْ آیْ سِیْ
- ✱ It's a nice day today, isn't it? ✱ امروز روز خوبی است، مگه نه؟

ایْتْسْ اِ نَآیْسْ دِیْ تُوْدِیْ، اِیْزَنْتْ ایْتْ؟
- ✱ It's not worth the trouble ✱ به زحمتش نمی ارزد

ایْتْسْ نَآتْ وُورْثْ دِ تِرَآبِلْ
- ✱ It's odd you didn't know ✱ عجیب است که نمی دانستی

ایْتْسْ آد یو دِیدَنْتْ نْ
- ✱ It's a piece of cake ✱ مثل آب خوردن (ساده است)

ایْتْسْ اِ پِیْسْ آو کِیکْ
- ✱ It's a tiring work ✱ کار خسته کننده ای است

ایْتْسْ اِ تَآرِیْنِکْ وُورْکْ
- ✱ It's about the birds and the bees ✱ موضوع، چراغونی پارساله

ایْتْسْ اِبَاوْتْ دِ بَرْدَزْ آندْ دِ بِیْزْ
- ✱ It's an open secret ✱ این راز، برملا شده است

ایْتْسْ اَنْ اِبِنْ سِیْکِرْتْ
- ✱ It's as better as ever ✱ به خوبی همیشه

ایْتْسْ آز بَیْتَرْ آز اَوْر
- ✱ It's better than nothing ✱ از هیچی، بهتر است

ایْتْسْ بَیْتَرْ دَنْ نَآئِیْنِکْ
- ✱ It's both fun and game ✱ هم فال است و هم تماشا

ایْتْسْ بْثْ قَاَنْ آندْ گِیْمْ
- ✱ It's hard to get a job here ✱ پیدا کردن کار در اینجا مشکل است

ایْتْسْ هَآرْدْ تُوْگِتْ اِ جَابْ هِیْرْ
- ✱ It's me ✱ منم - من هستم

ایْتْسْ می
- ✱ It's my honor ✱ باعث افتخار من است

ایْتْسْ مَآیْ آَنْرْ
- ✱ It's my treat ✱ مهمان من هستید - پرداخت هزینه با من است

ایْتْسْ مَآیْ تِیْرِیْتْ
- ✱ It's my turn ✱ نوبت من است

ایْتْسْ مَآیْ تِرَنْ
- ✱ It's nice to meet you ✱ دیدار شما باعث خوشبختی است

ایْتْسْ نَآیْسْ تُو مِیْتْ یُو
- ✱ It's no bother at all ✱ اصلاً زحمتی نیست

ایْتْسْ نْ بَاذِرْ آَنْتْ آَلْ
- ✱ It's no use crying ✱ گریه کردن فایده ای ندارد

ایْتْسْ نْ یُوْزْ کِرَآیْ اِیْنِکْ
- ✱ It's none of your business ✱ به شما ربطی ندارد

ایْتْسْ نَآنْ آو بُرْ بِیْزِیْنِسْ
- ✱ It's not fair ✱ این انصاف نیست

ایْتْسْ نَآتْ فِرْ
- ✱ It's not in fashion ✱ آن مد نیست

ایْتْسْ نَآتْ اِیْنْ فِشَنْ



- ★ It's not in style اَيْسُنْ نَاتْ اَيْنْ سَتَائِلْ آن مُد نیست
- ★ It's not your business اَيْسُنْ نَاتْ يِرْ بيزِنِسْ به شما ربطی ندارد
- ★ It's okay with me اَيْسُنْ اَكِيْ وَيْتْ مِي برای من مسئله ای نیست
- ★ It's on me اَيْسُنْ اَنْ مِي به حساب من است - من هزینه را می پردازم
- ★ It's on sale اَيْسُنْ اَنْ سِيْلْ برای فروش (می باشد)
- ★ It's out dated اَيْسُنْ اَوْتْ دِيْتْد آن دَمْدَه شده - آن از مُد اُفتاده
- ★ It's out of fashion اَيْسُنْ اَوْتْ اَوْ فِشْنْ آن دَمْدَه شده
- ★ It's quite the ways اَيْسُنْ كَوَايْتْ دِ وَيْزْ راهش نسبتاً طولانی است
- ★ It's really kind of you اَيْسُنْ رِي يِلِيْ كَايْنْدِ اَوْ يُو واقعاً نظر لطف شماست
- ★ It's really nice of you اَيْسُنْ رِي يِلِيْ نَايْسْ اَوْ يُو واقعاً نظر لطف شماست
- ★ It's so sad that ... اَيْسُنْ سُوْ سَدْ دَتْ ... جای تأسف دارد که ...
- ★ It's time to go اَيْسُنْ تَايْمْ تُوْ كُ وقت رفتن است
- ★ It's two kilometers further down اَيْسُنْ تُوْ كِيْلَامِيْتْرِزْ فِرْدِرْ دَاوْنْ دو کیلومتر پایین تر است
- ★ It's two kilometers further up اَيْسُنْ تُوْ كِيْلَامِيْتْرِزْ فِرْدِرْ اَبْ دو کیلومتر بالاتر است
- ★ It's up to you اَيْسُنْ اَبْ تُوْ يُو به خودت بستگی دارد
- ★ It's way up here اَيْسُنْ وَيْ اَبْ هِيْرْ از اینجا خیلی بالاتر است
- ★ It's your fault اَيْسُنْ يِرْ قُلْتْ تقصیر خودت است
- ★ It's your turn اَيْسُنْ يِرْ تِرْنْ نوبت شما است
- ★ I've no patience with you اَيُوْ نُوْ پِيْشِنْسْ وَيْتْ يُو حوصله ات را ندارم
- ★ Jokes aside جُكْسْ اِسَايْدْ از شوخی گذشته
- ★ Just a minute, please جَاَسْتْ اِ مِيْنْتْ، پِيلِيْزْ یک دقیقه لطفاً
- ★ Just a moment, please جَاَسْتْ اِ مُمَنْتْ، پِيلِيْزْ یک لحظه لطفاً
- ★ Just a second, please جَاَسْتْ اِ سَكِنْدْ، پِيلِيْزْ یک ثانیه لطفاً
- ★ just for the hell of it جَاَسْتْ فُرْ دِ هِلْ اَوْ اِيْتْ فقط واسه خنده
- ★ Just for this odd night جَاَسْتْ فُرْ دِيْسْ اَدْ نَايْتْ فقط برای این یک شب
- ★ Just hush it up from dad جَاَسْتْ هَاَشْ اِيْتْ اَبْ فِرَاْمْ دَدْ فقط به بابا چیزی نگو
- ★ Keep an eye on it كِيْبْ اَنْ اَيْ اَنْ اِيْتْ چشم از آن بر ندار - مُراقب آن باش
- ★ Keep away كِيْبْ اَوِيْ دور شو

- * Keep in mind کیبْ اینْ مآئِدْ یادت باشه - به خاطر داشته باش
- * Keep in touch کیبْ اینْ تآچْ در تماس باش
- * Keep in touch with me کیبْ اینْ تآچْ ویتْ می با من در تماس باش
- * Keep it to yourself به کسی چیزی نگو - پیش خودت بمونه کیبْ ایْتْ ایتْ تو یُرْسَلْفْ
- * Keep it under your hat به کسی چیزی نگو کیبْ ایْتْ آندِرْ یُرْ هَتْ
- * Keep it up همان طور به کارت، ادامه بده کیبْ ایْتْ آپْ
- * Keep off the grass وارد چمن نشوید کیبْ آفْ دِ گِرَسْ
- * Keep quiet ساکت باش - بی سرو صدا کیبْ کَوآیْتْ
- * Keep talking به صحبتت ادامه بده کیبْ تآکِنِگْ
- * Keep trying به تلاشت ادامه بده - باز هم، سعی کن کیبْ تِرآیْ اِیْنِگْ
- * Keep writing به نوشتن، ادامه بده کیبْ رآیْتِنِگْ
- * Keep your mouth shut دهنّت را ببند - صحبت نکن کیبْ یُرْ مآوْثْ شآتْ
- * Knock it off تمومش کن نآکْ ایْتْ آفْ
- * Knock on your desk بزنی روی میز نآکْ آنْ یُرْ دِسْکْ
- * Knowing this با دانستن این (موضوع) نْ اِیْنِگْ دِیْسْ
- * Ladies and Gentlemen خانم ها و آقایان لِیْدِیْزْ آندْ جِنْتِلْمَنْ
- * Ladies first خانم ها مُقدم ترند - اول خانم ها لِیْدِیْزْ فِرِسْتْ
- * Leave it to me آن را به عهده ی من بگذار لیو ایْتْ تو می
- * Leave it up to me بگذارش به عهده ی من لیو ایْتْ آپْ تو می
- * Leave me alone منو تنها بگذار - وِلْمْ کُنْ لیو می اِنْ
- * Lend me به من قرض بده لِنْدْ می
- * Let her know خوب است که او هم بداند لِتْ هِرْ نْ
- * Let him go اجازه بدهید او برود - بذار بر - وِلْشْ کُنْ، بَرِ لِتْ هِیْمْ گْ
- * Let me go اجازه بده، برم - وِلْمْ کُنْ، بَرْم لِتْ می گْ
- * Let me help you بگذار کمکت کنم لِتْ می هِلْپْ یو
- * Let me know به من بگو - اجازه بده که من بدانم - بگذار بدونم لِتْ می نْ
- * Let me see اجازه بده ببینم - بگذار ببینم لِتْ می سی



- اجازه بدهید رک و رو راست به شما بگویم *
 لَتِ مِی تِلِ ایت دیرِکْتِ اَنَدِ فُرُوآرَدِ
 * Let me tell it direct and forward
- اجازه بده بهت بگم *
 لَتِ مِی تِلِ یو
 * Let me tell you
- بیا شروع کنیم *
 لَتْسِ سِتَارَتِ
 * Let 's start
- بیا بازی، می آیی؟ *
 لَتْسِ پِلِی، شَلِ وی؟
 * Let's play, shall we?
- بیا به سر و گوشی آب بدهیم *
 لَتْسِ گِتِ اِ فِیلِ آو دِ پِلِیسِ!
 * Let's get a feel of the place!
- بیا از اینجا برویم بیرون *
 لَتْسِ گِتِ آوْتِ آو هِیِرِ
 * Let's get out of here
- اجازه بدهید مستقیم برویم سرِ اَصْلِیِ مَطْلَبِ *
 لَتْسِ گِتِ تُو دِ پِیْنَتِ سِتْرِیْتِ اَوِیِ
 * Let's get to the point straight away
- بیا با هم باشیم - بیا دور هم باشیم *
 لَتْسِ گِتِ تُوگِیْدِرِ
 * Let's get together
- بیا امشب دور هم باشیم *
 لَتْسِ گِتِ تُوگِیْدِرِ تُوْنَایْتِ
 * Let's get together tonight
- بزن برویم - بیا برویم *
 لَتْسِ گِیِ
 * Let's go
- بیا برگردیم *
 لَتْسِ گِیِ بَکِ
 * Let's go back
- هر کسِیِ سَهْمِ (دَنگِ) خودش را بدهد *
 لَتْسِ گِیِ هَفِ اَنَدِ هَفِ
 * Let's go half and half
- بیا برویم سینما. آن باعث می شود که از فکر مشکلات بیرون بیایی *
 لَتْسِ گِیِ تُو دِ مَوِیْزِ. ایتِ ایلِ تِیکِ یِرِ مَآیْنَدِ آفِ تِرَاپَلْزِ
 * Let's go to the movies. It'll take your mind off troubles
- بهبتر است تمومش کنیم - ولش کن *
 لَتْسِ جَآسْتِ دِرَآپِ ایتِ
 * Let's just drop it
- بیا خودمان را گول نزنیم *
 لَتْسِ سِتَآبِ کِیْدِیْنِگِ آوْرِسُلُوْزِ
 * Let's stop kidding ourselves
- بیا به چرتی بزنیم *
 لَتْسِ تِیکِ اِ نَپِ
 * Let's take a nap
- همین جا دراز بکش *
 لَآیِ دَاوْنِ هِیِرِ
 * Lie down here
- روی زمین به پشت دراز بکش *
 لَآیِ دَاوْنِ اَنِ دِ بَکِ
 * Lie down on the back
- روی زمین دَمَرِ دراز بکش *
 لَآیِ دَاوْنِ اَنِ دِ فِیسِ
 * Lie down on the face
- دُرُوغِ به این بزرگی! *
 لَآیِ لَآیْکِ اِ رَاگِ!
 * Lie like a rug!
- مثل یه ماهی بیرون از آب (مثل مُرغِ پَرِ کَنَدِه) *
 لَآیْکِ اِ فِیشِ آوْتِ آوِ وَاَنَرِ
 * Like a fish out of water
- مثل جَهَنَمِ (hell) عامیانه به معنای خیلی زیاد، می باشد) *
 لَآیْکِ هِلِ
 * like hell
- به قول یارو گُفتنی *
 لَآیْکِ دِ مَنِ سِیْزِ
 * Like the man says

- * Listen to me لیسِن تُو می به من گوش بده
- * Little by little لیتِلْ بایِ لیتِلْ کم کم - یواش یواش
- * Live on your effort لَو (لیو) آن یُرُ اُفَرْت نان بازویت را بخور
- * Long after لَانْگْ اُفَرْت مدت ها پس از آن
- * Look out لُوکْ اَوْت پیا - مواظب باش
- * Luck wasn't on her side لاکْ وَاَزَنْتْ آن هِرِ سَایِد بخت با او یار نبود
- * Lucky you لاکِی یو خوش به حالت
- * Make a phone call to me مِیکْ اِ فُنْ کَالْ تُو می به زنگی به من بزنی
- * Make fun of yourself مِیکْ فَاَنْ اَو یُرْسَلْفْ خودت را مسخره کن
- * Make up your mind مِیکْ اَپْ یُرْ مَایِنْد فکرهایت را بکن - تصمیمت را بگیر
- * Make your own decision مِیکْ یُرْ اَنْ دِیسیزِن تصمیم خودت را بگیر
- * Make your will مِیکْ یُرْ وِیلْ وصیتت را بکن
- * Make yourself at home مِیکْ یُرْسَلْفْ اَتْ هُم فکر کن اینجا خانه ی خودت است
- * Many happy returns مَنِ هِبِی رِیْتِرَنزْ صد سال به، از این سال ها
- * May God bless you if مِیْ گَاد بِلِسْ یو اِیْفْ خدا بهت رَحْم کُنه اگه
- * May I have a message? مِیْ آیْ هُو اِ مِسیجْ؟ می توانم به پیغام بگذارم؟
- * May I have your attention, please? مِیْ آیْ هُو یُرْ اَتِنِشِن، پِلِیزْ؟ میشه لطفاً توجه کنی؟
- * May I help you? مِیْ آیْ هِلْپْ یو؟ اجازه هست کمکت کنم؟
- * May I take a message? مِیْ آیْ تِیکْ اِ مِسیجْ؟ می توانم پیامتان را بگیرم؟
- * May I trouble you for the salt? مِمکن است زَحمت بکشید و نمک را بدهید
- مِیْ آیْ تِرِاِبِلْ یو فُرْ دِ سَالْتْ؟
- * May you never see a bad day مِیْ یو نِوِرْ سِی اِ بَدْ دِیْ چشمت روز بد نبینه
- * Mind if I join you? مَایِنْد اِیْفْ آیْ جِیْنْ یو؟ اشکالی دارد اگر به شما ملحق بشوم؟
- * Mind you that مَایِنْد یو دَتْ یادت باشه که
- * More or less مَرُ اُر لِسْ کم و بیش
- * My dad went for that مَایْ دَدْ وِنْتْ فُرْ دَتْ پدرم آن را پذیرفت
- * My English is poor مَایْ اِنِگیلِش اِیزْ پور انگلیسی من ضعیف است
- * My eyes aren't acting up مَایْ اِیزْ اَرَنْتْ اَکْتِنِگْ اَپْ چشم هایم خوب نمی بینند



- * My faculty doesn't function well فکرم خوب کار نمی کند مایُ فکَلْتی دَازَنْتُ فَاثْکُشِنْ وِلْ
- * My goodness! مایِ گودنِس! خدای من!
- * My heart is bleeding مایُ هَارْتْ ایزْ بیلیدینگ دلم خیلی خون است
- * My heart is heavy مایُ هَارْتْ ایزْ هوی حالم گرفته - دلم گرفته
- * My house is far from here مایُ هَاوَسْ ایزْ فَاَر فِرَاَمْ هِیرْ خانه ام از اینجا دور است
- * My memory doesn't serve me best چیزی یادم نمی آید - حافظه مرا یاری نمی کند
- * مایُ مِمْرِی دَازَنْتُ سِرُوْ می بَسْتُ
- * My memory fails me مایُ مِمْرِی فِیلْزُ می حافظه مرا یاری نمی کند
- * My memory keeps wandering مایُ مِمْرِی کِیپْسْ وَاَنْدِرِینگ حواسم دائماً پرت میشه
- * My mind wandered for a second مایُ مَایْنْدُ وَاَنْدِرْدُ فُرْ اِسْکِنْدُ یک لحظه حواسم پرت شد
- * My mind went blank مایُ مَایْنْدُ وِنْتْ بِلَنْکْ همه چیز از ذهنم پرید
- * My pocket has been picked مایُ پَاکِتْ هَزْ بِنِ بِیْکْتْ جیبم را زدند
- * Neither this nor that نِیدِرْ دِیْسْ نُرْ دَتْ نه این نه آن
- * Never mind نِوَرْ مَایْنْدُ اشکالی ندارد - مهم نیست - بی خیال
- * News flies apace نِیوزْ فِلاِیزْ اِپِیسْ خبر زود منتشر می شود
- * Nice guy نَایْسْ گَایْ چه آدم خوبی
- * Nice having you around with us باعث خوشحالی است که شما پیش ما هستید
- * نَایْسْ هَوِینگْ یو اَرَاوْنْدُ وِیْتْ اَسْ
- * Nice job نَایْسْ جَابْ خسته نباشی - آفرین - کارت خوب بود
- * Nice meeting you نَایْسْ مِیتِینگْ یو ملاقات شما باعث خوشحالم شد
- * Nice party, isn't it? نَایْسْ پَارْتِی، ایزَنْتْ ایتْ؟ جشن خوبی است، مگه نه؟
- * Nice to meet you نَایْسْ تُو مِیْتْ یو از دیدارتان خوشحال شدم
- * Nice to see you نَایْسْ تُو سی یو از دیدنتان خوشحال شدم
- * Nice to see you again نَایْسْ تُو سی یو اِگِینْ از دیدار دوباره ی شما خوشحالم
- * No buts and ifs! نُو بَاْتْسْ اَنْدُ اِیْفْسْ! دیگه، آگه و اما نداره
- * No complain نُو کَاْمِپِلِینْ گله ای نیست - شکایتی ندارم
- * No doubt نُو دَاوْتْ بدون شک - بدون تردید
- * No matter how you do it نُو مَتْرْ هَاوْ یو دو ایتْ مهم نیست که چطوری انجامش میدی

- | | | |
|---------------------------------|----------------------------------|---------------------------------------|
| * No matter when you come | نُ مَتْرَ وَنْ يُو كَامْ | * مهم نیست که چه موقع می آیی |
| * No matter where you go | نُ مَتْرَ وِرِ یُو گُ | * مهم نیست که کجا می روی |
| * No matter who comes | نُ مَتْرَ هُو کَامْرُ | * مهم نیست که چه کسی می آید |
| * No matter who you are | نُ مَتْرَ هُو یُو آر | * مهم نیست که چه کسی هستی |
| * No offense man | نُ آفْسُ مَنْ | * آقا، منظور بدی نداشتم |
| * No problem | نُ پْرَ اَبْلَمْ | * مشکلی نیست |
| * No spitting | نُ سَبْتِنِگْ | * تَف انداختن، ممنوع |
| * No sweat | نُ سَوَاتْ | * کاری نداره - آسونه |
| * No sweat man! | نُ سَوَاتْ مَنْ! | * بابا بی خیال! |
| * No time for jawing (جَایَنگْ) | نُ تَایْمْ قُرْ جَایَنگْ | * وقت برای وراجی نیست (فک زدن، ممنوع) |
| * No trouble | نُ تْرَ اَبِلْ | * زحمتی نیست |
| * No way | نُ وِیْ | * راهی نداری |
| * No, he's never nice | نُ، هِیْزْ نَوْرْ نَایْسْ | * نه، او اصلاً آدم خوبی نیست |
| * No, I'm often late | نُ، آیمْ آفِنْ لَیْتْ | * نه، من اغلب دیر می رسم |
| * No, more's the pity! | نُ، مُرْزْ دِ پِیْتِیْ! | * نه، متأسفانه! |
| * No, Sir | نُ، سِرْ | * نه آقا - نه قربان |
| * Nobody move | نُبَادِیْ مَوُوْ | * هیچ کس از جایش، تکان نخورد |
| * None of that | نَانْ آو دَتْ | * دیگه تکرار نشه - دیگه نبینم ها |
| * None of them | نَانْ آو دِمْ | * هیچ کدُمشان - هیچ یک از آن ها |
| * None of your business | نَانْ آو یُرْ بِیْزِیْنِسْ | * به تو ربطی ندارد |
| * None taken | نَانْ تِیْکِنْ | * من هم به دل نگرفتم |
| * Not a word to any one | نَاتْ اِ وُرْدْ تُو اِنِیْ وَانْ | * به کسی چیزی نگو |
| * Not at all | نَاتْ اَتْ اَلْ | * به هیچ وجه - اصلاً |
| * Not bad | نَاتْ بَدْ | * بد نیست |
| * Not care at all | نَاتْ کِرْ اَتْ اَلْ | * اصلاً اهمیت نده |
| * Not give a damn | نَاتْ گِیُو اِ دَمْ | * اصلاً اهمیت نده |
| * Not me | نَاتْ مِیْ | * من آهْلش نیستم - من این کاره نیستم |
| * Not trouble at all | نَاتْ تْرَ اَبِلْ اَتْ اَلْ | * اصلاً زحمتی نیست |



- * Note his conduct نُتْ هِيزْ كِنْدَاكْتْ * مراقب رفتارش باش
- * Nothing نَآئِنِگْ * هيچي
- * Nothing happened نَآئِنِگْ هِنْد * هيچ اتفاقي رخ نداد
- * Nothing important نَآئِنِگْ ايمِرتنتْ * چيز (خبر) مهمي نيست
- * Nothing serious نَآئِنِگْ سيريسْ * چيز (مسئله ي) جدي اي نيست
- * Nothing special نَآئِنِگْ سپِشَلْ * چيز (خبر) خاصي نيست
- * Of course آفْكُرسْ * البته
- * Off with his head آفْ وِيتْ هِيزْ هِدْ * سرش را از تنش، جدا كنيد
- * Oh my God آهْ مَآيْ گَادْ * آه خدای من
- * Oh, shit آهْ، شِتْ * آه، لعنتي
- * Oh. Come off it! آه. كَامْ آفْ ايتْ! * آه. دست وردار بابا! - آه. بي خيال بابا!
- * Oil and water don't mix اِيلْ اَنْدْ وَاَتْرْ دَنْتْ مِگْسْ * آبشان توي يك جوي، نمي رود
- * ok آكِي * باشه - خُب - خوب است - بسيار خوب
- * On a long-term bases آنْ اِ لَانِگْ - تِرْمْ بيسِرْ * در دراز مدت
- * On a second آنْ اِ سِكِنْدْ * در يك ثانيه - در يك چشم به هم زدن
- * On the contrary آنْ دِ كَاَتْرِرِي * برعكس - معكوس - مخالف
- * On the instant آنْ دِ اِينْ سِنْتْ * يك لحظه
- * On the other hand آنْ دِ (دِي) آدِرْ هِنْدْ * به عبارت ديگر
- * Once a month وَاَنْسْ اِ مَانْتْ * يك بار در ماه
- * Once a week وَاَنْسْ اِ وِيكْ * يك بار در هفته
- * Once a year وَاَنْسْ اِ يِرْ * يك بار در سال
- * Once again وَاَنْسْ اِگَيْنْ * يه بار ديگه
- * Once and for all وَاَنْسْ اَنْدْ قُرْ آلْ * يك بار براي هميشه
- * Once more وَاَنْسْ مَرْ * يكي ديگه
- * Once upon a time وَاَنْسْ اِيَانْ اِ تَايمْ * روزي روزگاري - يه زماني - يكي بود يكي نبود
- * One by one وَاَنْ بَايْ وَاَنْ * يكي يكي
- * One final thing وَاَنْ فَايْنَالْ تِينِگْ * يه چيز ديگه
- * One final word وَاَنْ فَايْنَالْ وُردْ * حرف آخر - ختم كلام

- * One moment, please * به لحظه، لطفاً - لطفاً یک لحظه صبر کنید * وَأَنْ مُنْتُمْ، پیلیزْ
- * One more thing * به چیز دیگر * وَأَنْ مَرُّ ثِنْتِکْ
- * One more time * یک بار دیگر * وَأَنْ مَرُّ تَائِمْ
- * One of them * یکی از آنها * وَأَنْ آو دِمْ
- * One of us * یکی از ما * وَأَنْ آو آسْ
- * One of you * یکی از شما * وَأَنْ آو یو
- * One of your friends * یکی از دوستان * وَأَنْ آو یُرْ فَرِنْدَزْ
- * Over and over again * بارها و بارها * أَوْرِ اَنْدْ اَوْرِ اَکْثَرِ
- * Over your head * از سرت هم زیاد است * أَوْرِ یُرْ هِدْ
- * Pack it in * جمع و جورکن (و برو) * پَکْ ایتْ اینْ
- * Pardon me * مرا ببخشید - معذرت می خواهم - متوجه نشدم * می پَارْدُنْ
- * Pay attention, please * لطفاً توجه کنید * پی اِتْنَشِنْ، پیلیزْ
- * Pity melted my heart * دلم بر اش کباب شد * بیتِی مُلْتِدْ مَائِ هَارْتْ
- * Place a call to me * به زنگی به من بزن * پِلِیسْ اِ کَالْ تُو می
- * Place a phone call to me * به زنگی به من بزن * پِلِیسْ اِ فُنْ کَالْ تُو می
- * Please * لطفاً - خواهش می کنم * پیلیزْ
- * Please keep an eye on my bag * لطفاً مواظب کیف من باش * پیلیزْ کِیْبْ اَنْ آئی اَنْ مَائِ بَکْ
- * Please send me the chambermaid * لطفاً خدمه ی اتاق را پیش من بفرستید * پیلیزْ سِنْدْ می دِ چِمْبَرْمِیدْ
- * Please speak louder * لطفاً بلند تر صحبت کنید * پیلیزْ سَبِیْکْ لَوْدِرْ
- * Pleased to meet you * از دیدنتان خوشحال شدم * پیلیزْدْ تُو مِیْتْ یو
- * Praise is to God * خدا را شکر * پَرِیزْ ایزْ تُو گَادْ
- * Put it on my tap * به حساب من بزن - بذار پا حسابم * پُوتْ ایتْ اَنْ مَائِ تَبْ
- * Put yourself together * به خودت، مسلط باش * پُوتْ یُرْسَلْفْ تُو گِدرْ
- * Quite so * همین طور است که می فرماید * کَوَآیْتْ سْ
- * Reason with me * با دلیل با من صحبت کن * رِیزِنْ وِیْتْ می
- * Remember me to him * مرا به یاد او بنداز * رِیْمِیزْ می تُو هِیْمْ



- * Remind me ریمائند می * مرا به خاطر بیاور
- * Right now رَآئِنْتِ نَاوُ * همین الان - همین حالا
- * Run away رَآنُ اَوِیْ * فرار کن
- * Say cheese سِیْ سِیْ چِیزْ * بگو (پنیر) هَلو
- * Say my hello to him سِیْ مَآیْ هِلْ تُو هِیْمِ * سلام مرا، به او برسان
- * Say no more سِیْ نْ مَرُ * بس کن - دیگه حرف نزن
- * Say nothing سِیْ نَاثِیْنِکْ * هیچی نگو - جیکت در نیاد
- * Say nothing of it man! سِیْ نَاثِیْنِکْ اَو اِیْتْ مَن ! * رفیق اصلاً حرفش هم نزن! - قابلی ندارد!
- * Say something سِیْ سَامْ ثِیْنِکْ * یه چیزی بگو
- * Say your prayers سِیْ یُرْ پَرِیْرْزْ * آشهدت را بگو - (نمازت را بخوان)
- * See the notes for further information سِی دِ تَتْسْ فُرْ فِرْدِرْ اِیْنْفَرْمِیْشِنْ * برای اطلاعات بیشتر به یادداشت ها مراجعه کنید
- * See you سِی یو * می بینمت - به امید دیدار
- * See you later سِی یو لَیْتِرْ * بعداً می بینمت
- * See you then سِی یو دَنْ * بعداً می بینمت - پس تا بعد
- * See you tomorrow سِی یو تومارُ * فردا می بینمت
- * Send your father my regards سِنْدِ یُرْ فَاَدِرْ مَآیْ رِیْگَارْدَزْ * به پدرت سلام مرا برسان
- * Set the price of it, please سِتْ دِ پَرَاِیْسْ اَو اِیْتْ، پِیْلِیْزْ * لطفاً قیمت آن را تعیین کنید
- * Shall I help you? شَلْ آیْ هِلْپْ یو؟ * می خواهی کمکت کنم؟
- * Shall we go to the cinema? شَلْ وِی گُ تُو دِ سِیْنَمَا؟ * می آیی برویم سینما؟
- * She designs to be a lawyer شِی دِیْزَاِیْنِزْ تُو بِی اِ لَیْرْ * قصد دارد که وکیل شود
- * She feels funny today شِی فِیْلِزْ فَاَنِیْ تُوْدِیْ * او امروز یه جورایی سرحال (شنگول) است
- * She feels so resentful of him شِی فِیْلِزْ سُرْ رِیْزِنْتْ فَوْلْ اَو هِیْمِ * خانم از او خیلی دلخور است
- * She has her job on the line شِی هَزْ هِرْ جَابْ اَنْ دِ لَآئِنْ * شغلش در خطر است - ممکنه شغلش را از دست بده
- * She is a decent girl شِی اِیْزْ اِ دِیْسِنْتْ گِرْلْ * او دختر نجیبی است
- * She is a friend all around شِی اِیْزْ اِ فِرِنْدْ اَلْ اَرَاوِنْدْ * او همه رومه به دوست است

- * she is a nonsense and some * او آدم مُزخرفی است، به چیزی هم بیشتر
شی ایزُ اِ نانسِنسُ اَنَدِ سَامُ
- * She is a super duper friend * او به دوست تمام عیار است
شی ایزُ اِ سُوپِرُ دُوپِرُ فَرِنْدُ
- * She is about to go * او عازم رفتن است
شی ایزُ اِبَاوْتُ تُو گُ
- * She is always in time * او همیشه کمی زودتر می رسد
شی ایزُ اَلْوِیْزُ اَیْنُ تَاَیْمُ
- * She is always on the ball * او همیشه مشغول به کاری جدید است
شی ایزُ اَلْوِیْزُ اَنْ دِ بَالُ
- * She is always on time * او همیشه سرِ وقت می رسد
شی ایزُ اَلْوِیْزُ اَنْ تَاَیْمُ
- * She is always up to something * او همیشه مشغول به کاری است
شی ایزُ اَلْوِیْزُ اَبُ تُو سَامَیْنِیْگُ
- * She is dishonest and I want out now * او صداقت ندارد و من می خواهم از دستش خلاص شوم
شی ایزُ دِیْسَانَسْتُ اَنَدِ اَیْ وَاَنْتُ اَوْتُ نَاوُ
- * She is free on Sundays * او یکشنبه ها وقت آزاد دارد
شی ایزُ فِیْرِی اَنْ سَاَنْدِیْزُ
- * she is kind, yet very exact * او مهربان است، و با این حال خیلی دقیق و سختگیر
شی ایزُ کَاَیْنِدُ، یِتُ وِیْرِی اِکْرَمُتُ
- * She is looking a bit under par * او به کمی بدحال و ناخوش به نظر می آید
شی ایزُ لُوکِیْنِگُ اِ بَیْتُ اَنْدِرِ پَارُ
- * She is poor * او فقیر است
شی ایزُ پُورُ
- * She is punctual * او وقت شناس است
شی ایزُ پَانکُ چَوَالُ
- * She is quick to answer * او حاضر جواب است
شی ایزُ کَوای کُ تُو اَنْسِرُ
- * She is rich * او ثروتمند است
شی ایزُ رِیْجُ
- * She is shyness * او خجالتی است
شی ایزُ شَاَیْنِسُ
- * She is so talkative * او خیلی پُر حرف (وَرَاچ) است
شی ایزُ سُ تَاکْتِیْوُ
- * She is very proud * او خیلی مَغْرور است
شی ایزُ وِیْرِی پِرَاوْدُ
- * She is very nervous * او خیلی عَصَبی است
شی ایزُ وِیْرِی نِرُوْسُ
- * She is watching me all the time like a hawk * او همیشه من را مثل عَقَاب (شاهین) تَحْتِ نظر دارد
شی ایزُ وَاچِیْنِگُ مِی اَلْ دِ تَاَیْمُ لَاَیْکُ اِ هَاکُ
- * She just comes up with * او همیشه بهانه گیر است
شی جَاَسْتُ کَاَمْرُ اَبُ وِیْتُ



- * She made such a scene in public اون تو در و همسایه، چنان آبرو ریزی راه انداخت که نگو
 شی مِیدِ سَاجِ اِ سِنِ اِینِ پَابَلِیکِ
- * She never eats meat او هرگز گوشت نمی خورد شی نِوَرِ اِیتِسْ مِیتْ
- * She offered to help me او به من پیشنهاد کمک داد شی آفَرْدِ تُو هَلْبِ مِی
- * She promised to come, but she never showed up
 شی پَرَامِیَسْدِ تُو کَامْ، بَاتْ شی نِوَرِ شُدْ آپْ
 * او قول داد که بیاید اما هرگز خودش را آفتابی نکرد
- * She put me into the spot او مرا در رودر بایستی گذاشت شی پُوتْ مِی اِینِ تُو دِ سِپَاتْ
- * She ran away from there او از آنجا گریخت شی رَنِ اِوِیْ فِرَامْ دِرِ
- * She said the word او موافقت کرد شی سِدِ دِ وُردِ
- * She sat in silence او ساکت نشست شی سَتْ اِینِ سَایِلِنْسْ
- * She scowls او آخم می کند - او تُرشرویی می کند شی سِکَاوُلْزْ
- * She set me up for this او برای من، پاپوش درست کرد شی سِتْ مِی اِپْ قُرْ دِیَسْ
- * She smiles through everything او با خوش رویی، مسائل را حل می کند
 شی سَمَایِلْزْ ثُورُو اِوَرِیْشِنِگْ
- * She speaks much او زیاد حرف می زند شی سِپِکْسْ مَاجْ
- * she stayed up late تا دیر وقت بیدار ماند شی سَتِیدِ اِپْ لِیتْ
- * She talked my ear off for an hour
 شی تَاکْتْ مَایْ اِیِرْ آفْ قُرْ اَنِ اَوِرِ
 * او یه ساعت تمام مُخَمْ را کار گرفته بود (در گوشم حَرف می زد)
- * She talks through everything او با صحبت مسائل را حل می کند شی تَاکْسْ ثُورُو اِوَرِیْشِنِگْ
- * She was excited او هیجان زده شد شی وَاَزِ اِکْسَایِتِیدِ
- * She was her family's pride او باعث سرافرازی خانواده اش بود شی وَاَزِ هِرْ قِیْمِلیزْ پَرَاَیدِ
- * She was lost او گم شد شی وَاَزِ لَاسْتْ
- * She was out of luck او خوش شانس نبود شی وَاَزِ اَوْتْ اَوِ لَاکْ
- * she was up late تا دیر وقت بیدار بود شی وَاَزِ اِپْ لِیتْ
- * She wasn't right fat او خیلی هم چاق نبود شی وَاَزَنْتْ رَاَیْتْ فِتْ
- * She wasn't lucky او خوش شانس نبود شی وَاَزَنْتْ لَاکِی

- * She whispered me to stay شی ویسپَرِد می تو سَتِی * او آهسته به من گفت که بمانم
- * she would like to stand out او دوست دارد تو چشم باشد - او دوست دارد که خودی نشان دهد * او دوست دارد تو چشم باشد - او دوست دارد که خودی نشان دهد
- * She's blowing some steam on داره عقده ی دلش را خالی میکنه * داره عقده ی دلش را خالی میکنه
- * She's clapping شیز بِلْ اینگْ سَام سَتِیْمِ آن * شیز بِلْ اینگْ سَام سَتِیْمِ آن
- * She's my body body شیز مَای بَادی بَادی * او دوست جون جونی من است
- * She's my chum chum شیز مَای چَآم چَآم * او دوست جون جونی من است
- * She's not in a high spirit today امروز از نظر روحی سر حال نیست * امروز از نظر روحی سر حال نیست
- * She's not in the good mood today امروز زیاد حال و حوصله ندارد * امروز زیاد حال و حوصله ندارد
- * She's reading my letter شیز ریدینگْ مَای لِترْ * او داره نامه ی منو می خونه
- * She's scarcely 17 years old شیز سِکِرْسلی سونْتینْ یِرْز آلد * او هنوز هفده ساله نشده است
- * She's singing شیز سینگینگْ * او داره آواز می خونه
- * She's speaking her heart شیز سِپیکینگْ هِرْ هَارتْ * داره حرفِ دلشو، می زنه
- * Shut up شاتْ آپْ * خفه شو
- * Since he went سینسْ هی وِنْتْ * از وقتی که رفته
- * Since I last saw her سینسْ آی لَسْتْ سَا هِرْ * از آخرین باری که او را دیدم
- * Since I last went to his house سینسْ آی لَسْتْ وِنْتْ تو هیزْ هَاوسْ * از آخرین باری که به خانه ی او رفتم
- * Since when? سینسْ وِنْ؟ * از کی تا حالا؟
- * Since when have you been here? سینسْ وِنْ هُوْ یو بِنْ هیرْ؟ * از کی تا حالا اینجا ای؟
- * Sink or swim سینکْ اُر سَوایمْ * هرچه بادا باد
- * Sit down, please سیتْ دَاوْنْ، پِلیزْ * لطفاً بفرمایید بنشینید
- * Slap the cuffs on him سَلپْ دِ کَافْسْ آنْ هِیْمْ * به او دستبند بزنید
- * sleepy سَلپی * خواب آلو - چرتی
- * Slip no advantage سَلپْ (سَلِپْ) نْ اَدَوَنتِجْ * هیچ فرصتی را از دست نده



- * Smoking prohibited سَمَكِينِگْ پَرِهِيَسِنْدِ استعمال دُخَانِيَاَت مَمْنُوع اَسْت
- * So long سُ لَانِگْ به آرزوی دیدار - تا بعد - خدا حافظ
- * So much the better سُ مَاچِ دِ بِيْتِرُ چه بهتر - هرچه بیشتر، بهتر
- * So so سُ سُ ای، بد نیستم - نه خوب نه بد
- * So what? سُ وَآتْ؟ که چی؟
- * Somebody help me, please سَامْ بَادِیْ هَلْبُ مِی، پِلِیْزُ لطفاً به نفر به من کمک کنه
- * somehow سَامْ هَاوُ به طوری - به طریقی - هر جور هست
- * Somewhat سَامْ وَآتْ آقدری - آندکی
- * Somewhere سَامْ وِرِ به جایی
- * Sooner or later سَوِنِرُ اُرِ لِيْتِرُ دیر یا زود
- * Sorry bothered you سَارِیْ بَاذِرِدِ یو ببخشید که شما را آذیت کردم
- * Sorry for cutting you off سَارِیْ قُرُ کَاَتِيْنِگْ یو آفُ ببخشید که حرف شما را قطع می کنم
- * Sorry to bother you سَارِیْ تُو بَاذِرِ یو ببخشید که شما را به زحمت می اندازم
- * Sorry to interrupt you سَارِیْ تُو اِيْتِرِآپْتِ یو ببخشید که حرف شما را قطع می کنم
- * Sorry, I didn't get it سَارِی، آئی دِيْدِنْتِ گِتْ اِيْتِ ببخشید، متوجه (ی منظورتان) نشدم
- * Sorry, I didn't get the hint سَارِی، آئی دِيْدِنْتِ گِتْ دِ هِيْنْتِ ببخشید، منظورتان را نگرفتم
- * Sorry, you got the wrong number سَارِی، یو گَاتِ دِ رَانِگْ نَاْمِبِرُ ببخشید، شماره ی اشتباهی گرفتید
- * Sorry, I took you for your brother سَارِی، آئی تُوکْ یو قُرُ یِرُ بَرَاَدِرِ ببخشید، شما را با برادرتان اشتباه گرفتم
- * Spare my blushes سِبِرُ مَائِ بِلَاشِرِ خجالتم ندهید
- * Speak up سَبِيکْ آپْ بلند تر صحبت کنید
- * Speak your heart سَبِيکْ یِرُ هَاَرْتِ حرف دلّت را بزن
- * Stand still سَتِنْدِ سَتِيْلُ بی حرکت
- * Stay a little سَتِيْ اِلِيْتِلُ کمی صبر کنید
- * Stay alive سَتِيْ اِلَايُو زنده بمان
- * Stay away سَتِيْ اَوِيْ دور شوید - نزدیک نشوید
- * Stay overtime سَتِيْ اَوِرْتَايْمِ اضافه کاری ماندن

- * Stop horsing around ستاپ هُرسینگ آرآوند دیگه مسخره بازی درنیار
- * Stop wolfing down your food یواش تر غذا بخور، چه خَبَر ته - دیگه مثل گُرگ، غذا نخو
- ستاپ وُلْفینگ دَاوُن یُر فود
- * Stop being so noisy این قدر سر و صدا نکن ستاپ بینگ س نیزی
- * Stop being such a baby بچه بازی در نیار - این قدر بچه نشو ستاپ بینگ ساج ا بیبی
- * Stop fooling around دیگه مسخره بازی در نیار ستاپ فولینگ آرآوند
- * Stop it دیگه بس کن ستاپ ایِت
- * Stop pulling my leg دیگه سر به سرم نگذار - این قدر اذیت نکن ستاپ پولینگ مای لگ
- * Stop quarreling دیگه دعوا نکن ستاپ کوآرلینگ
- * Stop ragging on her! ! دیگه مُزاحم او نشو! - دیگه او را دَسْت نینداز ستاپ رگینگ آن هر!
- * Stop smoking دیگه سیگار نکش ستاپ سُمکینگ
- * Stop telling me what to do اینقدر به من نگو که چکار کنم ستاپ تلینگ می وَاَت تو دو
- * Stop that silly argument اون گفتگوی احمقانه را تمام کن ستاپ دَت سیلی آرگیومنت
- * Stop your fooling مسخره بازی در نیار ستاپ یُر فولینگ
- * Such a mess! ! چه افتضاحی! - عجب بی نظمی ای ساج ا مس!
- * sure حتماً - مطمئناً - البته شُر
- * swear to God به خدا قسم سوهر تو گآد
- * Take a nap چرتی بزَن تیک ا نَب
- * Take a nap for an hour به ساعت، به چرتی بزَن تیک ا نَب قُر آن آور
- * Take a seat, please لطفاً بفرمایید بنشینید تیک ا سیت، پیلیز
- * Take care مواظب باش - مُراقب باش تیک کُر
- * Take care of your mother از مادرت مواظبت کن تیک کُر آو یُر مادر
- * Take his example از او سرمشق بگیر تیک هیز اگزَمیل
- * Take it as you like هر جور می خواهی برداشت کن تیک ایِت آز یو لَایک
- * Take it easy بی خیال - سخت نگیر - آسون بگیر تیک ایِت ایزی
- * Take it off the table آن را از روی میز بردارید تیک ایِت آف دِ تِیبل
- * Take my advice نصیحت مرا گوش کن - به حرفم گرس بده تیک مای اَدوآیس
- * Take this way از این راه بروید تیک دیس وی



- * Take your anger out on someone else عصبانیت را بِبرِ روِ یه شخصِ دیگه خالی کن
تَبِکْ یُرْ اَنگِرْ اَوْتْ اَنْ سَامْ وَاَنْ اَلْسْ
- * Take your hands off me دستت را بنداز - دستت را بردار تَبِکْ یُرْ هِنْدزِ اَفْ مِی
- * Take your turn نوبت را رعایت کن تَبِکْ یُرْ تَرْنْ
- * Taking photograph is prohibited عکاسی ممنوع است فُتِگِرَفْ اِیْزْ پَرِهیبِیْتِدْ
- * Tell me به من بگو تَلْ مِی
- * Tell me about that girl به من در مورد آن دختر، بگو تَلْ مِی اِبَاوْتْ دَتْ گِرْلْ
- * Tell me something به من یه چیزی بگو تَلْ مِی سَامْ شِیْنِگْ
- * Telling lies is one of her faults دروغ گویی یکی از معایب اوست تَلِیْنِگْ لَایْزْ اِیْزْ وَاَنْ اَوْ هِرْ فُلْتَسْ
- * Ten dollars ده دلار تِنْ دَالَرْزْ
- * Thank God خدا را شکر تَنکْ گَاَدْ
- * Thank heavens خدا را شکر تَنکْ هَوْنَزْ
- * Thank you متشکرم - ممنون - مرسی تَنکْ یو
- * Thank you very much indeed درحقیقت، خیلی از شما ممنون هستم تَنکْ یو وِری مَآجْ اِیْنِدِیدْ
- * Thanks a lot خیلی ممنون تَنکْسْ اِلَآتْ
- * Thanks a million بینهایت ممنونم تَنکْسْ اِ مِیْلِیْنْ
- * Thanks for everything بابت همه چیز، ممنونم تَنکْسْ فَرْ اَوْرِشِیْنِگْ
- * Thanks for the lift ممنون از اینکه مرا رساندید (با ماشین) تَنکْسْ فَرْ دِ لِیْفْتْ
- * Thanks for the ride ممنون از اینکه مرا رساندید (با موتور یا دوچرخه) تَنکْسْ فَرْ دِ رَایْدْ
- * That burns me up اون منو می سوزونه (آتش میزنه) دَتْ بَرْنَزْ مِی اَپْ
- * That is out of question این مسئله، خارج از موضوع است دَتْ اِیْزْ اَوْتْ اَوْ کَوَاسِجِنْ
- * That makes sense حالا شد یه چیزی دَتْ مِیْکْسْ سِنْسْ
- * That place is too ritzy for us اون مکان (آن جا) به گروهِ خونیِ ما نمی خورد (خیلی مُجَلَلْ است)
دَتْ پِلِیْسْ اِیْزْ تُو رِیْتِسی فَرْ اَسْ
- * That sounds good خوب به نظر می آید (از طریق گوش) دَتْ سَاوَنْدزْ گُوْدْ

- * That sounds like a good idea دَت سَاوَنَدز لَآيَكُ اِگود آيدِيَا به نظر، عقیده ی خوبی می باشد
- * That sounds like a plan دَت سَاوَنَدز لَآيَكُ اِ پَلَنُ این شد یه حرفی
- * That was a silly talk دَت وَاَز اِ سِلِي تَاكُ آن حرف احمقانه ای بود
- * That's it دَتْس اِيَتُ خودش است
- * That's a cock and bull story دَتْس اِ كَاكُ اَنَد بُلُ سَتْرِي آن چرت و پرت است
- * That's a good idea دَتْس اِ گود آيدِيَا فکر (نظر) خوبی است
- * That's a great idea دَتْس اِ گَرِيَتُ آيدِيَا فکر بکری است
- * That's a marvelous idea دَتْس اِ مَاروِلْسُ آيدِيَا فکر محشری است
- * That's a money for jam دَتْس اِ مَانِي فَرُ جَمُ آن پول باد آورده است
- * That's a relief دَتْس اِ رِيلِيْفُ راحت شدم
- * That's all دَتْس اَلُ کافی است
- * That's as obvious as a bright daylight (موضوع) مِثِل رُوْز، رُوْشِن اِسْت
- * That's beyond a joke دَتْس اَز اَبُوِي اِس اَز اِ بَرَايْتُ دِيَلَايْتُ شوخی نمی کنم - از شوخی گذشته
- * That's clean as a whistle دَتْس اِ كِيلِيْنُ اَز اِ وِيسِلُ (موضوع) مِثِل رُوْز رُوْشِنِه
- * That's correct دَتْس كُرْكُتُ درست است
- * That's enough دَتْس اِيَنَافُ کافی است
- * That's fine with me دَتْس فَايْنُ وِيْتُ مِي برای من خوب است
- * That's not something doubtful دَتْس نَاتُ سَامُ ثِيْنِكُ دَاوْتَفُوْلُ آن چیز شک برانگیزی نیست
- * That's not true دَتْس نَاتُ تُوْرُو حقیقت ندارد - درست نیست
- * That's nothing new دَتْس نَاثِيْنِكُ نِيُو چیز جدیدی نیست - تعجبی ندارد
- * That's right دَتْس رَايْتُ درست است - درست است - حقیقت دارد
- * That's so hard to deal without you دَتْس سُو هَارْدُ تُو دِيْلُ وِيْتُ اَوْتُ يُو بدون شما سپری کردن خیلی سخته
- * That's the naked truth دَتْس دِ نِيَكِدُ (نِيَكِيْد) تُوْرُوْتُ این حقیقت محض است
- * That's too much دَتْس تُو مَآجُ خیلی زیاد است
- * That's totally clear دَتْس تَتَالِي كِيلِيْبُرُ کاملاً واضح است
- * That's true دَتْس تُوْرُو حقیقت دارد



- ★ That's very cheap دَسْ وِی جِیْبُ خیلی آرزان است
- ★ That's very kind of you یو دَسْ وِی کائِنْدِ آو یو نظر لطف شماست - خیلی لطف دارید
- ★ That's wrong دَسْ رَانْگْ اشتباه است - غلط است
- ★ The audience poured out دِ اَدِیَانْسْ (اَدِیَانْسْ) پُرْدِ آوْتْ جمعیت بیرون ریختند
- ★ The best of luck for you یو دِ بَسْتِ آو لاکْ فُر یو با آرزوی بهترین موفقیت برای شما
- ★ The blue one دِ بولو وَاَنْ (اون رنگ آبی) (اون آبی)
- ★ The blue one is cheap دِ بولو وَاَنْ ایز جِیْبُ رنگ آبی، ارزان است
- ★ The blue ones دِ بولو وَاَنْزْ اون رنگ آبی ها
- ★ The blue ones are mine دِ بولو وَاَنْزْ آر مَایْنِ رنگ آبی ها، مال من هستند
- ★ The cat's got your tongue? گربه زبونت را گاز گرفته؟ - چرا حَرْفِ نمی زنی؟
دِ کَتْسْ گاتْ یُرْ تَانْگْ؟
- ★ The day after دِ دِیْ اَفْتَرِ روز بعد
- ★ The Doctor turned him away دِ داکْتَرِ تِرْنِدِ هِیْمِ اوی دکتر او را جواب کرد
- ★ The door of the car is dented دِ دُرِ آو دِ کَارِ ایزِ دِنْدِ در ماشین، قُر شده
- ★ The green one is expensive دِ گِرِیْنِ وَاَنْ ایزِ اِکْسِپَنْسِیو آن رنگ سبزه، گران است
- ★ The house is vacant دِ هَاوْسْ ایزِ وِکِنْتْ آن خانه، خالی است
- ★ The meeting was put off until tomorrow دِ مِیْتِیْنْگْ وَاَزِ پوْتْ آفْ اِنْتِیْلِ تومارْ جلسه تا فردا به تعویق افتاد
- ★ The more the better دِ مَرْ دِ بَترِ هرچه بیشتر، بهتر
- ★ The night is yet young دِ نَایْتِ ایزِ یِتْ یانْگْ تازه سَرِ شب است
- ★ The other day دِ (دی) آدِرِ دِیْ روز بعد
- ★ The pay is really good دِ پَیْ ایزِ رِیْ یِلِیْ گودِ حَقُوقْشِ واقِعاً خوب است
- ★ The penny is just dropped دِ پِنِیْ ایزِ جَاسْتْ دِرَآپْتْ دوزارِشِ تازه افتاده
- ★ The pie looks good دِ پَایْ لوكْسْ گودِ آن کلوچه به نظر خوشمزه می آید
- ★ The prisoner got away دِ پِرِیزِنِرْ گاتْ اوی زندانی فرار کرد
- ★ The result will soon be evident دِ رِیزالْتْ وِیلْ سوْنْ بی اوبِدِنْتْ نتیجه به زودی آشکار خواهد شد
- ★ The Same to you دِ سِیْمِ تو یو شما هم همین طور

- * The situation calls دِ سِیْجَوَائِشِنِ کَالَزُّ * موقعیت ایجاب می کند
- * The sky will not fall in دِ اسْکَاآیْ وِیْلُ نَاتُ فَالْ اِیْنِ * آب از آب تکان نمی خورد
- * The sooner the better دِ سَوْنَرُ دِ بَیْتَرُ * هر چه زودتر، بهتر
- * The third دِ ثَرْدُ * سومین - سوّمی
- * The train leaves right away دِ تَرِیْنِ لِیُوْزِ رَآیْتُ اِوِیْ * قطار همین الان حرکت می کند
- * The whole of my life دِ هُلْ اَوْ مَآیْ لَآیْفُ * در سراسر زندگی ام
- * There and back, I'll have done it دِ اَنْدِ بَکْ، اَیْلُ هُوْ دَاَنْ اِیْتُ * تا بری و برگردی، آن را انجام داده ام
- * There is a box of matches right under your nose دِ اِیْزُ اِ بَاکْسُ اَوْ مَچِیْزُ رَآیْتُ اَنْدِرِ یُرُ نَزُّ * یک جعبه کبریت، درست دم دستت است
- * There is a lot of fuzz in the line دِ اِیْزُ اِ لَآتُ اَوْ فَآزِ اِیْنِ دِ لَآیْنِ * خط، خیلی پارازیت دارد
- * There is a way out دِ اِیْزُ اِ وِیْ اَوْتُ * به راه خلاصی است
- * There is no hope دِ اِیْزُ نُ هُبُ * آملدی نیست
- * There is no hurry دِ اِیْزُ نُ هِرِیْ * عجله در کار نیست - هیچ عجله ای نیست
- * There is no truth in what he says دِ اِیْزُ نُ تُوْرُوْثُ اِیْنِ وَاْتُ هِیْ سِیْزُ * هیچ حقیقتی در چیزهایی که او می گوید نیست
- * They are not in speaking term دِیْ اَرِ نَاتُ اِیْنِ سِیْکِیْنْگُ تَرْمُ * آن ها با هم حرف نمی زنند
- * They are twins دِیْ اَرِ تُوْاِیْنِزُ * آن ها دوقلو هستند
- * They are well matched دِیْ اَرِ وِلْ مَچْثُ * آن ها به هم می آیند
- * They know him دِیْ نُ هِیْمُ * آن ها او را می شناسند
- * They live with us دِیْ لَوِ (لِیُو) وِیْتُ اَسُ * آن ها با ما زندگی می کنند
- * They made him liquidated دِیْ مِیْدِ هِیْمُ لِیْکُوْاِیْدِیْتِیْدُ * سرش را زیر آب کردند
- * They put you in the device دِیْ پُوْتُ یُوْ اِیْنِ دِ دِیُوْآِیْسُ * آن ها شما را تحت فشار می گذارند
- * They take turns helping their mother دِیْ تِیْکُ تَرْتِزُ هِلِیْنْگُ دِرِ مَادِرِ * آن ها به نوبت به مادرشان کمک می کنند



- * Things are a little bit sour between them * رابطه ی بین آن ها، شکر آب است
- تینْکُرْ آر اِلِیْلُ بَیْتُ سَوْرِ بَیْتَوِیْنِ دِمِ
- * This chair is made of wood * این صندلی از چوب ساخته شده
- دِیْسُ چِرْ اِیْزُ مِیْدُ آوُ وُودُ
- * This day week * هفته ی آینده، همین روز
- دِیْسُ دِیْ وِیکُ
- * This food is spoiled * این غذا فاسد است
- دِیْسُ فُودِ اِیْزُ سَیْلِدُ
- * This is a non-stop flight * این یک پرواز بدون توقف می باشد
- دِیْسُ اِیْزُ اِ نَانُ - سَنَابُ فَلَایْتُ
- * This might get you in the trouble * این کار ممکن است شما را به زحمت بیاورد
- دِیْسُ مَایْتُ گِیْتُ یو اِیْنِ دِ تِرَایْلُ
- * This tea is very comforting * این چای خیلی آرام بخش است
- دِیْسُ تِی اِیْزُ وِری کَافُورْتِیْنِگُ
- * This water is not potable * این آب، آشامیدنی نیست
- دِیْسُ وَاْتِرُ اِیْزُ نَاتُ پَایْتِیْلُ
- * This will tip your life over * این زندگی را از این رو به آن رو خواهد کرد
- دِیْسُ وِیْلُ تِیْبُ یُرُ لَایْفُ اُورُ
- * Three times a week * سه بار در هفته
- ثِری تَایْمُزُ اِ وِیکُ
- * Time after time * بارها و بارها
- تَایْمُ اَفْتَرُ تَایْمُ
- * Time is gold * وقت طلاست
- تَایْمُ اِیْزُ کُلْدُ
- * Time to hit the shower * وقتش است که دوشی بگیرم (حَمَامِ کَنَمِ)
- تَایْمُ تُو هِیْتُ دِ شَاوَرُ
- * Time's over * وقت تمام است
- تَایْمُزُ اُورُ
- * Time's up * وقت تمام است
- تَایْمُزُ اَبُ
- * Tit for Tat * این به اون در
- تِیْتُ فُرُ تَتُ
- * To be honest * صادقانه بگویم - راستش را بگویم
- تُو بی اَنِسْتُ
- * To be out of * نداشتن
- تُو بی اَوْتُ اَوُ
- * To be out of order * خراب شدن
- تُو بی اَوْتُ اَوُ اُردُ
- * To be used to * عادت داشتن به
- تُو بی یوزد تُو
- * To buy at * از جایی خریدن
- تُو بَای اَتُ
- * To buy from * از کسی خریدن
- تُو بَای فِرَامُ
- * To drop by * سرزدن - دیدن - ملاقات کردن
- تُو دِرَآبُ بَایُ
- * To get used to * عادت کردن به
- تُو گِیْتُ یوزد تُو
- * To make a defence * دفاع کردن
- تُو مِیکُ اِ دِیْفِنْسُ

- * To run out of تو رَانَ آوَتِ آو * به اتمام رسیدن - تمام شدن
- * To set terms and condition تو سِتِ تَرْمَزِ اَنَدِ کَانَدِشِنِ * شرط و شروط گذاشتن
- * To sink in the morass تو سِیَنِکِ اِیْنِ دِ مُرَسِ * در منجلاب فرو رفتن
- * To some extend تو سَامِ اِکْسِنَدِ * تا حدی
- * To stop by تو سَتَابِ بَایِ * سرزدن - دیدن
- * To tell a fortune تو تَلِ اِ فُرچُونِ * آینده را پیش بینی کردن
- * To tell a joke تو تَلِ اِ جُکِ * جوک گفتن
- * To tell a lie تو تَلِ اِ لَآیِ * دروغ گفتن
- * To tell a secret تو تَلِ اِ سِیْکِرَتِ * راز کسی را گفتن
- * To tell a story تو تَلِ اِ سَتْرِیِ * داستان گفتن
- * To tell a tale تو تَلِ اِ تَیْلِ * داستان گفتن
- * To tell the difference تو تَلِ دِ دِیْفِرِنْسِ * اختلاف را گفتن
- * To tell the time تو تَلِ دِ تَایْمِ * زمان (وقت) را گفتن
- * To tell the truth تو تَلِ دِ تُوْرُوْثِ * در حقیقت - راستش را بگم
- * To the best of my ability تو دِ بَسْتِ آوِ مَآیِ اَبِیْلِیْتِ * تا آنجایی که من می دانم
- * To the best of my knowledge تو دِ بَسْتِ آوِ مَآیِ نَآلِجِ * تا آنجایی که من می دانم
- * To the best of my recollection تو دِ بَسْتِ آوِ مَآیِ رِکَالِکْشِنِ * تا آنجا که به خاطر می آورم
- * Too much تو مَآجِ * خیلی زیاد
- * Top left تَآپِ لَفْتِ * به خدا قسم
- * Trust me تَرَاَسْتِ مِیِ * به من اعتماد کن
- * Try your best تَرَاَیِ یُرِ بَسْتِ * تمام تلاشت را بکن
- * Try your greatest effort تَرَاَیِ یُرِ گَرِیْتِسْتِ اِفْرَنْتِ * نهایت سعیت را بکن
- * Trying to make an honest money تَرَاَیِ اِیْنِگِکِ تو مِیْکِ اَنْ اَنَسْتِ مَآنِیِ * سعی می کنم به لقمه نانِ شرافتمندانه بدست بیاورم
- * Twice a week تو آوِیْسِ اِ وِیْکِ * دوبار در هفته
- * Twist the lion's tail تو اِیْسْتِ دِ لَآیْنِزِ تَیْلِ * با دم شیر بازی کردن
- * Two hundred dollars تو هَآنْدَرِدِ دَالْرَزِ * دویست دلار



Learn English Rapidly

- * Two sons of his are doctors دو تا از پسرهایش، دکتر هستند تو سائز آو هیز آر داکترز
- * Two years has elapsed since that event از آن واقعه دو سال گذشته است تو پرز هز الپسد سینس دت ایونت
- * Used to سابقاً یوس تو
- * Very briefly tell me what went on خلاصه بگو که چی شد وری بیرفلی تل می وات ونت آن
- * Very much بسیار - خیلی زیاد وری ماج
- * Wait a minute یک دقیقه صبر کن ویت ا مینت
- * Wait a moment یک لحظه صبر کن ویت ا ممنت
- * Wait a second یک ثانیه صبر کن ویت ا سکند
- * Wake up بیدار شو ویک آپ
- * wake up , lazy bones آی تنبل ، بلند شو ویک آپ، لیزی بتز
- * Was it an accident or a design? آن اتفاقی بود یا عمدی؟ واز ایت آن اکسیدنت آر ا دیزاین؟
- * Watch up مراقب باش - بپا وآج آپ
- * Watch your mouth مواظب صحبت کردن باش وآج بر ماوت
- * Watch your tongue مواظب حرف زدن باش وآج بر تانگ
- * We are in bad terms با هم رابطه ی زیاد خوبی نداریم وی آر این بد ترمز
- * We are out of sugar شکر نداریم وی آر آوت آو شوگر
- * We belong to each other ما متعلق به یک دیگر هستیم وی بیلانگ تو ایچ آدر
- * We came to a fight ما دعوا کردیم - دعوامون شد وی کیم تو ا فایت
- * We have work to do باید به کارها برسیم وی هو ورك تو دو
- * We will sort it out با صحبت آن را حل خواهیم کرد وی ویل سرت ایت آوت
- * We will work it out ما کارها را رو به راه خواهیم کرد وی ویل ورك ایت آوت
- * Well attended خسته نباشی ول اتندد
- * Well done آفرین - خسته نباشی - کارت عالی بود ول دان
- * Well done indeed گلی به گوشه ی جمالت - واقعاً که آفرین ول دان ایندید
- * Well known مشهور - معروف - شناخته شده ول نن



- * What can I do for you? (چه کار می توانم برایتان بکنم؟)
وَأَنْتَ كَنْ آي دُو فُرُ بُو؟
- * What can I tell you? چی می توانم بگم؟
وَأَنْتَ كَنْ آي تَلُ بُو؟
- * What did you ask? چه سؤالی کردید؟ (چی پرسیدید؟)
وَأَنْتَ دِيدِ بُو اَسْكَ؟
- * What did you do last weekend? هفته ی گذشته، چه کار کردی؟
وَأَنْتَ دِيدِ بُو دُو لَسْتِ وَيَكُنْدُ؟
- * What did you do last year? سال گذشته، چه کار کردی؟
وَأَنْتَ دِيدِ بُو دُو لَسْتِ بِرُ؟
- * What did you mean? منظور چی بود؟
وَأَنْتَ دِيدِ بُو مِينُ؟
- * What did you say? چی گفتی؟
وَأَنْتَ دِيدِ بُو سِيْ؟
- * What do you care? تو، چه اهمیتی می دهی؟
وَأَنْتَ دُو بُو كَرُ؟
- * What do you do for a living? برای امرار معاش چه کار می کنی؟
وَأَنْتَ دُو بُو دُو فُرُ اَلْيُونِكُ؟
- * What do you do? شغلت چیه؟ - چه کار می کنی؟
وَأَنْتَ دُو بُو دُو؟
- * What do you know about me? درباره ی من چی می دانی؟
وَأَنْتَ دُو بُو نُ اِبَاوْتِ مِيْ؟
- * What do you mean? منظور چیه؟
وَأَنْتَ دُو بُو مِينُ؟
- * What do you recommend? شما چی توصیه می کنی؟
وَأَنْتَ دُو بُو رِكَامِنْدُ؟
- * What do you suggest? شما چی پیشنهاد می کنی؟
وَأَنْتَ دُو بُو سَاجِسْتُ؟
- * What do you think? تو چی فکر می کنی؟
وَأَنْتَ دُو بُو ثِينِكُ؟
- * What do you usually do on weekends? معمولاً تعطیلات آخر هفته، چه کار می کنی؟
وَأَنْتَ دُو بُو بُوژوَالِيْ دُو اَن وَيَكُنْدُ؟
- * What do you want me to say? چی می خواهی که بگم؟
وَأَنْتَ دُو بُو وَاَنْتِ مِيْ تُو سِيْ؟
- * What do your parents do? والدینت چه کار می کنند؟ (چه کاره هستند؟)
وَأَنْتَ دُو بُو رِئِسْ دُو؟
- * What does she eat? او چی می خورد؟
وَأَنْتَ دَاژ شِيْ اَيْتُ؟
- * What does she think about me? او در مورد من چه فکری می کند؟
وَأَنْتَ دَاژ شِيْ ثِينِكُ اِبَاوْتِ مِيْ؟
- * What does your best friend look like? بهترین دوستت چه شکلی است؟
وَأَنْتَ دَاژ بُرُ بَسْتِ فَرِنْدِ لُوکُنْ لَآيْکُنْ؟

- * چه اتفاقی افتاد؟ وَاَتْ هِنْد؟ * What happened?
- * آن به چه دردی می خورد؟ وَاَتْ ايزُ دَتْ گودُ فُر؟ * What is that good for?
- * چندمین فرزند خانواده هستی؟ وَاَتْ ايزُ يُرُ بَرْتْ اَزْدُر؟ * What is your birth order?
- * ورزش مورد علاقه ی شما چیست؟ وَاَتْ ايزُ يُرُ فَيُورِيتْ سِهْرْتْ؟ * What is your favorite sport?
- * تعطیلی مورد علاقه ی شما چیست؟ وَاَتْ ايزُ يُرُ فَيُورِيتْ وِکِيشِن؟ * What is your favorite vacation?
- * چه نوع شغلی داری؟ وَاَتْ کَايتِنْدِ اَوِ جَابْ دُو يُو هُو؟ * What kind of job do you have?
- * چه نوعی از فیلم ها را دوست داری؟ وَاَتْ کَايتِنْدِ اَوِ مَوِيْزُ دُو يُو لَآيْکْ؟ * What kind of movies do you like?
- * ديگه چی! - چشم روشن! - بعدش چی! وَاَتْ نِکْتْ! * What next!
- * من چه کار باید بکنم؟ وَاَتْ شُودِ آيْ دُو؟ * What should I do?
- * What should you do if you lose your passport?
اگر پاسپورتت را گم کنی، چه کار باید بکنی؟ وَاَتْ شُودِ يُو دُو ايفُ يُو لوزُ يُرُ پَسِهْرْتْ؟
- * What should you do if you lose your wallet?
اگر کیف پولت را گم کنی، چه کار باید بکنی؟ وَاَتْ شُودِ يُو دُو ايفُ يُو لوزُ يُرُ وَاَلْتْ؟
- * وقتی که او را می بینی، چه کار باید بکنی؟ وَاَتْ شُودِ يُو دُو وِنُ يُو سِي هِرْ؟ * What should you do when you see her ?
- * صبح چه ساعتی بلند می شوی؟ وَاَتْ تَايْمُ دُو يُو گِتْ اَبُ اَيْنِ دِ مَرْنِنگْ؟ * What time do you get up in the morning?
- * معمولاً چه ساعتی بلند می شوی؟ وَاَتْ تَايْمُ دُو يُو يُوْوَالِي گِتْ اَبُ؟ * What time do you usually get up?
- * ساعت چند است؟ وَاَتْ تَايْمُ ايزُ ايتْ؟ * What time is it?
- * چه ساعتی صبحانه سرو می شود؟ وَاَتْ تَايْمُ ايزُ دِ بَرِکْفِسْتْ سِرُودْ؟ * What time is the breakfast served?
- * دوست داری چی بنوشی؟ وَاَتْ وُودِ يُو لَآيْکْ تُو دِيرِنِکْ؟ * What would you like to drink?
- * به تو چه ربطی دارد؟ وَاَتْسُ ايتْ تُو يُو؟ * What's it to you?



- * What's that to you? وَاَتَسُّ دَتَ تُو یو؟ به شما چه مربوط است؟ - به تو چه؟
- * What's the job? وَاَتَسُّ دِ جَابْ؟ آن (کار) شغل، چیست؟
- * What's the last news? وَاَتَسُّ دِ لَسْتُ نیوز؟ چه خبر تازه ای دارید؟ - آخرین خبر، چیه؟
- * What's the most exciting thing you've ever done? وَاَتَسُّ دِ مُسْتِ اِکْسَاپْتِیَنِکْ نِیَنِکْ یوؤ اَوِرِ دَاَنْ؟
 * مَهِیج تَرین کَاری کِه تَاکُنون اِنجَام دَاده ای، چِیست؟
- * What's your favorite color? وَاَتَسُّ یُرِ فِیورِیْتِ کَالَرْ؟ رَنگ مَورد عِلاقه ی شِما چِیه؟
- * What's your favorite restaurant? وَاَتَسُّ یُرِ فِیورِیْتِ رِستورَنْتِ؟ رِستوران مَورد عِلاقه ی شِما چِیه؟
- * What's your job? وَاَتَسُّ یُرِ جَابْ؟ شُغلت چِیه؟
- * What's your occupation? وَاَتَسُّ یُرِ اَکِیوِیْشِنْ؟ شُغلت چِیه؟
- * Whatever I have is yours وَاَتِ اَوِرِ آئی هُو اِیْزِ یُرِ هَر چِی کِه دَارم، مُتَعَلق بَه شِماست
- * Whatever made you think that...? وَاَتِ اَوِرِ مِیْدِ یو نِیَنِکْ دَتِ...؟ چِی بَاعث شُد، فِکَر کُنی کِه ...؟
- * What's bothering you? وَاَتَسُّ بَاذِرِیَنِکْ یو؟ چِی دَاره تورا اذِیت می کَنه؟
- * What's going on here? وَاَتَسُّ گَایَنِکْ اَن هِیِرْ؟ اِیْنجا چِه خَبر است؟
- * What's happening? وَاَتَسُّ هَپِنِیَنِکْ؟ چِه اِنفَاقی دَاره می افته؟
- * What's she like? وَاَتَسُّ شِی لَایْکْ؟ قِیافه اش چِطوَری است؟
- * What's so funny? وَاَتَسُّ سُ فَاَنی؟ کِجاش خَنده دَار است؟
- * What's the date? وَاَتَسُّ دِ دِیْتِ؟ اَمروز چِه تَارِیخی است؟ - اَمروز چَندَم است؟
- * What's the matter with you? وَاَتَسُّ دِ مِتَرِ وِیْتِ یو؟ چِی شُدِه؟ - چَته؟ - چِه مَرگِته؟
- * What's the pay like? وَاَتَسُّ دِ پِی لَایْکْ؟ حَقوق و مَزایا، چِطوَر است؟
- * What's the problem? وَاَتَسُّ دِ پَرَاپْلَمْ؟ مُشکَل چِیه؟ - مَسْئله چِیه؟
- * What's the time, please? وَاَتَسُّ دِ تَایْمِ، پِلیزْ؟ لَظفَاً (بِگوئید) سَاعَت چَند است؟
- * What's up? وَاَتَسُّ آپْ؟ چِه خَبر؟ - چِی شُدِه؟
- * What's wrong with you? وَاَتَسُّ رَاَنِکْ وِیْتِ یو؟ مُشکَلت چِیه؟ - چِه مَرگِته؟
- * What's wrong? وَاَتَسُّ رَاَنِکْ؟ مُشکَل چِیه؟ - مَسْئله چِیه؟
- * What's your name? وَاَتَسُّ یُرِ نِیْمْ؟ اِسْمَت چِیه؟

- * When do you feel bored? وَنِ دُو یو فیل بُرد؟ چه موقع شما خسته می شوید؟
- * When donkeys fly وَنِ دَانْکِیزُ فَلَایُ وقت گُلِ نی - هرگز
- * When I was younger وَنِ آئی وَآز یَانْکِرُ وقتی که جوان تر بودم
- * When is your birthday? وَنِ ایزُ یُرِ بِرْثِ دِی؟ تولدت، چه موقع است؟
- * When you aren't around, things aren't the same

وَ نِ یو آر نِتْ آر آو نِد، تِینْکُرْ آر نِتْ دِ سِیْمِ

- * وقتی که شما نیستید، انگار هیچی مثل قبل نیست
- * Whenever the situation arises وَ نِ اَوِرُ دِ سِیْجِوایشِنِ اِرْاِیزُ هر وقت که موقعیت پیش بیاید
- * Whenever you go وَ نِ اَوِرِ یو گُ هر وقت که بروی
- * Whenever you want وَ نِ اَوِرِ یو وَا نِتْ هر وقت که تو بخواهی
- * Where are you from? وَرِ آر یو فِرْآم؟ اهل کجایی؟
- * Where are you off to? وَرِ آر یو آفْ تُو؟ کجا داری می ری؟
- * Where are you? وَرِ آر یو ؟ کجا هستی؟
- * Where did you get that dent? وَرِ دِیدِ یو گِتْ دَتْ دِنْتْ؟ کجا زدی آن را فُر کردی؟
- * Where did you grow up? وَرِ دِیدِ یو گِرْ آفْ؟ کجا بزرگ شدی؟
- * Where do you usually eat dinner? شِما مَعْمُولاً کِجَا شامِ می خورید؟

وَ رِ دُو یو یوژوَالِی اِیْتْ دِینِرْ؟

- * Where have you been? وَرِ هُو یو بِیْنِ؟ کجا بودی؟ - (کجا بوده ای)
- * Where is he? وَرِ ایزُ هِی؟ او کجاست؟
- * Where is your family from? وَرِ ایزُ یُرِ فَمِیلِی فِرْآم؟ خانواده ات اهل کجا هستند؟
- * Where were you born? وَرِ وَرِ یو بُرْنْ؟ کجا متولد شدی؟
- * Where were you? وَرِ وَرِ یو ؟ کجا بودی؟
- * Where's the best place to shop? بَهِتَرِینِ مَکانِ بَرایِ خَریدِ، کِجَا اسْت؟ بهترین مکان برای خرید، کجا است؟

وَ رِزِ دِ بِسْتِ پِلِیسْ تُو شَابْ؟

- * Where's your hometown? وَرِزِ یُرِ هُمْ تَاوْنْ؟ زادگاه شما کجاست؟
- * Wherever you go وَرِ اَوِرِ یو گُ هر کجا که بروی
- * Which school are you studying at? دَرِ کِدامِ مَدْرَسَه مَشْغُولِ تَحْصِیلِ هستی؟

وَ یِجْ سَکُولِ آر یو سَتادِیْنْگْ اَتْ؟



- * Who are you going with? هو آر یو گُ اَیْنِگُ ویتْ؟ * با کی داری می ری؟
- * Who cares? هو کَرَزْ؟ * چه کسی اهمیت می دهد؟
- * Who do you think you are? هو دو یو تُیْنِکُ یو آر؟ * فکر می کنی کی هستی؟
- * Who do you live with? هو دو یو لَوِ لَوِ (لیو) ویتْ؟ * با کی زندگی می کنی؟
- * Who do you think you are talking to? هو دو یو تُیْنِکُ یو آر تَاکِیْنِگُ تو؟ * فکر می کنی داری با کی حرف می زنی؟
- * Who do you want to speak to? هو دو یو وَاَنْتُ تو سَپِکُ تو؟ * با کی می خواهی حرف بزنی؟
- * Who do you want to talk? هو دو یو وَاَنْتُ تو تَاکُ؟ * با کی می خواهی صحبت کنی؟
- * Who do you wish to talk? هو دو یو وِیْشُ تو تَاکُ؟ * با کی آرزو داری صحبت کنی؟
- * Who ever said that? هو اَوِرِ سِدِ دَتْ؟ * اصلاً چه کسی این حرف را گفت؟
- * Who is it? هو ایزْ ایتْ؟ * اون دیگه کیه؟
- * Who is there? هو ایزْ دِرْ؟ * کی اونجاست؟
- * Who is your best friend? هو ایزْ یِرِ بَسْتِ فَرِنْدْ؟ * بهترین دوست شما، کیست؟
- * Who is your reference? هو ایزْ یِرِ رِفَرِنْسْ؟ * معرف شما کیست؟
- * Who knows? هو نُزْ؟ * کی می دونه؟
- * Who told you that? هو تَلْدِ یو دَتْ؟ * کی اونو بهت گفت؟
- * Who was it? هو وَاَزِ ایتْ؟ * چه کسی بود؟ - کی بود؟
- * Whom do they know? هوْمُ دو دِیْ نُ؟ * آن ها چه کسی را می شناسند؟
- * Whom do they live With? هوْمُ دو دِیْ لَوِ (لیو) ویتْ؟ * آن ها با چه کسی زندگی می کنند؟
- * Whom do you know? هوْمُ دو یو نُ؟ * تو چه کسی را می شناسی؟
- * Who's calling? هوَزِ کَالِیْنِگُ؟ * چه کسی داره تماس می گیره؟ - ببخشید شما؟
- * Who's on the line? هوَزِ اَنِ دِ لَآئِنْ؟ * چه کسی پشت خط است؟
- * Who's on the phone? هوَزِ اَنِ دِ فُنْ؟ * چه کسی پشت خط است؟ - ببخشید شما؟
- * Whose fault was it? هوَزِ فُلْتُ وَاَزِ ایتْ؟ * تفسیر چه کسی بود؟
- * Why are you laughing? وَاَیْ آر یو لَفِیْنِگُ؟ * چرا داری می خندی؟
- * Why are you limping? وَاَیْ آر یو لِمِیْنِگُ؟ * چرا می شلی؟
- * Why are you usually late? وَاَیْ آر یو یوژوَالِیْ لِیْتْ؟ * چرا شما معمولاً دیر می کنید؟

- ★ Why did you do that? وَايَ دِيدِ يُو دُو دَتْ؟ چرا آن کار را کردی؟
- ★ Why didn't you tell me? وَايَ دِيدَنْتْ يُو تَلْ مِي؟ چرا به من نگفتی؟
- ★ Why does she like English? وَايَ دَا زِ شِي لَايِكْ اِيْنِگِلِيشْ؟ چرا او انگلیسی دوست دارد؟
- ★ Why don't you drop by sometimes? وَايَ دَنْتْ يُو دِرَا بْ بَايَ سَا مْ تَايْمَزْ؟ چرا گاهی به ما سرى نمى زنى؟
- ★ Why don't you answer? وَايَ دَنْتْ يُو اَنْسِرْ؟ چرا جواب نمى دهى؟
- ★ Why haven't you told me? وَايَ هَوَنْتْ يُو تَلْدِ مِي؟ چرا به من (نگفتى) نگفته اى؟
- ★ Why not? وَايَ نَا تْ؟ چرا كه نه؟
- ★ Will he name a price? وَيْلُ هِي نِيْمِ اِ پْرَايْسْ؟ آيا او قيمتى (مى گويد) مى دهد؟
- ★ Will I see her again? وَيْلُ آيْ سِي هِرْ اِگَيْنْ (اِگَيْنْ)؟ آيا دوباره او را خواهم ديد؟
- ★ Will I see you again? وَيْلُ آيْ سِي يُو اِگَيْنْ؟ مى توانم دوباره ببينمت؟
- ★ Will you excuse us, please? وَيْلُ يُو اِكْسِكِيوزْ اَسْ، پِيلِيَزْ؟ ميشه لطفاً ما را ببخشيد؟
- ★ Wishful thinking وَيَشْفُولْ تِيْنِكِنِگْ به همين خيال باش
- ★ With a lot of effort وَيْتْ اِلَاتْ اَوْ اِفْرَنْتْ با تلاش فراوان
- ★ With all my heart وَيْتْ اَلْ مَائِ هَارْتْ با تمام احساسم - با کمال ميل
- ★ With all my heart and soul وَيْتْ اَلْ مَائِ هَارْتْ اَنْدْ سُلْ با تمام (قلب و روح) وجودم
- ★ With pleasure وَيْتْ پِيلِيَزْ با کمال ميل
- ★ With whom do they live? وَيْتْ هَوْمْ دُو دِيْ لُو (لِيُو)؟ آن ها با چه كسى زندگى مى كنند؟
- ★ With your permission وَيْتْ يُو پْرَمِيشِنْ با اجازه ي شما
- ★ Without you I'm nothing وَيْتْ اَوْتْ يُو اِيْمْ نَايِنِگْ بدون تو من هيچم
- ★ Won't you come in? وَتَنْتْ يُو كَامْ اَيْنْ؟ چرا تو نمى آيى؟ - بفرماييد داخل؟
- ★ Word for word وَرْدْ فُرْ وَرْدْ كلمه به كلمه
- ★ Would I lie to you? وَوُدْ آيْ لَائِيْ تُو يُو؟ آخه من به تو دروغ مى گم؟
- ★ Would you join us? وَوُدْ يُو جِيْنْ اَسْ؟ مى خواهى به ما ملحق بشى؟
- ★ Would you like me to do anything for you? وَوُدْ يُو (وُوخْ يُو) لَائِيْكْ مِي تُو دُو اِيْنِشِنِگْ فُرْ يُو؟ آيا ميل دارى، كارى برايت انجام بدهم؟
- ★ Would you like to go out for dinner? وَوُدْ يُو لَائِيْكْ تُو گْ اَوْتْ فُرْ دِيْنِرْ؟ آيا دوست داريد كه براى صرف شام بيرون برويد؟



- * آیا دوست داری اینجا کار بکنی؟ وود یو لایکُ تو وُرک هیِر؟
- * همیشه خواهش کنم به من یه لُطفی بکنی؟
- * Would you please do me a favor?
- وود یو پیلیزُ دو می اِ فی وِر؟
- * Would you please elaborate on it more? همیشه لطفاً در مورد آن بیشتر توضیح دهید؟
- وود یو پیلیزُ اَلْبَرِیتُ اَن ایت مُر؟
- * Would you please explain on it further? همیشه لطفاً در مورد آن بیشتر توضیح دهید؟
- وود یو پیلیزُ اِکْسپِلینُ اَن ایت فِرْدِر؟
- * Would you please give it to me همیشه لطفاً آن را به من بدهید؟ وود یو پیلیزُ گیو ایتُ تو می؟
- * Would you stop worrying? همیشه دیگه نگران نباشی؟ وود یو سَتَابُ وُرینگُ؟
- * Write on every other line یک خط در میان بنویس
- رَایتُ اَن اوری اَدِر لَاینُ
- * Yellow press مطبوعات جنجالی
- یَلُ پِرِسُ
- * Yes, I'm always on time بله من همیشه به موقع حاضر هستم
- یِس اَیمُ اَلوِیزُ اَن تَایْمُ
- * Yes, sir بله قربان - بله آقا
- یِس، سِرُ
- * You are exception شما استثناء هستید - شما فرق می کنید
- یو آر اِکْسپِشِنُ
- * You are excused شما بخشیده شدید
- یو آر اِکْسکیوزدُ
- * You are foolish تو احمق
- یو آر فوولیشُ
- * You are in your turf منزل خودتونه
- یو آر اینُ یِرُ تِرْفُ
- * You are joking! شوخی می کنی!
- یو آر جُکینگُ!
- * You are just hearing things فقط خیالاتی شدی
- یو آر جَاسْتُ هیرینگُ نینگزُ
- * You are just the pick of the bunch تو واقعاً گلِ سر سبّدی
- یو آر جَاسْتُ دِ پیکُ اَو دِ بانچُ
- * You are looking good خوش تیپ شدی - قشنگ به نظر می آیی
- یو آر لوکینگُ گودُ
- * You are most welcome قدمتان به روی چشم - خیلی خوش آمدید
- یو آر مُسْتُ وِلکَآمُ
- * You are right حق با شماست - شما راست می گوید
- یو آر رَایتُ
- * You are seeing stars خیالاتی شدی
- یو آر سی اینگُ ستارزُ
- * You are seeing things خیالاتی شدی
- یو آر سی اینگُ نینگزُ
- * You are spoiling him شما دارید او را لوس می کنید
- یو آر سِپلینگُ هیمُ
- * You are stupid تو احمق
- یو آر سْتیویدُ
- * You are very kind شما خیلی مهربان هستید - شما خیلی لُطف دارید
- یو آر وری کَآیندُ

- * You are welcome خواهش می کنم - قابلی نداره - خوش آمدید یو آر ول کام
- * You are wrong شما اشتباه می کنید یو آر رانگ
- * You aren't kidding me, are you? شوخی که نمی کنی، می کنی؟ یو آرنت کیدینگ می، آر یو؟
- * You aren't lying, are you? دروغ که نمی گویی، اینطور نیست؟ یو آرنت لای اینگ، آر یو؟
- * You bet you صد در صد مطمئن باش یو بت یو
- * You can count on me می توانی رو من حساب کنی یو کن کاؤنت آن می
- * You can't count on him شما نمی توانید روی او حساب کنید (آبی آزش گرم نمی شود) یو کنت کاؤنت آن هیم
- * You devil you ای شیطون - ای ناقلا - ای کلک یو دول یو
- * You did a good job کارت را خوب انجام دادی - آفرین یو دید ا گود جاب
- * You don't look well ظاهراً سلامت نیستی - خوب به نظر نمی آیی یو دنت لوک ول
- * You got a nerve خیلی جرأت داری - خیلی ترس هستی یو گات ا نرو
- * You had better go now بهتر است همین الان بروی یو هد بتر گ ناو
- * You have no right تو هیچ حقی نداری یو هو ن رایت
- * You have no right to protest تو حق اعتراض نداری یو هو ن رایت تو پرتست
- * You have to make an extension of your visa شما باید ویزای خود را تمدید کنید یو هف تو میک ان اکستین او بر ویزا
- * You have to pay your debt باید (مجبوری) بدهی را پردازی یو هف تو پی بر دت
- * You know how unreasonable she is تو می دانی که او چقدر غیر منطقی است یو ن هاو آنریزبل شی ایز
- * You know what I mean تو می دانی که منظورم چیست یو ن وات آی مین
- * You know what I wish تو می دانی که چی دلم می خواهد یو ن وات آی ویش
- * You look older than your age به نظر، مسن تر می آیی یو لوک الدردن بر ایج
- * You look up to her تواز او پیروی (تقلید) می کنی یو لوک آپ تو هر
- * You look white as a ghost! مثل روح سفید به نظر می آیی (رنگت مثل گچ سفید شده) یو لوک وایت از ا گستا
- * You look younger than your age جوان تر از سنت به نظر می آیی یو لوک یانگر دن بر ایج



- * You made a monkey out of her از او به میمون ساختی (خیلی کنفتش کردی)
 یو مید ا مانکی اوت آو هر
- * You make me laugh تو من را به خنده می اندازی
 یو میکن می لف
- * You may do as you like هرطوری که دلت می خواهد، انجام بده
 یو می دو آز یو لایک
- * You maybe run by a car ممکن است زیر ماشین بری
 یو میبی ران بای ا کار
- * You mean a world to me تو برای من یک دنیا ارزش داری
 یو مین ا وِلد تو می
- * You must be crazy if ... باید احمق شده باشی اگه ...
 یو ماست بی کریزی ایف ...
- * You ought to know better شما باید بهتر بدانید
 یو ات تو (آت تو) ن بتر
- * You Put your finger on it گل گفتمی - زدی به هدف
 یو پوت یو فینگر آن ایت
- * You seem upset به نظر غمگین می آیی
 یو سیم آپست
- * You should meet each other in half way شما باید با یک دیگر، کوتاه بیایید
 یو شود میت ایچ آدر این هف وی
- * You too! شما هم، همین طور!
 یو تو!
- * You were a grind on the nerve خیلی اعصابمان را خرد کردی
 یو ور ا گرایند آن د نرو
- * You're really cool خیلی باحالی - واقعاً باحالی
 یور ری یلی کول
- * You're out of your mind عقل از سرت، پریده
 یور اوت آو یو مایند
- * Yours truly ارادتمند شما - چاکر شما
 یورز تورولی
- * Yours truly will do his best چاکر شما، نهایت تلاشش را خواهد کرد
 یورز تورولی ویل دو هیز بست
- * Zip up your lip هیچی نگو - زیپ دهنت را بکش
 زیپ آپ یو لیب

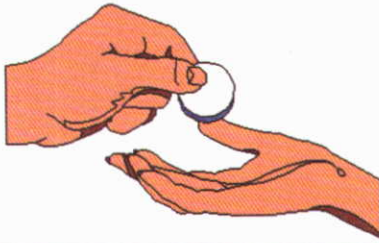
If you want to know the value of money,
go and try to borrow some !!!!!!!

ضرب المثل های انگلیسی

بخش
چهارم

PROVERBS





A bad penny always comes back

ا بَد پَنِي اَلْوَيْزُ كَاَمْرُ بَكْ

سِكِّهٖ ي بَد هَمِيْشَهٗ بَه دَسْتِ خُوْد اَدَم بَر مِي گَرْدَد
(مَال بَد، بِيخ رِيْشِ صَاْحِبِش اَسْت)

A bad thing never dies

ا بَد تِيْنِگْ نُوْر دَايْزُ

(بَادِمِجَان بَم، اَفْت نَدَارَد) يَه چِيْزِ بَد، هَر گِزِ نَمِي مِيْرَد

A bad workman blames his tools

ا بَد وِرْك مَن پَلِيْمَزُ هِيْزُ تُوْلَزُ

(عَرُوْس نَمِي تُوْنَه بَرَقِصَه، مِيْگَه زَمِيْن كَجَه) كَار گِر بَد، هَمِيْشَه اَبْرَاش رَا مَقْصُر مِي دَانَد

A big head has a big ache

ا بِيْگْ هِدْ هَزْ ا بِيْگْ اَكْ

(هَر كَه بَامِش بِيْش، بَر فِش بِيْشْتَر) سَر بَرْزِگْ، دَرْد زِيَادِي دَارَد

A bird in hand is worth two in the bush

ا بَرْد اِيْنْ هَنْد اِيْزُ وُرْثِ تُو اِيْنِ دِ بُوْشْ

يَك پَرْنَدَه دَر دَسْتِ دَاشْتِن، بَهْتَر اَز دُو پَرْنَدَه دَر بُوْتَه زَار اَسْت (سِيْلِي نَقْد بَه اَز حَلْوَايِ نِسِيَه اَسْت)

A book is like a garden carried in the pocket

ا بُوْكِ اِيْزُ لَايْكْ اِ گَارْدَنِ كَرِيْد اِيْنِ دِ پَاكِتْ

يَك كِتَابِ مِثْلِ بَاغِي اَسْت كَه دَر جِيْبِ حَمَلِ مِي شُوْد

A broken hand works, but not a broken heart

ا بَرِكْنِ هَنْد وِرْكْسْ، بَاْتِ نَاْتِ اِ بَرِكْنِ هَاْرْتِ

دَسْتِ شَكْسْتَه كَارِ مِي كَنْد اَمَّا قَلْبِ شَكْسْتَه نَه

A burnt child dreads fire

ا بَرْنْتْ چَايْلْدِ دَرْدِزِ فَايْرْ

(مَار گِزِيْدَه اَز رِيْسْمَانِ سِيَاهِ وَ سَفِيْدِ مِي تَرَسْد) بَجَه ي سوْخْتَه اَز اَتَشِ وَاَهْمَه دَارَد

A cat has nine lives

ا كْتْ هَزْ نَايْنِ لَايُوْزْ

(گِرَبَه ۹ جَانِ دَارَد) گِرَبَه هَفْتِ جَانِ دَارَد

A change is as good as a rest

ا چِيْنِجْ اِيْزُ اَزِ گُوْدِ اَزِ ا رِسْتْ

تَغْيِيْرِ وَ تَنْوَعِ، بَه خُوْبِي يَكِ اسْتِرَاحَتِ اَسْت

A clear conscience fears no accusation

ا كَلِيْبِرْ كَاْتَشْنِسْ فَيْرِزْ نْ اَكِيُوْزِيْشِنْ

وَجْدَانِ پَاكِ هِيْجِ تَرْسِي اَزِ مُتَهَمِ شَدْنِ نَدَارَد (اَنْ رَا كَه حَسَابِ پَاكِ اَسْت اَزِ مُحَاسِبَه چَه بَاكِ اَسْت)

A clear conscience is a soft pillow

ا كَلِيْبِرْ كَاْتَشْنِسْ اِيْزُ ا سَاْفْتْ پِيْلْ

(اَنْ رَا كَه حَسَابِ پَاكِ اَسْت اَزِ مُحَاسِبَه چَه بَاكِ اَسْت) وَجْدَانِ زَلَالِ مَانَنْدِ بَالَشِ نَرْمَه

A close friend can become a close enemy

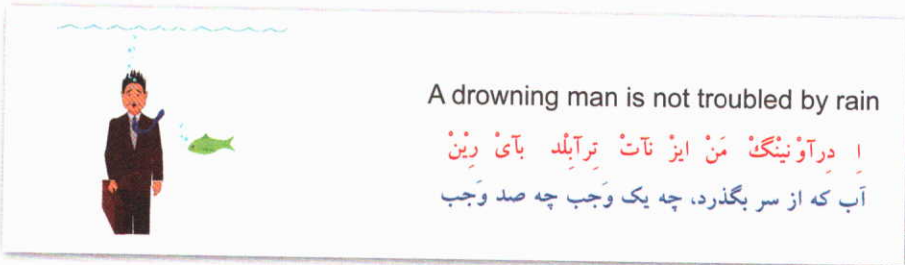
ا كَلْسْ فِرَنْدِ كَنْ بِيْكَامْ اِ كَلْسْ اِنْمِي

دُوْسْتِ نَزْدِيْكَ، مِي تُوَاَنْدِ دَشْمَنْ نَزْدِيْكَ بَاشَد

A closed mouth catches no flies

ا كَلْزْدِ مَاوْثْ كَجِيْزِ نْ فِلَايْزِ

دِهَانِ بَسْتَه هِيْجِ مِگْسِي رَا نَمِي گِيْرَد



A drowning man is not troubled by rain

اِ دِرَاوَنِيَنگَ مَن اِيَز نَات تِرَا بِلِد بَاي رِيَن
آب که از سر بگذرد، چه یک و چه صد و چه

A constant guest is never welcome

کَانَسْتَنَت گَسْت اِيَز نَوْر وِلکَام
(مهمان تا سه روز عزيز است) به مهمان دائمی هرگز خوشامد نمی گویند

A creaking door hangs longest

کِيرِيکِيَنگ دُر هِنگَر لَانگَسْت
(دود از کُنده بلند می شود) دروازه ی شکسته مدت بیشتری دوام می آورد

A door must be either shut or open

دُر مَاسْت بِي اِيَدِر شَات اُر اِيَن
(هم خُدا را می خواهد هم خُرما را) دَر، يا بايد بسته باشد يا باز

A faint heart never won a lady

فِيَنْت هَارْت نَوْر وُن اِ لِيَدِي
قَلب ضعيف هرگز نمی تونه دل خانمی را تصاحب کنه

A few germs never hurt anyone

فِيُو جِرْمَز نَوْر هِرْت اِنِي وَاَن
چند تا میکروب، هرگز به کسی آسیب نمی رساند

A fool and his money are soon parted

فُول اَنَد هِيَز مَانِي آر سُون بَارَتَد
آدم احمق به سرعت پولش را به خاطر چیز های بی ارزش از دست می دهد

A fool's tongue is long enough to cut his own throat

(زبان نادان به اندازه ی کافی دراز است که گلویش را ببرد) زبَان سُرخ ، سَر سِيَز، می دهد بر باد

A foolish and harmful friendship

فُولِيَش اَنَد هَارْم فُول فِرِنْدشِيپ
په احمق و رابطه ی دوستی ضرر وارث (دوستی خاله خرسه)

A friend in need is a friend indeed

فِرِنْد اِيَن نِيَد اِيَز اِ فِرِنْد اِيَن دِيَد
دوست در هنگام نیاز، دوست واقعی است
(دوست آن است که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی)

A friend who shares is a friend who cares

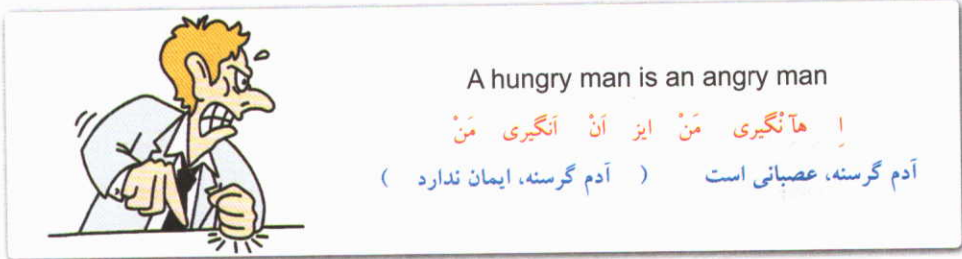
فِرِنْد هُو شِرَز اِيَز اِ فِرِنْد هُو کِرَز
یار نباشد که دست یار نگیرد

A friend's eye is a good mirror

فِرِنْدز آي اِيَز اِ گود مِيرِر
(مؤمن آینه ی مؤمن است) چشَم دوست آینه ی خوبی است

A full purse never lacks friends

فُول پُرَس نَوْر لَکَس فِرِنْدز
په کیسه ی پُر از پول، هرگز بدون رفیق نمی ماند



A good deed is never lost | گُذ (گود) دَید ایز نَور لَاسْتُ
خوبی هرگز گم نمی شود | (تو نیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز)

A good wife and health is a man's best wealth | یک زن خوب و سالم ، بهترین سرمایه ی مرد است (زن خوب و فرمان بر و پارسا - کند مرد درویش را پادشاه)

A great talker is a great liar | گُود و آیفِ اَنْد هِلْت ایز اِ مَنز بَسْت وِلْت
گَرِبْت تَاکَر ایز اِ گَرِبْت لَایرُ
سخنگوی خوب، دروغگوی خوبی است

A hard beginning makes a good ending | هَارْد بیگینینگُ مِکْسُ اِ گُود اَندینگُ
شروع دشوار، پایان خوبی دارد | (هر سربالایی یک سرپایینی دارد)

A healthy man is a successful man | هِلْثِی مَن ایز اِ سَاکْسِفُولُ مَن
یک مرد سالم یک مرد موفق است

A hedge between keeps friendship green | هِج بَیْتوِن کِیپْسُ فَرِنْدشِیپُ گِیرِینُ
به حفاظ (دیوار) در میان بگذار ، دوستیت را نگه دار | (در خانه ات را ببند، همسایه ات را دزد نکن)

A hound's food is in its legs | هَاوَنْدزُ فُود ایز ایز اِشْسُ لَکْزُ
غذای سگ شکاری، به پاهایش بستگی دارد

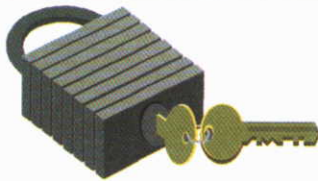
A leopard can't change its spots | لِپَرْد کَنْت چِنج اِشْسُ سِپَاتْسُ
خَلق و مَنش در بعضی ها قابل تغییر نیست - زَنگی به شُستن نگرَدد سِید

A liar is not believed when he tells the truth | لَایرُ ایز نَات بِلِیوُد وِن هِی تَلْزُ د توروُثُ
کسی حرف آدم دروغگو را باور نمی کند حتی وقتی که او حرف راست می زند (مثل چوپانِ دروغگو)

A liar should have a good memory | لَایرُ شُود هُو اِ گُود مِمْرِی
دروغگو باید حافظه ی خوبی داشته باشد | (آدم دروغگو کم حافظه است)

A lie travels round the world while truth is putting her boots on | وقتی که حقیقت دارد کفش هایش را می پوشد، دروغ به دور دنیا می رود

A light purse is a heavy curse | لَایُ تِراوِلْزُ رَاوَنْد د وِلْد وَایلُ توروُثُ ایزُ پوتینگُ هُر بوُتْسُ اَن
لَایْت پُرسُ ایز اِ هوی کُرسُ
جیب خالی، فحش و لعنت سنگینی است



A lock is better than suspicion

اِ لَآكُ اِيْزُ بِيْزُ دَنْ سَآسِيْشِنْ

یک قفل، بهتر از بدگمانی و سوء ظن است

(مالت را سفت نگه دار، همسایه ات را دزد نکن)

A little knowledge is a dangerous thing

اِ لَيْتِلْ نَالِجْ اِيْزُ اِ دِيْنَجِرِسْ تُنِيْگْ

آگاهی سطحی، چیز بسیار خطرناکی است

A little pot is soon hot

اِ لَيْتِلْ پَاتْ اِيْزُ سُوْنُ هَاتْ

(آدم کم جنبه زود از کوره در می رود) کتری کوچک، زود داغ می شود

A little thing in hand is worth more than a great thing in prospect

چیز کمی در دست داشتن ، باارزش تر است از چیزهای زیادی که در تصور و خیال می باشد

(سیلی نقد به از حلوی نسیه است)

اِ لَيْتِلْ تُنِيْگْ اِيْنِ هَنْدْ اِيْزُ وُرْثْ مُرْ دَنْ اِ گَرِيْتْ تُنِيْگْ اِيْنِ پَرَاَسِيْگْتْ

A man doesn't seek his luck, luck seeks its man

شخص به دنبال شانس نمی رود، این شانس است که به دنبال شخص می رود

اِ مَنُ دَاَزَنْتْ سِيْكَ هِيْزُ لَآكُ ، لَآكُ سِيْگْسُ اِيْشِنْ مَنُ

A man is as old as he feels

اِ مَنُ اِيْزُ اَزْ اَلْدْ اَزْ هِيْ فِلْزُ

شخص به همان سنی است که احساس می کند

A man is known by the company he keeps

اِ مَنُ اِيْزُ تُنْ بَايْ دِ كَامْپَنِيْ هِيْ كِيْپْسُ

به شخص با افرادی که رفت و آمد می کند، شناخته می شود

A miss is as good as a mile

اِ مِيْسُ اِيْزُ اَزْ گُوْدْ اَزْ اِ مَآيْلُ

آب که از سر گذشت، چه یک و چه صد و چه

A moneyless man goes fast through the market

مردی که پول ندارد سریع از میان بازار رد می شود

اِ مَانِيْ لِسْ مَنُ مَرُورْ فُسْتْ ثُوْرُوْ دِ مَارْكِتْ

A monkey never thinks her baby's ugly

اِ مَانْكِ نُوْرْ تُنِيْگْسُ هِرْ بِيْبِيْزْ اَكْلِيْ

به میمون هرگز فکر نمی کنه که بچه اش زشته

(سوسکه به بچه اش میگه، قریون دست و پای بلوریت برم، مادرا!)

A penny saved is a penny earned

اِ پَنِيْ سِيُوْدْ اِيْزُ اِ پَنِيْ اِرَنْدْ

یک پنی پس انداز، یک پنی درآمد است

(یک ریال هم یک ریال است)



A rose by any other name would smell as sweet

ا رُزُ بآیِ اِنیِ اَدِرِ نِیْمِ وُودِ سَمِیلُ اَزِ سِوایِ ت

به گلِ رُزُ هر اسمی که بدهند باز بوی خوش دارد
(مُشکِ آن است که خود بیوید نه آن که طبله ی عطار بگوید)

A poor beauty finds more lovers than husbands

به دختر فقیروزیبا، عاشقان زیادی پیدا می کنه تا شوهر

ا پور بیوتی فآیندز مُرُ لآورُزُ دَنُ هآزبند

A rolling stone gathers no moss

ا رُلینگُ ستنُ گُزرزُ نُ مآسُ

به سنگ غلتان هیچ خزه ای به خود نمی گیرد
(آدم همه کاره و هیچ کاره)

A rule isn't unfair if it applies to everyone

قانون اگر برای همه بکار برود، غیر مُنصفانه نیست

ا رول ایزنتُ آنفرُ ایفُ ایتُ آپلایزُ تو اوری وآن

A rumor goes in one ear and out many mouths

شایعه وارد یک گوش می شود و از دهان های بسیاری خارج می شود

ا رومرُ گُزُ این وآن ایبرُ آند اوتُ منیِ مآورُزُ

A small spark makes a great fire

ا سملُ سپآرکُ میگسُ ا گریتُ فآیزُ

یک جرقه ی کوچک آتش بزرگی به پا می کند

A stitch in time saves nine

ا سنجُ این تآیمُ سیوزُ نآینُ

یک کوک (بخیه) به موقع به جای نه کوک بی موقع است (جلوی ضرر را هر وقت بگیری، سود است)

A teacher is better than two books

ا تیچرُ ایزُ بترُ دَنُ تو بکسُ (بوکسُ)

یک معلم بهتر از دو کتاب است

A thief believes everybody steals

ا ثیفُ بیلوزُ اوری بآدی ستیلزُ

یک دزد فکر می کند که همه (دزدند) می دزدند

A thorn defends the rose, harming only those who would steal the blossom

خار از گل سرخ دفاع می کند و فقط صدمه می زند به آن هایی که می خواهند غنچه را بدزدند

ا ثرنُ دیندزُ د رُزُ، هآرمینگُ ائلی دزُ هو وُود ستیلُ دِ بِلآسیمُ

A throne is only a bench covered with velvet

ا ثرنُ ایزُ ائلی ا بِنچُ کآورد ویتُ وِلوتُ

تخت نیمکتی است که با مخمل پوشیده شده



A tree falls the way it leans

ا تیری فالز د وی ایت لینز
یک درخت به همان سمتی که کج می شود، می افتد

A watched pot/kettle never boils

ا واچت پات/کتل نور بینز
به ظرفی (کتری) را که تماشا می کنی هرگز نمی جوشد

(انتظار هر چیزی را که بکشی، استرس بیشتری را متحمل می شوی)

A wild goose chase

ا وایلد گوس چیس
به دنبال نخود سیاه فرستادن

A wise man hears one word and understands two

مرد عاقل یکی می شنود و دوتا می فهمد

ا وایز من هیرز وان ورد ان آندرستندز تو
ا وایز من میگز هیز ان دیسیژنز، ان
an ignorant man follows the public opinion
ایگزرنٹ من فالز د پابلیک آپینین

مرد عاقل خودش تصمیم می گیرد، و مرد سطحی نگر از عقاید دیگران پیروی می کند

A woman's place is in the home

ا وومنز پلیس ایز این د هم
جایگاه زن، در منزل است

A worthy woman is far more precious than
jewels, strength and dignity are her clothing

ارزش یک زن شایسته خیلی بیشتر از جواهرات می باشد، استقامت و وقار، لباس زن است

Absence makes the heart grow fonder

ا بسنس میگز د هارت گر فاندز
غیبت و جدایی، باعث افزایش علاقه می شود (دوری و دوستی)

Action is proper fruit of knowledge

ا کشن ایز پراپر فروت آو نالچ
عمل، میوه ی دانش است (بار درخت علم نباشد مگر عمل)

Actions speak louder than words

ا کشنز سبیک لآودر دن وردز
عمل بلندتر از کلمات حرف می زند (دو صد گفته چون نیم کردار نیست)

Advice should be viewed from behind

ا دوآیس شود بی ویود فرآم بیهآیند
نصیحت باید بطور غیر مستقیم باشد

After death the doctor

ا فتر دث د داکتر
دکتر، بعد از مرگ (نوشدارو بعد از مرگ سهراب)



All roads lead to Rome

اَلْ رُدُزْ لِيْدُ تُو رُمُ

همه ی جاده ها به رُم ختم می شود
(هر جابری آسمان همین رنگ است)

After sorrow comes joy

اَفْتِرُ سَارُ كَامَزُ حُيُ

بعد از هر گریه، خنده ای است

All clouds bring not rain

اَلْ كِلَاوْدُزْ بِيْرِيْنِكُ نَاتُ رِيْنُ

هر گردی، گردو نیست

All fellows in football

اَلْ فِلُزُ اِيْنُ فُوْتْبَالُ

بازی اشكَنَكُ داره، سَر شَكِسْتَنَكُ داره

All good things come to an end

اَلْ گُوْدُ نِيْنُكُزُ كَامُ تُو اَنُ اَنْدُ

یه روزی تمام چیزهای خوب به پایان می رسند
(هیچ عیشی بی پایان نیست)

All is for the best

اَلْ اِيْزُ فُرُ دِ بَسْتُ

همه چیز به خاطر بهترین است
(هر چه پیش آید، خوش آید)

All is well that ends well

اَلْ اِيْزُ وُلُ دَتُ اَنْدُزُ وُلُ

همه ی آن هایی خوب است که به خوبی ختم شود
(شاهنامه آخرش خوش است)

All talk and no action

اَلْ تَاكُ اَنْدُ نُ اَكْشِنُ

همه اش صحبت و عمل هیچ
(به عمل کار بر آید به سخنرانی نیست)

All that glitters is not gold

اَلْ دَتُ گِلِيْتِرُزُ اِيْزُ نَاتُ كُلْدُ

همه ی چیزهایی که می درخشند، طلا نیستند
(هر گردی، گردو نیست)

All the better

اَلْ دِ بِيْتِرُ چه بهتر

All things are easy that are done willingly

اَلْ نِيْنُكُزُ اَرُ اِيْزِي دَتُ اَرُ دَاْنُ وِلِيْنُكُلِي

همه ی چیزهایی که با میل انجام می شوند، آسان هستند

All things come to those who wait

اَلْ نِيْنُكُزُ كَامُ تُو دُزُ هُو وِيْتُ

همه چیز می آید برای آن هایی که صبر می کنند
(گر صبر کنی ز غوره، حلوا سازی)

All things grow with time, except grief

اَلْ نِيْنُكُزُ كِرُ وِيْتُ تَايْمُ، اِكْسِيْطُ گِيْرِيْفُ

همه چیز با زمان رشد می کند بجز غم و غصه

All truth will not bear telling

اَلْ تُوْرُوْتُ وِلُ نَاتُ بَرُ تِلِيْنِكُ

دروغ مصلحت آمیز، بهتر از راست فتنه انگیز است

Anger is a short madness

اَنْكَرُ اِزْ اِ شُرْتْ مَدْنِسْ
عصبانیت یک دیوانگی کوتاه مدت است



All work and no play makes Jack a dull boy

کار زیاد و بدون تفریح آدم را سست و بی حال می کند

اَلْ وُرْكُ اَنْد نْ پِلِيْ مِيْكَسْ جَكْ اِ دَاَلْ بِيْ

Always have two strings to your bow

همیشه برای گمانت دو تا سیم (ریسمان) داشته باش (کار از مُحکم کاری عیب نمی کند)

اَلْوِيْزْ هُوْ تُو سْتِيْرِيْنِكْزْ تُو يِرْ بْ

An apple a day keeps the doctor away

روزانه یک سیب، دکتر را دور نگه می دارد - روزی به سیب بخور تا بیمار نشوی

اَنْ اِبْلْ اِ دِيْ كِيْسْ دِ دَاَكْتِرْ اُوِيْ

An evil lesson is soon learned

کار بد، زود آموخته می شود

اَنْ اِيُوْلْ لِسِنْ اِزْ سُوْنْ لِرْتَدْ

An eye for an eye and a tooth for a tooth

چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان

اَنْ اَيْ فُرْ اَنْ اَيْ اَنْدْ اِ تُوْثْ فُرْ اِ تُوْثْ

an ill beginning, an ill ending

یک شروع بد، یک پایان بد دارد (خستِ اوّل چون نهد معمار کجِ تا تُرْیا می رود دیوار کجِ)

اَنْ اَيْ لْ بِيْگِيْنِيْنِكْ، اَنْ اَيْ لْ اَنْدِيْنِكْ

An ounce of discretion is worth a pound of wit

یه انس بصیرت بهتر از یک پوند هوش است

اَنْ اَوْتْسْ اَوْ دِيْسِكْرِيْشِنْ اِزْ وِرْثْ اِ پَاوْنْدْ اَوْ وِيْتْ

An old rat is a brave rat

یه موش پیر، یه موش شجاع است (دود، از کُنده بلند می شود)

اَنْ اَلْدْ رَتْ اِزْ اِ بَرِيُوْ رَتْ

Anger and hate hinder good counsel

عصبانیت و تنفر، مانع از مشورت خوب، می شوند

اَنْكَرْ اَنْدْ هِيْتْ هِيْنْدِرْ گُوْدْ كَاوْنْسِلْ

Answer one in his own language

(جواب های، هوی است) جواب هر کسی را به زبان خودش بده

اَنْسِرْ وَاَنْ اَيْنْ اَيْنْ هِيْزْ اَنْ لَنْگُوَاجْ

Any port in a storm

(لنگه کفش در بیابان نعمت است) در طوفان، هر بندری (لنگرگاه) که باشد

اِنِيْ پُرْتْ اَيْنْ اِ سْتَرْمْ

Appetite comes with eating

اشتها با خوردن می آید

اِبْتَايْتْ كَاْمُرْ وِيْتْ اِبْتِيْنِكْ



As you make your bed, so you must lie in it

از یو میکن یُر بَد، س یو مَاسَن لَآی اِن ایت
جایت را که می اندازی، خودت هم باید بخوابی
(هرکسی که خریزه می خورد، پای لرزش هم می نشیند.
چاه مکن بهر کسی اول خودت، دوم کسی)

April and May the keys of the year اِپْرِیلْ اَنَد می دِ کِیزْ آو دِ یِرْ

(سالی که نکوست از بهارش پیداست) ماه آوریل و ماه مه، کلید های سال هستند

As bold as brass از بُلْد از بَرَسْ مثل سنگ پای قزوین

As easy as ABC از ایزی از ای بی سی

(مثل آب خوردن ساده است) به آسانی ای بی سی

As well be hanged for a sheep as for a lamb از وِلْ بی هَنگْد فُر اِ شِپْ از فُر اِ لَمْ

آب که از سر گذشت چه یک و جَب چه صد و جَب

Bad news travels fast بَد نیوز تِر آوِلز فِستْ

(یک کلاغ و چهل کلاغ کردن) خبر بد سریع پخش می شود

Barking dogs seldom bite بَارکِنِگْ دَاکُزْ سِلِدمْ بَایتْ

سگی که پارس می کند به ندرت گاز می گیرد (از آن ترس که های و هوی دارد- از آن بترس که سر به تو دارد)

Be slow to promise and quick to perform بی سَلْ تو پِر اَمِیسْ اَنَد کَوای کُ تو پِر فُرْمْ

در قول دادن عجله نکن و در عمل به آن سریع باش

Beauty is in the eyes of the beholder بیوتی ایز اِن دِ آیزْ آو دِ بیهَلْدِرْ

زیبایی بستگی به دید و نظر شخصی دارد که نگاه می کند

(عَلف باید به دهان بزی شیرین باشد - آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است)

Beauty is only skin deep بیوتی ایز اَنلی سَکینْ دِیپْ

(تن آدمی شریف است به جان آدمیت) صورت زیبا، هیچ نیست، سیرت زیبا بیار

Beggars' bags are bottomless بَگِرْزْ بَگِرْزْ آر بَاتِمَلِسْ

کیسه ی گدایان بدون ته می باشد

Beggars can't be choosers بَگِرْزْ کَنْتْ بی چوزِرْزْ

(مُفت خور، صاحب سلیقه نمی باشد) فقرا نمی توانند انتخاب گر باشند

Believe not all you hear بیلِیوْ نَاتْ آلْ یو هِیرْ

(بشنو و باور نکن) همه ی چیزهایی که می شنوی را، باور نکن

Better to light a candle than to curse the darkness

بِتْرَ تَو لَآئِتْ ا كَنْدَلْ دَنْ تَو كَرْسِ دِ دَارْخَسِنِ
به جای اینکه به تاریکی ناسزا بگویی بهتر است که شمع روشن کنی



Better a coward for a minute than dead for the rest of your life

بِتْرَ ا كَاوَرِدْ قُرْ ا مِنتْ دَنْ دِدِ قُرْ دِ رِسْتْ اَوِ يَرْ لَآيْفْ
بهتر است که برای چند دقیقه آدم، ترسو باشی تا اینکه مابقی عمرش را، مُرده باشی
(آدم ترسو همیشه جان سالم بدر می برد)

Better alive coward than a dead hero

بِتْرَ الْاَيُّوْ كَاوَرِدْ دَنْ ا دِدِ هِيْرُ
ترسوی زنده، بهتر است تا قهرمان مرده
(پهلوان زنده را عشق است)

Better do it than wish it done

بِتْرَ دَو اَيْتْ دَنْ وِيشْ اَيْتْ دَانْ
بهتر است که آن کار را بکنی تا اینکه آرزو کنی، انجام داده شود

Better have it out than be always aching

بِتْرَ هَوِ اَيْتْ اَوْتْ دَنْ بِي اَلْوِيْزْ اَيْكِيْنِكْ
بهتر است که آن را در بیاوری تا اینکه همیشه دَرَدِ بکشی
(دندان‌ی که درد می کند را باید کشید)

Better late than never

بِتْرَ لَيْتْ دَنْ نَوْرُ
دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است
(آهسته برو همیشه برو)

Better the devil you know than the devil you don't know

دشمنِ دانا به از دوستِ نادان بود

بِتْرَ دِ دَوْلْ يُو نُو دَنْ دِ دَوْلْ يُو دَنْتْ نُو

Better to ask the way than to go astray

بِتْرَ تَو اَسْكَ دِ وِي دَنْ تَو كْ اَسْتَرِيْ
بهتر است که مسیر را بپرسی تا اینکه سرگردان بروی
(دانا هم می داند و هم می پرسد اما نادان نه می داند و نه می پرسد)

Better to be alone than in bad company

بِتْرَ تَو بِي اَلْنِ دَنْ اَيْنِ بَدِ كَامِيْنِيْ
تنها بودن بهتر است تا همنشینی با بَدَانِ

Better untaught than ill taught

بِتْرَ اَنْتَاْتْ دَنْ اَيْلْ تَاْتْ
تعلیم نیافته بهتر است تا بد آموخته

Better to be safe than sorry

بِتْرَ تَو بِي سِيْفْ دَنْ سَارِيْ
چرا عاقل کُندِ کاری که باز آرد پشیمانی



Birds of a feather flock together

بِرْدَزِ آوِ اِ فِدْرِ فَلَائِكُ تَوَگِدِرِ
کبوتر با کبوتر، باز با باز، کند همجنس با همجنس پرواز



Between the devil and the deep blue sea بی‌شک دِ دَوْلِ اَنْدِ دِ دِیْبِ بُولو سی
بین شیطان و دریای عمیق آبی بودن (میان بد و بدتر گیر کردن)

Beware of a silent dog and still water بیور آوِ اِ سَایِلِنْتِ دَاگِ اَنْدِ سَتِیْلِ وَاَتِرِ (وَاَدِرِ)
بر حذر باش از سگ ساکت و آب راکد

Black will take no other hue بَلِکْ وِیْلِ تِیکْ نِ اَدِرِ هِیو
سیاهی هیچ رنگ دیگری به خود نمی گیرد (بالاتر از سیاهی رنگی نیست)

Blood is thicker than water بِلَادِ اِیْزِ تِیکِرِ دَنْ وَاَتِرِ
خون غلیظ تر از آب است

(پیوند با خون قویتر است - همبستگی بین اعضای خانواده نسبت به افراد غریبه بیشتر است)

Brain is better than brawn بَرِیْنِ اِیْزِ بَیْرِ دَنْ بَرْنِ
عقل بهتر از نیروی عضلانی است (به جو عقل بهتر از یک خرابار زور بازو است)

Burn the candle at both ends بَرْنِ دِ کَنْدِلِ اَتِ بَثِ اَنْدِزِ
شمع را از دو طرف بسوزان (مثل شمع سوختن)

Business before pleasure بیزینسْ بِیْفُرِ پِلیژرِ
کار، قبل از تفریح

Call a spade a spade کَالْ اِ سِنِدِ اِ سِنِدِ
به یک بیل، بیل بگو (آن را که عیان است، چه حاجت به بیان است)

Cattle do not die from crows cursing کَتِلْ (کَدِلْ) دُونََاتِ دَایْ فِرَامِ کِرْزِ کِرْسِیْنِگْ
گله با نفرین کلاغ از بین نمی رود (به حرف گربه سیاه باران نمی آید)

Charity begins at home چَرِیْتِ بِیگِیْنِزْ اَتِ هَمْ
دستگیری (صدقه دادن) از منزل شروع می شود (چراغی که به منزل رواست، به مسجد حرام است)

Cleanliness is next to godliness کِلِیْنِ لِیْنِسْ اِیْزِ نِگْسْتِ تَوِ گَاَدِلِیْنِسْ
نظافت نزدیکی به دینداری (خداشناسی) است (پاکیزگی نشانه ی ایمان است)

Clothes do not make the man کِلْزْ دُو نَاتْ مِیکْ دِ مَنِ
لباس، مرد را نمی سازد (لباس شخصیت نمی دهد)

(تن آدمی شریف است به جان آدمیت - نه همین لباس زیباست نشان آدمیت)



Courtesy on one side only lasts not long

کَرْتِسِي آن وَاَنْ سَايِدْ اَنْلِي لَسْتَسْ نَاتْ لَانْگ
احترام از یک جانب هرگز دوام زیادی ندارد (محبت، دو سر دارد)

Clouds gather before a storm

کَلَاوْدَزِ گَرِرْ بِيْفُرْ اِ سْتَرْمْ

قبل از طوفان، ابرها جمع می شوند

Coming events cast their shadows before

کَامِيْنِگْ اِيوْنِتْسْ کَسْتْ دِرْ شَدُزْ بِيْفُرْ

حوادثی که در راه هستند، سایه هایشان را قبلاً گسترده اند

(سالی که نکوست از بهارش پیداست)

Cowards die many times before their death

کَاوَرْدَزِ دَايْ مَنِي تَايْمَزْ بِيْفُرْ دِرْ دِثْ

تَرَسُوها قبل از فرارسیدن مرگشان، بارها می میرند (آدم های ترسو روزی هزار بار می میرند)

Curiosity killed the cat

کِيِيوَرَاَسِيْتِي کِيْلِدْ دِ کَتْ

کنجکاوی آن گربه را کُشت (کنجکاوی زیاد باعث درد سر می شود)

Cut your coat according to your cloth

کَاتْ يِرْ کُتْ اَكْرَدِيْنِگْ تُو يِرْ کَلَاثْ

پایت را به اندازه ی گلیمت دراز کن

Darkness reigns at the foot of the lighthouse

تاریکی بر پایین فانوس حکومت می کند

دَاَرْکِنْسْ رِيْتَزْ اَتْ دِ فوْتْ اَوْ دِ لَايْتْ هَاوْسْ

Death closes all doors

دِثْ کَلِزِزْ اَلْ دُزْزْ

مرگ، همه ی درها را می بندد

Death keeps no calendar

دِثْ کِيْسْ نْ کَلِنْدِرْ

مرگ، خبر نمی کند

Delays are dangerous

دِيلِيَزْ اَرْ دِيْنِجِرْسْ

تأخیرها، خطرناک هستند (کار امروز را به فردا، نینداز)

Diamonds cut diamonds

دَايْمِنْدَزِ کَاتْ دَايْمِنْدَزْ

سنگ، سنگ را می شکند

Different strokes for different folks

دِيْفِرِنْتْ سْتِرْکَسْ فُرْ دِيْفِرِنْتْ فُکْسْ

ضربات (نوازش) مختلف برای مردم مختلف (گروهی این، گروهی آن پسندند)

Discretion is the better part of valor

دِيْسِكْرِشِنْ اِيَزِ دِ بِيْتَرْ پَارْتْ اَوْ وَاكِرْ

احتیاط، بهترین قسمت شجاعت است



Do not use a hatchet to remove a fly from your friend's forehead

دو نآتْ یوز ا هَچتْ تو ریموو ا فلائی فرآم یز فرندز فرهد
برای بلند کردن یک مگس از روی پیشانی دوستت، از ساتور (تیشه) استفاده نکن
(دوستی خاله خرسه)

Do as I say, not as I do

دو آز آی سی، نآتْ آز آی دو

کاری که می گویم را انجام بده، نه کاری را که می کنم (نبین چه کار می کنم، ببین چی می گویم)

Do as you would be done by

دو آز یو وود بی دآنْ بآی

آنچه برای خودت می پسندی برای دیگران هم پیسند

Do not be born good or handsome, but be born lucky

یک جو شانس بهتر از صد جو، خوشگلی است

دو نآتْ بی بُرنْ گود اُر هندسام، بآتْ بی بُرنْ لآکی

Do not blame God for having

دو نآتْ بلیمْ گاد فرْ هونگْ

created the tiger, but thank him

کیریاَید د تآیگرْ، بآتْ تَکْ هیمْ

for not having given it wings

فرْ نآتْ هونگْ گیونْ ایتْ وینگرْ

خدا را سرزنش نکن که چرا ببر را خلق کرده، برو خدا را شکر کن چون که به آن بال نداده

Do not rejoice at my grief, for when mine is old, yours will be new

در غم من شادی نکن چون زمانی که غم من تمام می شود، غم تو شروع می شود

دو نآتْ ریجیسْ اَتْ مآیْ گیریفْ، فرْ وِنْ مآینْ ایزْ آلدْ، یُرْزْ ویلْ بی نیو

Do not speak of secrets in a field that is full of little hills

آسرار را بازگو نکن در محل هایی که پر از تپه های کوچک است (دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد)

دو نآتْ سِیکْ آو سِیکرِئسْ اینْ ا فیلدْ دَتْ ایزْ فُلْ (فونْ) آو لیتلْ هیلزْ

Do what is right, come what may

دو وَاَتْ ایزْ رآیتْ، کآمْ وَاَتْ میْ

کار درست را بکن، می آید هرچه که ممکن باشد (هرچه بادا باد)

Dog doesn't eat dog

داگْ دآزنتْ ایتْ داگْ

سگ، سگ را نمی خورد

Don't ignore the remark

دنتْ ایگنرْ د ریمآرکْ

(خودت را به کوچه ی علی چپ نزن) از آن علامت چشم پوشی نکن

Don't make a mountain out of a mole hill

دنتْ میکْ ا ماوتینْ آوتْ آو ا ملْ هیلْ

(از تپه ی کوچک، کوه نساز) از تپه ی کوه ساختن



Don't look a gift horse in the mouth

دَنْتُ لَوْكُ اِ گَيْفَتُ هُرُسُ اَيْنُ دِ مَآوُنْ
(دهنان اسب هديه ای را نگاه نکن (دندان های اسب پیشکش را نمی شمارند)

Don't bite the hand that feeds you (نمک می خوری، نمکدان را نشکن)
دَنْتُ بَآيْتُ دِ هَنْدِ دَنْتُ فِيدِزِ يُو
گاز نگیر دستی را که به تو غذا داده است

Don't bite off more than you can chew (لقمه ی بزرگتر از دهانت برندار)
دَنْتُ بَآيْتُ آفُ مَرُّ دَنْ يُو كَنْ چُو
گاز نزن بیشتر از آن چیزی را که می توانی بجوی

Don't count your chickens before they're hatched (جوجه را آخر پاییز می شمارند)
دَنْتُ كَآوُنْتُ يُرُ چِيكِنِزُ بِيْفُرُ دِيرُ هَجْتُ
جوجه هایت را قبل از اینکه از تخم بیرون بیایند، نشمار

Don't cry over spilled (spilt) milk (آب رفته به جوی باز نیاید)
دَنْتُ كِرَآيُ اُورُ سَيِلْدُ (سپيلت) مِيلِكُ
بخاطر شیر ریخته شده، گریه نکن

Don't judge a book by its cover (نه هر که به قامت مهتر به قیمت بهتر)
دَنْتُ جَآجُ اِ بُكُ (بوک) بَآيُ اَيْتَسُ كَآوِرُ
در مورد کتاب نباید از روی جلدش قضاوت کرد

Don't judge a man until you've walked in his boots
تا وقتی که در موقعیت شخصی قرار نگرفتی، در مورد او قضاوت نکن
(کنارگود نشسته، میگه لنگش کن)

Don't put all your eggs in one basket (همه ی پُل های پشت سرت را خراب نکن)
دَنْتُ جَآجُ اِ مَنُ آتِيلُ يُوُوُ وَاكْتُ اَيْنُ هِيْزُ بُوْتَسُ
دَنْتُ پُوْتُ آلُ يُرُ اِكْرُ اَيْنُ وَاَنْ بَسَكْتُ
همه ی تخم مرغ هایت را در یک سبد نگذار

Don't put off for tomorrow what you can do today
کار امروز را به فردا نینداز
دَنْتُ پُوْتُ آفُ قُرُ تُوْمَارُ وَاَتُ يُو كَنْ دُو تُوْدِيُ

Don't put the cart before the horse (گاری (کالسکه) را جلوی اسب نیند)
دَنْتُ پُوْتُ دِ كَآرَتُ بِيْفُرُ دِ هُرُسُ

Early to bed and early to rise, it makes the man healthy, wealthy and wise

زود بخوابی، زود بلند می شوی. این عمل باعث می شود که مرد، سلامت، پول دار و عاقل باشد
(سحر خیز باش تا کامروا گردی)

اِرْلِيُ تُو يَدِ آندِ اِرْلِيُ تُو رَآيْزُ، اَيْتُ مِيْكْسُ دِ مَنُ هِلْثِيُ، وِلْثِيُ آندِ وَاَيْزُ



Empty vessels make the most noise

امپتی و سلز میک د مُسْت نِیز
خُم خالی (ظرف تو خالی) صدای بیشتری را تولید می کند

East or west, home is best

ایست اُر وست، هُم ایز بَست

(هیچ جا خانه ی خود آدم نمی شود) شرق یا غرب، خانه بهتر است

Easy come, easy go

ایزی کام، ایزی گُ

(باد آورده را باد می برد) آسان (به دست) آمده، آسان (از دست) می رود

Eat to live, but do not live to eat

ایت تو لو (لیو)، بات دونات لو (لیو) تو ایت

خوردن برای زیستن است، نه زیستن برای خوردن

Every cloud has a silver lining

اوری کلاود هز ا سیلور لاینینگ

هر ابری یک پوشش نقره ای دارد (در نا امیددی بسی امید است) پایان شب سیاه، سفید است

Every dog has his day

اوری داگ هز هیز دی

(هیچ سری بی روزی نیست - هرکس را لاجرم روز خوشی است) هر سگی روز خودش را دارد

Every dog is a lion at home

اوری داگ ایز ا لاین ات هُم

هر سگی در لانه ی خود، شیر است

Every madman thinks all other men mad

اوری مدمن ثینکس آل آدر من مد

دیوانه فکر می کند که همه دیوانه هستند (کافر همه را به کیش { دین } خود پندارد)

Every man has his price

اوری من هز هیز پرایس

هر مردی، قیمتی دارد

Every medal has its reverse

اوری مدال هز ایتس ریورس

(سکه دو رو دارد) هر مدالی، پشت هم دارد

Everything has an end

اوریشینگ هز ان اند

هر چیزی پایانی دارد

Everything is good in its season

اوریشینگ ایز گود این ایتس سیزن

(هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد) هر چیزی در فصل خودش خوب است

Example is better than precept

اگزمپل ایز بتر دن پریسپت

(سرمشق دیگران بودن بهتر از فرمان دادن به آن ها است) مثال بهتر از قواعد، تعلیم می دهد

Example teaches more than precept

اگزمپل تیچیز مر دن پریسپت

(سرمشق دیگران بودن بهتر از فرمان دادن به آن ها است) مثال بهتر از قواعد تعلیم می دهد



Fair exchange is no robbery **فِرْ اِكْسِجِجِجِ اِزْ نَ رَا بَرِي**

تَعْوِضُ مُنْصَفَانِه، دُزْدِي نِيسْت
(چيزی که عَوْض دارد، گِله ندارد)

Familiarity breeds contempt

فَمِيلَا رَتِي بِيرِيزْ كَا نَتَمَّيْتْ

(مِي خَوَاهِي عَزِيزْ شُوي يَا دُورْ شُوي يَا گَمْشُوي) اُنْسِ بَاعْثِ اِهَانْتِ (خَوَارِي) مِي شُود

Fire and water do not mix

فَايِرْ اَنْدِ وَا اَتِرْ (وَا دَر) دُو نَا تْ مِي كَسْ

آب و آتش با هم سازگار نیستند

First come, first served

فَرَسْتْ كَا مْ، فَرَسْتْ سَرُودْ

(اَسِيَابْ بَه نُوْبْتِ) شَخْصِ اوْلِ اَمْدَه، اوْلِ سَرُويسِ دَا دَه مِي شُود

Fish and guest stink after three days

فِي شْ اَنْدِ گَسْتْ سْتِيْنِكْ اَقْتَرْ ثِرِي دِي زْ

(مِهْمَانْ تَا سَه رُوزْ عَزِيزْ اَسْتِ) مَاهِي و مِهْمَانْ بَعْدِ اَزْ سَه رُوزْ مِي گَنْدَنْد

Fools ask questions that wise men can't answer

اَدَمْ اَحْمَقْ سُوْا لَاتِي رَا مِي پَرَسْدْ كِه عَا قْلَانْ هَمْ نَمِي تُوَانَنْدْ جَوَابْ بَدَهَنْد

(يَه دِي وَا نَه سَنْگِي رَا بَه تَه چَاه مِي اَنْدَا زْد و چَهْل عَا قْل هَمْ نَمِي تُوَانَنْدْ اَن رَا دَر بِيَا وِرَنْد)

فُولُزْ اَسْكْ كُو اَسْجَنْزْ دَتْ وَايَزْ مَنِ كَنْتْ اَنْسِرْ

Fools have the best luck

فُولُزْ هُوْ دِ بَسْتْ لَاكْ

(دُنِيَا بَه كَامْ اَبْلَهَانْ اَسْتِ) اَحْمَقْ هَا بَهْتَرِيْنِ شَانْسِ رَا دَارَنْد

Forewarned is forearmed

فُرْ وَا رَنْدِ اِيزْ فُرْ اَرْمَدْ

(عَلا جِ وَا قَعَه، قَبْلِ اَزْ وُقُوعِ بَايْدْ كَرْدِ) اَزْ قَبْلِ هُشْدَارِ دَا دَنْ، اَزْ قَبْلِ تَجْهِيْزِ شَدَنْ اَسْت

Forgive and forget

فُرْ گِيُوْ اَنْدِ فُرْ گِتْ

(تُو نِي كِي مِي كُنْ و دَر دِجَلَه اَنْدَا زْ ...) بِي خَسْ و فَرَا مُوشْ كُنْ

From a bad paymaster get what you can

فَرَا مْ اِ بَدِ بِي مَسْتِرْ گِتْ وَا تْ يُو كَنْ

اَزْ اَدَمْ خَسِيْسِ هَرْ چَه كِه مِي تُوَانِي بَغِيْر

(اَزْ خَرَسِ يَكْ مُو كَنْدَنْ، غَنِيْمَتِ اَسْتِ)

Give a negative reply

گِيُوْ اِ نَكْتِيُوْ رِيْلَا يْ

(اَبْ پَا كِي رَا رُوي دَسْتِ كَسِي رِي خْتَنْ - يَه نَه بَغُو، خِيَالِ خُودْتِ رَا رَا حْتِ كُنْ) جَوَابِ مَنْفِيْ بَدَه

Give and take

گِيُوْ اَنْدِ تِي كْ

(بَا هَر دَسْتِ بَدِي، بَا هِمَانِ دَسْتِ مِي گِيْرِي) بَدَه و بَغِيْر



God helps those who help themselves

گاد هِلپس دُز هو هَلْب دَمْسَلُوَز
خداوند به آن هایی کمک می کند که به خودشان کمک می کنند
(از تو حرکت از خدا برکت)

Give someone an inch and they will take a mile

یه اینچ بده به اندازه ی یه مایل می خواهند بردارند

(به او دست بدی، شانه نداری - اگر به او رو بدهی، آسترش را هم می خواهد)

گیو سَامْ وَاَنْ اَنْ اَيْنِجْ اَنْد دِيْ وِبْلُ تِيكْ اِ مَائِلُ

Give the devil his due

گیو دِ دَوْلْ هِيْزُ دُو

انصاف را نباید از یاد برد حتی برای اشخاصی که فکر می کنی بی ارزش هستند (انصاف را رعایت کن)

Good things come in small packages

گود ثِيْنِكْرُ كَامْ اَيْنُ سَمْلُ پَكِجْزُ

چیز های خوب در بسته های کوچک می آیند (فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه)

Great boast and small roast

گَرِيْتُ بُسْتُ اَنْد سَمَالُ رُسْتُ

لاف زیادی و نان کم (پز عالی و جیب خالی)

Grin and bear it

گَرِيْنُ اَنْد بَرُ اَيْتُ

لبخند بزن و تحمل کن (دندان روی جگر گذاشتن)

Half a loaf is better than no bread

هَفْ اِ لُفْ اِ بَرُ اَيْتُرُ دَنْ نُ بَرِدُ

لقمه ی نان، بهتر از نبودن آن است (کاجی به از هیچی)

Haste makes waste

هَيْسْتُ مِيْكَسُ وِيْسْتُ

عجله باعث اتلاف وقت می شود (عَجَله کار شیطان است)

Have God and have all

هَوُ گَادُ اَنْد هَوُ آلُ

خداوند را داشته باش، همه چیز را داری (با خدا باش و پادشاهی کن)

He fights with his shadow

هِيْ فَاَيْتْسُ وِيْتُ هِيْزُ شَدُ

او با سایه ی خودش، می جنگد (او از سایه ی خودش هم می ترسد)

He has not a penny to bless himself with

هِيْ هَزُ نَاتُ اِ پِنِيْ تُو بِلِسُ هِيْمُ سَلْفُ وِيْتُ

او یک پنی هم ندارد که خرج خودش بکند

(آه در بساط ندارد که با آن ناله کند)



He is an imposter

هی ایز اَن اِیْمِستَرُ

(او آدم دغلکاری است (اگر صد تا چاقو بسازد، یکیش هم دسته ندارد)

He is close-fisted

هی ایز کَلْسُ - فِیْسِنْدُ

(او کاملاً دستش (به صورت مشت شده) بسته است) او آدم خسیسی است - او نم پس نمی دهد)

He is rich that has few wants

هی ایز ریچ دَتْ هَزْ فِیو وَاَنْتَسْ

(آن کسی ثروتمند است که خواسته ی کمتری دارد) قناعت هرکه کرد آخر غنی شد)

He that blows in the dust, fills his own eyes

(کسی که در خاک فوت کند، گرد و خاک در چشم خودش می رود) (دودش، به چشم خودش می رود)

هی دَتْ بِلُزْ اِیْنُ دِ دَاَسْتُ، فِیلِزْ هِیْزْ اُنْ اَیْزُ

He wants to have it both ways

هی وَاَنْتَسْ تُو هُو اِیْتُ بُوْ وِیْزُ

(او می خواهد که آن را از هر دو طرف داشته باشد)

(هم از توبره می خورد هم از آخور - هم خر را می خواهد هم خرما را)

He who begins many things, finishes but few

(کسی که کارهای زیادی را با هم شروع می کند، تعداد کمی را به پایان می رساند)

(با یک دست نمی شود دوتا هندوانه برداشت)

هی هُو بیگِنِزْ مِنی نِیْنِگِزْ، فِینِشِیْزْ بَاْتُ فِیو

He who has the frying pan in his hand turns it at will

(آن کسی که در دستش ماهی تابه است، هروقت که بخواهد آن را می چرخاند)

(ریش و قیچی هر دو، دست شماست)

هی هُو هَزْ دِ فِرَاْیْ اِیْنِگْ پَن اِیْن هِیْزْ هِنْد تِرِنِزْ اِیْتُ اَتُ وِیلُ

He who hesitates is lost

هی هُو هِزِیْتِیْسُ اِیْزُ لَاَسْتُ

(کسی که شک کند، از دست می دهد) (اگر شک کنی، باختی)

He who laughs last, laughs best

هی هُو لَفْسُ لَسْتُ، لَفْسُ بَسْتُ

(شاهنامه آخرش خوش است) (آن کسی که آخرین نفر می خندد، بهتر می خندد)

He who travels far, knows much

هی هُو تِرَاوِلِزْ فَاَر، نَزْ مَآجُ

(بسیار سفر باید کرد تا پخته شود خامی) (آن کسی که به جاهای دور سفر می کند، بیشتر می داند)

Health is better than wealth

هِلْثُ اِیْزُ بَیْرُ دَنُ وِلْثُ

سلامتی بهتر از ثروت است



Health is not valued until sickness comes

هَلْثُ اِیْزُ نَاتُ وَّلِیوَدُ اَنْتِیْلُ سِیْکْسُ کَاْمَزُ

سلامتی بهتر از ثروت است

آدم تا مریض نشود قدر سلامتی را نمی داند

Hear twice before you speak once

هَیْرُ تَوَاِیْسُ بَیْفُرُ یو سِیْکُ وَاَنْسُ

(دو بشنو و یک پیش نگو) دوبار گوش بده قبل از اینکه یک بار صحبت کنی

Heart speaks to heart

هَارْتُ سِیْکْسُ تُو هَارْتُ

(دل به دل راه دارد) دل با دل صحبت می کند

Hindsight is better than foresight

هَایْنِدَسَایْتُ اِیْزُ بَیْرُ دَنْ فُرَسَایْتُ

درس عبرت گرفتن بهتر است تا پیشگویی کردن

Honesty is the best policy

اَنْسَیْ اِیْزُ دِ بَیْسْتُ پَالِسی

(بار کج به منزل نمی رسد) صداقت بهترین سیاست است

Honey is sweet, but the bee stings

هَآنی اِیْزُ سَوَاِیْتُ، بَاتِ دِ بی سْتِیْنِکْزُ

(عطایش را به لقایش بخشیدم) عسل شیرین است اما زنبور هم نیش می زند

Hope for the best and prepare for the worst

هَپُ فُرُ دِ بَیْسْتُ اَنْدِ پِیْرِیْبِرُ فُرُ دِ وُورْسْتُ

امید بهترین را داشته باش اما خودت را برای بدترین هم آماده کن

Hope keeps man alive

هَپُ کِیْپْسُ مَنَ الْاِیْوُ

(آدمی، به امید زنده است) امید، انسان را زنده نگاه می دارد

Hot love is soon cold

هَاتُ لَآوُ اِیْزُ سَوُنُ کُلْدُ

عشق سوزان زود سرد می شود

Hunger is the best sauce

هَآنْگِرُ اِیْزُ دِ بَیْسْتُ سَآسُ

(اگر گرسنه اش باشد، سنگ را هم می خورد) گرسنگی بهترین چاشنی است

Hunger knows no law

هَآنْگِرُ نَزُ نُ لَآ

(آدم گرسنه، دین و ایمان ندارد) گرسنگی قانون نمی شناسد

I beat him to frighten you

آیْ بَیْتُ هِیْمُ تُو فِرَاِیْتِنُ یو

(به در می گویم تا دیوار گوش دهد) او را می زدم که تو را بترسانم

I have no pretension to begin with

آیْ هَوُ نُ پِیْرِیْتِشِنُ تُو بَیْگِیْنُ وِیْتُ

(خَرِ ما از کَرِه گِی دُم نداشت) من دعوای ندارم که شروع کنم



If the shoe fits wear it

ایف د شو فیتس ور ایت
 اگر که کفش اندازه است، آنرا بپوش (حرف حساب جواب ندارد)

Idle folks lack no excuses

آیدل فاکس لک ن اگسکیوسز

آدم تنبل، بهانه گیر هم می شود

Idleness is the root of all evil

آیدلنس ایز د روت آو آل ای ول

بیکاری و تنبلی ریشه ی تمام بدبختی ها (بدی ها) می باشد

If at first you don't succeed try, try again

اگر برای مرتبه ی اول موفق نشدی، سعی کن، دوباره تلاش کن

(هر کسی طاووس خواهد، جور هندوستان کشد)

If it ain't broke, don't fix it

ایف ات فزست یو دنت ساکسید ترآی، ترآی اگین

ایف ایت اینت برک، دنت فیکس ایت

اگر آن نشکسته است، تعمیرش نکن (سری که درد نمی کند، دستمال نمی بندند)

If the cat had wings she'd chock all the birds in the air

اگر گربه بال داشت، تمام پرندگان آسمان را می گرفت

(خدا خر را شناخت که بهش شاخ نداد)

If you can't beat them, join them

ایف د کت هد وینگر شید چاک آل د پردز این د ار

ایف یو کنت بیت دم ام، جین دم ام

اگر نمی توانی آن ها را بزنی، به آن ها ملحق شو (با آن که خصومت نتوان کرد، بساز)

If you can't stand the heat, get out of the kitchen

اگر نمی توانی گرما را تحمل کنی، از آشپزخانه برو بیرون

(چونکه زورت نمی رسد بر خر، گرد پالان همی چرا گردی)

In at one ear and out at the other

ایف یو کنت سنتند د هیت، گت آوت آو د کیچن

این ات و آن ایر اند آوت ات د (دی) آدر

از یه گوش بشنو و از گوش دیگر، بیرون کن (یه گوش در و یه گوش دروازه)

In for a penny, in for a pound

این فر ا پنی، این فر ا پآوند

چه برای یک پنی، چه برای یک پوند (آب که از سر گذشت چه یک و جب چه صد و جب)

In unity there is strength

این یونیتی در ایز سترنگت

در اتحاد، قدرت می باشد (یک دست، صدا ندارد)



It never rains but it pours

ایست نور رینز بات ایت پوز

باران نمی آید وقتی هم که می آید سیل راه می اندازد

It is all over

ایست ایز آل اور

(همه اش تمام شد) (آب ها از آسیاب افتاد)

It is an endless talk

ایست ایز آن اندلس تاک

(این یک صحبت بی پایان است) (این قصه سر دراز دارد)

It is better to do well than to say well

ایست ایز بتز تو دو ول دن تو سی ول

خوب انجام دادن بهتر است تا خوب گفتن

(عمل خوب بهتر از گفتار خوب است - به عمل کار برآید به سخنرانی نیست)

It is easier to pull down than to build up

ایت ایز ایزی یر تو پول داون دن تو بیلد آپ

خراب کردن آسان تر است تا ساختن

It is easy to be wise after the event

ایت ایز ایزی تو بی و آیز آفتر د ایونت

بعد از وقوع حادثه عاقل بودن آسان است (مسئله (معمماً) چون حل شود، آسان شود)

It is never too late to mend

ایت ایز نور تو لیت تو مند

هرگز برای تعمیر کردن دیر نیست (ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است)

It is the first step that is difficult

ایت ایز د فرست ستب دت ایز دیفیکالت

اولین گام است که سخت است (هر کاری، اولش سخت است)

It is the same story in the same day

ایت ایز د سیم ستری این د سیم دی

این همان داستان قدیمی است در همان روز (همان آش و همان کاسه)

It is useless to flog a dead horse

ایت ایز یوزلس تو فلاگ ا دد هرس

شلاق زدن اسب مرده، بی فایده است

(آب در هاون (کوبیدن) ساییدن - باد در قفس کردن)

It takes all kinds (to make a world)

ایت تکس آل کائندز (تو میک ا ولد)

برای ساختن جهان، از همه ی انواع می گیرد (خداوند همه را یک جور خلق نکرده است)

It takes two to tango

ایت تکس تو تو تنگ

این فطیر از آن خمیر است

Jack of all trades and master of none

جک آو آل تریدز آند مستر آو نان

آدم همه کاره و هیچ کاره



Liars have need of good memories

لَا يَرُزُ هُوَ نِيدِ آوِ گودِ مَمْرِيْزُ
دروغگوها نیاز به حافظه ی خوب دارند
(آدمِ دروغگو، کم حافظه است)

Kill not the goose that lays the golden eggs کِيلُ نَاتُ دِ گوسُ دَتِ لِيْزُ دِ گُلْدِنِ اَكْرُ

غازی که تخم های طلا می دهد را نمی کُشد

Killing two birds with one stone کِيلِيْنْگُ تُو بَرْدَزِ وِيْتِ وَاَنْ سَتْنُ

با یک سنگ دو پرنده را کُشتن (با یک تیر دو نشان زدن)

Knowledge is power نَالِجُ اِيْزُ پَاوَرُ

دانش، نیرو است (توانا بود هر که دانا بود)

Laugh and grow fat لَفْ اَنْدُ گِرُ فَتْ

بخند و چاق شو (فکر شیرین مرد را فربه کند)

Leave well alone لِيُو وِلْ اَلْنُ

تو نیکی می کن و در دجله انداز ...

Leave well enough alone لِيُو وِلْ اِيْنَاْفُ اَلْنُ

سری که درد نمی کنه، چرا دستمال می بندی

Lend your money and lose your friend لَنْدُ يِرُ مَانِيْ اَنْدُ لُوْزُ يِرُ فَرِنْدُ

قَرْض دادن به دوست، مساوی با از دست دادن آن است

Let bygones be bygones لَتْ بَايْگَا نَزُ بِيْ بَايْگَا نَزُ

دعواهای گذشته را فراموش کن (گذشته ها، گذشته)

Let sleeping dogs lie لَتْ سَلِيْپِيْنْگُ دَاكْرُ لَائِيْ

بگذار سگ های خوابیده، بخوابند (با دُم شیر، بازی نکن)

Life without a friend is death without a witness

زندگی بدون رفیق مانند مرگ بدون شاهد است

لَايْفُ وِيْتِ اَوْتُ اِ فَرِنْدُ اِيْزُ دِتْ وِيْتِ اَوْتُ اِ وِيْتْسُ

Lightning never strikes twice in the same place

صاعقه هرگز دوبار در یک محل اصابت نمی کند

(آدم از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود)

لَايْتِ نِيْنْگُ نُوْرُ سْتَرَايْكْسُ تُوآيْسُ اِيْنِ دِ سِيْمُ پِلِيْسُ



Love me, love my dog

لَاوِ مِی، لَاوِ مَائِ دَاگِ

من را دوست داری، سگ من را هم دوست بدار
(اگر گوش عزیز است، گوشواره اش هم عزیز است)

Like father, like son

لَايِكُ فَاَدِر، لَايِكُ سَانُ

مثل پدر، مثل پسر (تَرِه به تُخْمَش می رود و حَسَنی به باباش)

Live not to eat, but eat to live

لَوِ (لِیو) نَاتُ تَوِ ایت، بَاتُ ایت تَوِ لَوِ (لیو)

برای خوردن زندگی نکن، بلکه بخور تا زندگی کنی

Look before you leap

لِکْ (لِوِکْ) یِفْرُ یو لِبْ

قبل از اینکه پری، نگاه کن

(بی گدار به آب نزن - اول چاه بکن، بعداً مناره بدزد - تا نکنی جای قدم استوار، پای منه در طلب هیچ کار)

Love is blind

لَاوِ ایزُ بِلَا تِنْد

عشق کور است (آنجا که عشق خیمه زند جای عقل نیست)

Love makes the world go round

لَاوِ مِیْکْسُ دِ وُلْدِ گِ رَاوُنْد

عشق باعث می شود که جهان بچرخد (مردی کن که مردی کردن، مرد آزاده را کند بنده)

Make hay while the sun shines

مِیْکْ هِیْ وَايِلْ دِ سَانُ شَايِنَزُ

تا زمانیکه آفتاب می تابد، خرمن کن (تا تنور داغ است، نان را بچسبان)

Man does not live by bread alone

مَنْ دَا زِ نَاتُ لَوِ (لِیو) بَائِ بَرْدِ اِلِنْ

مرد تنها با نان خالی زندگی نمی کند - زندگی که همه اش (مادیات) خورد و خوراک نیست

Man proposes, God disposes

مَنْ پَرِپُزُز، گَاَدِ دِ سِپُزُز

انسان طلب می کند و خداوند برآورده می سازد (از تو حرکت از خدا برکت)

Many a little makes a mickle

مَنِ اِلِیْتَلْ مِیْکْسُ اِ مِیْکَلْ

بسیار کم (از یه چیز کم اگر بسیار باشد، آن کم تبدیل به زیاد می شود)، می شود خیلی

(قطره قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود)

Many drops make a flood

مَنِ دِرِآپْسُ مِیْکْ اِ فِلَادْ

قطرات زیاد، یک سیل را تشکیل می دهد (قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود)

Many hands make light work

مَنِ هِنْدُز مِیْکْ لَآيْتُ وُرْکُ

کممک زیاد باعث سبکی کار می شود (یک دست صدا ندارد)

Might makes right

مَائْتُ مِیْکْسُ رَائْتُ زووت بیش است، حرفت پیش است



more haste, less speed

مُرْ هَيْسَتْ، لَسْ سِيد
(عجله ی بیشتر، سرعتِ کمتر) (عجله کار شیطان است)

Mischief comes by the pound and goes away by the ounce

بدبختی خَروارِ خَروار می آید و ذَرّه ذَرّه می رود

مِشْجِيفُ كَامَزُ بَائِي دِ پَاوَنَدِ اَنَدِ كُرُ اَوِي بَائِي دِ اَنَسْ

Misery loves company

مِزِرِي لَأَوَزِ كَامِنِي

(خَرَمَن سُوخْتِه، خَرَمَن سُوخْتِه رَا خَوَاهَد) شخْصِ بَدبَخْتِ دُوسْتِ دَارَدِ كِه هِمْرَاهِ دَاشْتِه بَاشَد

Misfortune seldom comes alone

مِيسْفَرُچُونِ سَلْدَمِ كَامَزِ اَلِنِ

(بَدبَخْتِي كِه مِي آيَد، پِشْتِ سِرْ هِمِ مِي آيَد) بَدشَانَسِي بِنْدَرْتِ بِه تَنْهَائِي مِي آيَد

Money answers all things

مَانِي اَنَسِرِزِ اَلِ نِينْكَرُ

(هِرْكَه زَرِ دَارَدِ هِمِه چِيْزِ دَارَدِ - پُولِ حَلَاكَلِ مُشْكَلَاتِ اسْت) پُولِ جَوَابِ هِمِه چِيْزِ رَا مِي دِهَد

Money does not grow on trees

مَانِي دَازْ نَا تْ اَنِ گِرُ اَنِ تِيرِزُ

(پُولِ كِه عَلْفِ خَرَسِ نِيسْت) پُولِ بَرِ رُويِ دِرَخْتِ نَمِي رُويَد

Money is the root of all evil

مَانِي اِيْزُ دِ رُوتِ اَوِ اَلِ اِيْ وِلِ

پُولِ، رِيشِه يِ تَمَامِ پَلِيدِي هَا مِي بَاشَد

Money makes money

مَانِي مِيكْسِ مَانِي

(پُولِ، پُولِ مِي اَوْرَد) پُولِ، پُولِ مِي سَازَد

Money will do anything

مَانِي وِيلُ دُو اِنِيشِنْگِ

(پُولِ دَارِي عَمِ نَدَارِي - پُولِ حَلَاكَلِ مُشْكَلَاتِ اسْت) پُولِ هِرِ كَارِي رَا اَنْجَامِ خَوَاهَدِ دَاد

More catholic than pope

مُرْ كَاتَلِيكُ دَنْ پَآپُ

(كَاسِه يِ دَاغِ تَرِ اَزِ اَشِ شَدَن) اَزِ پَآپِ كَاتُولِيكِ تَرِ شَدَن

Necessity is the mother of invention

نِيسِيْتِي اِيْزُ دِ مَادِرِ اَوِ اِيْنُوْنِشِنِ

نِيازِ، مَادِرِ اِخْتِرَاعِ اسْت

Never look a gift horse in the mouth

نُورِ لُوكُ اِ گِيْفْتُ هُرْسُ اِيْنِ دِ مَآوْتُ

(دَنْدَانِ اسْبِ پِيشْكَشِي رَا نَمِي شَمَارَنَد) هِرْگَزِ دِهَانِ اسْبِ پِيشْكَشِي رَا نِگَآهِ نَكَن

Never put off till tomorrow what you can do today

(كَارِ اَمْرُوزِ رَا بِه فِرْدَا نِينْدَاز) هِرْگَزِ تَا فِرْدَا بِه تَاخِيرِ نِينْدَاز، اَنْچِه رَا كِه مِي تَوَانِي اَمْرُوزِ اَنْجَامِ بَدِهِي

نُورِ پُوتُ اَفُ تِيلُ تُوْمَارُ وَا تْ يُو كَنْ دُو تُوْدِي



Never say die

نور سی دای

هرگز نگو مرگ

(هرگز ناامید نشو - در ناامیدی، بسی امید است پایان شب سیه، سفید است)

No joy without annoy

نُ جُی ویت آوت ائی

شادی بی غم در این بازار نیست

No love like the first love

نُ لآو لآیک د فرست لآو

هیچ عشقی مثل اولین عشق نمی باشد

(نباشد یار، چون بار نخستین - نه هر معشوق، چون معشوق پیشین)

No man can serve two masters

نُ من کن سرو تو مسترز

هیچ کس نمی تواند در خدمت دو ارباب باشد (با یک دست نمی شود دو هندوانه برداشت)

No news is good news

نُ نیوز ایز گد (گود) نیوز

بی خبری، خوش خبری

No pain, no gain

نُ پین، نُ گین

زحمت نباشد، چیزی حاصل نمی شود (نابرده رنج، گنج میسر نمی شود)

No wife no worry

نُ وایف نُ وری

زن نداری، غم نداری

Nothing comes of nothing

ناتینگ کامز آو ناتینگ

هیچ چیز، از هیچ می آید (بی مایه فطیر است)

Nothing dries sooner than tears

ناتینگ درایز سونر دن تیارز

هیچ چیز زود تر از اشک خشک نمی شود

Nothing hurts like the truth

ناتینگ هرتس لآیک د توروث

هیچ چیز مانند حرف حق، صدمه نمی زند (حرف حق، تلخ است)

Nothing is so easy as revenge, nothing so grand as forgiveness

هیچ چیز مانند انتقام، آسان نمی باشد - هیچ چیز مانند بخشش، بزرگوارانه نیست

(در عفو، لذتی است که در انتقام، نمی باشد)

Nothing seek, nothing find

ناتینگ سیک، ناتینگ فایند

جستجو نکنی، چیزی نمی یابی (جوینده، یابنده است)



One bird in the hand is better than two in the bush

وَأَنْ بَرْدَ اَيْنَ دِ هَنْدِ اِيْزُ بِيْتَرُ دَنْ تُو اَيْنَ دِ بُوْشُ

یک پرنده در دست داشتن بهتر از دو پرنده در بوته زار است

(سیلی نقد به از حلوای نسیه است)

Nothing ventured, nothing gained

نَآئِيْنِكْ وُنْجَرْدُ ، نَآئِيْنِكْ كَيْنْدُ

بدون (جرأت) ماجراجویی ، چیزی بدست نمی آید (نابرده رنج ، گنج میسر نمی شود)

Oil and water don't mix

اَيْلُ اَنْدُ وَاَتْرُ دَنْتُ مِيْكَسُ

آب و روغن با هم مخلوط نمی شوند (آبشان به یک جوی نمی رود)

Old habits die hard

اَلْدُ هَبِيْتَسُ دَايُ هَاَرْدُ

عادات قدیمی به سختی از بین می روند (تَرک عادت ، موجب مَرَض است)

Once bitten, twice shy

وَأَنْسُ بِيْتِنُ ، تُوَأَيْسُ شَايُ

یکبار گزیدگی ، دوبار شرمندگی (آدم عاقل از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود)

One good turn deserves another

وَأَنْ كُذُّ (گود) تَرْنُ دِيْزِرُوْزُ اَنَّاَدِرُ

به کسانی که در گذشته خوبی کرده اند ، باید خوبی کرد

(تو نیکی می کنی و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز)

One man's breath, another's death

وَأَنْ مَنزُ بَرِيْثُ ، اَنَّاَدِرُزُ دِيْثُ

نفس (سلامتی) شخصی ، مرگ دیگری است (مرگ خَر ، عروسی سگ است)

One man's gravy is another man's poison

وَأَنْ مَنزُ كَرِيْوِي اِيْزُ اَنَّاَدِرُ مَنزُ پِيْزِنُ

شادی شخصی ، برای دیگری سم است (آنچه برای یکی نوش است ، دیگری را نیش است)

One man's meat is another man's poison

وَأَنْ مَنزُ مِيْثُ اِيْزُ اَنَّاَدِرُ مَنزُ پِيْزِنُ

(گوشت) شادی شخصی ، برای دیگری سم است (آنچه برای یکی نوش است ، دیگری را نیش است)

One nail drives out another

وَأَنْ نَيْلُ دِرَايُوْزُ آوْتُ اَنَّاَدِرُ

یک میخ می تواند میخ دیگری را (در آورد) حرکت دهد (دَسْتُ بالای دَسْتُ ، بسیار است)

One swallow does not make summer

وَأَنْ سُوَالُ دَاْزُ نَاْتُ مِيْكَ سَاْمِرُ

یک پرستو ، تابستان را نمی سازد (با یک گل بهار نمی آید)

One's bark is worse than one's bite

سَر و صدای (آبرو ریزی) یک شخص ، بدتر از نیش زدن است

(زخم زبان ، بدتر از زخم شمشیر است)

وَأَنْزُ بَارَكُنْ اِيْزُ وُوسُ دَنْ وَاَنْزُ بَايْتُ



Out of sight, out of mind

آوْتُ آوِ سَايْتُ ، آوْتُ آوِ مَائِنْدُ

دور از چشم ، دور از فکر (از دل برود ، هر آنچه از دیده برفت)

Opportunity seldom knocks twice

اَبْرُچُونِي سِلْدِمُ نَاكْسُ تَوَايْسُ

شانس، بندرت دوبار درب منزل را می زند (شانس یکبار در خانه ی هر کسی را می زند)

Out of frying pan into the fire

آوْتُ آوِ فَرَايْ اَيْنِكُ بِنِ اَيْنِ تَوِ دِ فَايِرُ

از ماهی تابه در آمدن و تو آتش افتادن (از چاله در آمد، افتاد تو چاه)

Patience opens all doors

پِشِنْسُ اُپِنَزُ آلُ دُرُزُ

صبر، همه ی درها را باز می کند

People who live in glass houses should not throw stones

مردمی که در خانه های شیشه ای زندگی می کنند، نباید (به دیگران) سنگ پرتاب کنند

(تو که بر بام خود آینه داری ، مزن بر بام دیگران سنگ)

بِیْلُ هُو لُو (لیو) اَيْنِ گِلْسُ هَاوَزِ شُوْدُ نَاتُ ثُرُ سَتْنَزُ

Play fast and loose

پِلِیْ قَسْتُ اَنْدُ لُوْزُ

شُلْ كُنْ، سِفْتُ كُنْ، در آوردن (دَمْدَمِی بُوْدُنِ)

Poor and proud

پُوْرُ اَنْدُ پِرَاوُدُ

فَقْرُ وَفَخْرُ (اَدَمُ گَدَا وَ اَيْنِ هَمِه اَدَا)

Poverty is no disgrace

پَاوِرْتِیْ اِيْزُ نُوْ دِیْسِگْرِیْسُ

فقر، ننگ نیست

Poverty is no sin

پَاوِرْتِیْ اِيْزُ نُوْ سِیْنُ

فقر، گناه نیست (فقیری، عار نیست)

Poverty parts friends

پَاوِرْتِیْ پَارْتِسُ فِرِنْدُزُ

فقر، رُفقا را جُدا می کند

Practice makes perfect

پِرَكْتِیْسُ مِیْكَسُ پِرْفَكْتُ

تمرین باعث تکامل (بی نقصی) می شود (کار نیکو کردن از پُر کردن است)

Prevention is better than the cure

پِرِیوْنِشِنُ اِيْزُ بَیْرُ دَنْ دِ كِیوْرُ

پیشگیری بهتر از درمان است

Promise little and do much

پِرَاْمِیْسُ لِیْلُ اَنْدُ دُوْ مَاچُ

کَمِ قَوْلِ بَدِه وَ بَیْشَرِ عَمَلُ كُنْ



Some die that others may live

سَامَ دَائِي دَتَ آدَرِزِ مِي لَوُ (لِيُو)
بعضی ها می میرند تا دیگران امکان زندگی داشته باشند
(اگر مرگ نبود آدم، آدم را می خورد)

Respect is greater from a distance رِسِپِکْتِ ایزِ گَرِیْتَرِ فِرَامِ اِ دِیْسْتَنَسُ
احترام از مسافت دور، بیشتر است (دوری و دوستی)

Revolutions are not made with rose water رِیُولُوشِنَزِ آرِ نَاتِ مِیْدِ وِیْتِ رُزِ وَآتِرِ
انقلاب که با آب و گل به وجود نیامد (میان دعا، حلوا قسمت نمی کنند)

Rome wasn't built in a day رُمُ وَآزِنْتِ بِلْتِ اِیْنِ اِ دِی
رُم در یک روز ساخته نشد (چیز های مهم یک شبه اتفاق نمی آفتند)

Saying is one thing and doing another سِی اِیْنِکِ اِیْزِ وَآن تِیْنِکِ اَنْدِ دِو اِیْنِکِ اَنْآدِرِ
گفتن یک چیز است و عمل کردن چیز دیگری (به عمل کار بر آید به سخنرانی نیست)

Seeing is believing سِی اِیْنِکِ اِیْزِ بِلِیُویْنِکِ
دیدن، باور کردن است (شنیدن کی بود مانند دیدن)

Seldom seen, soon forgotten سَلْدِمُ سِیْنِ، سُونُ فُرْگَاتِنِ
(اگر چیزی) به ندرت دیده شود، زود فراموش می شود (از دل پرود هر آنچه از دیده برفت)

Set a thief to take a thief سِتْ اِ ثِیْفِ تُو تِیْکِ اِ ثِیْفِ
برای گرفتن یک دزد باید یک دزد، آجیر کنی
(شغال بیشه ی مازندران را نگیرد جز سگ مازندرانی)

Sleep is the brother of death سَلِیْبِ اِیْزِ دِ بَرَادِرِ آوِ دِثِ
خواب، برادر مرگ است

So got, so gone سُو گَاتِ، سُو گَانِ
چون آمده، پس می رود (هر چه به یللی می آید به تَللی می رود - باد آورده را باد می برد)

So many heads, so many minds سُو مِنی هِدِزِ، سُو مِنی مَآیْنِزِ
سَرهای بیشتر، فِکرهای بیشتر (هر سَری یه فِکری دارد)

So much the better سُو مَآجِ دِ بَیْتِرِ
هر چه بیشتر، بهتر (نور علی نور)

Soon ripe, soon rotten سُونُ رَآیْبِ، سُونُ رَآِنِ

زود رسیده، زود فاسد می شود



Take the bull by the horns

تِيكُ دِ بُولُ بَايَ دِ هُرْتَرُ

از شاخ های گاو بگیر (هر کاری را از راهش وارد شو)

Speak well of the dead

سپیکِ وِلِ آوِ دِ دِدِ

صحبتِ خوبِ مردگان را بکنید (پشتِ سرِ مرده بد نگو)

Spear when you are young, and spend when you are old

در جوانی پس انداز کن تا در پیری خرج کنی

سپَرِ وِنِ یوِ آوِ یَا نِگُ، آندِ سِنِندِ وِنِ یوِ آوِ آلدِ

Standing pools gather filth

سِتِنْدِیْنِگُ پوُلزُ گِرِرِ فِیلْتُ

استخر بدون استفاده، کثافت به خود می گیرد (آب که در یک جا بماند، می گندد)

Still waters run deep

سْتِیلُ وَا تَرزُ رَا نِ دِیْبُ

آب ایستاده به عمق زمین می رود (لعل نین چه ریزه، بشکن بین چه تیزه)

Stretch your legs according to your coverlet

سْتِرِجُ یُرِ لِگْزُ اَکْرَدِیْنِگُ تُو یُرِ کَاوَرِلْتُ

پایت را به اندازه ی گلیمت دراز کن

Strike while the iron is hot

سْتِرَا یِکُ وَا یِلُ دِ آینِ ایزُ هَاتُ

تا آهن داغ است، ضربه بزن (تا تنور داغ است، نان را بپسبان)

Success has many friends

سَاکْسِسُ هَزُ مِنیِ فِرِنْدَزُ

موفقیت، دوستان زیادی دارد

That's only the tip of the iceberg

دَتْسُ اَنلیِ دِ تِیْبُ آوِ دِ آیسْبِرِگُ

این فقط نوک کوه یخی است (این رشته، سر دراز دارد)

The apple doesn't fall far from the tree

دِ آپِلُ دَا زَنْتُ فَا لُ فَا رِ فِرَا مُ دِ تِیریِ

سیب، دور از درختش نمی افتد (باشد پسر چنین، چو پدر باشد آن چنان)

The apples on the other side of the wall are the sweetest

سِیْبِ های آن طرف دیوار شیرین تر هستند (مرغ همسایه، غاز است)

دِ آپِلْزُ اَنُ دِ آدِرِ سَا یِدِ آوِ دِ وَا لُ آوِ دِ سَوَا یِ تِسْتُ

The baby is the king of the house

دِ بِیْبِیِ ایزُ دِ کِیْنِگُ آوِ دِ هَاوُسُ

بچه فرمانروای خانه است (حکم بچه، حکم پادشاه است)

The best things in life are free

دِ بَسْتُ تِیْنِگْزُ اینِ لَایْفُ آوِ فِیریِ

بهترین چیزها در زندگی، مجانی هستند



The bigger they are, the harder they fall

دِ بِيگَرِ دِي آر، دِ هَارِدِرِ دِي فَالْ

هرچقدر که بزرگتر هستند، سخت تر می افتند (سر بزرگ، بالای بزرگ دارد)
 نردبان این جهان ما و منی است عاقبت این نردبان افتادنی است
 لاجرم هر کس که بالاتر نشست استخوانش سخت تر خواهد شکست

The blind can not lead the blind

دِ بِلَايِنْدِ كَنْ نَاتْ لِيدِ دِ بِلَايِنْدِ

آدم نابینا نمی تواند راهنمای نابینای دیگری بشود (کوری که عصاکش کور دیگر بود)

The blind leading the blind

دِ بِلَايِنْدِ لِيدِنِگْ دِ بِلَايِنْدِ

کوری که عصاکش کور دیگر شود

The cat dreams of mice

دِ كَتْ دِيرِيْمَزْ آو مَائِسْ

گربه در رویایش، موش می بیند

(شتر در خواب بیند پنبه دانه گهی لب لب خورد گه دانه دانه)

The die is cast

دِ دَايْ ايزُ كَسْتْ

مرگ سایه انداخته (کار از کار گذشته - مرغ از قفس پریده)

The early bird catches the worm

دِ اِرْلِي بَرْدِ كَچِيْزْ دِ وُرْمْ

پرنده ی سحرخیز، کرم را می گیرد (سحرخیز باش تا کامروا شوی)

The first hundred years are the hardest

دِ فِرِسْتْ هَانْدِرِدِ يِرْزْ آر دِ هَارْدِسْتْ

صد سال اولش سخت ترین است (سختی اش همین صد سال اولش است)

The first step is always the hardest

دِ فِرِسْتْ سْتِپْ ايزُ آلوِيْزْ دِ هَارْدِسْتْ

اولین مرحله (گام)، همیشه سخت ترین است (هر کاری همیشه اولش سخت است)

The full do not believe the hungry

دِ فُلْ (فول) دو نَاتْ بِيلِيُوْ دِ هَانْگِرِي

آدم سیر، (حرف آدم) گرسنه را باور نمی کند (آدم سیر از گرسنه خبر ندارد و آدم سواره، از پیاده)

The game is not worth the candle

دِ گِيْمْ ايزُ نَاتْ وُرْتْ دِ كَنْدِلْ

آن بازی، ارزش شمع روشن کردن را ندارد (آفتابه، خرج لحیم است)

The golden key can open any doors

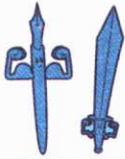
دِ گُلْدِنْ كِي كَنْ اِيْنِ اِنِي دُرْزْ

کلید طلایی، هر دری را باز می کند (پول حلال مشکلات است - پارتی داری غم نداری)

The grass looks greener on the other side of the fence

چمن آن طرف نَرده، سبزتر به نظر می آید (مرغ همسایه، غاز است)

دِ گِرَسْ لُوکْسْ گِیرِنِرْ آن دِ آدِرْ سَائِدِ آو دِ فِنْسْ



The pen is mightier than the sword

دِ پَن ایز مَایَتِیَر دَن دِ سُرْد
قَلَم قدرتمندتر از شمشیر است (نوک قلم از نوک شمشیر، بُرنده تر است)

The guest is not welcome to the guest, but both to the host

مهمان، مهمان را نمی خواهد و صاحب خانه هیچ کدام را

دِ گِسْت ایز نَات وِلْکَامْ تو دِ گِسْت، بَات بُتْ تو دِ هُسْت

The last drop makes the cup run over

آخرین قطره باعث لبریز شدن فنجان می شود

The longest day must have an end

طولانی ترین روز هم باید پایانی داشته باشد

The mills of God grind slowly

آسیاب خداوند، به آرامی می ساید (خوب خدا، صدا ندارد وقتی بزند، دوا ندارد)

The more haste, the less speed

هرچه عجله بیشتر باشد، سرعت کمتر می شود (آدم دستپاچه کار را دویار، انجام می دهد)

The pot calls the kettle black

قوری به کتری می گوید، سیاه (دیگ به دیگ می گوید، رویت سیاه است)

The proof of the pudding is in the eating

اثبات (خوشمزگی) دسر، در خوردن معلوم می شود (مُشک آن است که خود ببوید نه آن که عطّار بگوید)

The richer they get, the needier they are

هرچه که ثروتمند تر می شوند، محتاج تر می شوند (آنان که غنی ترند، مُحتاج ترند)

The road to hell is paved with good intentions

جاده ای که به جهنم مُتهدی می شود، با قَصْد خوب است (او مَدَم ثواب کُنم، کباب شُدَم)

دِ رُد تو هَلْ ایز پِیُود وِیتْ گود اِیْتِشِنْر

The shoe is on the other foot

کفش در پای دیگر است (کار دنیا وارانه است)

The sky will not fall in

آسمان به زمین نخواهد اُفتاد (آب از آب تکان نمی خورد)

The spirit is willing, but the flesh is weak

روح مایل است اما جسم ضعیف است (دست ما کوتاه و خرما بر نخیل)



There is no garden without its weeds

در ایز ن گاردن ویت آوت ایتس ویدز
هیچ باغی بدون علف و خار نمی باشد
(هیچ گنجی بی مار و هیچ گلی بی خار نیست)

The squeaking wheel gets the oil د سکوای کینگ ویل گتس د ایل

به چرخى که جیر جیر می کند ، روغن می زند
(آدم کمرو همیشه کلاهش پس مَرکه است)

The truth will out د توروث ویل آوت

حقیقت، آشکار می شود (خورشید همیشه پشت ابرها نمی ماند)

The water has risen over his head د واتر هز ریزن اور هیز هد

آب به بالای سر او رسیده است (آب از سرش گذشته)

The way to a man's heart is through his stomach

برای اینکه قلب مردی را تصاحب کنی، به شکم او برس (مایه ی عشق آدمی، شکم است)

د وی تو ا منز هارت ایز ثورو هیز ستامک

There is a salve for every sore در ایز ا س و (سلو) فر اوری سر

برای هر دردی، دواى وجود دارد (هر دردی را دواىی است)

There is no general rule without an exception درایزن جنرال رول ویت آوت آن اگسپشن

هیچ قانونی نیست که استثناء نداشته باشد (هر کاری به راهی دارد)

There is no smoke without fire در ایز ن سَمک ویت آوت فایر

هیچ دودی، بدون آتش نمی باشد (تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها)

There's no place like home درز ن پلیس لایک هم

هیچ مکانی مانند خانه نیست (هیچ جا خانه ی خود آدم نمی شود)

There's a first time for everything درز ا فرست تایم فر اوریشینگ

(شانس) برای هر کاری، به مرتبه وجود دارد (شانس یکبار در خانه ی آدم را می زند)

There's a time and a place for everything درز ا تایم آند ا پلیس فر اوریشینگ

برای هر چیزی، به زمان و مکان خاصی می باشد (هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد)

There's more than one way to skin a cat درز مُر دن و آن وی تو سکین ا کت

بیش تر از یک راه برای پوست کندن یک گربه وجود دارد (جهان نیست بر مرد هوشیار تنگ)

There's no fool like an old fool درز ن فول لایک آن آلد فول

هیچ آحمقی مثل به آحمق پیر نیست (سر پیری و مَرکه گیری)



To fish in troubled waters

تو فِشْ اَيْنُ تَرَايَلْدُ وَاَتَرَزْ (وَاَدْرِزْ)
از آب گل آلود ماهی گرفتن

Third time lucky

تَرْدُ تَائِمُ لَآكِي

(تاسه نشه، بازی نشه) بار سوم خوش شانسی دارد

Time will tell

تَائِمُ وِيلُ تَلِ

(گذشت زمان، همه چیز را بر ملا خواهد کرد) زمان خواهد گفت

To add insult to injury

تو اَدِ اَيْنَسَالَتْ تو اَيْنَجِرِي

بی احترامی را به خسارت (صدمه - آسیب) اضافه کردن
(عروس خیلی خوشگل بود، آبله هم در آورد)

To beat you to frighten him

تو بِيْتُ يُو تو فِرَايْتِنُ هِيْمُ

(به در می گوید که دیوار گوش دهد) تورا می زدم که او را بترسانم

To carry water in a sieve

تو كَرِي وَاَتَرُ اَيْنُ اِ سِيُو

(آب در هاون کوبیدن - باد در قفس کردن) با آلك، آب را حَمَل کردن

To err is human, to forgive divine

تو اِر اِيْزُ هِيُوْمَنُ، تو فُرْگِيُو دِيُوَايْنُ

(بشر جایز الخطا است) انسان خطا کار است و خداوند بخشنده

To have a finger in every pie

تو هُوُ اِ فِينْگِرُ اَيْنُ اِوْرِي پَايُ

(نخود هر آشی بودن - در هر کاری فُضُولِي کردن) در هر کلوچه ای انگشتی زدن

To have the last word

تو هُوُ دِ لَسْتُ وُرْدُ

(حرف خود را به کُرسی نشانندن) آخرین حرف را زدن

To learn to command one must learn to obey

تو لِرْنُ تو كَامِنْدُ وَاَنْ مَاسْتُ لِرْنُ تُوَايُ

برای اینکه دستور دادن را یادگیری، باید اطاعت کردن را بیاموزی
(آدم تا کوچکی نکند به بزرگی نمی رسد)

Today you, tomorrow me

تو دِيُ يُو، تو مَآرُ مِي

(همیشه شعبان، یک بار هم رمضان) امروز تو، فردا من

Tomorrow is another day

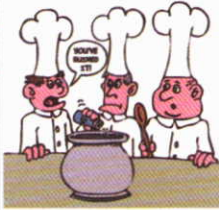
تو مَآرُ اِيْزُ اَنَاَدِرُ دِيُ

(فردا هم روز خداست) فردا روزی دیگر است

Too many chiefs, not enough Indians

تو مَنِي چِيْفْسُ، نَاْتُ اِيَنَافُ اَيْنْدِيَانُزُ

(دستور دهنده زیاد، ولی مُجْرِي کم) رئیس زیاد است و هندی (کارگر) به اندازه ی کافی نیست



Too many cooks spoil the broth

تو مینی کُکس (کوکس) سبیل د برآش

آشپز که زیاد باشد، آش ضایع می شود

(آشپز که دوتا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک)

Two and two make four

تو آند تو میک فر

(دو و دو می شود چهار - همیشه چهارتا - حرف حساب، جواب ندارد)

Two captains sink the ship

تو کپتنز سینک د شپ (شیپ)

دوتا کاپیتان، کشتی را (غرق می کنند) به گل می نشانند

(آشپز که دوتا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک)

Two heads are better than one

تو هدز آر بتر دن وان

(دو تا سر (فکر) بهتر از یکی است - هر سری عقلی دارد - یک دست صدا ندارد)

Two wrongs don't make a right

تو رائگز دائزت میک ا رائت

(دو اشتباه، یک درست نمی سازد - خون را با خون نمی شویند)

Two's company, three's a crowd

توز کامپنی، ثیریز ا کراود

دو تا بودن خوب است، سومی زیادی است

(دری باز شد و پیدا شد سرخر)

Union is strength

یونین ایز سترنگت در اتحاد، قدرت و عظمت است

Variety is the spice of life

ورای اتی ایز د سپایس او لایف

تنوع، چاشنی زندگی است

Walls have ears

والز هو ایرز

(دیوار ها، گوش دارند - دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد)

Waste not, want not

ویست نات، و آنت نات

(هدر نده - تلف نکن تا محتاج نشوی)

Water is the staff of the life

واتر ایز د ستف او د لایف

(آب، عصای زندگی است - آب مایه ی حیات است)

We seek water in the sea

وی سیک و آتر این د سی

ما در دریا، دنبال آب می گردیم

(آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم - یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم)



When the cat's away, the mice play

وَنِ دِ كَسْسِ اَوِي ، دِ مَآيسِ پِلِي
وقتی که گربه نیست ، موش ها بازی می کنند
(در منزلی که گربه نباشد، موش کدخدا است)

Well begun is half done

وَلِ بِيگانِ ايزُ هَفْ دَانُ

شروع خوب، انجام نیمی از کار است

What can't be cured must be endured

وَأَتْ كَتَتْ بِي كَيُورِدِ مَآسْتِ بِي اِينْدَارِدِ

آنچه که علاج نمی شود را باید تحمل کرد (با درد بساز تا به درمان برسی)

What is done can't be undone

وَأَتْ ايزُ دَانُ كَتَتْ بِي اِنْدَانُ

چیزی که انجام می شود ، نمی تواند به حالت اول برگردد (آب رفته به جوی باز نمی گردد)

What you lose in the swings, you gain in the roundabouts

چیزی را که در تاب خوردن از دست می دهی ، آن را بطور غیر مستقیم بدست می آوری

(خداوند گرز حکمت ببندد دری. به رحمت گشاید در دیگری)

وَأَتْ يُو لُوْزِ اِينِ دِ سَوَايِ نَكْرُ ، يُو گِينِ اِينِ دِ رَاوَنْدِ اَبَاوْتَسُ

When in Rome, do as the Romans do

وَنِ اِينِ رُمُ ، دُو اَزِ دِ رُمَنْزُ دُو

وقتی که در روم هستی مانند رومی ها عمل کن (گر خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو)

When pigs fly

وَنِ پِيگْزُ فَلَآيُ زَمَانِي كِه خُوْكَ هَا پِرَوَازِ مِي كَنْدِ (وَتِ گُلِ نِي)

When the cat's away, the mice will play

وَنِ دِ كَسْسِ اَوِي ، دِ مَآيسِ وِيلِ پِلِي

وقتی که گربه نیست ، موش ها بازی خواهند کرد (آب که سر بالا رفت، قورباغه ابو عطا می خواند)

When two Sundays meet

وَنِ تُو سَاَنْدِيْزِ مِيْتِ

وقتی که دو تا یکشنبه به هم برسند (اگر پشت گوشت را دیدی)

When you want something done, do it yourself

وقتی که می خواهی کاری انجام شود ، خودت آن را انجام بده

(كَسِ نَخَارِدِ پُشْتِ مَنِ ، جِزِ نَاخِنِ اَنْگِشْتِ مَنِ)

وَنِ يُو وَاَنْتِ سَاْمِيْنِگْ دَانُ ، دُو اَيْتِ يُرْسَلْفُ

Where it is well with me, there is my country

آنجا که با من خوب است ، کشور من است

(اَدْمِي كُجَا خُوْشِ اسْتِ! اَنْجَا كِه دِلِ خُوْشِ اسْتِ)

وَرِ اَيْتِ ايزِ وِلِ وِيْتِ مِي ، دِرِ ايزِ مَآيِ كَاَنْتَرِي



Wishes won't wash dishes

ویشیز وُنت و آَش دیشیز

آرزوها و خیالات، ظرف ها را نخواهند شست
(با حلوا حلوا گفتن، دهن شیرین نمی شود)

Where one door shuts, another opens وِر وَاَن دُر شَاتَسْ، اَنَادِر اُپِنز

وقتی که یک درب بسته می شود، دیگری باز می شود
(خداوند گرز حکمت ببندد دری. به رحمت گشاید در دیگری)

Where there's a will there's a way وِر دِرز ا وِیل دِرز ا وِی

آن جا که خواسته ای هست، راهی هم وجود دارد
(خواستن، توانستن است)

Where there's smoke, there's fire وِر دِرز سَمُكْ، دِرز فَاَیِر

آن جا که دود هست، آتش هم هست
(تا نباشد چیزی، مردم نگویند چیزها)

While there is life there is hope وَاَیْل دِر اِیْز لَآیْف دِر اِیْز هُپ

تا زمانیکه زندگی هست، امید هم وجود دارد (تا عمر هست، امید هم هست)

Women are necessary evils وِمَن آر نِسیِری اِیولُز

زنان شیطان های واجب (مورد نیاز) هستند
(زن بلاست، الهی که هیچ خانه ای بی بلا نباشد)

You can take a horse to water but you can't make him drink

شما می توانید اسب را به (چشمه ی) آب ببرید اما نمی توانید آن را به آب خوردن مجبور کنید
(تازی را به زور به شکار نتوان برد)

یو کَن تِیکْ ا هُرسْ تو وَاَتِرْ بَاتْ یو کَنْتْ مِیکْ هِیمْ دِیرِنِکْ

You can't eat your cake and have it یو کَنْتْ ایتْ یِرْ کِیکْ اَنْد هُو ایتْ

شما نمی توانید که کیکتان را بخورید و (آن را داشته باشید) تمام هم نشود
(هم خُدا را می خواهی، هم خُرما را)

You can't judge a book by its cover

شما نمی توانید کتاب را از روی جلدش ارزیابی کنید

یو کَنْتْ جَاچْ ا بُکْ (بوک) بَایْ اِیتْسْ کَاوِر



You can't teach an old dog new tricks

یو کنت تیچ آن آلد داگ نیو ترکس

شما نمی توانید به یک سگ پیر فن های جدید یاد بدهید

(شخص اگر در پیری پلو خوردن را یاد بگیرد، لقمه را به گوشش می گذارد)

You can't make an omelet without breaking eggs

شما نمی توانید بدون شکستن تخم مرغ، املت درست کنید (بی مایه، فطیر است)

یو کنت میک آن املت ویت آوت بیریکنگ اگز

You need this like you need a hole in the head

موش تو سوراخ نمی رفت جارو به دُمش می بست

یو نید دیس لایک یو نید ا هل این د هد

you won't miss so much

یو ونت میس س ماچ

شما چیز زیادی هم از دست نخواهید داد (همچین آش دهن سوزی هم نیست)

You're never too old to learn

یور نور تو آلد تو لرن

هرگز برای یادگیری، پیر نیستی (زگهواره تا گور دانش بجوی)

How can you

“sm_le”

without “I”

How can you be

“f_ne”

without “I”

How can you

“w_sh”

without “I”

How can you be

“fr_end”

without “I”

and this

“I”

can never

“s_ccess”

without

“U”

with the best wishes for you

با آرزوی بهترین ها برای شما

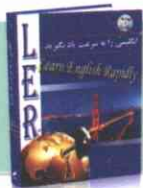
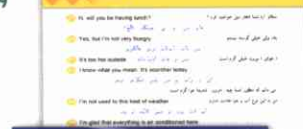
Learn English Rapidly



انگلیسی را به سرعت یاد بگیرید یک مجموعه کامل آموزش زبان انگلیسی است که بر اساس نیازهای زبان آموزان برای سطوح مبتدی تا عالی قابل استفاده می‌باشد. نوع چاپ و طبقه بندی موضوعی مطالب و همچنین لوح فشرده ارائه شده، کمک شایانی در آموزش بهتر و کامل این مجموعه می‌نماید.

ویژگیهای این مجموعه:

- ❖ تلفظ و ترجمه کلیه جملات کتاب
- ❖ بخش مکالمات روزمره شامل ۱۰۰۰ جمله و کلمه کاربردی
- ❖ بخش گرامر شامل نکات دستوری ضروری
- ❖ ۱۶۰۰ اصطلاح کاربردی و ۴۵۰ ضرب المثل و گفته های جالب و آموزنده
- ❖ لوح فشرده صوتی mp3 شامل کلیه جملات انگلیسی بخش مکالمه با بیان اساتید آمریکایی به همراه صوت ترجمه فارسی
- ❖ لوح فشرده mpeg4 شامل ۲۵۰ دقیقه فیلم اصلی مخصوص مکالمات ارائه شده به روش یادگیری از طریق شنیداری-گفتاری
- ❖ استفاده از تصاویر رنگی آموزشی



همچنین می‌توانید از فلش کارت و کتاب جیبی این مجموعه استفاده نمایید.

